

تفسير و بيان كلمات قرآن

مؤلف:

شيخ حسنين محمد مخلوف

مترجم:

عبد الكريم ارشد

پاورقی‌ها:

برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن...»

نوشته: دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس

عنوان کتاب:	تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم
عنوان اصلی:	کلمات القرآن تفسیر و بیان
نویسنده:	شیخ حسنین محمد مخلوف
مترجم:	عبدالکریم ارشد
موضوع:	ترجمه معانی قرآن کریم
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	شهریور (سنبله) ۱۳۹۴ شمسی، ذوالقعدة ۱۴۳۶ هجری



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.sadaislam.com

www.mowahedin.com

www.videofarsi.com

www.zekr.tv

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۹
سوره فاتحه	۱۱
سوره بقره	۱۱
سوره آل عمران	۲۸
سوره نساء	۳۷
سوره مائده	۴۶
سوره انعام	۵۵
سوره اعراف	۶۴
سوره انفال	۷۵
سوره توبه	۷۸
سوره يونس	۸۵
سوره هود	۸۹
سوره يوسف	۹۵

١٠١	سورة رعد
١٠٣	سورة ابراهيم
١٠٦	سورة حجر
١٠٩	سورة نحل
١١٥	سورة اسراء
١٢١	سورة كهف
١٢٧	سورة مريم
١٣١	سورة طه
١٣٧	سورة انبياء
١٤١	سورة حج
١٤٥	سورة مؤمنون
١٤٩	سورة نور
١٥٢	سورة فرقان
١٥٦	سورة شعراء
١٥٩	سورة نمل
١٦٣	سورة قصص
١٦٧	سورة عنكبوت
١٦٩	سورة روم
١٧١	سورة لقمان

۱۷۳	سوره سجده
۱۷۴	سوره احزاب
۱۷۹	سوره سبأ
۱۸۲	سوره فاطر
۱۸۶	سوره یس
۱۸۸	سوره صافات
۱۹۲	سوره ص
۱۹۷	سوره زمر
۲۰۱	سوره غافر
۲۰۴	سوره فصلت
۲۰۷	سوره شوری
۲۱۰	سوره زخرف
۲۱۳	سوره دخان
۲۱۵	سوره جاثیه
۲۱۶	سوره احقاف
۲۱۸	سوره محمد
۲۲۰	سوره فتح
۲۲۲	سوره حجرات
۲۲۳	سوره ق

سورة ذاريات	٢٢٥
سورة طور	٢٢٧
سورة نجم	٢٢٩
سورة قمر	٢٣١
سورة رحمان	٢٣٤
سورة واقعه	٢٣٧
سورة حديد	٢٤٠
سورة مجادله	٢٤٢
سورة حشر	٢٤٥
سورة ممتحنه	٢٤٦
سورة صف	٢٤٧
سورة جمعه	٢٤٨
سورة منافقون	٢٤٩
سورة تغابن	٢٥٠
سورة طلاق	٢٥٠
سورة تحریم	٢٥٢
سورة ملك	٢٥٣
سورة قلم	٢٥٥
سورة حاقه	٢٥٨

سورهٔ معارج.....	۲۶۱
سورهٔ نوح.....	۲۶۲
سورهٔ جن.....	۲۶۳
سورهٔ مُرَّمَل.....	۲۶۵
سورهٔ مُدَّثِر.....	۲۶۶
سورهٔ قِيَامَت.....	۲۶۹
سورهٔ انسان.....	۲۷۰
سورهٔ مُرْسَلَات.....	۲۷۲
سورهٔ نَبَأ.....	۲۷۳
سورهٔ نَازِعَات.....	۲۷۵
سورهٔ عَبَس.....	۲۷۷
سورهٔ تَكْوِيْر.....	۲۷۸
سورهٔ انْفِطَار.....	۲۷۹
سورهٔ مُطَفِّفِيْن.....	۲۸۰
سورهٔ انْشِقَاق.....	۲۸۱
سورهٔ بُرُوج.....	۲۸۲
سورهٔ طَارِق.....	۲۸۳
سورهٔ اَعْلٰی.....	۲۸۴
سورهٔ غَاشِيَه.....	۲۸۵

سورة فجر	٢٨٥
سورة بلد	٢٨٧
سورة شمس	٢٨٨
سورة ليل	٢٨٩
سورة ضحى	٢٨٩
سورة شرح	٢٩٠
سورة تين	٢٩٠
سورة علق	٢٩١
سورة قدر	٢٩١
سورة بئنه	٢٩٢
سورة زلزله	٢٩٣
سورة عاديات	٢٩٣
سورة قارعه	٢٩٤
سورة تكثر	٢٩٤
سورة عصر	٢٩٤
سورة همزه	٢٩٥
سورة فيل	٢٩٥
سورة قریش	٢٩٦
سورة ماعون	٢٩٦

سوره کَوْثَر.....	۲۹۶
سوره کَافِرُون	۲۹۷
سوره نَصْر.....	۲۹۷
سوره مَسَد.....	۲۹۷
سوره اِخْلَاص.....	۲۹۹
سوره فَلَاق.....	۲۹۹
سوره نَاس.....	۲۹۹
منابع مورد استفاده مترجم.....	۳۰۱

مقدمه مترجم

قرآن کریم این کتاب بزرگ آسمانی و قانون کامل و تام از آغاز نزول تا این دوران انسان را از زنجیر اسارت و بردگی رها ساخت، از گمراهی‌ها نجاتش داد و به سوی دانش و روشنایی هدایتش کرد، خوشبختی و سعادت دارین او را فراهم نمود، بدون شک مکتب انسان ساز قرآن برای بشریت عدالت خواهی، امانت داری، شجاعت، ایثارگری و دلسوزی آموخت و برایش فهماند که جهان و هستی بدون هدف و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه همه اعمال انسان از خوب و بد محاسبه و باز پرس خواهند شد.

پیش از نزول این راز خلقت جامعه بشری گرفتار ظلم، بی‌داد، جهل و تاریکی بود، زورمندان بد اندیش و استبدادگران کور دل با آشامیدن خون انسان روزگار بشر را تیره و تاریک می‌ساختند. در جاهلیت آن دوران خانواده‌ها روز به روز دنیا آمدن دختران خود را روز سیاه و ماتم می‌دانستند اشک حسرت می‌ریختند و آنها را زنده به گور می‌نمودند، قرآن این چشمه جوشان زندگی دستور داد: فرزندان خود را زنده بگور نکنید. پیام‌آور گنجینه علم و معرفت و مشعل دار راه نجات اعلام داشت روز ولادت هر نوزادی شادی نمایند و گوسفند سربزند و به شخصی که دو دختر و یا دو خواهر خود را بخوبی تربیت و بزرگ نماید وعده بهشت برین داد.

قرآن معجزه پیامبر اسلام و دلیل زنده و روشن حقانیت راه او انسان را به تفکر در آفرینش آسمانها، خورشید، ماه، ستارگان، زمین، کوهها دریاها، نباتات، حیوانات و انسان دعوت می‌کند و نظام شگفت آوری را که در هر یک از انواع موجودات حکم فرماست گوشزد می‌نماید، تا با مطالعه و اندیشیدن در باره این موجودات برای بشر حقانیت وجود الهی آشکار شود و در عین حال از عالم هستی به نیکویی بهره بگیرند و آنها را مورد استفاده و در خدمت انسان قرار بدهند.

علمای بزرگ اسلام در همه عصرها و قرن‌ها برای درک مفاهیم عالی و رسیدن به عمق معانی قرآن به تفسیر و تشریح آن پرداختند تا مسلمانان مقصد و مراد آن را بخوبی دریابند و از این نعمت با ارزش الهی بهره‌ور شوند و به اوج سعادت و آرامش دست یابند و با درک این اندیشه کامل که هستی انسان را ارزش و تکامل می‌دهد به سوی هدف نهائی بالا بروند. به تأسی از این هدف نیک شیخ حسنین محمد مخلوف از دانشمندان بزرگ جهان اسلام که سال ۱۳۰۷ هـ به قاهره به دنیا آمد و بعد از فراغت از دانشگاه ازهر آنجا به تدریس پرداخت و سال ۱۴۱۰ هـ از جهان رفت. هنگام تدریس متوجه گردید که علاقه‌مندان قرآن از معانی بعض آیات آن بسیار سوال می‌کنند پس «تفسیر و بیان کلمات قرآن» را نگاشت که مورد استقبال قرار گرفت و بارها به شیوه‌های گوناگون چاپ و نشر شد، این دانشمند «صفوة البیان لمعانی القرآن» و چند کتب دیگر را نیز نوشته است. برای استفاده بیشتر از این کتاب آن را به شکل شیوا و رسا به زبان فارسی ترجمه کردم تا کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند از آن بهره کامل و تمام بگیرند.

والسلام

عبد الکریم «ارشد»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة فاتحه

- ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾: ثنا و ستایش خاصه خداست.
- ۱- ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: مربی و تربیت کننده موجودات، مالک و چاره‌ساز امور ایشان.
- ۴- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز جزاء.
- ۶- ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: ما را موفق گردان تا به راه روشن و آشکار اسلام که هیچ کجی و نادرستی در آن نیست ثابت قدم و استوار باشیم.
- ۷- ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾: یهود.
- ۷- ﴿الضَّالِّينَ﴾: نصاری، همچنان امثال ایشان در ضلالت و گمراهی.

سورة بقره

- ۲- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾: قرآن کریم.
- ۲- ﴿لَا رَيْبَ فِيهِ﴾: بدون شک این قرآن حق و از جانب پروردگار نازل شده است.
- ۲- ﴿هُدًى﴾: از گمراهی و ضلالت به راه راست هدایت می‌کند.
- ۲- ﴿لِلْمُتَّقِينَ﴾: برای آنهایی که از گناه اجتناب و اوامر او تعالی را به جا کردند و خود را از عذاب آخرت نگاه داشتند.
- ۵- ﴿عَلَىٰ هُدًى﴾: با قلب مطمئن به راه راست و روشن قرار دارند.
- ۷- ﴿خَتَمَ اللَّهُ﴾: خدا مهر نهاده است.

- ۷- ﴿غَشُوهُ﴾: پوشش و پرده‌ای است.
- ۹- ﴿يُخَدِّعُونَ﴾: منافقان مکارانه با فریب و نیرنگ رفتار می‌کنند.
- ۱۰- ﴿مَرَضٌ﴾: شک و نفاق یا تکذیب و انکار است.
- ۱۴- ﴿خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ﴾: اهل نفاق نزد بزرگان‌شان بروند یا با آنها تنها شوند.
- ۱۵- ﴿يَمُدُّهُمْ﴾: خدا آنها را زیادت می‌بخشد یا مهلت می‌دهد.
- ۱۵- ﴿طُغْيَانِهِم﴾: پافشاری در کفر و تجاوز از حد خویش.
- ۱۵- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: منافقان در جهالت باقی می‌مانند و راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردان می‌شوند.
- ۱۷- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: حالت شگفت‌انگیز یا صفت آنها.
- ۱۷- ﴿أَسْتَوْقَدَ نَارًا﴾: آتش افروخت.
- ۱۸- ﴿بُكْمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- ۱۹- ﴿كَصِيبٍ﴾: مانند کسانی هستند که بارانی تند و شدید بر آنها ببارد. صیب: باران در حال باریدن از آسمان، یا ابر بارنده است.
- ۲۰- ﴿يَخْطِفُ أَبْصَرَهُمْ﴾: نور برق بینایی آنها را به سرعت ببرد.
- ۲۰- ﴿قَامُوا﴾: متحیر و سرگردان در جای خود متوقف شوند.
- ۲۲- ﴿الْأَرْضِ فِرَاشًا﴾: زمین را بستر و فرش جهت استقرار در آن.
- ۲۲- ﴿السَّمَاءِ بِنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشته یا مانند گنبد مستحکم.
- ۲۲- ﴿أَنذَادًا﴾: امثال و هم‌تا، از بتها که پرستش می‌کنید.
- ۲۳- ﴿أَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾: خدایان یا یاران و یاوران خود را حاضر کنید.
- ۲۵- ﴿مُتَشَبِهًا﴾: مانند هم، در رنگ و ظاهر با هم شباهت دارند نه در طعم و لذت.
- ۲۹- ﴿أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾: خدا قصد و اراده آفرینش آسمان را کرد، قصد راست و درست.
- ۲۹- ﴿فَسَوَّيْنَهُنَّ﴾: پس خلقت آسمان‌ها را به اتمام رساند و آنها را استوار و مستحکم ساخت.

- ۳۰- ﴿يَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾: از دشمنی و عداوت دست به خونریزی و ستم می‌زند.
- ۳۰- ﴿نَسِجُ بَحْمَدِكَ﴾: تو را از همه بدی‌ها پاک و پاکیزه می‌شماریم و تو را ثنا و ستایش می‌کنیم.
- ۳۰- ﴿نُقَدِّسُ لَكَ﴾: تو را به بزرگی یاد می‌کنیم و یاد تو را از آنچه سزاوار عظمت و شرف نیست پاک می‌دانیم.
- ۳۴- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم فروتنی کنید، یا سجده تعظیم و احترام نمایید.
- ۳۵- ﴿رَعْدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.
- ۳۶- ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ﴾: شیطان آدم و همسرش را فریب داد و از آن مقام رفیع دور ساخت.
- ۴۰- ﴿إِسْرَءِيلَ﴾: لقب یعقوب.
- ۴۰- ﴿فَارْهَبُونِ﴾: در پیمان شکنی‌ها تان تنها از من بترسید.
- ۴۲- ﴿لَا تَلْبِسُوا﴾: مخلوط ننمایید یا پنهان نکنید.
- ۴۴- ﴿بِالْبَرِّ﴾: به طاعت و عبادت بسیار و کارهای نیک.
- ۴۵- ﴿إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ﴾: به درستی نماز خیلی دشوار، سخت و سنگین است.
- ۴۵- ﴿الْخَشَعِينَ﴾: انسانهای متواضع و با تمکین.
- ۴۶- ﴿يُظُنُّونَ﴾: یقین می‌دانند.
- ۴۷- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: جهانیان دوران خود شما.
- ۴۸- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾: هیچ کس نمی‌تواند برای دیگری کاری انجام دهد.
- ۴۸- ﴿عَدْلٌ﴾: بدیل و جای‌گزین.
- ۴۹- ﴿يَسُومُونَكُمْ﴾: به شما می‌چشانند و شما را به کارهای دشوار می‌گماشتند.
- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را بخاطر خدمت زنده می‌گذاشتند.
- ۴۹- ﴿بَلَاءٌ﴾: آزمون و امتحانی بود با اعطای نعمت‌ها و گرفتاری به شکنجه و عذاب.
- ۵۰- ﴿فَرَقْنَا﴾: شکافتیم.

- ۵۱- ﴿اتَّخَذْتُمْ آلِ عِجَلٍ﴾: گوساله را خدا و معبود قرار دادید.
- ۵۳- ﴿الْفُرْقَانِ﴾: شریعت را که ممیز حلال و حرام است.
- ۵۴- ﴿بَارِئِكُمْ﴾: خالقان.
- ۵۴- ﴿فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: در میان خود شما نیکوکار باید گناهکار را بکشند.
- ۵۵- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار.
- ۵۵- ﴿الصَّلِيقَةُ﴾: آتش و یا آواز شدید که از سوی آسمان آمد.
- ۵۷- ﴿الْغَمَامِ﴾: ابر سفید نازک.
- ۵۷- ﴿الْمَنِّ﴾: ماده صمغی که مثل عسل شیرین است.
- ۵۷- ﴿وَالسَّلَوٰی﴾: مرغ مشهور به سمانی.
- ۵۸- ﴿رَعْدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- ۵۸- ﴿فُولُوا حِطَّةً﴾: بگوئید: پروردگارا، گناهان ما را ببخش.
- ۵۹- ﴿رِجْزًا﴾: غذایی را، گفته شده طاعون است.
- ۶۰- ﴿فَأَنْفَجَرَتْ﴾: شکافت و فوران کرد.
- ۶۰- ﴿مَّشْرِبُهُمْ﴾: جای آشامیدن خود را.
- ۶۰- ﴿لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین دست به فساد نزنید.
- ۶۰- ﴿مُفْسِدِينَ﴾: فساد همیشگی.
- ۶۱- ﴿فُومَهَا﴾: گندم و یا سیر.
- ۶۱- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آنها را احاطه کرده یا به آنها چسبیده است.
- ۶۱- ﴿الذِّلَّةُ﴾: خواری، بی عزتی و پستی.
- ۶۱- ﴿الْمُسْكَنَةُ﴾: ناداری و بخل ذاتی.
- ۶۱- ﴿بَاءُ وَبَعْصَبٍ﴾: باز هم به قهر و غضب خدا دچار شدند که مستحق آن بودند.
- ۶۲- ﴿هَادُوا﴾: یهودی شدند.
- ۶۲- ﴿الصَّبِیْنَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره پرستان.

- ۶۳- ﴿مِيثَاقَكُمْ﴾: عهد و پیمان شما را به این که به تورات عمل می کنید.
- ۶۵- ﴿خَسِئِينَ﴾: رانده شدگان پست و بی ارزش.
- ۶۶- ﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا﴾: این کیفر را شکنجه و عذاب قرار دادیم.
- ۶۷- ﴿هَزُؤًا﴾: مسخره و ریشخند.
- ۶۸- ﴿لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ﴾: نه کلان سال است و نه جوان نورس.
- ۶۸- ﴿عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: میانه سال است.
- ۶۹- ﴿فَاقِعٌ لَّوْنُهَا﴾: رنگ آن گاو بسیار زرد است.
- ۷۱- ﴿لَا ذُلُّ﴾: رام نیست.
- ۷۱- ﴿تُثِيرُ الْأَرْضَ﴾: تا زمین را شخم زند.
- ۷۱- ﴿الْحَرْثَ﴾: کشت یا زمین آماده برای زراعت را.
- ۷۱- ﴿مُسَلَّمَةً﴾: بی عیب است.
- ۷۱- ﴿لَا شَيْءَ فِيهَا﴾: رنگ دیگری غیر از رنگ زرد در آن وجود ندارد.
- ۷۲- ﴿فَادَارَأْتُمْ فِيهَا﴾: و در باره او به دشمنی و ستیز پرداختید.
- ۷۴- ﴿يَتَفَجَّرُ﴾: به وفرت جاری می شود.
- ۷۴- ﴿يَشَقُّ﴾: شکاف می شود به طول و یا عرض.
- ۷۵- ﴿يُحَرِّقُونَهُ﴾: گروهی از یهودیان تورات را تحریف یا به باطل تأویل می کنند.
- ۷۶- ﴿خَلَا بَعْضُهُمْ...﴾: نزد بزرگانشان بروند یا با آنها تنها بنشینند.
- ۷۶- ﴿فَتَحَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: خدا بر شما حکم کرده است یا آن را به شما بیان داشته است.
- ۷۸- ﴿أُمِّيُونَ﴾: جاهلند، نمی توانند تورات را بخوانند.
- ۷۸- ﴿أَمَانِيَّ﴾: دروغ های که از دانشمندان خود آموختند.
- ۷۹- ﴿فَوَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت، یا عذاب شدید، یا وادی است در جهنم.
- ۸۱- ﴿كَسَبَ سَيِّئَةً﴾: کفر ورزید.

- ۸۱- ﴿أَحَظَّتْ بِهِ﴾: گناه او را محاصره کرد و بر حسناش چیره شد.
- ۸۵- ﴿تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ﴾: در ظلم و ستم به آنها، با یکدیگر همکاری می کنید.
- ۸۵- ﴿أُسْرَى﴾: اسیران.
- ۸۵- ﴿تُقَدُّوهُمْ﴾: فدیة آنها را می دهید و از اسارت رهاشان می سازید.
- ۸۵- ﴿خِزْيٌ﴾: ذلت، فزاحت، عذاب و شکنجه.
- ۸۷- ﴿قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ﴾: پس از او پیامبرانی را پی در پی فرستادیم که به شریعت او حکم می کردند.
- ۸۷- ﴿بُرُوجَ الْفُؤَادِ﴾: به روح پاکیزه، جبرئیل عليه السلام
- ۸۸- ﴿فُلُوبَنَا غُلْفٌ﴾: دل‌های ما از آفرینش در پرده است.
- ۸۹- ﴿يَسْتَفْتِحُونَ﴾: به وسیله بعثت او ﷺ یاری و کمک می خواستند.
- ۹۰- ﴿أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به آن فروختند.
- ۹۰- ﴿بَغْيًا﴾: از حسادت.
- ۹۰- ﴿فَبَاءُوا بِغَضَبٍ﴾: به غضب دیگر خدا گرفتار شدند که مستحق آن بودند.
- ۹۲- ﴿أَتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ﴾: به پرستش گوساله پرداختید.
- ۹۳- ﴿الْعِجْلَ﴾: محبت گوساله‌ای که پرستش کردند.
- ۹۶- ﴿لَوْ يُعَمَّرُ﴾: کاش عمرش دراز می شد.
- ۱۰۰- ﴿تَبَذَّهُ﴾: عهد را نقض کرد و بدور انداخت.
- ۱۰۲- ﴿تَتْلُوا الشَّيْطَانُ﴾: شیطان‌ها سحر و جادو را می خواندند، یا به دروغ می گفتند.
- ۱۰۰- ﴿لَحْنٌ فِتْنَةٍ﴾: ما از جانب پروردگار برای امتحان شما هستیم.
- ۱۰۰- ﴿خَلْقٍ﴾: بهره از خیر یا قدر و مرتبت.
- ۱۰۰- ﴿شَرُّوا بِهِ﴾: خود را به آن فروختند.
- ۱۰۴- ﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنَا﴾: شما مسلمانان «راعنایا» نگوئید، این کلمه در زبان یهود دشنام زشت و تحقیر است.

۱۰۴- ﴿قُولُوا أَنْظِرْنَا﴾: بگوئید: به سوی ما بنگر یا بر ما مهلت بده و به تأنی سخن بگو تا معانی آیات را درک نماییم.

۱۰۶- ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ﴾: حکم هر آیه یا تعبد به تلاوت آن را که بر داریم.

۱۰۶- ﴿نُنْسِهَا﴾: آن را از دل ها و حافظه ها محو کنیم.

۱۰۷- ﴿وَلِيٍّ﴾: مالک یا سرپرست و ناظر کارهای شما.

۱۰۸- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه مستقیم.

۱۱۱- ﴿أَمَانِيَهُمْ﴾: خیالات و آرزوهای باطل آنهاست.

۱۱۲- ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: به خلوص نیت، خود و طاعت و عبادتش را به خدا تسلیم نماید.

۱۱۴- ﴿خِزْيٍ﴾: خفت، پستی، مرگ و اسارت.

۱۱۵- ﴿فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾: همان جهت قبله مورد رضای اوست که شما را به آن امر کرده.

۱۱۶- ﴿سُبْحَنَهُ﴾: خدا از انتخاب فرزند پاک و منزّه است.

۱۱۶- ﴿لَهُ قَانِتُونَ﴾: فرمانبردار او هستند.

۱۱۷- ﴿بَدِيعُ...﴾: ایجاد کننده.

۱۱۷- ﴿قَضَى أَمْرًا﴾: اراده ایجاد چیزی را بخواهد یا حتمی و قطعی گرداند.

۱۱۷- ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾: ایجاد شو، او فوراً ایجاد می شود.

۱۲۲- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: ملت های دوران خودتان.

۱۲۳- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ﴾: هیچ کس انجام نمی دهد. ۱۲۳- عَذْلٌ: بدل و فدیهای.

۱۲۴- ﴿أَبْتَلَى﴾: آزمود.

۱۲۴- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: تکالیف شرعی، اوامر و نواهی.

۱۲۴- ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾: و او خاص برای خدا همه را انجام داد.

۱۲۵- ﴿مَثَابَةً لِّلنَّاسِ﴾: پناهگاه یا محل اجتماع یا موضع کسب ثواب انسان.

۱۲۵- ﴿عَهْدَنَا﴾: سفارش کردیم یا امر کردیم یا وحی فرستادیم.

- ۱۲۵- ﴿يَتَّقِ﴾: کعبه شریف به مکه.
- ۱۲۶- ﴿أَضْطَرُّهُ﴾: او را روانه می کنیم.
- ۱۲۸- ﴿مُسْلِمِينَ لَكَ﴾: فرمانبردار، فروتن و مخلص به خودت.
- ۱۲۸- ﴿أَرَنَا مَنَاسِكَتًا﴾: مقررات اعمال و افعال حج را به ما بیاموز.
- ۱۲۹- ﴿يُزَكِّهِمْ﴾: آنها را از ناپاکی شرک و گناه پاک نماید.
- ۱۳۰- ﴿مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ﴾: کیست که از دین روشن ابراهیم روگردان شود.
- ۱۳۰- ﴿سَفِهَ نَفْسَهُ﴾: خود را به جهالت افکنده یا سبک و خوار کرده یا خود را تباه نموده است.
- ۱۳۱- ﴿أَسْلِمَ﴾: فرمانبردار باش یا خالص و بی ریا مرا عبادت کن.
- ۱۳۲- ﴿الدِّينَ﴾: اسلام، برگزیده ادیان را.
- ۱۳۴- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشتند و رفتند.
- ۱۳۵- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان مایل به دین حق.
- ۱۳۶- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان یا نیبرگان یعقوب علیه السلام.
- ۱۳۸- ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾: از دین یا فطرت خدا حتماً پیروی کنید.
- ۱۴۲- ﴿السُّفَهَاءُ﴾: افراد کم عقل، یهود و امثال ایشان در انکار از تحویل قبله.
- ۱۴۲- ﴿مَا وَلَّهُمْ﴾: چه چیز آنها را برگردانید؟
- ۱۴۲- ﴿عَنْ قِبَلَتِهِمْ﴾: از بیت المقدس.
- ۱۴۳- ﴿أُمَّةً وَسَطًا﴾: ملت برگزیده یا ملت عادل.
- ۱۴۳- ﴿يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ﴾: هنگام تحویل قبله به سوی کعبه، از اسلام بر می گردد.
- ۱۴۳- ﴿لَكَبِيرَةٍ﴾: بر اشخاص سخت و دشوار است.
- ۱۴۳- ﴿لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾: خدا هرگز نمازهای شما را که به سوی بیت المقدس ادا کرده اید، باطل نمی کند.

- ۱۴۴- ﴿شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: به سوی کعبه.
- ۱۴۷- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگانی که با آگاهی از حق آن را می پوشانند.
- ۱۵۱- ﴿يُزَكِّكُمْ﴾: شما را از شرک و گناه پاک می سازد.
- ۱۵۱- ﴿الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾: قرآن، سنت و دانش در امور دین را.
- ۱۵۵- ﴿لَتَبْلُوَنَكُمْ﴾: شما را آزمایش می کنیم با این که از همه احوال تان آگاهیم.
- ۱۵۷- ﴿صَلَوَاتٍ مِّن رَّبِّهِمْ﴾: رحمت یا مغفرت و آمرزش از سوی پروردگارشان.
- ۱۵۸- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: نشانه های دین خداست در حج و عمره.
- ۱۵۸- ﴿أَعْتَمَرَ﴾: کعبه معظمه را به وجه مشروع زیارت کند.
- ۱۵۸- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ﴾: هیچ گناهی بر او نیست.
- ۱۵۸- ﴿يَطْوَفَ بِهِمَا﴾: سعی بین آن دو را انجام دهد.
- ۱۵۹- ﴿يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ﴾: پروردگار آنها را از رحمت خود دور می کند.
- ۱۶۲- ﴿لَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾: عذاب آنها به تأخیر نمی افتد.
- ۱۶۴- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: با تولید مثل در زمین پراکنده ساخت.
- ۱۶۴- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيحِ﴾: در تغییر جهت دادن وزش و احوال بادهای از سردی، گرمی، تندی و ملایمت.
- ۱۶۵- ﴿أَنذَادًا﴾: همتا که او را پرستش می کنند.
- ۱۶۶- ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾: پیوندهای نژادی، دوستی و تعهداتی که در دنیا بین آنها وجود داشت از هم بپاشد.
- ۱۶۷- ﴿كَرَّةٍ﴾: باز گشتی به دنیا.
- ۱۶۷- ﴿حَسَرَاتٍ﴾: پشیمانی های شدید.
- ۱۶۸- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه های شیطان، آثار و اعمال او.
- ۱۶۹- ﴿يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ﴾: شیطان شما را به گناه دستور می دهد.
- ۱۶۹- ﴿الْفَحْشَاءِ﴾: گناه بسیار زشت.
- ۱۷۰- ﴿الْفَيْنَاءِ﴾: یافتیم.

- ۱۷۱- ﴿يَنْعِقُ﴾: صدا می کند. ﴿بُكْمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- ۱۷۳- ﴿أَهْلٌ بِهِ لَعْنُ اللَّهِ﴾: حیوانی که هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.
- ۱۷۳- ﴿أَضْطَرُّ﴾: نیازمندی او را ناچار ساخت تا از چیزهای حرام بخورد.
- ۱۷۳- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت در پی حرام نباشد و حالت اضطرار را بارها اختیار نکند.
- ۱۷۳- ﴿لَا عَادٍ﴾: از حدی که مانع مرگ است تجاوز نکند.
- ۱۷۴- ﴿ثَمَنًا قَلِيلًا﴾: بهای اندک.
- ۱۷۴- ﴿لَا يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از پلیدی گناه پاک نمی کند.
- ۱۷۶- ﴿أَلْفَى شِقَاقَ بَعِيدٍ﴾: در نزاع و اختلاف دور از حقیقت قرار دارند.
- ۱۷۷- ﴿أَلْبَرَّ﴾: طاعت و کارهای نیک گسترده.
- ۱۷۷- ﴿وَأَبْنُ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از خانواده اش جدا و توان رسیدن به مال خود را نداشته باشد.
- ۱۷۷- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان و اسراء.
- ۱۷۷- ﴿الصَّيْرِينَ﴾: اشخاص شکبیا تخصیص صابرين جهت فضیلت بیشتر آنهاست.
- ۱۷۷- ﴿الْبَأْسَاءِ﴾: سختی، بلا، بیماری و رنج.
- ۱۷۷- ﴿حِينَ الْبَأْسِ﴾: وقت شدت جنگ با دشمن.
- ۱۷۸- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ﴾: بر شما فرض شده است.
- ۱۷۸- ﴿عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ﴾: ولی مقتول قصاص را رها کند.
- ۱۸۰- ﴿تَرَكَ خَيْرًا﴾: مال فراوان بجا گذاشت.
- ۱۸۲- ﴿جَنَفًا﴾: عدول از حق ناآگاهانه.
- ۱۸۲- ﴿إِثْمًا﴾: آگاهانه ستمی را مرتکب شده است.
- ۱۸۴- ﴿يُطِيقُونَهُ﴾: توانش را دارند، این حکم به اثر آیه ۱۸۵ بقره منسوخ است.
- ۱۸۴ ﴿تَطَوَّعَ خَيْرًا﴾: به دلخواه خویش خیری افزون انجام دهد، یعنی به فدیة بیفزاید.

- ۱۸۵- ﴿لُكْزِرُوا بِاللَّهِ﴾: تا خدا را حمد و ستایش کنید.
- ۱۸۷- ﴿الرَّفَثُ﴾: آمیزش جنسی.
- ۱۸۷- ﴿هَنْ لِبَاسٍ لَكُمْ﴾: زنها برای شما مایه آرامش یا مانع از حرامند.
- ۱۸۷- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: ممنوعات و محرمات الهی است.
- ۱۹۱- ﴿تَقْفُتُمُوهُمْ﴾: مشرکان را یافتید.
- ۱۹۱- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: شرک به خدا در حالی که در حرم قرار دارند.
- ۱۹۱- ﴿عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: در همه جای حرم.
- ۱۹۴- ﴿الْحُرْمَتُ﴾: آنچه حفظ حرمتش واجب است.
- ۱۹۵- ﴿الْهَلَكَةُ﴾: ترک جهاد و عدم مصرف مال در آن راه مایه هلاکت و تباهی است.
- ۱۹۶- ﴿أُحْصِرْتُمْ﴾: بعد از احرام مانعی شما را از اتمام حج جلو گیری کرد.
- ۱۹۶- ﴿فَمَا اسْتَيْسَرَ﴾: آنچه به آسانی آماده شود.
- ۱۹۶- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: چارپایی که برای قربانی به کعبه برند.
- ۱۹۶- ﴿لَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ﴾: با تراشیدن سر از احرام خارج نشوید.
- ۱۹۶- ﴿يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾: قربانی به جای وجوب ذبحش، حرم برسد یا هر جا که از رفتن به کعبه منع شوید، حرم یا بیرون حرم.
- ۱۹۶- ﴿فَفِدْيَةٌ﴾: هر که سر خود را بتراشد باید فدیة بدهد.
- ۱۹۶- ﴿نُسُكٍ﴾: قربانی و اینجا گوسفند مراد است.
- ۱۹۶- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: مراد قربانی حج تمتع است.
- ۱۹۷- ﴿فَرَضَ﴾: با گرفتن احرام بر خود فرض کرد.
- ۱۹۷- ﴿فَلَا رَفَثَ﴾: آمیزش جنسی یا گفتار زشت جایز نیست.
- ۱۹۷- ﴿لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾: خصومت، ستیز و جدال در حج جایز نیست.
- ۱۹۸- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناهی.

- ۱۹۸- ﴿فَضْلًا﴾: منافع تجارتی و کسب در موسم حج.
- ۱۹۸- ﴿أَفْضُتُمْ﴾: دسته جمعی کوچ کردید و رفتید.
- ۱۹۸- ﴿الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾: همه جای مزدلفه یا کوه قزح.
- ۲۰۰- ﴿مَنْسِكُكُمْ﴾: اعمال حج را.
- ۲۰۰- ﴿خَلَقَ﴾: سهمی از خیر یا قدر و عزت.
- ۲۰۰- ﴿فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً﴾: نعمت، عافیت و توفیق در دنیا.
- ۲۰۰- ﴿فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾: رحمت، احسان و نجات در آخرت.
- ۲۰۴- ﴿أَلَدَّ الْخِصَامِ﴾: سرسخت‌ترین دشمنان، در راه باطل مجادله می‌کند.
- ۲۰۵- ﴿الْحَرْثِ﴾: کشت را.
- ۲۰۶- ﴿أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾: تکبر و نخوت او را به گناه می‌کشاند.
- ۲۰۶- ﴿فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ﴾: دوزخ برای او جزای کافی است.
- ۲۰۶- ﴿لَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بدی است.
- ۲۰۷- ﴿يَشْرِي نَفْسَهُ﴾: با بذل جان در طاعت و عبادت خود را به خدا فروخته‌اند.
- ۲۰۸- ﴿فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾: در اسلام و همه احکام آن.
- ۲۰۸- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌ها، آثار و کارهای شیطان.
- ۲۰۹- ﴿زَلَلْتُمْ﴾: منحرف شدید و حقیقت را گم کردید.
- ۲۱۰- ﴿ظُلِّلَ مِنَ الْعَمَامِ﴾: سایه بانهایی از ابرهای سفید نازک.
- ۲۱۲- ﴿بِعَيْرِ حِسَابٍ﴾: آنچه او تعالی می‌بخشد پایان ناپذیر و سخاوت‌مندانه است.
- ۲۱۳- ﴿بَغْيًا﴾: از حسادت، حرص به دنیا و انحراف از حق.
- ۲۱۴- ﴿مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا﴾: حالت مؤمنانی که در گذشته‌اند.
- ۲۱۴- ﴿الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ﴾: سختی، بلا، تنگدستی، بیماری و رنج.
- ۲۱۴- ﴿زُلْزِلُوا﴾: از بسیاری بلاها شدیداً مضطرب شدند.
- ۲۱۶- ﴿كُرَّةٌ لَّكُمْ﴾: در حالی که بر شما دشوار است.

- ۲۱۷- ﴿كَبِيرٌ﴾: گناهی بزرگ است.
- ۲۱۷- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: تشویق مردم به کفر و شرک به خدا.
- ۲۱۷- ﴿حَبِطْتُ﴾: باطل و بر باد می‌رود.
- ۲۱۹- ﴿الْمَيْسِرِ﴾: قمار.
- ۲۱۹- ﴿الْعَفْوُ﴾: آنچه افزون بر نیاز شماس است.
- ۲۲۰- ﴿لَاَعْنَتَكُمْ﴾: همانا کارهای دشوار را به شما می‌سپرد.
- ۲۲۲- ﴿أَذَى﴾: آلوده و زیان‌آور است.
- ۲۲۳- ﴿حَرْثٌ لَّكُمْ﴾: محل کشت نسل شما هستند.
- ۲۲۳- ﴿أَنَّى شِئْتُمْ﴾: به هر روش که خواستید، در محل تناسل.
- ۲۲۴- ﴿عُرْضَةً لِّأَيْمَنِكُمْ﴾: مانع از خیر، قسم بخورید که کار نیک انجام نمی‌دهید.
- ۲۲۵- ﴿بِاللَّعْوِ فِيْ أَيْمَنِكُمْ﴾: قسم لغو آن است که شخص بر چیزی قسم بخورد به باور این که آن چیز راست است، در حالی که حقیقت خلاف آن باشد یا بدون این که قصد سوگند داشته باشد، کلمات سوگند بر زبانش بیاید.
- ۲۲۶- ﴿يُؤْلَوْنَ مِنْ نِّسَابِهِمْ﴾: قسم می‌خورند که با همسران خود مقاربت نمی‌کنند.
- ۲۲۶- ﴿تَرْبُصٌ﴾: ...: انتظار بکشند...
- ۲۲۶- ﴿فَاءَوْ﴾: در مدتی که قسم خورده‌اند، رجوع کنند.
- ۲۲۸- ﴿ثَلَاثَةُ قُرُوءٍ﴾: سه حیض، گفته شده سه پاکی است.
- ۲۲۸- ﴿بُعُولَتُهُنَّ﴾: شوهرهاشان.
- ۲۲۸- ﴿دَرَجَةً﴾: منزلت و برتری به سبب این که مرد عهده‌دار اداره خانواده و نفقه است.
- ۲۲۹- ﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ﴾: طلاق رجعی دو بار است.
- ۲۲۹- ﴿تَسْرِیْحٌ بِإِحْسَنٍ﴾: جدایی با ادای حقوق و بدون زیان و ضرر.
- ۲۲۹- ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾: اینها احکام و فرایض الهی هستند.

- ۲۳۱- ﴿فَبَلَّغْ أَجَلَهُنَّ﴾: به آخرین روزهای عده خود رسیدند.
- ۲۳۱- ﴿لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا﴾: به قصد آزار، به آنها رجوع نکنید.
- ۲۳۱- ﴿لَا تَتَّخِذُوا ءَايَتِ اللَّهِ هُزُوًا﴾: احکام خدا را مسخره نکنید با سهل انگاری و مخالفت.
- ۲۳۱- ﴿الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ﴾: قرآن و سنت.
- ۲۳۲- ﴿فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾: مانع آنها نشوید.
- ۲۳۲- ﴿أَرْزَىٰ لَكُمْ﴾: برای شما بهتر و مفیدتر است.
- ۲۳۳- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانایی خود.
- ۲۳۳- ﴿عَلَى الْوَارِثِ﴾: بر وارث کودک یتیم.
- ۲۳۳- ﴿أَرَادَا فِصَالًا﴾: پدر و مادر بخواهند کودک را پیش از دو سالگی از شیر بگیرند.
- ۲۳۵- ﴿عَرَضْتُمْ﴾: به اشاره و کنایه وانمود کنید.
- ۲۳۵- ﴿أَكْنَنْتُمْ﴾: نهان داشتید.
- ۲۳۵- ﴿وَلَا تُوَاعِدُوهُنَّ﴾: ولی با آنها در خفا و تنهایی با صراحت پیشنهاد ازدواج نکنید.
- ۲۳۵- ﴿يَبْلُغَ الْكِتَابِ أَجَلُهُ﴾: عده آنها به پایان برسد.
- ۲۳۶- ﴿فَرِيضَةً﴾: مهر.
- ۲۳۶- ﴿مَتَّعُوهُنَّ﴾: چیزی که به آنها سودمند است برای شان بدهید.
- ۲۳۶- ﴿الْمُوسِعِ﴾: توانگر.
- ۲۳۶- ﴿قَدَرُهُ﴾: به اندازه توان خود.
- ۲۳۶- ﴿الْمُقْتِرِ﴾: تنگدست.
- ۲۳۸- ﴿وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ﴾: و خصوصاً نماز عصر را، این نماز را بخاطر فضیلت بیشتر آن نماز میانه گویند.
- ۲۳۸- ﴿فَنَتَيْنِ﴾: فروتن و فرمانبردار.

- ۲۳۹- ﴿فَرَجَالًا﴾: پس در حال پیاده روی نماز بخوانید.
- ۲۴۱- ﴿لِلْمُطَلَّاتِ مَتْنَعٌ﴾: لازم است برای زنان طلاق شده متعه یا در روزهای عده نفقه بدهید.
- ۲۴۵- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: مال خود را از طیب خاطر برای رضای خدا مصرف کند.
- ۲۴۵- ﴿يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ﴾: گروهی را تنگدست و گروهی را بی نیاز می گرداند.
- ۲۴۶- ﴿الْمَالِ﴾: بزرگان قوم.
- ۲۴۶- ﴿عَسَيْتُمْ﴾: شاید شما.
- ۲۴۷- ﴿أَنِّي يَكُونُ﴾: چگونه می شود؟
- ۲۴۷- ﴿زَادَهُ بَسْطَةً﴾: خدا به او توانایی بیشتر، قامت بلند و برتری بخشیده است.
- ۲۴۸- ﴿يَأْتِيَكُمُ الثَّابُوتُ﴾: صندوق تورات نزد شما خواهد آمد.
- ۲۴۸- ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ﴾: در آن اطمینان و آرامش دلهای شماست.
- ۲۴۹- ﴿فَصَلَ طَالُوتُ﴾: طالوت با سپاه خود از بیت المقدس بیرون رفت.
- ۲۴۹- ﴿مُبْتَلِيكُمْ﴾: خدا شما را امتحان می کند در حالی که از همه چیز شما آگاه است.
- ۲۴۹- ﴿أَعْتَرَفَ...﴾: با کف خود آب بر دارد، به دهان از نهر آب نخورد.
- ۲۴۹- ﴿طَاقَةٌ لَنَا﴾: ما قدرت و توان نداریم.
- ۲۵۰- ﴿فِيَّةَ﴾: جماعه‌ای از مردم.
- ۲۵۰- ﴿بَرَزُوا﴾: به میدان آمدند.
- ۲۵۱- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: نبوت را.
- ۲۵۳- ﴿بُرُوجَ الْقُدُسِ﴾: به وسیله جبریل.
- ۲۵۴- ﴿لَا خَلَّةَ﴾: نه دوستی است و نه یآوری.
- ۲۵۵- ﴿الْحَيُّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- ۲۵۵- ﴿الْقِيَوْمُ﴾: همیشه مدبر و حافظ امور آفرینش.

- ۲۵۵- ﴿سِنَّةٌ﴾: خواب سبک و کوتاه.
- ۲۵۵- ﴿لَا يُوَدُّهُ﴾: بر او دشوار نیست.
- ۲۵۶- ﴿تَبَيَّنَ الرُّشْدُ﴾: هدایت و ایمان مشخص شده است.
- ۲۵۶- ﴿مِنَ الْغَيِّ﴾: از گمراهی و کفر.
- ۲۵۶- ﴿بِالطُّغُوتِ﴾: غیر از خدا هر چه مورد پرستش قرار گیرد طاغوت است از بت، شیطان و مانند اینها.
- ۲۵۶- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عقیده ثابت و استوار.
- ۲۵۶- ﴿لَا أَنْفِصَامَ لَهَا﴾: هرگز گسسته نمی‌شود و از بین نمی‌رود.
- ۲۵۸- ﴿الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ﴾: ستم پیشه سرکش نمرود بن کنعان با ابراهیم علیه السلام به جدال و گفتگو برخاست.
- ۲۵۸- ﴿فُبِهَتْ﴾: مغلوب و متحیر گردید، دلایل او تمام شد.
- ۲۵۹- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ عُرُوشَهَا﴾: دیوارهای آن بر سقفهای فرو ریخته‌اش افتاده بود.
- ۲۵۹- ﴿أَنَّىٰ يُحَىٰ﴾: چگونه یا کی زنده می‌کند.
- ۲۵۹- ﴿لَمْ يَنْسَنَّهُ﴾: با گذشت سالها هیچ تغییر نیافته است.
- ۲۵۹- ﴿نُنْشِرُهَا﴾: استخوان‌ها را از زمین بلند و اجزای پراکنده آنها را با هم وصل می‌کنیم.
- ۲۶۰- ﴿فَصْرُهنَّ إِلَيْكَ﴾: آنها را پیش خود ریزه ریزه و مخلوط کن.
- ۲۶۲- ﴿مَنَّا﴾: شمردن احسان و نیکویی‌ها و بار منت نهادن.
- ۲۶۲- ﴿لَا أَدَىٰ﴾: به انفاق مال نمی‌نازند و فخر نمی‌فروشند.
- ۲۶۴- ﴿رِثَاءَ النَّاسِ﴾: برای این که مردم ببینند و بشنوند نه به راه خدا.
- ۲۶۴- ﴿صَفْوَانٍ﴾: سنگ بزرگ صاف.
- ۲۶۴- ﴿وَإِبْلٍ﴾: باران تند با قطره‌های بزرگ.
- ۲۶۴- ﴿صَلْدًا﴾: صاف و بی‌خاک.
- ۲۶۵- ﴿تَنْبِيئًا﴾: با کمال اطمینان و یقین به ثواب انفاق.

- ۲۶۵- ﴿جَنَّةٍ بَرَّةٍ﴾: باغی پر درخت است که به جای بلندی قرار گرفته باشد.
- ۲۶۵- ﴿أَكْلَهَا﴾: میوه‌هایش را.
- ۲۶۵- ﴿فَطَلَّ﴾: باران نرم و ریز.
- ۲۶۶- ﴿إِعْصَارٌ﴾: تند بادی، گرد باد.
- ۲۶۶- ﴿فِيهِ نَارٌ﴾: باد سوزان یا صاعقه.
- ۲۶۷- ﴿لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ﴾: قصد انفاق مال تباه و بد را نکنید.
- ۲۶۷- ﴿تُغْمِضُوا فِيهِ﴾: از بی میلی و سهل انگاری آن را می گیرید.
- ۲۷۳- ﴿أُحْصِرُوا﴾: آنها را جهاد از اشتغال به امور دیگر باز داشته است.
- ۲۷۳- ﴿ضَرْبًا﴾: به تجارت و کسب و کار بپردازند.
- ۱۷۴- ﴿التَّعَفُّفِ﴾: دوری از سؤال.
- ۲۷۵- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از سمایشان که نشانگر فقر و نیازمندی است.
- ۲۷۶- ﴿الْخَافَا﴾: سؤال به زاری و التماس.
- ۲۷۵- ﴿يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان او را دچار صرع کند و بر زمین بزند.
- ۲۷۵- ﴿الْمَسِّ﴾: جنون و زوال عقل.
- ۲۷۶- ﴿يَمْحُقُ اللَّهُ الْرِبَا﴾: خدا مالی را که به او ربا یکجا شود نابود می کند.
- ۲۷۶- ﴿يُرِي الصَّدَقَاتِ﴾: مالی را که از آن صدقه داده شده می افزاید.
- ۲۷۹- ﴿فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ﴾: باور داشته باشید که به جنگ برخاسته‌اید.
- ۲۸۰- ﴿ذُو عُسْرَةٍ﴾: تنگدست و فقیر.
- ۲۸۰- ﴿فَنَظَرَةٍ﴾: پس مهلت و تأخیر بر شما واجب است.
- ۲۸۲- ﴿وَلِيُمْلِلَ...﴾: و باید املاء و دیکته کند. . .
- ۲۸۲- ﴿لَا يَبْخَسُ مِنْهُ﴾: از حق که بر ذمه اوست کم نکند.
- ۲۸۲- ﴿لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ﴾: خود نتواند دیکته کند.
- ۲۸۲- ﴿لَا يَأْبَ﴾: امتناع نورد.

- ۲۸۲- ﴿لَا تَسْمُوا﴾: دلتنگ و ملول نشوید.
- ۲۸۲- ﴿أَقْسَطُ﴾: عادلانه‌تر.
- ۲۸۲- ﴿أَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ﴾: درست‌تر و مساعدتر به ادای شهادت.
- ۲۸۲- ﴿أَدْنَى﴾: نزدیکتر.
- ۲۸۲- ﴿فُسُوقُ﴾: خروج از فرمان خدا و ارتکاب اعمال زشت.
- ۲۸۵- ﴿غُفْرَانِكَ﴾: از دربارت آمرزش می‌خواهیم.
- ۲۸۶- ﴿وُسْعَهَا﴾: توانش.
- ۲۸۶- ﴿إِصْرًا﴾: بار سنگین، مراد تکالیف شاقه است.
- ۲۸۶- ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: توان انجام آن را نداریم.

سورة آل عمران

- ۲- ﴿الْحَيِّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- ۲- ﴿الْقَيُّومُ﴾: همواره به تدبیر آفرینش و حفظ آن می‌پردازد.
- ۴- ﴿أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را نازل کرد که به وسیله آن حق از باطل جدا شود.
- ۴- ﴿اللَّهُ عَزِيزٌ﴾: خدا غالب و قوی است که نتوان بر او چیره شد.
- ۷- ﴿ءَايَاتٍ مُّحْكَمَاتٍ﴾: آیات قرآن واضح و روشن است که هیچ اشتباه و حدس و گمان در آن نیست.
- ۷- ﴿أُمُّ الْكِتَابِ﴾: اصل و اساس کتاب که آیات دیگر با مراجعه به آنها واضح می‌شود.
- ۷- ﴿مُتَشَبِّهَاتٍ﴾: معنای آنها پوشیده است، علم آنها خاصه خداست یا واضح و روشن نمی‌شود مگر به نظر دقیق.
- ۷- ﴿زَيْغٍ﴾: اعراض و انحراف از حق است.
- ۷- ﴿تَأْوِيلُهُ﴾: تفسیر او را موافق خواهش خود.

- ۸- ﴿لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾: دل‌های ما را از حق و راه نیک منحرف نگردان.
- ۱۱- ﴿كَذَّابٌ...﴾: همچون عادت و حالت...
- ۱۲- ﴿يَبْسُ الْمِهَادُ﴾: دوزخ جایگاه بد است.
- ۱۳- ﴿لَعِبْرَةٌ﴾: پند و اندرز است.
- ۱۴- ﴿حُبُّ الشَّهَوَاتِ﴾: تمایل به هوس‌های غریزی.
- ۱۴- ﴿الْمُقَنْطَرَةُ﴾: مال فراوان.
- ۱۴- ﴿الْمُسَوِّمَةُ﴾: نشانی دار یا بزرگ و زیبا.
- ۱۴- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، بز و گوسفند.
- ۱۴- ﴿وَالْحَرْثِ﴾: کشتزار.
- ۱۴- ﴿حُسْنُ الْمَأْثَبِ﴾: مرجع نیکو، بازگشت به جنت.
- ۱۷- ﴿الْقَنَتَيْنِ﴾: فرمان‌برداران در برابر او تعالی.
- ۱۷- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: در آخرهای شب تا سپیده‌دم.
- ۱۸- ﴿قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾: مجری عدالت در همه موارد.
- ۱۹- ﴿الَّذِينَ﴾: فرمانبرداری و طاعت مورد رضایت خدا، یا شریعت مورد قبول او.
- ۱۹- ﴿الْإِسْلَامُ﴾: اقرار و تصدیق به وحدانیت خدا و عمل به شریعت اوست.
- ۱۹- ﴿بَغْيًا﴾: از حسادت و طلب ریاست.
- ۲۰- ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ﴾: خود را به خلوص نیت به خدا تسلیم کردم یا عبادتم خاص برای اوست.
- ۲۰- ﴿وَالْأُمِّيَّانَ﴾: مشرکین عرب.
- ۲۲- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: اعمال آنها بطلان پذیرفت و بی‌ثمر ماند.
- ۲۴- ﴿غَرَّهُمْ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام انداخت.
- ۲۴- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: افتراء می‌کردند.
- ۲۷- ﴿تَوَلَّجَ﴾: داخل می‌کنی.

- ۲۷- ﴿بَغِیْرٍ حِسَابٍ﴾: بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.
- ۲۸- ﴿أَوْلِیَاءَ﴾: همراه، دوستدار، یار و یاور.
- ۲۸- ﴿تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَلَّةٌ﴾: از آنها حذر داشتید، خود را از شرشان حفظ کنید به زبان تظاهر به دوستی نمایید.
- ۲۸- ﴿يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾: خدا شما را از غضب و عذاب خود می ترساند.
- ۳۰- ﴿مُحْضَرًا﴾: آن را در نامه اعمال خود مشاهده می کند.
- ۳۳- ﴿ءَالِ عِمْرَانَ﴾: عیسی و مادرش مریم دختر عمران.
- ۳۵- ﴿مُحَرَّرًا﴾: آزاد و فارغ برای عبادت تو و خدمت بیت المقدس.
- ۳۶- ﴿أُعِیْذُهَا بِكَ﴾: او را به پناه و حفظ تو می سپارم.
- ۳۷- ﴿كَفَلَهَا زَكْرِيَّا﴾: خدا ذکریا را سرپرست و عهده دار مصالح مریم قرار داد.
- ۳۷- ﴿الْمِحْرَابِ﴾: اتاق عبادت او در بیت المقدس.
- ۳۷- ﴿أَئِنِّي لِكَ هَذَا﴾: چگونه یا از کجا این غذا به دست تو رسید.
- ۳۷- ﴿بَغِیْرٍ حِسَابٍ﴾: عطا و بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.
- ۳۹- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: به عیسی که بدون پدر و به گفتن «کن: ایجاد شو» آفریده شده است.
- ۳۹- ﴿حُصُورًا﴾: با این که توان آمیزش با زنها دارد اما از زهد و پاکدامنی از مقاربت با آنها اجتناب می کند.
- ۴۰- ﴿أَئِنِّي يَكُونُ﴾: چگونه یا از کجا می شود؟
- ۴۱- ﴿ءَايَةً﴾: نشانه باردار شدن همسرم تا شکرگزاری باشم.
- ۴۱- ﴿أَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ﴾: که نتوانی با مرد سخن بگویی بدون این که به تو آفتی رسیده باشد.
- ۴۱- ﴿إِلَّا رَمَزًا﴾: مگر به اشاره.
- ۴۱- ﴿سَبَّحَ بِالْعَشِيِّ﴾: از زوال تا غروب تسبیح بگو.
- ۴۱- ﴿إِلَّا بُكْرًا﴾: از طلوع صبح تا چاشت.

- ۴۳- ﴿أَقْنُتِ﴾: همواره به خلوص نیت طاعت و عبادت کن.
- ۴۴- ﴿يُقْتَوْنَ أَقْلَمَهُمْ﴾: بابت قرعه کشی تیرهای خود را انداختند.
- ۴۵- ﴿بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ﴾: به کلمه از خدا به گفتن لفظ «کن».
- ۴۵- ﴿وَجِيهًا﴾: دارای جاه، قدرت و شرف.
- ۴۶- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: در گهواره و شیرخوارگی پیش از زمان سخن گفتن.
- ۴۶- ﴿كَهَلًا﴾: زمان کمال قوتش، پس از فرود آمدن از آسمان.
- ۴۷- ﴿قَضَىٰ أُمْرًا﴾: چیزی را بخواهد یا آفرینش او را حتمی گرداند.
- ۴۸- ﴿الْكُتُبِ﴾: نوشتن با دست را به زیباترین شکل.
- ۴۸- ﴿الْحِكْمَةِ﴾: دانش یا گفتار و کردار نیک.
- ۴۹- ﴿أَخْلُقُ لَكُمْ﴾: بخاطر رد انکار شما، شکل و اندازه‌اش را می‌سازم.
- ۴۹- ﴿أُبْرِئُ الْأَكْمَةَ﴾: کور مادر زاد را بهبود می‌بخشم.
- ۴۹- ﴿مَا تَذَخَّرُونَ﴾: آنچه برای استفاده در آینده ذخیره می‌کنید.
- ۵۲- ﴿أَحْسَ﴾: به یقین دانست.
- ۵۲- ﴿الْحَوَارِیُّونَ﴾: دوستان نزدیک، یاران عیسی علیه السلام.
- ۵۴- ﴿مَكْرَ اللَّهِ﴾: خدا با تدبیر درست دسیسه ایشان را بی‌اثر ساخت.
- ۵۵- ﴿مُتَوَفِّیْكَ﴾: تو را با روح و جسمت بگیرم.
- ۵۹- ﴿مَثَلِ عِيسَى﴾: حالت و صفت شگفت انگیز او.
- ۶۰- ﴿الْمُمْتَرِّينَ﴾: شک و تردید کنندگان در حقانیت عیسی.
- ۶۱- ﴿تَعَالَوْا﴾: با عزم قاطع و اندیشه درست بیایید.
- ۶۱- ﴿نَبْتَهْلُ﴾: هر کدام از ما دروغگو باشد بر او لعنت می‌کنیم.
- ۶۴- ﴿كَلِمَةٍ سَوَاءٍ﴾: سخنی که بین ما و شما یکسان است یا همه ادیان در آن اتفاق دارند.
- ۶۷- ﴿كَانَ حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و به دین حق بود.

- ۶۷- ﴿مُسْلِمًا﴾ یکتاپرست یا فرمانبردار خدای متعال بود.
- ۶۸- ﴿وَلِیُّ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾: خدا مسلمانان را کمک می کند و به اعمال نیک آنها پاداش می دهد.
- ۷۱- ﴿لَمْ تَلْبِسُوْنَ...﴾: چرا حق و باطل را مخلوط می کنید یا پنهان می دارید.
- ۷۵- ﴿عَلِیْهِ قَائِمًا﴾: با فشار از او مطالبه نمایی.
- ۷۵- ﴿فِی الْأُمِّیِّنَ﴾: از اموال عرب هر چه به دست ما بیاید.
- ۷۵- ﴿سَبِیْلٌ﴾: ملامتی یا گناهی.
- ۷۷- ﴿لَا خَلَقَ لَهُمْ﴾: هیچ خیری نصیب آنها نمی شود یا قدر و منزلتی ندارند.
- ۷۷- ﴿لَا یَنْظُرُ إِلَیْهِمْ﴾: به آنها نیکی نمی کند و آنها را نمی بخشد.
- ۷۷- ﴿لَا یُزَكِّیْهِمْ﴾: آنها را از گناه پاک نمی سازد یا به نیکی یاد نمی کند.
- ۷۸- ﴿یَلْبُؤْنَ أَلْسِنَتَهُمْ﴾: حقایق تورات را می پوشانند و آنچه را تحریف کرده اند به زبان می آورند.
- ۷۹- ﴿الْحُكْمَ﴾: حکمت یا فهم و دانش.
- ۷۹- ﴿كُونُوا رَبَّنِیِّنَ﴾: در مورد دین دانشمند، فقیه و معلم باشید.
- ۷۹- ﴿تَذَرُسُونَ﴾: کتاب خدا را می خواندید.
- ۸۱- ﴿إِصْرِی﴾: عهد مرا.
- ۸۳- ﴿لَهُوَ أَسْلَمَ﴾: به او گردن نهاده و فروتنی کرده است.
- ۸۴- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب علیه السلام.
- ۸۵- ﴿الْإِسْلَامَ﴾: یکتا پرستی یا شریعت پیامبر ما صلی الله علیه و آله.
- ۸۸- ﴿لَا هُمْ یَنْظُرُونَ﴾: عذاب آنها یک لحظه هم به تأخیر نمی افتد.
- ۹۲- ﴿الْبِرَّ﴾: احسان و خیر کامل را.
- ۹۳- ﴿إِسْرَءِیْلَ﴾: یعقوب بن اسحاق علیه السلام.
- ۹۵- ﴿حَنِیْفًا﴾: مایل به دین حق.

- ۹۶- ﴿يَبْكَةً﴾: در مکه قرار دارد.
- ۹۹- ﴿تَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهید این راه مستقیم کج شود.
- ۱۰۱- ﴿مَنْ يَعْصِمِ بِاللَّهِ﴾: کسی که به خدا پناه ببرد یا به دین او چنگ بزند.
- ۱۰۲- ﴿حَقَّ ثُقَاتِهِ﴾: پرهیزگاری شایسته و لازم.
- ۱۰۳- ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾: به عهد خدا یا کتاب او یا دین او چنگ بزنید.
- ۱۰۳- ﴿شَفَا حُفْرَةٍ﴾: کناره پرتگاه.
- ۱۱۱- ﴿أَذَى﴾: ضرر اندک با دروغ یا تهدید.
- ۱۱- ﴿يُولُوكُمُ الْأَذْبَارَ﴾: از شما شکست می‌خورند و خوار می‌شوند.
- ۱۱۲- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آنها را در احاطه گرفته است یا به آنها چسبیده است.
- ۱۱۲- ﴿الذِّلَّةُ﴾: خواری و بی‌عزتی.
- ۱۱۲- ﴿تُفْفُوا﴾: یافت شوند.
- ۱۱۲- ﴿بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ﴾: به عهد او تعالی، مراد اسلام است.
- ۱۱۲- ﴿حَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾: عهد و پیمان مسلمانان.
- ۱۱۲- ﴿بَاءَوْ بِغَضَبٍ﴾: باز هم به قهر خدا که سزاوار آن بودند دچار شدند.
- ۱۱۲- ﴿الْمُسْكَنَةُ﴾: بخل و بینوایی در سرشت آنهاست.
- ۱۱۳- ﴿لَيْسُوا سَوَاءً﴾: اهل کتاب همه یکسان نیستند.
- ۱۱۳- ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ﴾: گروهی از آنها مستقیم و پابند حقند.
- ۱۱۶- ﴿لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ﴾: هرگز از آنها دور نمی‌کند.
- ۱۱۷- ﴿فِيهَا صِرٌّ﴾: در آن باد سرمای شدید یا گرمای سوزنده است.
- ۱۱۷- ﴿حَرَّتْ قَوْمٍ﴾: به کشت آنها.
- ۱۱۸- ﴿طَائِفَةٌ﴾: دوستانی که راز نهانی شما را دریابند.
- ۱۱۸- ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾: در تباه کردن دین شما کوتاهی نمی‌کنند.
- ۱۱۸- ﴿وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾: دوست دارند که شما به رنج و مشقت شدید گرفتار باشید.

- ۱۱۹- ﴿خَلَوْا﴾: رفتند، یا با یکدیگر تنها شدند.
- ۱۱۹- ﴿مِنَ الْغَيْظِ﴾: از خشم و غضب شدید.
- ۱۲۱- ﴿غَدَوْتُ﴾: صبحگاه از مدینه بیرون آمدی.
- ۱۲۱- ﴿تُبَوِّئُ﴾: آماده می کردی.
- ۱۲۱- ﴿مَقْعِدَ الْقِتَالِ﴾: میدان جنگ را در روز احد.
- ۱۲۲- ﴿أَنْ تَفْشَلَا﴾: که ناتوانی و بزدلی کنند.
- ۱۲۳- ﴿أَذِلَّةٌ﴾: ضعیف بودید، افراد کم و ساز و برگ نظامی اندک داشتید.
- ۱۲۴- ﴿أَنْ يُمَدَّكُمْ﴾: شما را تقویت کند و کمک رساند، روز بدر.
- ۱۲۵- ﴿يَا تُوكُمُ﴾: مشرکان بر شما هجوم بیاورند.
- ۱۲۵- ﴿فَوَرِهِمْ هَذَا﴾: شتابان در همین لحظه.
- ۱۲۵- ﴿مُسَوِّمِينَ﴾: خود یا اسبهایشان را با علایم خاص نشانی کرده اند.
- ۱۲۷- ﴿لِيَقْطَعَ طَرَفًا﴾: تا خدا گروهی را منهدم کند.
- ۱۲۷- ﴿يَكْتَبُهُمْ﴾: آنها را منهزم، رسوا و اندهگین سازد.
- ۱۳۰- ﴿مُضْعَفَةً﴾: چند برابر، کم و بیش ربا حرام است.
- ۱۳۴- ﴿السَّرَّاءِ وَالْضَّرَّاءِ﴾: توانگری و تنگدستی.
- ۱۳۴- ﴿وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ﴾: آنها بر خشم خود تسلط دارند.
- ۱۳۵- ﴿فَعَلُوا فُجْرَةً﴾: گناه بزرگی در منتهای قباح و زشتی انجام بدهند.
- ۱۳۷- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته و سپری شده است.
- ۱۳۷- ﴿سُنَّ﴾: حوادثی در مورد ملت های که پیامبران را تکذیب کردند.
- ۱۳۹- ﴿لَا تَهْنُوا﴾: در جنگ با دشمنان ناتوانی نکنید.
- ۱۴۰- ﴿قَرْحٌ﴾: جراحی در احد.
- ۱۴۰- ﴿قَرْحٌ مِّثْلَهُ﴾: جراحی مانند آن در بدر.
- ۱۴۰- ﴿نُدَاوِلُهَا﴾: این روزها را به حالت های مختلف بر می گردانیم.

- ۱۴۱- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا از گناه پاک گردند.
- ۱۴۱- ﴿يُمَحِّقُ﴾: نابود و ریشه کن سازد.
- ۱۴۵- ﴿كِتَبًا مُّوَجَّلًا﴾: وقت مرگ هر کس معین و نوشته است.
- ۱۴۶- ﴿وَكَايْنٍ مِّن نَّيِّ﴾: بسیاری از پیامبران.
- ۱۴۶- ﴿رَبِّيُّونَ﴾: علما فقها یا گروه‌های بسیار.
- ۱۴۶- ﴿فَمَا وَهَنُوا﴾: عاجز و ناتوان نشدند یا بزدل نگردیدند.
- ۱۴۶- ﴿مَا أَسْتَكَانُوا﴾: از دشمنان خود خواری و ذلت نکشیدند.
- ۱۵۰- ﴿اللَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: تنها خدا یار و یاور شماست.
- ۱۵۱- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس را.
- ۱۵۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- ۱۵۱- ﴿مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾: جای اقامت ستمگران.
- ۱۵۲- ﴿حُسُونَهُمْ﴾: آنها را به سرعت می‌کشتید.
- ۱۵۲- ﴿فَشِلْتُمْ﴾: از دشمن ترسیدید و بزدل شدید.
- ۱۵۲- ﴿لِيَبْتَلِيَكُمْ﴾: تا صبر و ثبات شما را امتحان کند.
- ۱۵۳- ﴿نُصْعِدُونَ﴾: در وادی احد فرار می‌کردید.
- ۱۵۳- ﴿وَلَا تَلْوُونَ﴾: به هیچ کس توجه نمی‌کردید.
- ۱۵۳- ﴿فَأَتْبَعَكُمْ﴾: پس خدا جزای نافرمانی شما را داد.
- ۱۵۳- ﴿غَمًّا بَغَمٍ﴾: غم در پی غم.
- ۱۵۴- ﴿أَمْنَةً﴾: امنیت، بدون ترس و بیم.
- ۱۵۴- ﴿تُعَاسًا﴾: آرامش یا خواب سبک.
- ۱۵۴- ﴿يَغْشَى﴾: مانند پوشش و پرده می‌پوشاند.
- ۱۵۴- ﴿لَبَرَزَ﴾: حتماً بیرون می‌آمدند.
- ۱۵۴- ﴿مَضَاجِعِهِمْ﴾: قتلگاه‌های خویش که خدا معین کرده است.

- ۱۵۴- ﴿لِيَبْتَلِيَ﴾: تا خدا امتحان کند.
- ۱۵۴- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا پاک و خالص گرداند یا آشکار سازد.
- ۱۵۵- ﴿أَسْزَلَهُمُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان با وسوسه‌های خود آنها را به لغزش انداخت.
- ۱۵۶- ﴿صَرَبُوا﴾: برای تجارت یا کار دیگر به مسافرت رفتند و مردند.
- ۱۵۶- ﴿غُرِّي﴾: به صف مجاهدین پیوستند و شهید شدند.
- ۱۵۹- ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ﴾: به سبب مهربانی بسیاری که.
- ۱۵۹- ﴿لَئِنْ لَّهُمْ﴾: با آنها به اخلاق نیکو رفتار نمودی و درستی نکردی.
- ۱۵۹- ﴿فَطَّأ﴾: تند و خشین در گفتار و کردار.
- ۱۵۹- ﴿لَا نَفْضُوا﴾: مردم بیزار و پراکنده می‌شدند.
- ۱۶۰- ﴿فَلَا غَالِبَ لَكُمْ﴾: کس نتواند شما را شکست دهد و بر شما چیره شود.
- ۱۶۱- ﴿يَعْلُ﴾: به غنیمت خیانت کند.
- ۱۶۲- ﴿بَاءَ بِسَخَطٍ﴾: غرق امواج خشم خدا بازگشت.
- ۱۶۴- ﴿يُزَكِّهِمْ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.
- ۱۶۵- ﴿أَتَىٰ هَذَا﴾: این شکست و خواری از کجا به ما روی آورد.
- ۱۶۸- ﴿فَادْرَعُوا﴾: پس دور کنید.
- ۱۷۲- ﴿أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ﴾: روز احد زخمی شده بودند.
- ۱۷۸- ﴿أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ﴾: به کافران که مهلت می‌دهیم.
- ۱۷۹- ﴿يُجْتَبَىٰ﴾: انتخاب می‌کند.
- ۱۸۰- ﴿سَيُطَوَّقُونَ﴾: به زودی طوق گردنشان خواهد شد.
- ۱۸۳- ﴿عَهْدَ الْيَنَّا﴾: خدا در تورات به ما دستور داده و سفارش کرده است.
- ۱۸۳- ﴿يَقْرُبَانِ﴾: قربانی، عمل نیکی که به وسیله آن به دربار خدا تقرب جویند.
- ۱۸۴- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتابهای پند آمیز.
- ۱۸۵- ﴿عَنِ النَّارِ زُجْرَ﴾: از دوزخ دور داشته شود.

- ۱۸۵- ﴿الْغُرُورُ﴾: فریبنده یا ناچیز و ناپایدار.
- ۱۸۶- ﴿لُتْلُوتٌ﴾: بدون شک با گرفتاری به محنتها مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرید.
- ۱۸۷- ﴿فَنَبَذُوهُ﴾: پس آن عهد را بی اعتنا به دور انداختند.
- ۱۸۸- ﴿بِمَفَازَةٍ﴾: نجات و رهایی.
- ۱۹۱- ﴿بِطِلَالٍ﴾: بیهوده و عاری از حکمت.
- ۱۹۱- ﴿فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾: پس ما را از عذاب دوزخ حفظ نما.
- ۱۹۲- ﴿أَخْزَيْتَهُ﴾: رسوا، حقیر و تباهش ساخته ای.
- ۱۹۳- ﴿مُنَادِيًا﴾: پیامبر اکرم یا قرآن کریم.
- ۱۹۳- ﴿ذُنُوبَنَا﴾: گناهان کبیره ما را.
- ۱۹۳- ﴿كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا﴾: گناهان صغیره ما را محو کن.
- ۱۹۶- ﴿لَا يَغُرَّتْكَ﴾: تو را فریب ندهد.
- ۱۹۶- ﴿تَقَلُّبُ﴾: جنب و جوش و کسب و کار.
- ۱۹۷- ﴿مَتَعٌ قَلِيلٌ﴾: روزی ناپایدار و نعمت نابود شدنی.
- ۱۹۷- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بد است.
- ۱۹۸- ﴿نُزُلًا﴾: ضیافتی، مهمان داری و پاداشی است.
- ۲۰۰- ﴿صَابِرُوا﴾: با صبر و ثبات بر دشمنان پیروز شوید.
- ۲۰۰- ﴿رَابِطُوا﴾: آماده جهاد شوید و از مرزهای سرزمین اسلامی مواظبت نمایید.

سورة نساء

- ۱- ﴿بَثَّ مِنْهُمَا﴾: از آدم و همسرش با ایجاد نسل، پراکنده ساخت.
- ۱- ﴿الْأَرْحَامُ﴾: از قطع پیوند و محبت خویشاوندان پرهیزید.
- ۱- ﴿رَقِيبًا﴾: آگاه یا مراقب اعمال شماست.

- ۲- ﴿حُوبًا كَبِيرًا﴾: گناهی بزرگ یا ستمی بزرگ است.
- ۳- ﴿أَلَا تُقْسِطُوا﴾: این که عدالت و انصاف نکنید.
- ۳- ﴿مَا طَابَ لَكُمْ﴾: آنچه به شما حلال است.
- ۳- ﴿رُبْع﴾: چهار زن، زیاد از چهار حرام است.
- ۳- ﴿أَلَا تَعْدِلُونَ﴾: که در نفقه و حقوق دیگر نمی‌توانید عدالت کنید.
- ۳- ﴿ذَلِكَ أَذَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾: این نزدیک‌تر به ترک ستمکاری است یا که زن و فرزندان زیاد نگردد.
- ۴- ﴿صَدَقْتِهِنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۴- ﴿نِحْلَةً﴾: به عنوان فریضه یا بخشش.
- ۴- ﴿هَنِيئًا مَّرِيًّا﴾: حلال و خوشگوار با فرجام نیکو.
- ۵- ﴿قِيَمًا﴾: مایه آراستگی اسباب زندگانی و خیر و صلاح امور شما.
- ۶- ﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَى﴾: یتیمان را قبل از بلوغ بیازمایید، آیا راه استفاده مناسب از اموال خود را می‌دانند.
- ۶- ﴿ءَأَنْتُمْ﴾: دریافتید.
- ۶- ﴿رُشْدًا﴾: راه استفاده درست از اموال خود را.
- ۶- ﴿بِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا﴾: به شتاب از ترس این که بزرگ شوند و به حد رشد برسند.
- ۶- ﴿فَلَيْسَتْ غَفًّا﴾: از خوردن اموال آنها امتناع ورزد.
- ۶- ﴿حَسِيًّا﴾: محاسب یا شاهد اعمال شماست.
- ۷- ﴿مَفْرُوضًا﴾: واجب یا معین و قطعی.
- ۹- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: گفتار خوب یا درست و عادلانه.
- ۱۰- ﴿سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾: به زودی به آتش شعله‌ور و هول انگیز درآیند.
- ۱۱- ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ﴾: خدا به شما دستور می‌دهد و معین می‌کند.
- ۱۱- ﴿فَرِيضَةً﴾: بر شما فرض است.

- ۱۲- ﴿كَذَلِكُمْ﴾: متوفای که نه فرزند دارد و نه پدر.
- ۱۳- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: احکام، شریعت و فرموده خداست.
- ۱۷- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: از روی نادانی، هر نافرمان جاهل است.
- ۱۹- ﴿كَرَهَا﴾: بدون خوشی و رضایت‌شان.
- ۱۷- ﴿لَا تَعْضُلُوهُمْ﴾: به قصد ضرر رساندن به آنها، مانع ازدواج‌شان نشوید.
- ۱۷- ﴿بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾: گناه آشکار، ناسازگاری، خوی بد یا زنا.
- ۲۰- ﴿بُهْتَنًا﴾: به باطل و ستم.
- ۲۱- ﴿أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ...﴾: از یکدیگر کام گرفته‌اید، به مقاربت جنسی یا خلوت صحیح.
- ۲۱- ﴿مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾: عهد استوار.
- ۲۲- ﴿مَقْتًا﴾: نهایت ناپسندی و پستی است.
- ۲۳- ﴿رَبِّبُكُمْ﴾: دختران همسران از شوهر دیگر آنها.
- ۲۳- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما گناه محسوب نمی‌شود.
- ۲۳- ﴿حَلِيلٍ أَبْنَائِكُمْ﴾: همسران پسرهاتان.
- ۲۴- ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان شوهردار.
- ۲۴- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: پاکدامنان.
- ۲۴- ﴿غَيْرِ مُسْلِفِينَ﴾: نه به زنا.
- ۲۴- ﴿أَجُورَهُنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۲۵- ﴿طَوْلًا﴾: ثروت و توان مالی.
- ۲۵- ﴿الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان آزاد.
- ۲۵- ﴿فَتَيِّبَتِكُمْ﴾: کنیزان خود.
- ۲۵- ﴿مُحْصَنَاتٍ﴾: پاکدامنان.
- ۲۵- ﴿غَيْرِ مُسْلِفَحَاتٍ﴾: نه کنیزانی که به طور آشکار دست به زنا می‌زنند.
- ۲۵- ﴿لَا مُتَّخِذَاتٍ أَحْدَانٍ﴾: نه کنیزانی که دوستان نهانی برای زنا می‌گیرند.

- ۲۵- ﴿خَشِيَ الْعَنَتَ﴾: از زنا و یا از ملوث شدن به این گناه بترسد.
- ۲۶- ﴿سُنَنَ﴾: راهها و شیوه‌های.
- ۲۹- ﴿بِالْبَطْلِ﴾: به ناحق و مخالف حکم پروردگار.
- ۳۰- ﴿نُضْلِيهِ نَارًا﴾: او را در دوزخ می‌افکنیم.
- ۳۱- ﴿سَيِّئَاتِكُمْ﴾: گناهان صغیره شما را.
- ۳۱- ﴿مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾: جای خوب جنت.
- ۳۳- ﴿جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ﴾: عصبه و وارثانی قرار دادیم که از اموال متوفّا ارث بگیرند.
- ۳۳- ﴿الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَنُكُمْ﴾: کسانی که با آنها عهد بسته‌اید که از هم میراث بگیرید، این به نزد جمهور منسوخ است.
- ۳۴- ﴿قَوْمُونَ عَلَىٰ النِّسَاءِ﴾: مدبر امور و سرپرست زنان هستند مثل حمایت و سرپرستی فرمانروایان مصلح از عامه مردم.
- ۳۴- ﴿قَلْبَتَتْ﴾: فروتن و فرمانبردار در برابر خدا و شوهر.
- ۳۴- ﴿حَفِظْتُ لِلْغَيْبِ﴾: ناموس و ثروت شوهر را در غیاب او حفظ می‌کنند.
- ۳۴- ﴿بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾: زنان نیز بالای شوهران خویش حقوقی دارند.
- ۳۴- ﴿نُشُورُهُنَّ﴾: ناسازگاری و برتری جویی آنها را.
- ۳۶- ﴿الْجَارِ الْجُنْبِ﴾: همسایه‌ای که خویشاوند نزدیک نیست یا منزلش دورتر است.
- ۳۶- ﴿الصَّاحِبِ بِالْجُنْبِ﴾: همنشین نیکو.
- ۳۶- ﴿أَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافر یا مهمان.
- ۳۶- ﴿مُخْتَالًا﴾: متکبر خود پسند.
- ۳۶- ﴿فَخُورًا﴾: کسی که به هنر و کارهای نیک خود افتخار و تکبر کند.
- ۳۸- ﴿رِثَاءَ النَّاسِ﴾: برای این که مردم ببینند و بشنوند نه به رضای خدا.
- ۴۰- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا گرد و غبار.
- ۴۲- ﴿لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ﴾: با خاک یکسان می‌بودند و مبعوث نمی‌شدند.

- ۴۳- ﴿غَابِرِی سَبِیلٍ﴾: مسافرهایی که آب نیابند تیمم می کنند.
- ۴۳- ﴿الْغَاطِطِ﴾: جای قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- ۴۳- ﴿لَمْ تَسْتُمْ لِّلِسَاءِ﴾: با آنها مقاربت انجام دهید یا به بدن آنها دست بمالید.
- ۴۳- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک یا زمین پاک.
- ۴۶- ﴿يُخْرِفُونَ الْكَلِمَ﴾: سخنان را تغییر می دهند یا به باطل تأویل می کنند.
- ۴۶- ﴿وَأَسْمَعَ غَيْرَ مُسْمَعٍ﴾: و بشنو که هیچ نشنویی، یهود به این سخن قصد نفرین او ﷺ را داشت.
- ۴۶- ﴿رَاعِنَا﴾: یهود این جمله را به قصد دشنام و کم و کاست نشان دادن پیامبر می گفت.
- ۴۶- ﴿لَيَّا بِالسِّتِيهِمْ﴾: طوری به زبان می آوردند که معنی ناشایست می داد.
- ۴۶- ﴿أَقْوَمَ﴾: شایسته تر و درست تر.
- ۴۷- ﴿نَظْمَسَ وَجُوهًا﴾: آثار چهره ها را محو کنیم یا آنها را در گمراهی بگذاریم.
- ۴۹- ﴿يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را می ستایند که از گناه پاکند.
- ۴۹- ﴿فَتِيْلًا﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.
- ۵۱- ﴿بِالْحَبِیَّتِ وَالطَّغُوتِ﴾: به بت و طاغوت، هر چه غیر از خدا مورد پرستش قرار گیرد.
- ۵۳- ﴿نَقِيرًا﴾: به اندازه فرو رفتگی پشت هسته خرما.
- ۵۶- ﴿نُضْلِيهِمْ نَارًا﴾: آنها را در آتش هول انگیز داخل و بریان می کنیم.
- ۵۶- ﴿نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ﴾: پوست تن آنها بسوزد و نابود گردد.
- ۵۷- ﴿ظَلِيلًا﴾: سایه مداوم با هوای متعادل.
- ۵۸- ﴿تُؤَدُّوْا الْأَمْنَتِ﴾: حقوق خدا و بندگان او را ادا کنید.
- ۵۸- ﴿نِعْمًا يَعْظَكُم بِهِ﴾: خدا با این چیزها شما را چه نیکو اندرز می دهد.
- ۵۹- ﴿أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾: فرجامش نیکوتر و عاقبتش ستوده تر است.
- ۶۰- ﴿الطَّغُوتِ﴾: یهودی گمراه، کعب بن اشرف.

- ۶۱- ﴿يَصُدُّونَ عَنْكَ﴾: منافقان از آمدن نزد تو اعراض می کنند.
- ۶۵- ﴿شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾: در اختلافات خود که حکمش بر آنها پوشیده است.
- ۶۵- ﴿حَرَجًا﴾: دلتنگی یا شک.
- ۶۶- ﴿أَشَدَّ تَثْبِيتًا﴾: موجب ثبات و پایداری ایمان آنها می شد.
- ۷۱- ﴿خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾: مسلح شوید یا در برابر دشمن بیدار و هوشیار باشید.
- ۷۱- ﴿فَأَنْفِرُوا ثُبَاتٍ﴾: به صورت گروه‌ها و دسته‌های جداگانه و با ثبات به جهاد حرکت کنید.
- ۷۲- ﴿لِيُطَيَّنَ﴾: سستی و تنبلی می کند یا روحیه جهاد را ضعیف می نماید.
- ۷۴- ﴿يَشْرُونَ﴾: می فروشند، مؤمنان.
- ۷۶- ﴿الطُّغُوتِ﴾: شیطان، راه آن کفر است.
- ۷۷- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.
- ۷۸- ﴿بُرُوجٍ﴾: پناهگاه‌ها و قلعه‌ها یا قصرها.
- ۷۸- ﴿مُشِيدَةً﴾: محکم یا بسیار بلند.
- ۸۰- ﴿حَفِيطًا﴾: حافظ، مراقب اعمال آنها.
- ۸۱- ﴿بَرَزُوا﴾: بیرون رفتند.
- ۸۱- ﴿بَيْتَ طَافِقَةٍ﴾: گروهی در جلسات شبانه تصمیم مزورانه می گیرند.
- ۸۳- ﴿أَذَاعُوا بِهِ﴾: آن را فاش و شایع می سازند، این کار مایه زیان و فساد است.
- ۸۳- ﴿يَسْتَنْبِطُونَهُ﴾: افشاگران تدبیر و تحلیل آن را به دست می آوردند که کدام خبر قابل نشر است یا از راست و دروغ بودن آن آگاه می شدند.
- ۸۴- ﴿بَأْسٍ﴾: زور و قدرت.
- ۸۴- ﴿أَشَدُّ بَأْسًا﴾: دارای بزرگترین قدرت است.
- ۸۴- ﴿أَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾: عذاب و انتقام او تعالی شدیدتر است.
- ۸۵- ﴿كَفُلٍ مِّنْهَا﴾: سهمی از آن گناه.

- ۸۵- ﴿مُقِيتًا﴾: توانا یا حافظ است.
- ۸۶- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب، پاداش دهنده یا شاهد.
- ۸۸- ﴿أَرْكَسَهُم﴾: خدای متعال آنها را سرنگون ساخته و به حکم کفر برگردانده است.
- ۹۰- ﴿حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ﴾: دلتنگ شده‌اند.
- ۹۰- ﴿الْسَّلَمَ﴾: صلح را.
- ۹۱- ﴿أَرْكَسُوا فِيهَا﴾: به زشت‌ترین حالت در فتنه سرنگون می‌شوند.
- ۹۱- ﴿ثَقِفْتُمُوهُمْ﴾: آنها را یافتید یا بر آنها تسلط پیدا کردید.
- ۹۴- ﴿ضَرَبْتُمْ﴾: سفر کردید.
- ۹۴- ﴿الْسَّلَمَ﴾: اظهار اسلام یا سلام مسلمانی.
- ۹۵- ﴿عَرَضَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا﴾: غنیمت را که نعمت نابود شدنی است.
- ۹۵- ﴿غَيْرِ أُولِي الضَّرَرِ﴾: بدون کسانی که عذر خاصی، مانع رفتن‌شان به جهاد می‌گردد.
- ۱۰۰- ﴿مُرَاعِمًا﴾: اقامت گاهی که در آنجا رود.
- ۱۰۱- ﴿يَفْتَنَنَّكُمْ﴾: به شما رنج و اندوه برساند.
- ۱۰۲- ﴿جَذَرَهُمْ﴾: خود را از دشمن حفظ نمایند.
- ۱۰۲- ﴿تَعْفُلُونَ﴾: غافل شوید.
- ۱۰۳- ﴿كِتَبًا مَوْقُوتًا﴾: فرض است، اوقات معینی دارد.
- ۱۰۴- ﴿لَا تَهِنُوا﴾: سستی و ناتوانی نکنید.
- ۱۰۵- ﴿خَصِيمًا﴾: مدافع آنها.
- ۱۰۷- ﴿يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: با ارتکاب گناه به خود خیانت می‌کنند.
- ۱۰۸- ﴿يُبَيِّتُونَ﴾: در دل شب توطئه می‌کنند.
- ۱۰۹- ﴿وَكِيلًا﴾: حافظ و نجات دهنده از عذاب خدا.
- ۱۱۲- ﴿بُهْتَنًا﴾: دروغ بسیار زشت.

- ۱۱۴- ﴿تَجْوِهُمْ﴾: سخنانی که پنهانی و سری به یکدیگر می‌گویند.
- ۱۱۵- ﴿يُشَاقِقِ الرَّسُولَ﴾: با پیامبر مخالفت می‌کند.
- ۱۱۵- ﴿نُؤْيِهِ مَا تَوَلَّى﴾: او را به روشی که اختیار کرده است رها می‌سازیم.
- ۱۱۵- ﴿نُضْلِهِ جَهَنَّمَ﴾: او را به دوزخ وارد می‌کنیم، در آن جا کباب می‌شود.
- ۱۱۷- ﴿إِنثَاءً﴾: بت‌های را که مانند زنان زینت می‌کنند.
- ۱۱۷- ﴿شَيْطَانًا مَّرِيدًا﴾: شیطان سرکش و عاری از خیر.
- ۱۱۸- ﴿مَفْرُوضًا﴾: تعداد معینی را به گمراهی و کفر می‌کشانم.
- ۱۱۹- ﴿فَلْيَبْتَئَنَّ﴾: تا قطع کنند یا بشکافند.
- ۱۱۹- ﴿خَلَقَ اللَّهُ﴾: آفرینش خدا را، مراد دین خداست.
- ۱۲۰- ﴿غُرُورًا﴾: فریب و ناچیز.
- ۱۲۱- ﴿مَحِيصًا﴾: جای فرار، پناهگاهی و جای برگشتی.
- ۱۲۲- ﴿قِيلًا﴾: سخن.
- ۱۲۴- ﴿تَفِيرًا﴾: اندازه فرورفتگی کوچک در پشت هسته خرما.
- ۱۲۵- ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: بدون ریا تسلیم امر خدا شده یا به اخلاص به عبادت خدا روی آورده است.
- ۱۲۵- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و متمایل به دین حق.
- ۱۲۷- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در میراث و اموال.
- ۱۲۸- ﴿بَعْلَهَا﴾: شوهرش.
- ۱۲۸- ﴿نُشُورًا﴾: به ستم از او دوری گزیند.
- ۱۲۸- ﴿الشُّحَّ﴾: بخل آمیخته به حرص.
- ۱۲۹- ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: که در محبت و میل خاطر عدالت کنید.
- ۱۳۰- ﴿مِنْ سَعْيِهِ﴾: از فضل و از ثروت بی‌پایانش.
- ۱۳۲- ﴿وَكَيْلًا﴾: آگاه یا مدافع یا برپادارنده جهان است.

- ۱۳۵- ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: تا زشتی‌های عدول از حق دامنگیرتان نشود.
- ۱۳۵- ﴿تَلَوْا﴾: در ادای شهادت از حق انحراف نمایید.
- ۱۳۵- ﴿تُعْرَضُوا﴾: شخصاً شهادت ادا نکنید.
- ۱۳۹- ﴿الْعِزَّةُ﴾: نیروی دفاعی، قدرت و پیروزی.
- ۱۴۱- ﴿يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ﴾: مراقب هستند چه حوادثی به شما پیش می‌آید.
- ۱۴۱- ﴿فَتَحُّ﴾: پیروزی و غنیمت.
- ۱۴۱- ﴿أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ﴾: آیا ما نمی‌توانستیم با مسلمان‌ها همدست شویم و بر شما تسلط یابیم اما ما شما را نجات دادیم.
- ۱۴۳- ﴿مُذَبِّينَ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: متردد بین کفر و ایمان.
- ۱۴۴- ﴿سُلْطَنًا مُّبِينًا﴾: دلیل آشکار برای تعذیب خود.
- ۱۴۵- ﴿الَّذِي الْأَسْفَلِ﴾: طبقه‌ای که در عمق جهنم است.
- ۱۵۳- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار به چشم.
- ۱۵۳- ﴿الصَّعِقَةَ﴾: آتش یا آوازی از آسمان.
- ۱۵۴- ﴿لَا تَعْدُوا فِي الْأَسْبَتِ﴾: با شکار ماهی در روز شنبه، دست به تجاوز نزنید.
- ۱۵۴- ﴿مَيِّتًا غَلِيظًا﴾: عهد و پیمان محکم به اطاعت از خدا.
- ۱۵۵- ﴿فُلُوبُنَا غُلْفٌ﴾: دل‌های ما از آفرینش در غلاف و پرده‌اند سخنان تو را نمی‌فهمند.
- ۱۵۵- ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا﴾: خدا بر دل‌های آنها مهر زده و از درک حقایق مانع شده است.
- ۱۵۶- ﴿بُهْتَنًا عَظِيمًا﴾: دروغ و تهمتی بسیار زشت.
- ۱۵۷- ﴿شِبْهَ لَهُمُ﴾: مقتول شبیه عیسی شد.
- ۱۶۲- ﴿وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ﴾: و نمازگزاران را به نیکویی یاد می‌کنیم.
- ۱۶۳- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب علیه السلام.
- ۱۶۳- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی که سراسر پند و حکمت است.

- ۱۷۱- ﴿لَا تَغْلُوا﴾: افراط نکنید و از حد تجاوز ننمایید.
- ۱۷۱- ﴿الْمَلَكُوتُ﴾: کلمه اوست، به کلمه «کن: ایجاد شو» بدون پدر و نطفه خلق شد.
- ۱۷۱- ﴿وَرُوحٌ مِّنْهُ﴾: دارای روح از امر خدا، مانند سایر ارواح مخلوق اوست.
- ۱۷۲- ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ﴾: مسیح هرگز از بندگی خدا ننگ ندارد، برتری نمی جوید و تکبر نمی ورزد.
- ۱۷۴- ﴿بُرْهَنٌ﴾: رسول خدا.
- ۱۷۴- ﴿نُورًا مُّبِينًا﴾: قرآن کریم.
- ۱۷۶- ﴿الْكَالِلَةِ﴾: متوفایی که پدر و فرزند ندارد.

سوره مائده

- ۱- ﴿بِالْعُقُودِ﴾: به عهد و پیمان های مؤکد.
- ۱- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گوسفند، بز و گاو.
- ۱- ﴿غَيْرِ مُحِلِّ الصَّيْدِ﴾: شکار حرام است، حلالش نشمارید.
- ۱- ﴿أَنْتُمْ حُرُمٌ﴾: که شما در حال احرام حج یا عمره باشید.
- ۲- ﴿لَا تُحِلُّوا﴾: بی حرمتی نکنید.
- ۲- ﴿شَعَائِرَ اللَّهِ﴾: مناسک حج یا نشانه های دین خدا را.
- ۲- ﴿الشَّهْرَ الْحَرَامِ﴾: ماه های چهارگانه حرام را.
- ۲- ﴿الْهَدْيِ﴾: چارپایی را که برای قربانی به کعبه فرستند.
- ۲- ﴿الْقَلْبِدِ﴾: آنچه قربانی را با آن نشانی کنند.
- ۲- ﴿لَا أَمِّينَ الْبَيْتِ﴾: نه کسانی را که به قصد حج و عمره برای زیارت خانه خدا روان می شوند.
- ۲- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکند.

- ۲- ﴿شَنَآنُ قَوْمٍ﴾: کینه شما نسبت به آنها.
- ۳- ﴿الْدَّم﴾: خون جاری.
- ۳- ﴿لَحْمُ الْخَنزِيرِ﴾: همه اجزای بدن خوک.
- ۳- ﴿مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: آنچه هنگام ذبح آن، نام غیر خدا ذکر شود.
- ۳- ﴿الْمُنْحَنِقَةُ﴾: حیوانی که خفه شده باشد.
- ۳- ﴿وَالْمَوْقُوذَةُ﴾: حیوانی که به اثر زدن بمیرد.
- ۳- ﴿وَالْمُتَرَدِّیَّةُ﴾: حیوانی که به اثر سقوط از بلندی مرده باشد.
- ۳- ﴿وَالطَّيْحَةُ﴾: جانوری که به شاخ زدن حیوان دیگری مرده باشد.
- ۳- ﴿مَا أَكَلَ السَّبْعُ﴾: جانوری که درنده‌ای قسمتی از بدن او را بخورد و او از اثر همین زخم بمیرد.
- ۳- ﴿مَا ذَكَّيْتُمْ﴾: حیوانی که قبل از مردنش به او برسید و ذبحش کنید.
- ۳- ﴿الْأُصْبِ﴾: سنگ‌های بود پیرامون کعبه که به آنها تعظیم می‌کردند.
- ۳- ﴿تَسْتَفْسِمُوا﴾: بخواهید که قسمت و سهم خویش را بدانید.
- ۳- ﴿بِالْأَزْلَمِ﴾: به وسیله تیرهای نشانی شده که در جاهلیت معروف بود.
- ۳- ﴿ذَالِكُمْ فِسْقٌ﴾: این همه خروج از طاعت خداست.
- ۳- ﴿أَضْطَرُّ﴾: ضرورت ناچارش ساخت که از آن تناول کند.
- ۳- ﴿مُحْمَصَةً﴾: گرسنگی شدید.
- ۳- ﴿غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِآثِمٍ﴾: با تمایل به گناه از حد نیاز تجاوز نکند.
- ۴- ﴿الطَّيِّبَتْ﴾: آنچه خدا خوردن آن را اجازه داده است.
- ۴- ﴿الْجَوَارِحِ﴾: حیوانات شکاری از درندگان و پرندگان.
- ۴- ﴿مُكَلِّبِينَ﴾: در حالی که به آنها شکار آموخته‌اید.
- ۵- ﴿طَعَامٌ﴾: آنچه یهود و نصاری سر ببرند.
- ۵- ﴿الْمُحْصَنَتِ﴾: زنان پاکدامن یا آزاد.

- ۵- ﴿أُجُورُهُنَّ﴾: مهر آنان را.
- ۵- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: به این ازدواج جویای عفت باشید.
- ۵- ﴿غَيْرُ مُسْلِفِينَ﴾: نه به زنا آشکار.
- ۵- ﴿لَا تُتَّخِذِي أَخْدَانٍ﴾: دوستان نهانی برای زنا نگیرد.
- ۵- ﴿يَكْفُرُ بِالْإِيمَنِ﴾: به شریعت اسلام انکار ورزد.
- ۵- ﴿حَبِطَ عَمَلُهُ﴾: ثواب اعمال سابقش باطل است.
- ۶- ﴿الْعَاطِي﴾: محل قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- ۶- ﴿لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ﴾: با زنان مقاربت کردید یا به بدن و چهره آنها دست زدید.
- ۶- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک پاک یا زمین پاک.
- ۶- ﴿حَرْجٍ﴾: سختگیری در دین.
- ۷- ﴿مِيثَاقَهُ﴾: عهد او را.
- ۸- ﴿شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت شهادت دهید.
- ۸- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکنند.
- ۸- ﴿شَتَّانُ قَوْمٍ﴾: دشمنی با آنها.
- ۱۱- ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ﴾: برای کشتن و تباه کردن شما حمله‌ور شوند.
- ۱۲- ﴿نَقِيبًا﴾: سرپرست امین.
- ۱۲- ﴿عَزَّزْتُموهُمْ﴾: به آنها کمک کردید یا تعظیم نمودید.
- ۱۲- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: وام نیکو به طیب خاطر برای رضای خدا.
- ۱۳- ﴿يُحْرِفُونَ الْكَلِمَ﴾: یهودیان تورات را تغییر می‌دهند یا آن را به باطل تأویل می‌کنند.
- ۱۳- ﴿نَسُوا حَظًّا﴾: بخش وافر را فراموش کردند.
- ۱۳- ﴿خَائِنَةً﴾: غدر و عمل خاینانه.
- ۱۴- ﴿فَأَعْرَبْنَا﴾: بر انگیزتیم، افکندیم یا چسباندیم.

- ۱۵- ﴿نُورٌ﴾: رسول خدا.
- ۱۹- ﴿فَتَرَقَّ﴾: فاصله، انقطاع و سکون.
- ۲۵- ﴿فَأَفْرُقَ﴾: به داوری و قضاوت، بین ما و آنها فرق نما.
- ۲۶- ﴿يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در آن بیابان حیران و راهگم گردش می کردند.
- ۲۶- ﴿فَلَا تَأْسَ﴾: غمگین مباش.
- ۲۷- ﴿قُرْبَانًا﴾: کار نیکی که با آن به خدا تَقَرُّبْ جویند.
- ۲۹- ﴿تَبَوَّأَ يِثْمِي﴾: چون مرا بکشی روز قیامت با گناه قتل من نزد خدا برگردی.
- ۲۹- ﴿إِثْمِكَ﴾: گناهان سابق که مانع از قبول قربانیت شدند.
- ۳۰- ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ﴾: نفس اماره اش این امر را بر او آراست و آسان جلوه داد.
- ۳۱- ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾: زمین را می کند تا زاغی را که کشته بود دفن کند.
- ۳۱- ﴿سَوْءَةً أَخِيهِ﴾: جسد یا عورت برادرش را. ﴿يَوِيلَ لَيْتَى﴾: یا حسرتا.
- ۳۳- ﴿يُنْفِقُوا مِنَ الْأَرْضِ﴾: از آن سرزمین تبعید یا محبوس شوند.
- ۳۳- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و شکنجه.
- ۳۵- ﴿الْوَسِيلَةَ﴾: نزدیکی جستن با طاعات و عبادت و ترک گناه.
- ۳۸- ﴿نَكَالًا﴾: شکنجه ای سختی است برای جلوگیری از تکرار این گناه.
- ۴۱- ﴿سَمْعُونَ لِلْكَذِبِ﴾: سخنان تو را می شنوند و آن را تغییر می دهند تا بهانه برای تکذیبت بیابند.
- ۴۱- ﴿سَمْعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ﴾: سخنان تو را می شنوند تا برای دیگران جاسوسی نمایند.
- ۴۱- ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ﴾: کلام را تغییر می دهند یا آن را به باطل تأویل می کنند.
- ۴۱- ﴿فِتْنَتُهُ﴾: گمراهی، کفر و هلاکت او را.
- ۴۱- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و ذلت.
- ۴۲- ﴿أَكَلُونَ لِلْسُّحْتِ﴾: مال حرام را که زشت ترین آن رشوت است می خورند.

- ۴۲- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت که حکم اسلام است.
- ۴۲- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان.
- ۴۳- ﴿يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ﴾: خودت را حکم قرار می دهند سپس از فرمانت که مغایر تورات نیست سرپیچی می کنند.
- ۴۴- ﴿أَسْلَمُوا﴾: به دستورات الهی که در تورات ذکر بود گردن نهادند.
- ۴۴- ﴿الرَّبَّيُّونَ﴾: پارسایان یهود.
- ۴۴- ﴿وَالْأَحْبَارُ﴾: علمای یهود.
- ۴۶- ﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ﴾: پس از پیامبران فرستادیم.
- ۴۸- ﴿مُهِيمِنًا عَلَيْهِ﴾: مراقب یا شاهد بر کتب پیشین.
- ۴۸- ﴿عَمَّا جَاءَكَ﴾: از آنچه بر تو وحی شده عدول کنی.
- ۴۸- ﴿شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾: شریعت و راه روشن در دین.
- ۴۸- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را بیازماید با این که از احوال تان آگاه است.
- ۴۹- ﴿أَن يَفْتِنُوكَ﴾: تو را به مکر و حيله منحرف سازند.
- ۵۱- ﴿أَوْلِيَاءُ﴾: دوست صمیمی و یاور.
- ۵۲- ﴿تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ﴾: از گردش روزگار با مصیبت ها و سختی ها روبرو شویم.
- ۵۲- ﴿بِالْفَتْحِ﴾: پیروزی برای رسول خدا.
- ۵۳- ﴿جَهْدًا أَيْمَنَهُمْ﴾: سوگندهای سخت.
- ۵۳- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: اعمال آنها باطل و بی ثمر شد.
- ۵۴- ﴿أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾: بر مسلمانان مشفق و مهربانند.
- ۵۴- ﴿أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾: در برابر کافران سرسخت، استوار و نیرومند هستند.
- ۵۴- ﴿لَوْمَةً لَّا يَمِ﴾: در راه نصرت دین از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای.
- ۵۴- ﴿اللَّهُ وَاسِعٌ﴾: فضل و جود خدا فراوان است.
- ۵۷- ﴿هُزُوا وَلَعِبًا﴾: تمسخر و استهزا.

- ۵۹- ﴿تَنْقُمُونَ﴾: عیب می گیرید.
- ۶۰- ﴿مَثُوبَةً﴾: جزا و عقوبت.
- ۶۰- ﴿عَبَدَ الطُّغُوتِ﴾: شیطان را اطاعت و خدا را نافرمانی کرد.
- ۶۰- ﴿سَوَاءٍ السَّبِيلِ﴾: روش معتدل، اسلام.
- ۶۲- ﴿أَكْلِهِمُ السُّحْتِ﴾: خوردن مال حرام، زشت‌ترین آن رشوت است.
- ۶۳- ﴿الرَّبَّنِيُّونَ﴾: پارسیان یا علما و فقهای یهود.
- ۶۳- ﴿الْأَحْبَارِ﴾: علمای یهود.
- ۶۴- ﴿مَغْلُولَةً﴾: از عطا و بخشش به اثر بخل بسته است.
- ۶۶- ﴿أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾: گروه میانه رو، مسلمانان.
- ۶۸- ﴿فَلَا تَأْسَ﴾: پس حزن و متأسف نباش.
- ۶۹- ﴿الصَّبِیُّونَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.
- ۷۱- ﴿فِتْنَةً﴾: بلا و عذاب شدید.
- ۷۵- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته است.
- ۷۵- ﴿أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ﴾: مادرش بسیار راستگو و با خدا بود.
- ۷۵- ﴿يَا كِلَانَ الطَّعَامِ﴾: هر دو مثل انسان‌های دیگر غذا می‌خوردند پس چگونه او را خدا می‌پندارید.
- ۷۵- ﴿أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از پذیرش و اندیشیدن به این دلایل آشکار سربپیچی می‌کنند.
- ۷۷- ﴿لَا تَغْلُوا﴾: افراط و از حد تجاوز نکنید.
- ۷۷- ﴿غَيْرَ الْحَقِّ﴾: تجاوز نادرست.
- ۸۰- ﴿سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: به سبب آنچه انجام دادند مورد غضب خدا قرار گرفتند.
- ۸۳- ﴿تَقْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾: چشمانشان از اشک لبریز و گهربار می‌شود.

۸۹- ﴿بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ : قسم‌های بیهوده‌تان، قسم لغو آن است که در باره چیزی قسم می‌خورد به باور این که راست است اما حقیقت خلاف آن است، یا چیزی را به زبان می‌آورد که به آن قصد سوگند ندارد.

۸۹- ﴿عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ﴾ : به قصد سوگند یاد کرده‌اید.

۹۰- ﴿الْأَنْصَابُ﴾ : به اطراف کعبه سنگ‌های بود که مشرکین آنها را بزرگ می‌داشتند.

۹۰- ﴿الْأَزْلَمُ﴾ : تیره‌ای که در جاهلیت با آنها فال می‌گرفتند.

۹۰- ﴿رِجْسٌ﴾ : خبیث، پلید و نجس است.

۹۳- ﴿جُنَاحٌ﴾ : گناه.

۹۳- ﴿طَعْمُوا﴾ : چیزهای حرام را پیش از این که تحریم آنها اعلام شود، خوردند یا نوشیدند.

۹۴- ﴿لَيَلُونَكُمْ اللَّهُ﴾ : خدا شما را امتحان می‌کند.

۹۵- ﴿أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ : در حال احرام حج یا عمره هستید.

۹۵- ﴿النَّعَمُ﴾ : شتر، گاو، گوسفند و بز.

۹۵- ﴿بَلَغَ الْكَعْبَةِ﴾ : به حرم برسد و آنجا ذبح شود.

۹۵- ﴿عَدْلٌ ذَلِكَ﴾ : معادل و برابر آن طعام.

۹۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِ﴾ : سنگینی جزای عمل و عاقبت بد گناه خود را.

۹۶- ﴿لِلسَّيَارَةِ﴾ : برای مسافران.

۹۷- ﴿الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ : مراد از کعبه، همه جای حرم است.

۹۷- ﴿قِيَمًا لِلنَّاسِ﴾ : برپادارنده مصالح دینی و دنیوی مردم.

۹۷- ﴿الشَّهْرَ الْحَرَامَ﴾ : ماه‌های حرام ذی‌القعدة ذی‌الحجه، محرم و رجب.

۹۷- ﴿الْهَدْيِ﴾ : قربانی که به کعبه فرستند.

۹۷- ﴿الْقَلْبَيْدِ﴾ : آنچه برای نشانه به گردن قربانی اندازند.

- ۱۰۳- ﴿بَحِيرَةً﴾: شتری را می گفتند که پنج بار و بار آخر نر زاییده بودی گوش او را می شکافتند و برای بتها رها می کردند.
- ۱۰۳- ﴿سَائِبَةً﴾: شتر ماده که آن را به قصد شفا از مرض یا نجات در محاربه برای بتها رها می کردند.
- ۱۰۳- ﴿وَصِيلَةً﴾: شتری که بار اول و دوم ماده می زایید، آن را برای بتها رها می کردند.
- ۱۰۳- ﴿حَامٍ﴾: شتر نری که بچه بچه اش آبستن می شد آن را نه سوار می شدند و نه بردوشش بار می نهادند.
- ۱۰۴- ﴿حَسْبُنَا﴾: برای ما کافی است.
- ۱۰۵- ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: شما عهده دار خود باشید و خود را از گناه حفظ کنید.
- ۱۰۶- ﴿ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ﴾: سفر کردید.
- ۱۰۶- ﴿لَا نَشْتَرِي بِهِ﴾: ما بخاطر مال دنیا قسم ناحق نمی خوریم.
- ۱۰۷- ﴿الْأُولَيْنِ﴾: نزدیکان و وارثهای مُتَوَفَّى .
- ۱۱۰- ﴿بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾: به جبریل.
- ۱۱۰- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: در شیر خوارگی.
- ۱۱۰- ﴿كَهَلًا﴾: در حال کمال قوت، پس از فرود آمدن از آسمان.
- ۱۱۰- ﴿تَخْلُقُ﴾: صورت و شکل می ساختی.
- ۱۱۰- ﴿الْأَكْمَهَ﴾: کور مادرزاد را.
- ۱۱۱- ﴿الْخَوَارِجِ﴾: یاران نزدیک عیسی عليه السلام.
- ۱۱۲- ﴿مَائِدَةً﴾: خوانهای پر از غذا.
- ۱۱۴- ﴿عِيدًا﴾: روز مبارک یا شادمانی.
- ۱۱۶- ﴿سُبْحَنَكَ﴾: پروردگارا، تو پاک و منزهای، من چگونه این سخن را به زبان بیاورم.
- ۱۱۷- ﴿تَوَفَّيْتَنِي﴾: مرا گرفتی و زنده به آسمان بردی.

سورة انعام

- ۱- ﴿جَعَلَ﴾: ایجاد کرد.
- ۱- ﴿يُرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾: عبادت بت‌ها را با عبادت خدا برابر می‌کنند.
- ۲- ﴿قَضَىٰ أَجَلًا﴾: برای مرگ زمانی را معین ساخت.
- ۲- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾: برای رستاخیز مدتی را تعیین کرد که علم آن خاصه اوست.
- ۲- ﴿تَمْتَرُونَ﴾: به قیامت و رستاخیز شک می‌ورزید یا از وقوع آن انکار می‌کنید.
- ۳- ﴿وَهُوَ اللَّهُ﴾: او جل جلاله معبود یا یگانه است.
- ۵- ﴿أَنْبِئُوهُمْ﴾: اخبار، مراد عذاب‌ی است که به آنها می‌رسد.
- ۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیار هلاک کردیم.
- ۶- ﴿قَرْنٍ﴾: گروهی از مردم.
- ۶- ﴿مَكَّنْهُمْ﴾: به آنها قدرت و توانایی دادیم.
- ۶- ﴿السَّمَاءَ﴾: باران را.
- ۶- ﴿مِدْرَارًا﴾: باران تند و پی‌درپی.
- ۷- ﴿كِتَبًا فِي قِرْطَابٍ﴾: نوشته در کاغذ.
- ۸- ﴿لَا يَنْظُرُونَ﴾: بعد از آمدن فرشته یک لحظه هم به آنها مهلت داده نشود.
- ۹- ﴿لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَّا يَلِبْسُونَ﴾: آنگاه بر آنها پوشیده‌تر می‌کردیم آنچه را که امروز خود پیچیده ساخته‌اند.
- ۱۰- ﴿فَحَاقَ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.
- ۱۲- ﴿كَتَبَ﴾: از فضل و احسان واجب و حتمی گردانیده است.
- ۱۲- ﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به اثر کفر تباه و متضرر ساخته‌اند.
- ۱۳- ﴿مَا سَكَنَ﴾: آنچه آرام و قرار گرفته است.
- ۱۴- ﴿وَلِيًّا﴾: معبود، یار و یاور.

- ۱۴- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ایجاد کننده. . .
- ۱۴- ﴿هُوَ يُطْعِمُ﴾: به بندگان رزق می دهد.
- ۱۴- ﴿مَنْ أَسْلَمَ﴾: کسی که به بندگی او تعالی گردن نهاد.
- ۱۹- ﴿مَنْ بَلَغَ﴾: کسانی که در همه دورانها قرآن برایشان برسد.
- ۲۳- ﴿فِتْنَتُهُمْ﴾: عذر آنها یا عاقبت شرک آنها.
- ۲۴- ﴿ضَلَّ عَنْهُمْ﴾: از دستشان رفت.
- ۲۴- ﴿مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾: آنچه به دروغ می ساختند، بتها و شفاعت آنها.
- ۲۵- ﴿أَكِنَّةٌ﴾: پرده های بسیار.
- ۲۵- ﴿وَقَرَأَ﴾: گوشه ایشان کر و سنگین است.
- ۲۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغهای که در کتابهایشان نوشته است.
- ۲۶- ﴿يَعْتُونَ عَنْهُ﴾: خود نیز از قرآن دوری می گزینند.
- ۲۷- ﴿وُقُفُوا عَلَى النَّارِ﴾: از آتش آگاه شوند یا در وسط آتش محبوس شوند.
- ۳۰- ﴿وُقُفُوا عَلَى رَبِّهِمْ﴾: به حکم پروردگار، برای حساب و جزا بازداشت شوند.
- ۳۱- ﴿بَغْتَةً﴾: ناگهان.
- ۳۱- ﴿فَرَطْنَا فِيهَا﴾: در دنیا کوتاهی کردیم.
- ۳۱- ﴿أَوْزَارُهُمْ﴾: گناهان و خطاهای شان را.
- ۳۴- ﴿لِكَلِمَةٍ أَلَلَّهِ﴾: آیاتی که در آنها وعده یاری و نصرت به پیامبران آمده است.
- ۳۵- ﴿كَبُرَ عَلَيْكَ﴾: بر تو سخت و دشوار است.
- ۳۵- ﴿نَقَفًا فِي الْأَرْضِ﴾: سوراخی در زمین که در اعماق آن نفوذ کند.
- ۳۸- ﴿أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ﴾: گروه های همانند شما هستند و ما آفریدگار و مدبر امور آنها هستیم.
- ۳۸- ﴿مَا فَرَطْنَا﴾: ترک نکردیم.
- ۳۹- ﴿فِي الظُّلُمَاتِ﴾: در تاریکی های جهل، عناد و کفر.

- ۴۰- ﴿أَرَأَيْتَكُمْ﴾: مرا از حالت شگفت انگیزتان آگاه بسازید.
- ۴۲- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: به تنگدستی، سختی و بلا.
- ۴۲- ﴿يَتَضَرَّعُونَ﴾: زاری نمایند و توبه کنند.
- ۴۳- ﴿جَاءَهُمْ بِأُسْنًا﴾: عذاب ما به آنها رسید.
- ۴۴- ﴿كُلِّ شَيْءٍ﴾: نعمت‌های فراوان را استدراجاً.
- ۴۴- ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً﴾: به آنها عذاب ناگهانی فرستادیم.
- ۴۴- ﴿هُمْ مُبِلِسُونَ﴾: از رحمت پروردگار نومید یا اندوهگین شوند.
- ۴۵- ﴿دَابِرُ الْقَوْمِ﴾: آخرین نفر.
- ۴۶- ﴿نُصَرِّفُ الْآيَاتِ﴾: آیات را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- ۴۶- ﴿هُمْ يَصْدِفُونَ﴾: ایشان از آن رو گردانند.
- ۴۷- ﴿أَرَأَيْتَكُمْ﴾: برایم بگویید.
- ۴۷- ﴿بَغْتَةً﴾: ناگهان یا در شب.
- ۴۷- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار یا در روز.
- ۵۰- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: نعمت‌ها یا توانایی‌های او جل جلاله.
- ۵۲- ﴿بِالْعَذْوَةِ وَالْعَشِيِّ﴾: اول و آخر روز، یعنی همیشه.
- ۵۳- ﴿فَتَنًا﴾: امتحان کردیم در حالی که از احوال آنها آگاه هستیم.
- ۵۴- ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما از فضل و احسان خود لازم و حتمی گرانیده است.
- ۵۴- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: به سفاهت، هر نا فرمان بدکار جاهل است.
- ۵۷- ﴿يَقْضُ الْحَقَّ﴾: حق را روشن و آشکار بیان می‌کند.
- ۵۷- ﴿خَيْرُ الْفَصِيلِينَ﴾: با حکمت پسندیده حق را از باطل جدا می‌کند.
- ۵۹- ﴿كِتَابٍ مُبِينٍ﴾: لوح محفوظ یا علم او تعالی.
- ۶۰- ﴿جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ﴾: هر گناهی که در روز انجام داده‌اید.

- ۶۱- ﴿لَا يُفْرِطُونَ﴾: سستی و کوتاهی نمی کنند.
- ۶۳- ﴿تَضَرَّعًا﴾: زاری به پیشگاه خدا.
- ۶۳- ﴿خُفْيَةً﴾: حاجت خود را پوشیده و نهان می خواهید.
- ۶۵- ﴿يَلْبِسُكُمْ﴾: شما را در جنگ های بزرگ مقابل هم قرار دهد.
- ۶۵- ﴿شِيعًا﴾: گروه های متعدد با خواسته های مختلف.
- ۶۵- ﴿بَأْسَ بَعْضٍ﴾: رنج و سختی دیگری را در میدان جنگ.
- ۶۵- ﴿نُضْرِفُ الْآيَاتِ﴾: آیات و دلایل را به روش های مختلف بیان می کنیم.
- ۶۶- ﴿يُوكِيلٍ﴾: مراقب، کار شما را به من سپرده باشند تا شما را مجازات کنم.
- ۶۸- ﴿يُحْضُونَ﴾: به باد استهزاء و طعنه می گیرند.
- ۷۰- ﴿غَرَّتْهُمْ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام افکند.
- ۷۰- ﴿أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ﴾: تا به دوزخ نیفتد یا گرفتار هلاکت نگردد.
- ۷۰- ﴿تَعْدِلُ كُلُّ عَدْلٍ﴾: هر فدیة ای بدهد.
- ۷۰- ﴿أُبْسِلُوا﴾: در دوزخ انداخته شدند یا هلاک گردیدند.
- ۷۰- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- ۷۱- ﴿أَسْهَوْتَهُ الشَّيَاطِينَ﴾: شیاطین او را گمراه کرده و به ویرانه برده است.
- ۷۱- ﴿أَمْرًا لِنُسْلِمَ﴾: برای ما دستور است که فرمانبردار باشیم و عبادت را خالصانه انجام دهیم.
- ۷۳- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می دمدم.
- ۷۴- ﴿أَزَرَ﴾: لقب پدر ابراهیم عليه السلام یا اسم عموی اوست.
- ۷۵- ﴿مَلَكُوتٍ...﴾: پادشاهی را، یا آیات یا عجایب...
- ۷۶- ﴿جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ﴾: تاریکی شب او را پوشانید.
- ۷۶- ﴿أَفَلْ﴾: پنهان شد و به دامان افق غروب کرد.
- ۷۷- ﴿بَارِغًا﴾: که از کرانه آسمان طلوع کرد و روشنی خود را منتشر ساخت.

- ۷۹- ﴿فَطَرَ السَّمَوَاتِ...﴾: آسمانها را ایجاد کرده است...
- ۷۹- ﴿حَنِيفًا﴾: مایل به دین حق.
- ۸۰- ﴿حَاجَّهُ قَوْمُهُ﴾: قومش با او در یکتا پرستی دشمنی و ستیز کردند.
- ۸۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- ۸۲- ﴿لَمْ يَلْبِسُوا﴾: مخلوط نکردند.
- ۸۲- ﴿بِظُلْمٍ﴾: به شرک و کفر.
- ۸۷- ﴿وَأَجَبَيْنَاهُمْ﴾: آنها را به نبوت برگزیدیم.
- ۸۸- ﴿لَحِيطَ﴾: به یقین باطل و ساقط می شد.
- ۸۹- ﴿وَالْحُكْمَ﴾: قضاوت میان مردم به حق یا حکمت.
- ۹۰- ﴿أَفْتَدَاهُ﴾: پیروی کن.
- ۹۱- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: آنها خدا را نشناختند یا او را به بزرگی نستودند.
- ۹۱- ﴿قَرَّاطِيسَ﴾: صفحات پراکنده.
- ۹۱- ﴿قُلِ اللَّهُ﴾: بگو: تورات را خدا فرستاده است.
- ۹۱- ﴿خَوْضِهِمْ﴾: در باطل و کفر خود.
- ۹۲- ﴿مُبَارَكٍ﴾: قرآن دارای منافع و فواید بسیار است.
- ۹۲- ﴿أُمَّ الْقُرَى﴾: مکه اهالی آنجا.
- ۹۲- ﴿مَنْ حَوْلَهَا﴾: همه باشندگان روی زمین.
- ۹۳- ﴿غَمَرَتِ الْمَوْتَ﴾: سختی های مرگ.
- ۹۳- ﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: خود را از عذاب رها سازید.
- ۹۳- ﴿عَذَابِ الْهُونِ﴾: عذاب حقارت و رسوایی.
- ۹۴- ﴿مَا خَوْلَنَّاكُمْ﴾: آنچه از ناز و نعمت به شما بخشیده بودیم.
- ۹۴- ﴿تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ﴾: پیوند بین شما قطع شد.
- ۹۵- ﴿فَالِقِ الْحَبِّ﴾: دانه را می شکافد و از آن گیاه می رویاند یا خالق دانه است.

- ۹۵- ﴿فَأَنَّى تُؤَفَّكُونَ﴾: چگونه از عبادت خدا سرپیچی می کنید؟
- ۹۶- ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ﴾: جدا کننده تاریکی صبح از روشنایی روز یا خالق صبح.
- ۹۶- ﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا﴾: آفتاب و ماه هرکدام در فلک خود به حساب معین در گردشند، به مصالح مردم.
- ۹۸- ﴿فَمُسْتَقَرٌّ﴾: محل استقرار در پشت پدر و گفته شده در رحم و مانند آن.
- ۹۸- ﴿مُسْتَوْدَعٌ﴾: در رَحْم و مانند آن به ودیعت گذاشته می شود.
- ۹۹- ﴿خَضِرًا﴾: تروتازه.
- ۹۹- ﴿حَبًّا مُّزَاكِبًا﴾: دانه های متراکم مانند خوشه گندم و مانند آن.
- ۹۹- ﴿طَلْعَهَا﴾: میوه درخت خرما که اول می رسد.
- ۹۹- ﴿قِنْوَانٌ﴾: شاخه ها و خوشه های خرما مانند خوشه انگور.
- ۹۹- ﴿دَانِيَّةٌ﴾: آویزان یا در دسترس میل کننده.
- ۹۹- ﴿يَنْعِهِ﴾: به حالت پخته و رسیده.
- ۱۰۲- ﴿وَكَيْلٌ﴾: مراقب و سرپرست.
- ۱۰۳- ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾: دیده و بصیرت نمی تواند او را کامل درک کنند.
- ۱۰۴- ﴿بَصَائِرُ﴾: آیات و دلایلی که به حق هدایت می کنند.
- ۱۰۴- ﴿بِحَفِيفٍ﴾: مراقب که حساب اعمال شما را بگیرم و پاداش بدهم.
- ۱۰۵- ﴿نُصْرِفُ الْآيَاتِ﴾: آیات خود را به روش های مختلف بیان می کنیم.
- ۱۰۵- ﴿دَرَسَتْ﴾: درس خواندی و از اهل کتاب آموختی.
- ۱۰۸- ﴿عَدَوًا﴾: از روی تجاوز و ستم.
- ۱۰۹- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سوگندهای سخت و مؤکدشان.
- ۱۱۰- ﴿نَذَرُهُمْ﴾: آنها را به حال خودشان رها می کنیم.
- ۱۱۰- ﴿طُعَيْنَهُمْ﴾: سرکشی هاشان.
- ۱۱۰- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نیابند یا سرگردان شوند.

- ۱۱۱- ﴿حَشْرَنَا﴾: جمع می کردیم.
- ۱۱۱- ﴿قُبَلًا﴾: رویاروی یا گروه گروه.
- ۱۱۲- ﴿زُخْرُفَ الْقَوْلِ﴾: سخنان بیهوده و به ظاهر آراسته.
- ۱۱۲- ﴿عُرُورًا﴾: برای فریب.
- ۱۱۳- ﴿لِصَّغَى﴾: تا به این سخنان مزخرف متمایل شود.
- ۱۱۳- ﴿لِيَقْتَرِفُوا﴾: تا کارهای زشت را انجام دهند.
- ۱۱۴- ﴿الْمُتَرِّينَ﴾: شک کنندگان زیرا اهل کتاب بخوبی می دانند که این کتاب را آفریدگار فرستاده است.
- ۱۱۵- ﴿كَلِمَتِ رَبِّكَ﴾: کلام خدا، قرآن.
- ۱۱۵- ﴿صِدْقًا وَعَدْلًا﴾: در راستی و عدالت به وعده‌ها و احکام خدا.
- ۱۱۶- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: چیزهایی را به دروغ به خدا نسبت می دهند.
- ۱۲۰- ﴿ذُرُوءًا﴾: ترک کنید.
- ۱۲۰- ﴿يَقْتَرِفُونَ﴾: مرتکب گناه می شدند، هر گناهی که باشد.
- ۱۲۱- ﴿إِنَّهُ لَفِسْقٌ﴾: به یقین خوردن آن گناه است.
- ۱۲۴- ﴿صَغَارٌ﴾: ذلت شدید و خواری.
- ۱۲۵- ﴿حَرَجًا﴾: در نهایت تنگی.
- ۱۲۵- ﴿يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾: میل دارد به آسمان بالا رود اما نمی تواند.
- ۱۲۵- ﴿الرَّجْسِ﴾: عذاب یا خواری.
- ۱۲۸- ﴿أَسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ﴾: بسیاری از انسان‌ها را گمراه کرده‌اید.
- ۱۲۸- ﴿النَّارُ مَثْوٍ لَكُمْ﴾: دوزخ جای شماست.
- ۱۳۰- ﴿غَرَّتْهُمْ الْحَيَوةُ﴾: زندگی دنیا با همه بیهودگی‌هایش آنها را فریفته بود.
- ۱۳۴- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۱۳۵- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: نهایت توان و استطاعت خود.

- ۱۳۶- ﴿ذَرَأٌ﴾: آفریده است. ﴿الْحَرْثُ﴾: زراعت.
- ۱۳۶- ﴿الْأَنْعَمُ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۱۳۷- ﴿قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ﴾: زنده به گور کردن دخترانشان را.
- ۱۳۷- ﴿لِيُرْدُوهُمْ﴾: تا آنها را تباه نمایند، با گمراه ساختن.
- ۱۳۷- ﴿لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ﴾: تا بر آنها مشتبهِ سازند و با خرافات در آمیزند.
- ۱۳۷- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: به دروغ می‌بافند.
- ۱۳۸- ﴿حَرْثٌ﴾: زراعت.
- ۱۳۸- ﴿حِجْرٌ﴾: حرام و ممنوع است.
- ۱۳۸- ﴿حُرِّمَتْ طُحُورُهَا﴾: حیواناتی هستند که بار نهادن و سوار شدن بر آنها حرام است.
- ۱۳۹- ﴿وَصَفَّهُمْ﴾: دروغ‌بافی آنها را نسبت به خدا.
- ۱۴۱- ﴿مَعْرُوشَتٍ﴾: داربست‌دار مثل تاک انگور و مانند آن.
- ۱۴۱- ﴿غَيْرَ مَعْرُوشَتٍ﴾: درختان راست که ضرورت به داربست ندارند مانند درخت خرما.
- ۱۴۱- ﴿مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ﴾: میوه‌های آن در صورت و کیفیت مختلفند.
- ۱۴۲- ﴿حَمُولَةً﴾: بار برنده مثل شتر.
- ۱۴۲- ﴿فَرَشًا﴾: حیوانی که برای ذبح بر زمین افکنند.
- ۱۴۲- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌های شیطان، حلال را حرام شمردن و بالعکس.
- ۱۴۴- ﴿وَصَّيْكُمُ اللَّهُ يَهْدَا﴾: خدا شما را به این تحریم دستور داد.
- ۱۴۵- ﴿طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ﴾: خورنده هر کس باشد.
- ۱۴۵- ﴿مَسْفُوحًا﴾: جاری، ریخته.
- ۱۴۵- ﴿رَجَسٌ﴾: پلید یا نجس و حرام.
- ۱۴۵- ﴿أَهْلٌ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.

- ۱۴۵- ﴿أَضْطَرُّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.
- ۱۴۵- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت این محرمات را نخواهد یا همواره این حالت را اختیار نکند.
- ۱۴۵- ﴿لَا عَادٍ﴾: از مقدار سدرمق تجاوز نکند.
- ۱۴۶- ﴿ذِي ظُفْرِ﴾: حیوان پنجه دار، چهارپا باشد یا پرند.
- ۱۴۶- ﴿شُحُومَهُمَا﴾: چربی شکمبه و گرده‌ها را.
- ۱۴۶- ﴿مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا﴾: چربی پشت این‌ها حلال است.
- ۱۴۶- ﴿الْحَوَايَا﴾: چربی روده‌ها.
- ۱۴۶- ﴿مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ﴾: دنبه گوسفند حلال است.
- ۱۴۷- ﴿لَا يُرَدُّ بِأَسْهٍ﴾: عذاب او تعالی دفع نمی‌شود.
- ۱۴۸- ﴿تَخْرُصُونَ﴾: سخنان دروغ را به خدا نسبت می‌دهید.
- ۱۴۹- ﴿الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ﴾: دلیل رسا با فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی.
- ۱۵۰- ﴿هَلُمَّ شَهَدَاءَكُمْ﴾: شاهد‌های خود را بیاورید، مدارکتان را بدهید.
- ۱۵۰- ﴿يَرْبِيهِمْ يَعْذِلُونَ﴾: دیگری را در طاعات و عبادات به خدا برابر می‌کنند.
- ۱۵۱- ﴿أَتْلُ...﴾: قرائت می‌کنم...
- ۱۵۱- ﴿إِمْلَقٍ﴾: فقر.
- ۱۵۱- ﴿الْفَوَاحِشَ﴾: گناهان کبیره مانند زنا و امثال آن.
- ۱۵۱- ﴿وَصَّيْنَكُمْ بِهِ﴾: خدا آن را به شما دستور داده و واجب گردانیده است.
- ۱۵۲- ﴿يَبْلُغُ أَشَدَّهُ﴾: به کمال قوت و رشد خود برسد.
- ۱۵۲- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.
- ۱۵۲- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانش.
- ۱۵۳- ﴿صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا﴾: هیچ کجی در دین و راه من نیست.
- ۱۵۷- ﴿صَدَفَ عَنْهَا﴾: از آن اعراض کند یا مردم را از آن روگردان سازد.

- ۱۵۸- ﴿يَأْتِي رَبُّكَ﴾: پروردگارت بیاید، آمدنی که سزاوار جلالت اوست.
- ۱۵۹- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از گمراهی گروه گروه و حزب حزب شدند.
- ۱۶۱- ﴿دِينًا قِيمًا﴾: دین ثابت، برپادارنده امور دنیا و آخرت.
- ۱۶۱- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به حق.
- ۱۶۲- ﴿نُسْكِ﴾: همه عباداتم.
- ۱۶۴- ﴿إِلَّا عَلَيْهَا﴾: مگر این که عذاب آن گناه بر دوش خود اوست.
- ۱۶۴- ﴿لَا تَرُرُ وَازِرَةً...﴾: هیچ گناه کاری بر نمی دارد...
- ۱۶۵- ﴿خَلَّيْفَ الْأَرْضِ﴾: برخی از شما در روی زمین جانشین دیگری می شود.
- ۱۶۵- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را بیازماید در حالی که از تمام امور شما آگاه است.

سوره اعراف

- ۲- ﴿حَرَجَ مِنْهُ﴾: از بیم انکار و تکذیب مردم از تبلیغ قرآن دلتنگ نباش.
- ۴- ﴿كَمْ مِنْ قَرْيَةٍ﴾: چه بسا قریه ها که نابودشان کردیم.
- ۴- ﴿بِأَسْنًا﴾: عذاب ما.
- ۴- ﴿بَيِّنَاتًا﴾: مصروف کارهای شبانه بودند و یا شب هنگام که در خواب بودند.
- ۴- ﴿هُمْ قَائِلُونَ﴾: آنها در نیمروز استراحت بودند، خواب قیلوله.
- ۵- ﴿دَعَوْهُمْ﴾: دعا و زاری ایشان.
- ۸- ﴿ثَقُلْتَ مَوَازِينُهُ﴾: کارهای نیکش بر بدیهایش رجحان یافت.
- ۹- ﴿خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: کردار بدش از خوبی هایش افزون باشد.
- ۱۰- ﴿مَكَّنَّاكُمْ﴾: شما را مستقر ساختیم.
- ۱۲- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت یا که وادارت کرد و از تو خواست.
- ۱۳- ﴿الصَّغِيرِينَ﴾: پستها ذلت پذیرها.
- ۱۴- ﴿أَنْظِرْنِي﴾: مرا مهلت بده، زنده نگهدار.

- ۱۵- ﴿الْمُنْظَرِينَ﴾: تا نفخه اول مهلتم بده.
- ۱۶- ﴿فِيمَا أَغْوَيْتَنِي﴾: به سبب آن که مرا گمراه کردی.
- ۱۶- ﴿لَا فَعْدَنَ لَهُمْ﴾: سر راه آنها به کمین می‌نشینم.
- ۱۸- ﴿مَذْءُومًا﴾: خوار و حقیر.
- ۱۸- ﴿مَذْخُورًا﴾: مطرود.
- ۲۰- ﴿فَوَسَّسَ لَهُمَا﴾: آدم و حوا را وسوسه کرد.
- ۲۰- ﴿وُورِيَ عَنْهُمَا﴾: از دید آنها پنهان بود.
- ۲۰- ﴿سَوَاءَ تِيهًا﴾: عورت آنها.
- ۲۱- ﴿قَاسَمَهُمَا﴾: برای آنان سوگند یادکرد.
- ۲۲- ﴿فَدَلَلَهُمَا بِغُرُورٍ﴾: و آنها را به فریب از مقام طاعت پایین آورد.
- ۲۲- ﴿طَفِيفًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسباندند.
- ۲۶- ﴿أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ﴾: به شما بخشیدیم.
- ۲۶- ﴿يُورِي سَوَاءَ تِيكُمْ﴾: عورت شما را می‌پوشاند.
- ۲۶- ﴿رِيشًا﴾: لباس زیبا یا نرم.
- ۲۶- ﴿لِبَاسِ التَّقْوَى﴾: لباس پرهیزگاری، ایمان و ثمرات آن.
- ۲۷- ﴿لَا يَفْتِنَنَّكُمْ﴾: شما را فریب ندهد.
- ۲۷- ﴿يَنْزِعُ عَنْهُمَا﴾: از آنها دور می‌کرد، با نیرنگ می‌ربود.
- ۲۷- ﴿قَبِيلُهُ﴾: سپاه یا فرزندان.
- ۲۸- ﴿فَعَلُوا فَحِشَةً﴾: کافران کارهای نهایت زشت انجام بدهند.
- ۲۹- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
- ۲۹- ﴿وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ﴾: درست متوجه عبادت او تعالی باشید.
- ۲۹- ﴿عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾: در هر جای و هر وقتی که نماز می‌خواندید.
- ۳۱- ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ﴾: لباس‌های خود را برای ستر عورت بپوشید.

- ۳۳- ﴿الْفَوَاحِش﴾: گناهان کبیره را بخاطر زشتی آنها.
- ۳۳- ﴿الْإِثْمُ﴾: همه گناهانی که موجب عذاب الهی هستند.
- ۳۳- ﴿الْبَغْيُ﴾: ظلم و تجاوز بر مردم را.
- ۳۳- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- ۳۷- ﴿أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾: کجا هستید خدایانی که شما بودید.
- ۳۸- ﴿أَذَارُكُوا فِيهَا﴾: یکی پس از دیگری در جهنم جمع شوند.
- ۳۸- ﴿أُخْرَاهُمْ﴾: پیروان و فرومایگان آنها.
- ۳۸- ﴿لَا وَلَهُمْ﴾: برای رهبران و رؤسایشان.
- ۳۸- ﴿عَذَابًا ضِعْفًا﴾: عذاب دو چندان.
- ۴۰- ﴿يَلْبِجُ الْجَمْلُ﴾: شتر داخل شود.
- ۴۰- ﴿سَمِ الْحَيَاطِ﴾: در سوراخ سوزن.
- ۴۱- ﴿مِهَادٍ﴾: فرش یعنی جایگاه.
- ۴۱- ﴿غَوَاشٍ﴾: پوشش، مانند لحاف.
- ۴۲- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانش.
- ۴۳- ﴿غِلٍّ﴾: حقد، کینه و عداوت.
- ۴۴- ﴿فَادَنْ مُوَدَّنٍ﴾: پس منادی ندا کند.
- ۴۵- ﴿يَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: در دین خدا عیب می جستند یا می خواستند دارای کجی باشد.
- ۴۶- ﴿بَيْنَهُمَا حِجَابٌ﴾: میان بهشت و دوزخ، دیواری است.
- ۴۶- ﴿الْأَعْرَافِ﴾: بلندترین نقطه این دیوار و کنگره های آن.
- ۴۶- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از علامت ممیزه چهره شان.
- ۵۰- ﴿أَفِيضُوا عَلَيْنَا﴾: برای ما بریزید یا افکنید.
- ۵۱- ﴿عَرَّتَهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا﴾: دنیا با زیبای ها و تجملاتش آنها را فریفت.

- ۵۱- ﴿نَسْنَهُمْ﴾: ایشان را در عذاب مانند از یاد رفتگان می‌گذاریم.
- ۵۱- ﴿مَا كَانُوا﴾: همان‌گونه که بودند.
- ۵۳- ﴿تَأْوِيلُهُ﴾: عاقبت و سرانجام وعده‌های قرآن را از قبیل زنده کردن مرده‌ها، حساب و روز قیامت.
- ۵۳- ﴿يَقْفَرُونَ﴾: دروغ بافته بودند که بتها آنها را شفاعت می‌کند.
- ۵۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که لایق جلالت او تعالی است.^(۱)
- ۵۴- ﴿يُعْثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾: روز را با پرده شب می‌پوشاند، روشنی او پایان می‌یابد.
- ۵۴- ﴿يَطْلُبُهُ حَثِيثًا﴾: شب به سرعت به دنبال روز می‌آید.
- ۵۴- ﴿لَهُ الْخَلْقُ﴾: ایجاد همه اشیاء به قدرت اوست.
- ۵۴- ﴿الْأَمْرُ﴾: تدبیر و تصرف در امور، هر گونه که بخواهد.

۱- اگر منظور او از این سخن، تفویض چگونگی استوا (واگذار کردن بیان کیفیت آن به خداوند) باشد، سخنی حق است؛ زیرا چگونگی و کیفیتی که سزاوار الله سبحانه و تعالی باشد را کسی جز خودش نمی‌داند، همانگونه که امام مالک رحمته الله گفت: «چگونگی آن مجهول است». اما اگر منظور ایشان این بوده که معنی استواء نامعلوم است این سخن فرار از اثبات صفت علو و استوا بر عرش است، زیرا سلف گفته‌اند که معنای استوا یعنی بلندا و ارتفاع و قرار گرفتن. (نگاه: صحیح بخاری ۳۸۷/۴، برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب: «اجتماع الجيوش الإسلامية» و کتاب «العلو»، نوشته‌ای ابن القيم رحمته الله).

عبارت مؤلف مبهم است و هر دو معنی را شامل می‌شود، ولی سلف معنای استواء را نامعلوم نمی‌دانستند، چنانکه امام مالک رحمته الله و دیگران گفته‌اند: (الاستواء معلوم) یعنی استواء معلوم است. (این اثر را ابن عبدالبر در التمهید (۱۳۸/۷) از طریق عبدالله بن نافع عن مالک بن انس الصابونی در عقیده السلف أصحاب الحديث (ص ۱۷-۱۸)، و أبونعیم در الحلیة (۳۲۵/۶-۳۲۶) همگی از طریق جعفر بن عبدالله از مالک روایت کرده‌اند و صابونی در عقیده السلف (ص ۱۷) از طریق جعفر بن میمون از مالک و بیهقی در الأسماء والصفات (ص ۴۰۸) از طریق عبدالله بن وهب از مالک روایت کرده‌اند. حافظ ابن حجر در الفتح (۴۰۶/۱۰۳-۴۰۷) گفته است: سند آن "جید" است، و ذهبی در کتاب العلو ص ۱۰۳ آن را صحیح دانسته است).

این مفهوم با الفاظ دیگری نیز وارد شده: (الاستواء غیر مجهول والکیف غیر معقول) یعنی استواء مجهول نیست و چگونگی آن را عقل در نمی‌یابد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۵۴- ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فزون است.
- ۵۵- ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ﴾: نیازمندی‌های خود را از خدا بخواهید.
- ۵۵- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به زاری و فروتنی.
- ۵۵- ﴿خُفْيَةً﴾: نهانی در دل خود.
- ۵۶- ﴿رَحِمَتْ اللَّهُ﴾: احسان و انعام یا اجز و پاداش او جل جلاله.
- ۵۷- ﴿بُشْرًا﴾: بشارت دهندگان به رحمت الهی، باران.
- ۵۷- ﴿أَقْلَّتْ سَحَابًا﴾: باد ابرها را بلند کند.
- ۵۷- ﴿ثَقَالًا﴾: سنگین و پر آب.
- ۵۷- ﴿لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ﴾: به سوی زمین خشک بی‌آب و گیاه.
- ۵۸- ﴿نَكِدًا﴾: ناپسند یا اندک و بی‌خیر.
- ۵۸- ﴿نُصْرِفُ الْآيَاتِ﴾: آیات را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- ۶۰- ﴿قَالَ الْمَلَأُ﴾: رؤساء و بزرگان گفتند.
- ۶۲- ﴿أَنْصَحُ لَكُمْ﴾: من به گفتار و رفتار خود تنها خیر و صلاح شما را می‌خواهم.
- ۶۴- ﴿قَوْمًا عَمِينَ﴾: گروهی کوردل از دریافت حق و ایمان.
- ۶۶- ﴿سَفَاهَةً﴾: کم عقل و دور از حق.
- ۶۹- ﴿بَصْطَةً﴾: توانایی و جسامت.
- ۶۹- ﴿ءَالَاءَ اللَّهِ﴾: نعمتها و احسان و بی‌حد او تعالی را.
- ۷۱- ﴿رَجَسٌ﴾: عذاب یا چرک در دلها.
- ۷۱- ﴿غَضَبٌ﴾: طرد یا خشم.
- ۷۲- ﴿قَطَعْنَا دَابِرَ﴾: تا فرد اخیر هلاک کردیم، مراد هلاکت دسته جمعی است.
- ۷۳- ﴿نَاقَةُ اللَّهِ﴾: شتری که خدا او را از سنگ آفریده نه از پدر و مادر.
- ۷۳- ﴿ءَايَةً﴾: معجزه که دلیل صدق گفتار من است.
- ۷۴- ﴿بَوَّأَكُمْ﴾: به شما جای داد.

- ۷۴- ﴿فِي الْأَرْضِ﴾: در سرزمین حجر بین حجاز و شام.
- ۷۴- ﴿ءَالَاءَ اللَّهِ﴾: نعمتها و احسان او تعالی را.
- ۷۴- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد نکنید.
- ۷۷- ﴿عَتَوْا﴾: سرکشی کردند.
- ۷۸- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز تند.
- ۷۸- ﴿جَثِمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- ۸۲- ﴿يَظْهَرُونَ﴾: از کارهای ما دوری می جویند.
- ۸۳- ﴿الْغَيْرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.
- ۸۵- ﴿لَا تَبْخَسُوا﴾: کم نکنید.
- ۸۶- ﴿صِرَاطٍ﴾: راه.
- ۸۶- ﴿تَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾: می خواهید این راه از حق منحرف باشد.
- ۸۹- ﴿رَبَّنَا افْتَحْ﴾: خدایا حکم و داوری کن.
- ۹۱- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز هول انگیز.
- ۹۱- ﴿جَثِمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- ۹۲- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: در خانه های پر از ناز و نعمت خود اقامت نداشته اند.
- ۹۳- ﴿ءَأَسَى﴾: اندوهگین شوم.
- ۹۴- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: فقر، بیماری، سختی و بلا.
- ۹۴- ﴿يَضْرَعُونَ﴾: فروتنی و توبه کنند.
- ۹۵- ﴿عَفْوًا﴾: افراد و اموال آنها زیاد شد.
- ۹۵- ﴿بِعَتَّةٍ﴾: ناگهان.
- ۹۶- ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ﴾: بر ایشان میسر می ساختیم.
- ۹۷- ﴿يَأْتِيَهُمْ بَأْسًا﴾: عذاب ما به آنها برسد.
- ۹۷- ﴿بَيِّنَاتٍ﴾: به شب.

- ۹۹- ﴿مَكَرَ اللَّهُ﴾: عذاب یا استدراج الهی.
- ۱۰۰- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ﴾: آیا خدا آشکار ساخت برای آنانی که.
- ۱۰۰- ﴿أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ﴾: اگر بخواهیم آنها را گرفتار می‌سازیم.
- ۱۰۰- ﴿نَطْبَعُ﴾: مهر می‌نهمیم.
- ۱۰۲- ﴿عَهْدٍ﴾: وفا به آنچه دستورشان دادیم.
- ۱۰۳- ﴿فَظَلَمُوا بِهَا﴾: به آیات الهی کافر شدند.
- ۱۰۵- ﴿حَقِيقٌ عَلَى أَنْ...﴾: سزاوار است که...
- ۱۰۷- ﴿مُبِينٌ﴾: آشکار که نتوان در او شک کرد.
- ۱۰۸- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبان پیراهنش بیرون کرد.
- ۱۰۸- ﴿بَيْضَاءُ﴾: سفید، روشنتر از آفتاب.
- ۱۰۹- ﴿الْمَلَأُ﴾: اهل مشورت و بزرگان.
- ۱۱۱- ﴿أَرْجِهْ وَأَخَاهُ﴾: تعذیب و شکنجه این و برادرش را به تأخیر انداز.
- ۱۱۱- ﴿حَاشِرِينَ﴾: گروه جمع کننده ساحران.
- ۱۱۶- ﴿سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ﴾: چیزهای غیر واقعی و خیالی را به چشم مردم نشان دادند.
- ۱۱۶- ﴿وَأَسْتَرْهَبُوهُمْ﴾: مردم را به شدت ترساندند.
- ۱۱۷- ﴿تَلَقَّفَ﴾: می‌بلعد یا به سرعت تناول می‌کند.
- ۱۱۷- ﴿مَا يَأْفِكُونَ﴾: چیزهای تخیلی آنها را.
- ۱۱۸- ﴿فَوْقَ الْحَقِّ﴾: حقانیت کار موسی عليه السلام آشکار شد.
- ۱۲۶- ﴿مَا تَنْقِمُ مِنَّا﴾: به ما عیب نمی‌گیری و ناپسند نمی‌دانی.
- ۱۲۶- ﴿أَفْرِغْ عَلَيْنَا﴾: بر ما بیفکن یا بفرست.
- ۱۲۷- ﴿نَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ﴾: دختران ایشان را برای خدمت زنده می‌گذاریم.
- ۱۳۰- ﴿بِالسِّنِينَ﴾: به خشکسالی و قحطی.

۱۳۱- ﴿يَظَيِّرُوا﴾: فال بد می گرفتند.

۱۳۱- ﴿ظَيَّرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی آنها و عذابی که در آخرت به آنها وعده شده نزد خداست.

۱۳۳- ﴿الْطُّوفَانَ﴾: سیل، یا مرگ.

۱۳۳- ﴿الْقَمَلَ﴾: ملخ یا کنه یا شپش معروف.

۱۳۴- ﴿الرَّجْزُ﴾: عذاب با این معجزاتی که ذکر شد.

۱۳۵- ﴿يَنْكُثُونَ﴾: عهد خود را می شکستند.

۱۳۷- ﴿دَمَرْنَا﴾: نابود و ویران کردیم.

۱۳۷- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: می افراشتند از قبیل باغها یا کاخهای بلند.

۱۳۹- ﴿مُتَبَّرٌ﴾: هلاک و نابودند.

۱۴۰- ﴿أَنْغِيكُمْ إِلَهًا﴾: برای شما خدایی جستجو کنم.

۱۴۱- ﴿يُسْؤِمُونَكُم﴾: به شما می چشانیدند یا شما را به کارهای دشوار می گماشتند.

۱۴۱- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمتگاری زنده می گذاشتند.

۱۴۱- ﴿بَلَاءٌ﴾: آزمونی بود به آمدن نعمتها و دردها.

۱۴۳- ﴿تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ﴾: اندکی از نور او تعالی بر کوه آشکار شد. ﴿دَكَّاءٌ﴾:

ریزه ریزه و با خاک یکسان. ﴿صَعِقًا﴾: بیهوش. ﴿سُبْحَنَكَ﴾: تو از مشابهت با موجودات منزهی.

۱۴۵- ﴿الْأَنْوَاجِ﴾: الواح تورات.

۱۴۶- ﴿سَبِيلَ الرُّشْدِ﴾: راه راست و درست.

۱۴۶- ﴿سَبِيلَ الْغِيِّ﴾: راه گمراهی و فساد.

۱۴۷- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: به خدا ایمان نیاوردند اعمالشان باطل شد.

۱۴۸- ﴿عِجْلًا جَسَدًا﴾: پیکر گوساله‌ای از طلای سرخ.

۱۴۸- ﴿لَهُ خُورٌ﴾: آوازی مانند آواز گاو داشت.

- ۱۴۸- ﴿اتَّخَذُوهُ﴾: آن گوساله را خدا گرفتند و از گمراهی عبادتش کردند.
- ۱۴۹- ﴿سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ﴾: شدیداً پشیمان شدند.
- ۱۵۰- ﴿أَسْفَا﴾: شدیداً خشمگین یا حزین.
- ۱۵۰- ﴿أَعْجَلْتُمْ﴾: آیا به پرستش گوساله شتاب کردید یا ترک نمودید.
- ۱۵۰- ﴿فَلَا تُشِمْتُ﴾: با رفتار ناپسندت با من آنها را شاد نکن.
- ۱۵۴- ﴿سَكَّتْ﴾: خاموش شد.
- ۱۵۵- ﴿أَخَذَتْهُمْ الرَّجْفَةُ﴾: دچار زلزله شدید یا صاعقه شدند.
- ۱۵۵- ﴿فَتَنَّنَاكَ﴾: محنت و ابتلای تو.
- ۱۵۶- ﴿هُدًى إِلَيْكَ﴾: توبه کردیم و به سوی تو بازگشتیم.
- ۱۵۷- ﴿أَصْرَهُمْ﴾: بار گران آنها، عهد و پیمان آنها را که در تورات عمل می کنند.
- ۱۵۷- ﴿الْأَعْلَلُ﴾: تکالیف شاقه ای که به تورات آمده است.
- ۱۵۷- ﴿عَزَّوْهُ﴾: او را محترم و بزرگ شمردند.
- ۱۵۹- ﴿بِهِ يَعْدِلُونَ﴾: در خصومت های بین خود به حق و عدالت قضاوت می کنند.
- ۱۶۰- ﴿قَطَّعْنَهُمْ﴾: آنها را پراکنده کردیم.
- ۱۶۰- ﴿أَسْبَاطًا﴾: دسته ها، مثل قبایل عرب.
- ۱۶۰- ﴿فَأَنْبَجَسَتْ﴾: پس روان شد.
- ۱۶۰- ﴿مَشَرَبَهُمْ﴾: چشمه مختص به خود را.
- ۱۶۰- ﴿الْغَمَمِ﴾: ابر سفید نازک.
- ۱۶۰- ﴿الْمَنْ﴾: ماده صمغی شیرین مثل عسل.
- ۱۶۰- ﴿وَالسَّلَوَى﴾: پرنده معروف به سمانی.
- ۱۶۱- ﴿قُولُوا حِطَّةً﴾: بگوئید: می خواهیم گناهان ما آمرزیده شود.
- ۱۶۲- ﴿رِجْزًا﴾: عذابی، طاعون.
- ۱۶۳- ﴿حَاضِرَةَ الْبَحْرِ﴾: نزدیک بحر.

۱۶۳- ﴿يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ﴾: با شکار ماهی که در روز شنبه حرام بود، از امر الهی تجاوز می کردند.

۱۶۳- ﴿يَوْمَ سَبْتِهِمْ﴾: روز بزرگداشت آنها امور شنبه را.

۱۶۳- ﴿شُرْعًا﴾: در روی آب بسیار آشکار می شدند.

۱۶۳- ﴿لَا يَسْبِتُونَ﴾: مراسم شنبه را رعایت نمی کردند.

۱۶۳- ﴿نَبْلُوهُمْ﴾: آنها را به شدت آزمودیم.

۱۶۴- ﴿مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُم﴾: آنها را پند و اندرز می کنیم تا به دربار خدا عذری داشته باشیم.

۱۶۵- ﴿بِعَذَابٍ بَئِيسٍ﴾: به عذابی سخت و دردناک.

۱۶۶- ﴿عَتَوْا﴾: نافرمانی کردند.

۱۶۶- ﴿قِرْدَةً خَلِيسِينَ﴾: به شکل میمون های رسوا و مطرود.

۱۶۷- ﴿تَأْذَنَ رَبُّكَ﴾: خدایت اعلام یا عزم کرد.

۱۶۷- ﴿يُسْؤِمُهُمْ﴾: آنها را به کارهای دشوار می گماشت.

۱۶۸- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: آنها را آزمودیم.

۱۶۹- ﴿خَلْفُ﴾: جانشین بد.

۱۶۹- ﴿عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَى﴾: هرچه از مال ناپایدار دنیا به آنها عرضه شود.

۱۶۹- ﴿دَرَسُوا مَا فِيهِ﴾: آنچه در تورات است خواندند و دانستند.

۱۷۱- ﴿نَتَقْنَا الْجَبَلَ﴾: کوه را کندید و برداشتیم.

۱۷۱- ﴿كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ﴾: گویی آن کوه ابر یا سقف سایه داری بود.

۱۷۵- ﴿فَانْسَلَخَ مِنْهَا﴾: پس از آن آیه ها دور شد و کفر ورزید.

۱۷۵- ﴿فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان به او پیوست و همدم او شد.

۱۷۵- ﴿الْغَاوِينَ﴾: گمراهان تباه.

۱۷۶- ﴿أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ﴾: به دنیا متمایل شد و آن را برگزید.

- ۱۷۶- ﴿تَحْمِلْ عَلَيْهِ﴾: بر او هجوم ببری و دورش کنی.
- ۱۷۶- ﴿يَاهْتُ﴾: زبانش را بیرون می آورد و به شدت تنفس می کند.
- ۱۷۹- ﴿ذَرَأْنَا﴾: آفریدیم.
- ۱۸۰- ﴿يُلْجِدُونَ﴾: به باطل متمایل می شوند.
- ۱۸۱- ﴿بِهِ يَعْدِلُونَ﴾: در خصومت های بین خود به حق و عدالت قضاوت می کنند.
- ۱۸۲- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: به آنها نعمت و فرصت می دهیم و یکباره نابودشان نمی کنیم.
- ۱۸۳- ﴿أُمْلِي لَهُمْ﴾: در فرستادن عذاب به آنها مهلت می دهیم.
- ۱۸۳- ﴿كَيْدِي مَتِينٌ﴾: مجازات من شدید و قوی است.
- ۱۸۴- ﴿جِنَّةٍ﴾: دیوانه چنانچه می پندارند.
- ۱۸۵- ﴿مَلَكَوْتُ﴾: سلطنت عظیم.
- ۱۸۶- ﴿طُغْيَنِهِمْ﴾: سرکشی و کفرشان.
- ۱۸۷- ﴿آيَاتٍ مُّرْسَلًا﴾: قیامت چه وقت برپا می شود؟
- ۱۸۷- ﴿لَا يُجْلِيهَا﴾: او را آشکار نمی کند.
- ۱۸۷- ﴿تُقَلَّتْ﴾: از جهت سختی و صلابت بسی سنگین و عظیم است.
- ۱۸۷- ﴿حَفِي عَنَّا﴾: پژوهش کننده و عالم به آن.
- ۱۸۹- ﴿تَغَشَّاهَا﴾: با او هم بستر شد.
- ۱۸۹- ﴿فَمَرَّتْ بِهِ﴾: حوا با آن حمل بدون زحمت رفت و آمد کرد.
- ۱۸۹- ﴿أَثْقَلَتْ﴾: حوا با بزرگ شدن حمل سنگین بار شد.
- ۱۸۹- ﴿صَلِحًا﴾: نسلی خوش اندام یا فرزند سالم مثل خود ما.
- ۱۹۰- ﴿جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ﴾: به خدا شریک قرار دادند چون پسر خود را به وسوسه شیطان عبد الحارث نام گذاشتند، مراد شیطان از حارث، خودش بود.
- ۱۹۰- ﴿عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾: از آنچه مشرکین عرب با پرستش بتها به او شریک قرار می دهند.

- ۱۹۵- ﴿فَلَا تُنْظِرُونَ﴾: مرا یک ساعت مهلت ندهید.
- ۱۹۸- ﴿لَا يُبْصِرُونَ﴾: نمی‌توانند ببینند که توانش را ندارند.
- ۱۹۹- ﴿خُذِ الْعَقْفَ﴾: از اخلاق مردم آنچه بر آنها سهل و آسان است بپذیر.
- ۱۹۹- ﴿وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾: به کاری دستور بده که در شرع پسندیده است.
- ۲۰۰- ﴿يَنْزَعَنَّكَ﴾: به تو رسد.
- ۲۰۰- ﴿نَزَغَ﴾: وسوسه‌ای.
- ۲۰۱- ﴿مَسَّهُمْ طَئِيفٌ﴾: وسوسه‌ای به ایشان رسد.
- ۲۰۱- ﴿تَذَكَّرُوا﴾: امر و نهی خدا و دشمنی شیطان را بیاد بیاورند.
- ۲۰۲- ﴿يَمْدُونَهُمْ﴾: شیاطین با آنها در گمراهی کمک می‌کنند.
- ۲۰۳- ﴿لَوْلَا أَجْتَبَيْتَهَا﴾: چرا آیات را خودت نساختی.
- ۲۰۳- ﴿هَذَا بَصَائِرُ﴾: قرآن حجت آشکار و برهان درخشان است.
- ۲۰۵- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به ناله و زاری.
- ۲۰۵- ﴿خِيفَةً﴾: ترسان از عذاب الهی.
- ۲۰۵- ﴿بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- ۲۰۶- ﴿لَهُ يَسْجُدُونَ﴾: تنها او را سجده و عبادت می‌کنند، آیه سجده.

سوره انفال

- ۱- ﴿الْأَنْفَالِ﴾: غنایم بدر.
- ۱- ﴿لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾: امر غنایم اختصاص به خدا و پیامبر دارد.
- ۱- ﴿ذَاتَ بَيْنَكُمْ﴾: حالت‌های بین خود را که سبب وحدت شماس است.
- ۲- ﴿وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾: دل‌هاشان از عظمت و هیبت نرم و هراسان شود.
- ۲- ﴿يَتَوَكَّلُونَ﴾: اعتماد می‌کنند و خود را به خدا می‌سپارند.
- ۷- ﴿الطَّائِفَتَيْنِ﴾: کاروان تجارتی و سپاه قریش.

- ۷- ﴿ذَاتِ الشَّوْكَ﴾: صاحب نیرو و سلاح، لشکر قریش.
- ۷- ﴿دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾: آخرین فرد کافران را، همه آنها را.
- ۹- ﴿مُرْدِفِينَ﴾: پشت سر هم.
- ۱۱- ﴿يُعْشِيكُمُ الثُّعَاسُ﴾: خواب سبک را پوششی برای شما قرار داد.
- ۱۱- ﴿أَمَنَةً مِّنْهُ﴾: برای آرامش و تقویه روحی شما از سوی پروردگار.
- ۱۱- ﴿رِجْزَ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه شیطان را که شما را از تشنگی می ترسانید.
- ۱۱- ﴿لِيَرْبِطَ﴾: تا به یقین و شکیبایی قوی گرداند.
- ۱۲- ﴿أَنِّي مَعَكُمْ﴾: بر استوار ساختن مسلمانان من به کمک شما هستم.
- ۱۲- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس و پریشانی.
- ۱۲- ﴿كُلَّ بَنَانٍ﴾: دستها، پاها و سرها یا کل مفاصل.
- ۱۳- ﴿شَاقُوا﴾: مخالفت و سرپیچی کردند.
- ۱۵- ﴿زَحَفًا﴾: سپاهی که آرام آرام به جنگ شما می آید.
- ۱۶- ﴿مُتَحَرِّفًا﴾: برای فریب دشمن تظاهر به فرار می کند و دو باره یورش می آورد.
- ۱۶- ﴿مُتَحَرِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ﴾: به گروه دیگر پیوندت تا یکجا با آنها به پیکار دشمن بپردازد.
- ۱۶- ﴿بَاءَ بَعْضٍ﴾: باز هم گرفتار غضب خدا گردد که مستحق آن است.
- ۱۷- ﴿لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: تا برای مسلمانان پیروزی و پاداش عطا کند.
- ۱۸- ﴿مُوهِنٌ﴾: ضعیف کننده است.
- ۱۹- ﴿تَسْتَفْتِحُوا﴾: برای هر کدام از این دو گروه که به راه راست روان است، پیروزی می خواستید.
- ۲۴- ﴿يُحْيِيكُمْ﴾: برای شما حیات ابدی و نعمت جاودان می آورد.
- ۲۶- ﴿يَتَخَفَتُكُمُ النَّاسُ﴾: مردم شما را به سرعت برابند و ریشه کن سازند.
- ۲۸- ﴿فِتْنَةً﴾: ابتلا و گرفتاری یا سبب دچاری به گناه و عذاب است.
- ۲۹- ﴿فُرْقَانًا﴾: هدایت و نور یا نجات.

- ۳۰- ﴿لِيُثْبِتُوكَ﴾: تا تو را حبس نمایند و به قید و زنجیرت کشند.
- ۳۰- ﴿يَمْكُرُ اللَّهُ﴾: خدا مکر آنها را باطل می‌کرد.
- ۳۱- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.
- ۳۵- ﴿مُكَاءَ وَتَصْدِيَّةَ﴾: کف زدن و سوت کشیدن.
- ۳۶- ﴿حَسْرَةً﴾: ندامت و تأسف.
- ۳۷- ﴿فَيَزَكِّمُهُ جَمِيعًا﴾: و کافران را روی یکدیگر جمع کند.
- ۳۸- ﴿سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت الهی در مورد آن‌های که پیامبران را تکذیب کردند.
- ۳۹- ﴿فِتْنَةً﴾: شرک، بدبختی و دشواری.
- ۴۱- ﴿لِلَّهِ حُمُسُهُ﴾: پنج یک غنمیت برای خداست و چهار بخش باقی مانده سهم سپاه‌یانی است که غنایم را بدست آورده‌اند.
- ۴۱- ﴿يَوْمَ الْفُرْقَانِ﴾: روزی که حق از باطل جدا شد، روز بدر.
- ۴۲- ﴿بِالْعُدُوَّةِ الدُّنْيَا﴾: به کناره وادی نزدیک مدینه.
- ۴۲- ﴿الرَّكْبِ﴾: کاروان تجارتی قریش.
- ۴۳- ﴿لَفِشَلْتُمْ﴾: بزدل می‌شدید و از جنگ می‌ترسیدید.
- ۴۶- ﴿تَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾: قوت یا نعمت شما از هم بپاشد.
- ۴۷- ﴿بَطْرًا﴾: از سرکشی یا فخر و تکبر.
- ۴۸- ﴿إِنِّي جَارٌ لَّكُمْ﴾: من پناه دهنده، معین و ناصر شما هستم.
- ۴۸- ﴿نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ﴾: شیطان به عقب گریخت.
- ۵۲- ﴿كَذَّابٌ...﴾: مانند عادت...
- ۵۷- ﴿تَتَّقَفَنَّهُمْ﴾: با آنها روبرو شوی و مغلوب‌شان سازی.
- ۵۷- ﴿فَشَرِدْ بِهِمُ﴾: آنها را پراکنده بساز و به شدت بترسان.
- ۵۸- ﴿مِنْ قَوْمٍ﴾: از گروهی که با تو پیمان بسته‌اند.
- ۵۸- ﴿فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ﴾: عهدشان را به سوی آنها بینداز و با آنها بجنگ.

- ۵۸- ﴿عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾: همه یکسان از الغای پیمان آگاه باشید.
- ۵۹- ﴿سَبَقُوا﴾: از عذاب الهی رهایی یافتند.
- ۶۰- ﴿قُوَّةٌ﴾: هر چه سبب نیرومندی و توانایی در جنگ است.
- ۶۰- ﴿رَبَّاطِ الْحَيْلِ﴾: نگهداری اسب بخاطر جهاد در راه خدا.
- ۶۱- ﴿إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ﴾: اگر به مصالحه و مسالمت متمایل شوند.
- ۶۲- ﴿حَسْبَكَ اللَّهُ﴾: در دفع فریب آنها خدا تو را کفایت می کند.
- ۶۵- ﴿حَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: به ترغیب مسلمانها بکوش.
- ۶۷- ﴿يُثْخِنَ﴾: به کشتار بکوشد تا کفر ضعیف شود.
- ۶۷- ﴿عَرَضَ الدُّنْيَا﴾: مال دنیا را، به سبب گرفتن فدیة.
- ۷۱- ﴿فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ﴾: و تو را روز بدر بر آنها مسلط کرد.
- ۷۵- ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.
- ۷۵- ﴿أُولَى﴾: به میراث از بیگانگان سزاوارتر هستند.

سورة توبه

- ۱- ﴿بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ...﴾: این آیات [اعلام] دوری و بیزاری است که از جانب پروردگار رسیده...
- ۱- ﴿عَاهِدْتُمْ﴾: با آنها عهد و پیمان بستید و آنها پیمان را زیر پا گذاشتند.
- ۲- ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾: چهار ماه، از روز دهم ذی الحجه آغاز می شود.
- ۲- ﴿غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- ۳- ﴿أَذَنٌ﴾: اعلام است.
- ۳- ﴿يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾: روز اول عید قربان سال نهم هجرت.

- ۳- ﴿رَسُولُهُ﴾: رسول خدا نیز از مشرکین بیزار است.
- ۴- ﴿لَمْ يَنْقُصُوكُمْ﴾: به عهد و پیمان با شما کوتاهی نکردند بلکه به آن وفا نمودن.
- ۴- ﴿لَمْ يُظَاهِرُوا﴾: کمک نکردند.
- ۵- ﴿أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ﴾: پیمان چهار ماهه پایان یابد.
- ۵- ﴿أَحْضَرُوهُمْ﴾: آنها را حبس نمایید یا در تنگنا قرار دهید و از رفت و آمد و کسب و کار در شهرها ممانعت نمایید.
- ۵- ﴿كُلَّ مَرَّصِدٍ﴾: تمام راهها و گذرگاهها و دیده بانی‌ها.
- ۶- ﴿أَسْتَجَارَكَ﴾: در پایان مدت پیمان از تو حمایت خواست.
- ۷- ﴿فَمَا أَسْتَقَمُوا لَكُمْ﴾: پس تا وقتی که بر پیمان با شما پایدار باشند.
- ۸- ﴿يُظَاهَرُوا عَلَيْكُمْ﴾: بر شما غالب شوند.
- ۸- ﴿لَا يَرْقُبُوا﴾: مراعات نمی‌کنند.
- ۸- ﴿إِلَّا﴾: خویشاوندی و قرابت یا تعهد و پیمان را.
- ۸- ﴿ذِمَّةً﴾: عهد را.
- ۱۲- ﴿تَكُونُوا أَيْمَنَهُمْ﴾: پیمان‌های مؤکد به سوگند خود را بشکنند.
- ۱۵- ﴿غِيْظَ قُلُوبِهِمْ﴾: خشم و اندوه شدید دل‌های آنها را.
- ۱۶- ﴿وَلِيَجَّةً﴾: دوست پنهانی، رازدار و رفیق.
- ۱۷- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شده است.
- ۱۹- ﴿سِقَايَةَ الْحَاجِّ﴾: آب رساندن به حاجیان را.
- ۲۳- ﴿أَسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ﴾: بی‌دینی اختیار کنند و در آن پایدار بمانند.
- ۲۴- ﴿أَقْتَرَفْتُمُوهَا﴾: آن را بدست آورده‌اید.
- ۲۴- ﴿كَسَادَهَا﴾: از رواج افتادن آن به گذشت ایام حج.
- ۲۴- ﴿فَتَرَبَّصُوا﴾: پس در انتظار باشید.
- ۲۵- ﴿بِمَا رَحِبَتْ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.

- ۲۶- ﴿سَكِينَتَهُ﴾: آرامش یا رحمت خود را.
- ۲۸- ﴿الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾: مشرکان بخاطر فساد عقیده خبیث و پلیدند.
- ۲۸- ﴿خِفْتُمْ عَيْلَةً﴾: از فقر و فاقه ترسیدید به سبب قطع تجارت مشرکان از مسجد حرام.
- ۲۹- ﴿يُعْطُوا الْجِزْيَةَ﴾: خراجی را که بر آنها معین شده است بدهند.
- ۲۹- ﴿عَنْ يَدٍ﴾: از فرمانبرداری یا از قوت و تسلط شما.
- ۲۹- ﴿هُمْ صَغِيرُونَ﴾: آنها فرمانبردار حکم اسلام باشند.
- ۳۰- ﴿يُضِلُّهُمْ﴾: خود را در کفر و شناعت مشابه می سازند.
- ۳۰- ﴿أَلَيْسَ يُؤْفَكُونَ﴾: بعد از درخشش حق چگونه از آن دور می شوند؟
- ۳۱- ﴿أَحْبَارُهُمْ﴾: دانشمندان خود را.
- ۳۱- ﴿رُهْبَنُهُمْ﴾: پارسایان خود را.
- ۳۱- ﴿أَرْبَابًا﴾: از آنها مانند پروردگار اطاعت کردند.
- ۳۳- ﴿لِيُظْهَرَهُ﴾: تا او را غالب کند.
- ۳۶- ﴿أَرْبَعَةَ حُرُمٍ﴾: چهار ماه حرام، رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم.
- ۳۶- ﴿الَّذِينَ اتَّقَوْا﴾: دین مستقیم، دین ابراهیم عليه السلام.
- ۳۷- ﴿النَّبِيِّ﴾: تأخیر حرمت ماهی به ماه دیگر. ﴿لِيُؤْاطُوا﴾: تا موافق سازند.
- ۳۸- ﴿أَنْفِرُوا﴾: به میدان جنگ بروید، غزوه تبوک.
- ۳۸- ﴿أَتَأْتَلُّهُمْ﴾: سستی می کنید و مایل می شوید.
- ۴۰- ﴿فِي الْغَارِ﴾: در غار کوه ثور نزدیک مکه.
- ۴۰- ﴿لِصَاحِبِهِ﴾: به یار خود، ابوبکر صدیق.
- ۴۱- ﴿خِفَافًا وَثِقَالًا﴾: بر هر حالتی که باشید.
- ۴۲- ﴿عَرَضًا قَرِيبًا﴾: غنیمتی که به آسانی بدست می آمد.
- ۴۲- ﴿سَفَرًا قَاصِدًا﴾: سفر متوسط نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک.

- ۴۲- ﴿الشُّقَّةُ﴾: مسافتی که به مشقت و زحمت طی شود.
- ۴۶- ﴿أَتَّبِعَانَّهُمُ﴾: حرکت ایشان را با شما.
- ۴۶- ﴿فَتَبَّطَّطَهُمُ﴾: پس خدای بزرگ آنها را از رفتن با شما باز داشت.
- ۴۷- ﴿حَبَالًا﴾: شر و فساد، یا جبن و ناتوانی.
- ۴۷- ﴿لَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ﴾: برای نمایی به سرعت بین شما رفت و آمد می کردند تا میان شما فساد برپا کنند.
- ۴۷- ﴿يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ﴾: می خواهند شما را در فتنه و آشوب بزرگ اندازند.
- ۴۸- ﴿قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورُ﴾: در برابر تو نیرنگ و فریب بکار بردند.
- ۴۹- ﴿أُتِدَّنَ لِي﴾: مرا اجازه بده در این غزوه نروم.
- ۴۹- ﴿لَا تَفْتِنِي﴾: مرا با مخالفت از دستورت گرفتار گناه نگردان.
- ۵۲- ﴿هَلْ تَرَبَّصُونَ﴾: آیا درباره ما انتظار دارید.
- ۵۲- ﴿الْحُسَيْنَيْنِ﴾: نصرت و شهادت را.
- ۵۵- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جان آنها بیرون آید.
- ۵۶- ﴿قَوْمٌ يَفْرَقُونَ﴾: گروهی اند که از ترس و منافقت عقاید خود را پنهان می کنند.
- ۵۷- ﴿مَلَجَأً﴾: جای محکمی که در آن پناه ببرند.
- ۵۷- ﴿مَعْلَرَاتٍ﴾: مغاره های در کوه ها که پنهان شوند. ﴿مُدْخَلًا﴾: سوراخی در زمین که داخل شوند.
- ۵۷- ﴿يَجْمَحُونَ﴾: برای داخل شدن در آن می شتابند.
- ۵۸- ﴿يَلْمِزُكَ﴾: بر تو طعن می زنند و عیب می گیرند.
- ۵۹- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾: فضل خدا ما را بس است.
- ۶۰- ﴿الْعَمِلِينَ عَلَيْهَا﴾: متصدیان زکات مثل جمع آوری کنندگان و کاتبان و نگهبانان.
- ۶۰- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان یا اسیران.
- ۶۰- ﴿الْعَرْمِينَ﴾: وام دارانی که توان پرداخت ندارند.

- ۶۰- ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾: در راه جهاد یا هر کار نیک.
- ۶۰- ﴿وَابْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از مال خود جداست.
- ۶۱- ﴿هُوَ أَذُنٌ﴾: او مردی است که هر چه بشنود باور می‌کند.
- ۶۱- ﴿أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ﴾: او شنوای خیر است برای شما، سخنان خیر شما را می‌شنود و قبول می‌کند و سخنان بد شما را باور نمی‌کند.
- ۶۳- ﴿مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ﴾: هر کس با خدا مخالفت و دشمنی ورزد...
- ۶۵- ﴿نَحْوُصٌ وَنَلْعَبُ﴾: خود را به سخن سرگرم می‌کردیم تا راه کوتاه شود.
- ۶۷- ﴿يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ﴾: دستهای خود را از بخل، به خیر و طاعت دراز نمی‌کنند.
- ۶۷- ﴿فَنَسِيَهُمْ﴾: پس خدا هم آنها را از توفیق و هدایت خود دور کرد.
- ۶۸- ﴿هِيَ حَسْبُهُمْ﴾: جهنم برای تعذیب کافران کافی است.
- ۶۹- ﴿فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ﴾: از لذت‌های دنیا به سهم خود بهره‌مند شدند.
- ۶۹- ﴿خُضْتُمْ﴾: در باطل داخل شدید.
- ۶۹- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شد.
- ۷۰- ﴿الْمُؤْتَفِكَتِ﴾: شهرهای ویران شده قوم لوط.
- ۷۳- ﴿وَأَغْلَطَ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها سخت بگیر و نرمی نکن.
- ۷۴- ﴿مَا نَقَمُوا﴾: هیچ چیز را زشت و ناپسند نشمردند.
- ۷۸- ﴿يَعْلَمُ سِرَّهُمْ﴾: خدا آنچه را از منافقت نهان داشته‌اند، می‌داند.
- ۷۸- ﴿نَجَوْنَهُمْ﴾: سخنان طعنه آمیزی را که با هم در مورد دین می‌گویند.
- ۷۹- ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ﴾: منافقان عیب می‌گیرند.
- ۷۹- ﴿جُهِدْهُمْ﴾: توان خویش، فقرا.
- ۷۹- ﴿سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾: خدا خوار و ذلیلشان ساخت، با دادن جزای مناسب.
- ۸۱- ﴿خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ﴾: بعد از رفتن رسول خدا، یا از جهت مخالفت با او.
- ۸۱- ﴿لَا تَنْفِرُوا﴾: برای جهاد به سمت تبوک حرکت نکنید.

- ۸۳- ﴿الْخَلِيفَيْنِ﴾: بازماندگان از جهاد مانند زنان.
- ۸۵- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جانشان برآید.
- ۸۶- ﴿أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ﴾: منافقان ثروتمند و توانگر.
- ۸۷- ﴿الْخَوَالِفِ﴾: زنانی که به خانه می‌نشینند و به جهاد نمی‌روند.
- ۸۷- ﴿طَبِعَ﴾: مهر نهاده شده است.
- ۹۰- ﴿الْمُعْذِرُونَ﴾: بهانه تراشان به عذرهای دروغین.
- ۹۱- ﴿حَرْجٌ﴾: جرم و گناهی در اثر بازماندن از سفر جهاد.
- ۹۲- ﴿تَفْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾: اشک می‌ریختند.
- ۹۵- ﴿إِنَّهُمْ رِجْسٌ﴾: ظاهر و باطن آنها پلید است.
- ۹۷- ﴿أَجْدَرُ﴾: سزاوارتر و شایسته‌ترند.
- ۹۸- ﴿مَعْرَمًا﴾: تاوان و زیان.
- ۹۸- ﴿يَتَرَبَّصُّ بِكُمْ الدَّوَابِرُ﴾: انتظار می‌کشد تا سختی‌های روزگار دامن گیرتان شود.
- ۹۸- ﴿عَلَيْهِمْ دَابِرَةُ السَّوْءِ﴾: بد و زیان بر خود آنها باد، دعاست.
- ۹۹- ﴿صَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾: دعا و استغفار پیامبر، برای انفاق کنندگان.
- ۱۰۱- ﴿مَرَدُوا عَلَى التِّفَاقِ﴾: به نفاق خو گرفته و به آن ماهر شده‌اند.
- ۱۰۳- ﴿تُرْكِهِمْ بِهَا﴾: تا به سبب این صدقه، حسنات و اموال ایشان را برکت دهی.
- ۱۰۳- ﴿صَلِّ عَلَيْهِمْ﴾: به آنها دعا و استغفار کن.
- ۱۰۳- ﴿سَكَنٌ لَهُمْ﴾: آرامش یا رحمت است برای ایشان.
- ۱۰۴- ﴿يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾: صدقات را می‌پذیرد و پاداش می‌دهد.
- ۱۰۶- ﴿مُرْجُونَ﴾: کارشان به تأخیر افتاده است، پذیرش توبه آنها قطعی نشده بود.
- ۱۰۷- ﴿مَسْجِدًا ضِرَارًا﴾: مسجد زیان آور برای اهالی مسجد قباء.
- ۱۰۷- ﴿إِرْصَادًا﴾: انتظار کشیدن یا آماده ساختن.

- ۱۰۸- ﴿لَمَسْجِدٌ﴾: بدون شک مسجدی که، مسجد قباء یا مسجد نبوی.
- ۱۰۹- ﴿عَلَى شَفَا جُرْفٍ﴾: بر کنار چاهی که سنگ کاری نشده باشد.
- ۱۰۹- ﴿هَارٍ﴾: شکسته یا در حال ویرانی.
- ۱۰۹- ﴿فَأَنْهَارَ بِهِ﴾: پس ساختمان بر صاحب خود سقوط کرد.
- ۱۱۰- ﴿رَبِيبَةٍ فِي قُلُوبِهِمْ﴾: شک و نفاق در دلهای شان موج می زند.
- ۱۱۰- ﴿تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ﴾: دلهای آنها بر اثر مرگ پاره پاره شود.
- ۱۱۲- ﴿السَّيِّحُونَ﴾: مجاهدان غازی، یا روزه داران.
- ۱۱۲- ﴿لِحُدُودِ اللَّهِ﴾: برای اوامر و نواهی خدا.
- ۱۱۴- ﴿لَا وَهَّ﴾: بسیار با درد و آه، از خشم خدا ترسان و مرد دلسوز و مهربان بود.
- ۱۱۷- ﴿سَاعَةِ الْعُسْرَةِ﴾: وقت سختی و تنگدستی در غزوه تبوک.
- ۱۱۷- ﴿يَزِيغُ﴾: به تخلف از جهاد میل کند.
- ۱۱۸- ﴿بِمَا رَحِبتُ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.
- ۱۱۸- ﴿لِيَتُوبُوا﴾: تا در آینده به توبه ادامه دهند.
- ۱۲۰- ﴿لَا يَزْعُبُوا بِأَنْفُسِهِمْ﴾: جان خود را عزیزتر ندانند.
- ۱۲۰- ﴿نَصَبٍ﴾: رنجی.
- ۱۲۰- ﴿مُحْمَصَةً﴾: گرسنگی.
- ۱۲۰- ﴿يَغِيظُ الْكُفَّارَ﴾: آنها را به خشم آورد و اندوهگین کند.
- ۱۲۰- ﴿ثِيْلًا﴾: چیزی از قبیل کشتن، اسارت و غنیمت.
- ۱۲۲- ﴿لِيَنْفِرُوا كَافَّةً﴾: که همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنند.
- ۱۲۳- ﴿غِلْظَةً﴾: شجاعت، ننگ و شکیبایی.
- ۱۲۵- ﴿رِجْسًا﴾: کفر و نفاق.
- ۱۲۶- ﴿يُفْتَنُونَ﴾: در بلاها و سختی ها مورد آزمایش قرار می گیرند.
- ۱۲۸- ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ﴾: بر او سخت و دشوار است.

- ۱۲۸- ﴿مَا عَنَيْتُمْ﴾: رنج و مشقت شما.
 ۱۲۹- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: یاری و کمک خدا مرا بس است.

سوره یونس

- ۲- ﴿قَدَّمَ صِدْقٍ﴾: سابقه فضیلت و برتری و مقام عالی.
 ۳- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق ذات او تعالی است.
 ۴- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
 ۴- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
 ۵- ﴿قَدَرَهُ مَنَازِلَ﴾: برای ماه منزلها قرار داد که در آنها سیر می کند.
 ۷- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: چون از رستخیز منکرند امید دیدار ما را ندارند.
 ۱۰- ﴿دَعَوْهُمْ﴾: دعای آنها.
 ۱۱- ﴿لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ﴾: تباہ و نابود می شدند.
 ۱۱- ﴿فِي طُعَيْنِهِمْ﴾: در سرکشی و کفر ایشان.
 ۱۱- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: متحیر و سرگردان باشند.
 ۱۲- ﴿الضُّرُّ﴾: بلا، رنج و سختی.
 ۱۲- ﴿دَعَانَا لِجَنبِهِ﴾: بخاطر دور شدن بلا در حالی که بر پهلوی خوابیده از ما فریادری می کند.
 ۱۲- ﴿مَرَّ﴾: پند نگیرد و به کفر خویش ادامه دهد.
 ۱۳- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملتها را مثل قوم نوح الْعَالَمِينَ، عاد و ثمود.
 ۱۳- ﴿ظَلَمُوا﴾: ستم کردند با تکذیب پیامبران.
 ۱۴- ﴿جَعَلْنٰكُمْ خَلَافَ﴾: پس از نابودی آنها شما را جانشینان کردیم.
 ۱۶- ﴿لَا أَذْرُكُمْ بِهِ﴾: خدا شما را به واسطه من از آن آگاه نمی کرد.
 ۱۷- ﴿لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾: گناهکاران به مطلوبی دست نمی یابند.

- ۱۸- ﴿سُبْحَنَهُ﴾: او تعالی پاک و منزّه است.
- ۲۱- ﴿ضَرَاءَ مَسْتَهُمُ﴾: به آنها سختی رسیده بود، گرسنگی و قحطی.
- ۲۱- ﴿لَهُمْ مَكْرُ﴾: آنان مخالفت و استهزاء می کنند.
- ۲۱- ﴿اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾: جزاء و عقوبت خدا سریعتر است^(۱).
- ۲۲- ﴿رِيحٌ عَاصِفٌ﴾: باد تند.
- ۲۲- ﴿أُحِيطَ بِهِمْ﴾: مرگ و نابودی بر آنها حلقه زده است.
- ۲۳- ﴿يَبْغُونُ﴾: فساد می کنند.
- ۲۴- ﴿مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: مثل زندگانی دنیا در سرعت نابودی و زوال آن.
- ۲۴- ﴿زُخْرُفَهَا﴾: شادابی و زیبایی آن با انواع گل و گیاه.
- ۲۴- ﴿أَمْرًا﴾: آفت های بنیان برنداز ما.
- ۲۴- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- ۲۴- ﴿لَمْ تَغْنِ﴾: اصلاً نبوده.
- ۲۶- ﴿الْحُسْنَى﴾: مقام نیکو، جنت.
- ۲۶- ﴿زِيَادَةً﴾: علاوه بر این، دیدار خدا هم در آنجا میسر است.
- ۲۶- ﴿لَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ﴾: روی آنها را نمی پوشاند.
- ۲۶- ﴿قَتَرٌ﴾: غبار سیاهی.
- ۲۶- ﴿ذِلَّةٌ﴾: اثر خواری.
- ۲۷- ﴿عَاصِمٍ﴾: مانعی که قهر و عذاب خدا را دور کند.
- ۲۷- ﴿أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ﴾: روی آنها پوشانده شده است.
- ۲۸- ﴿مَكَانَكُمْ﴾: دور نروید و در جای خود باشید.

۱- حقیقت مکر، برنامه ریزی محکم برای مجازات مجرم است به گونه ای که او باخبر نشود؛ و از عقوبت و مجازات مطلق، خاص تر است زیرا مکر عقوبت ویژه است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخميس).

- ۲۸- ﴿فَرَيْلَنَا بَيْنَهُمْ﴾: پس بین آنها جدایی می‌افکنیم و پیوندشان را می‌گسلیم.
- ۳۰- ﴿تَبْلُوا﴾: خبر دار و آگاه می‌شود یا مشاهده می‌کند.
- ۳۲- ﴿رَبُّكُمْ أَحَقُّ﴾: بدون شک ربوبیت او تعالی به دلایل استوار ثابت شده است.
- ۳۲- ﴿فَأَنَّى تُصْرِفُونَ﴾: پس چگونه از حق دور و به کفر و گمراهی مایل می‌شوید؟
- ۳۳- ﴿حَقَّتْ﴾: ثابت و حتمی شد.
- ۳۴- ﴿فَأَنَّى تُؤْفِكُونَ﴾: پس چگونه از راه نیک دور می‌شوید.
- ۳۵- ﴿لَا يَهْدِي﴾: خود نمی‌تواند راه راست را بیابد.
- ۳۹- ﴿لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾: هنوز برای آنها نتیجه و عاقبت وعید قرآن آشکار نشده است.
- ۴۳- ﴿يَنْظُرُ إِلَيْكَ﴾: دلایل روشن نبوت را مشاهده می‌کند.
- ۴۷- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در دنیا یا در روز جزاء.
- ۵۰- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: مرا از عذاب الهی آگاه سازید.
- ۵۰- ﴿بَيْنَتًا﴾: هنگام شب.
- ۵۱- ﴿الَّذِينَ﴾: آیا اکنون به وقوع عذاب خدا ایمان می‌آورید؟
- ۵۳- ﴿يَسْتَنْبِغُونَكَ﴾: به استهزا در باره عذاب از تو می‌پرسند.
- ۵۳- ﴿إِي وَرَجِي﴾: آری، به خدا قسم.
- ۵۳- ﴿مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۵۴- ﴿أَسْرُوا الدَّامَةَ﴾: غم و حسرت خود را پنهان می‌دارند.
- ۵۹- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۵۹- ﴿أَذِنَ لَكُمْ﴾: خدا شما را از این حلال و حرام گردانیدن باخبر ساخته است.
- ۵۹- ﴿تَفَرَّوْنَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهید.
- ۶۱- ﴿مَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ﴾: در هیچ کار مهم و قابل توجهی اقدام نمی‌کنی.
- ۶۱- ﴿مَا يَعْرُبُ﴾: پنهان نیست.

- ۶۱- ﴿مِثْقَالِ ذَرَّةٍ﴾: هم وزن کوچک‌ترین مورچه یا گردی.
- ۶۵- ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ﴾: تنها خداست که به ملک خود غلبه و سلطه دارد.
- ۶۶- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: هر چه که به خدا نسبت می‌دهند، دروغ می‌گویند.
- ۶۸- ﴿سُبْحَنَهُ﴾: خدای تعالی از آنچه به او نسبت می‌دهند پاک و منزّه است.
- ۶۸- ﴿سُلْطٰنٍ﴾: حجت روشن.
- ۷۱- ﴿كَبُرَ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما دشوار و پر مشقت است.
- ۷۱- ﴿مَقَامِي﴾: اقامت من در میان شما زمان دراز.
- ۷۱- ﴿فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ﴾: پس به اجرای مکر و حيله خود تصمیم بگیرید.
- ۷۱- ﴿شُرَكَاءَكُمُ﴾: همراه با شریکان خود.
- ۷۱- ﴿غُمَّةٌ﴾: دل‌تنگی شدید یا مبهم.
- ۷۱- ﴿أَقْضُوا إِلَيَّ﴾: هر چه می‌خواهید در حق من انجام دهید.
- ۷۱- ﴿لَا تُنْظِرُونِ﴾: مهلت‌م ندهید.
- ۷۳- ﴿جَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَ﴾: آنها را جانشین غرق شدگان کردیم.
- ۷۴- ﴿نَطِيعُ﴾: مهر می‌نهم.
- ۷۸- ﴿لِتَلْفِتَنَّا﴾: تا ما را منصرف سازی.
- ۸۳- ﴿أَنْ يَفْتِنَهُمْ﴾: که فرعون آنها را شکنجه کند.
- ۸۵- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را محل شکنجه قرار نده.
- ۸۷- ﴿تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا...﴾: برای قوم خود بسازید...
- ۸۷- ﴿قِبْلَةَ﴾: مساجد سوی کعبه یا جای ادای نماز.
- ۸۸- ﴿أَطِيسٌ عَلَى أَمْوَالِهِمْ﴾: اموالشان را تلف کن.
- ۸۸- ﴿وَأَشَدُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾: بر دل‌های ایشان مهر بنه.
- ۹۰- ﴿بَغْيًا وَعَدُوًّا﴾: به قصد ستم و تجاوز.
- ۹۱- ﴿الَّذِينَ﴾: آیا اکنون که به هلاکت خود یقین کردی ایمان می‌آوری.

- ۹۲- ﴿عَايَةَ﴾: عبرتی.
- ۹۳- ﴿بَوَّأْنَا﴾: مسکن دادیم.
- ۹۳- ﴿مُبَوَّأً صِدْقٍ﴾: منزل درست و پسندیده.
- ۹۴- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگان.
- ۹۸- ﴿عَذَابَ الْخِزْيِ﴾: عذاب رسوایی و ذلت را.
- ۱۰۰- ﴿يَجْعَلُ الرِّجْسَ﴾: عذاب یا انتقام را می‌نهد.
- ۱۰۵- ﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ﴾: همه هستی خود را صرف دین حنیف کن.
- ۱۰۵- ﴿حَنِيفًا﴾: دین پاک و جدا از همه ادیان باطل.
- ۱۰۸- ﴿يُوكِّلُ﴾: مراقب که کار شما به من سپرده شده باشد.

سورة هود

- ۱- ﴿أُحْكِمْتَ عَائِنتَهُ﴾: آیات آن خیلی محکم، استوار و منظم است.
- ۱- ﴿فُصِّلَتْ﴾: از روی حکمت [در زمان‌های مختلف به حسب وقایع و مصالح] بخش بخش نازل کرده شد.
- ۵- ﴿يَتَنُونَ صُدُورُهُمْ﴾: کفر و دشمنی با مسلمان‌ها را در سینه‌های خود نهان می‌کنند.
- ۵- ﴿لَيْسَتْ خُفُوفًا مِنْهُ﴾: تا از او تعالی پنهان بمانند، این کار را از نادانی می‌کنند.
- ۵- ﴿يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ﴾: برای این که بهتر مخفی باشند خود را در جامه‌هاشان پنهان می‌کردند.
- ۶- ﴿يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا﴾: محل استقرار آنها را در صلب یا رحم و مانند آنها می‌داند.
- ﴿مُسْتَوْدَعَهَا﴾: آرام‌گاه او را در رحم و مانند آن یا در صلب پدر.
- ۷- ﴿لِيَبْلُوَكُمْ﴾: تا شما را امتحان کند در حالی که از امور تان آگاه است.
- ۷- ﴿أَحْسَنَ عَمَلًا﴾: فرمانبرتر از او تعالی و پرهیزگارتر.

- ۸- ﴿أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾: چند روزی.
- ۸- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: بر آنها فرود آید یا احاطه‌شان کند.
- ۹- ﴿إِنَّهُ لَيُؤَسُّ﴾: همانا او سخت مأیوس و نومید است.
- ۹- ﴿كَفُورٌ﴾: به نعمت‌های خدا بسیار ناسپاس است.
- ۱۰- ﴿ضَرَاءَ مَسْتَةٍ﴾: حادثه ناگواری به او رسیده.
- ۱۰- ﴿إِنَّهُ لَفَرِحٌ﴾: همانا او هنگام رسیدن نعمت بدمست و به آن فریفته است.
- ۱۰- ﴿فَخُورٌ﴾: به نعمتی که دارد به دیگران فخر می‌کند.
- ۱۲- ﴿وَكِيلٌ﴾: نگهدار آن است.
- ۱۵- ﴿لَا يُبْخَسُونَ﴾: از اجرشان کاسته نمی‌شود.
- ۱۶- ﴿حَبِطٌ﴾: در آخرت باطل گشت.
- ۱۷- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: یقین و دلیل قاطع، قرآن کریم.
- ۱۷- ﴿شَاهِدٌ﴾: اعجاز نظم قرآن گواه نزول آن است.
- ۱۷- ﴿فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ﴾: تردیدی در نزول قرآن.
- ۱۸- ﴿الْأَشْهُدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و اعضای بدن.
- ۱۹- ﴿يَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- ۲۰- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۲۲- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناگزیر یا در حقیقت.
- ۲۳- ﴿أُخْبِتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾: به نوید او تعالی اطمینان یا فروتنی کردند.
- ۲۷- ﴿الْمَلَأُ﴾: سران و بزرگان.
- ۲۷- ﴿بَادِيَ الرَّأْيِ﴾: ظاهر کار را می‌بینند و در آن دقت و اندیشه نمی‌کنند.
- ۲۸- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من بگویید.
- ۲۸- ﴿فَعَمِيَّتْ عَلَيْكُمْ﴾: و بر شما پوشیده شد.
- ۳۱- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: خزانه‌های رزق و مال خدا.

- ۳۱- ﴿تَزِدْرِي أَعْيُنُكُمْ﴾: به چشم شما حقیر و بی ارزشند.
- ۳۳- ﴿أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- ۳۴- ﴿أَنْ يُغْوِيَكُمْ﴾: که شما را گمراه سازد.
- ۳۵- ﴿فَعَلَىٰ إِجْرَامِي﴾: پس عذاب گناه من به عهده خود من است.
- ۳۶- ﴿فَلَا تَبْتَئِسْ﴾: پس غمگین مباش.
- ۳۷- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حمایت کامل ما.
- ۳۹- ﴿يُخْزِيهِ﴾: خوار و ذلیلش خواهد کرد.
- ۳۹- ﴿يَجِلُّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب می شود و می رسد.
- ۴۰- ﴿فَارَ التَّنُورُ﴾: آب از تنور نان پزی به شدت فوران کرد.
- ۴۱- ﴿مَجْرُهَا﴾: وقت حرکت آن.
- ۴۱- ﴿مُرْسَاهَا﴾: هنگام توقف آن.
- ۴۳- ﴿سَّأْوِي﴾: به زودی پناه می برم.
- ۴۳- ﴿لَا غَاصِمَ﴾: هیچ مانع و نگاه دارنده ای نیست.
- ۴۴- ﴿أَقْلَعِي﴾: باران را بس کن.
- ۴۴- ﴿غِيضَ الْمَاءِ﴾: آب کم شد و در زمین رفت.
- ۴۴- ﴿وَأَسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ﴾: بر کوه جودی نزدیک موصل قرار گرفت.
- ۴۴- ﴿بُعْدًا﴾: نابود و دور باد.
- ۴۸- ﴿بَرَكَتٍ﴾: خیر و برکت همیشگی.
- ۵۱- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده و هستی داده است.
- ۵۲- ﴿السَّمَاءِ﴾: باران را.
- ۵۲- ﴿مِدْرَارًا﴾: فراوان پی در پی بدون ضرر.
- ۵۴- ﴿أَعْتَرَلَكَ﴾: به تو رسانده است.
- ۵۴- ﴿بِسُوءٍ﴾: جنون و دیوانگی.

- ۵۵- ﴿فَكِيدُونِي﴾: پس به ضرر من دست به حيله بزنيد.
- ۵۵- ﴿لَا تُنْظِرُونِ﴾: مهلتم ندهيد.
- ۵۶- ﴿ءَاخِذْ بِنَاصِيَتِهَا﴾: خدا مالک اوست و بر او قدرت دارد.
- ۵۷- ﴿حَفِیْظٌ﴾: مراقب و شاهد است.
- ۵۸- ﴿غَلِیْظٌ﴾: بسيار سخت.
- ۵۹- ﴿جَبَّارٍ﴾: خود بين و متکبر.
- ۵۹- ﴿عَنِید﴾: سرکش، حق ستیز.
- ۶۰- ﴿بُعْدًا لِّعَادٍ﴾: عاد نابود و از خير دور باد.
- ۶۱- ﴿وَأَسْأَعَمَرُكُمْ فِيهَا﴾: عمران زمين را به اختيار شما گذاشت و شما را در آن ساکن ساخت.
- ۶۲- ﴿مُرِيبٌ﴾: تشويش و اضطراب آور.
- ۶۳- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من بگويد.
- ۶۳- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: يقين، بيان روشن و بصيرت.
- ۶۳- ﴿تَحْسِيرٍ﴾: ضرر، اگر از او نافرمانی کنم.
- ۶۴- ﴿ءَايَةً﴾: معجزه‌ای که دليل صدق نبوتم است.
- ۶۷- ﴿الصَّيْحَةُ﴾: صدای کشنده از آسمان.
- ۶۷- ﴿جَثْمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- ۶۸- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: از مدت‌ها، به خوشی و عشرت در اینجا بسر نبرده‌اند.
- ۶۸- ﴿بُعْدًا لِّلْمُودِ﴾: نمود از رحمت حق دور و نابود باد.
- ۶۹- ﴿بِعِجْلِ حَنِيذٍ﴾: گوساله بريان با سنگ‌های گداخته.
- ۷۰- ﴿نَكِرَهُمْ﴾: آنها را نپسنديد و از رفتارشان بدش آمد.
- ۷۰- ﴿أَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: در قلب خود از آنها احساس ترس کرد.
- ۷۲- ﴿يَوَلَّىٰ﴾: کلمه تعجب است.

- ۷۳- ﴿فَجِدْ﴾: دارای خیر و احسان زیاد.
- ۷۴- ﴿الرَّوْعُ﴾: خوف و ترس.
- ۷۵- ﴿لَحْلِيمٌ﴾: همانا بردبار است، شتاب نمی کند.
- ۷۵- ﴿أَوَّهٌ﴾: پرسوز و آه از ترس خدا.
- ۷۵- ﴿مُنِيبٌ﴾: به خدای سبحان رجوع می کرد.
- ۷۷- ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آنها خوشحال نشد چون بخاطر آنها از بدکاران قوم خود ترسید.
- ۷۷- ﴿صَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا﴾: بخاطر آنها دلتنگ شد که توانش ضعیف بود و برای نجات آنها چاره نداشت.
- ۷۷- ﴿يَوْمَ عَصِيبٍ﴾: بدی و مصیبت امروز سخت تر است.
- ۷۸- ﴿يُهَرَّغُونَ إِلَيْهِ﴾: به سوی او می شتافتند، گویی مجبورشان ساخته اند.
- ۷۸- ﴿لَا تُخْزُونَ﴾: رسوا و اهانت نمی کنید.
- ۷۹- ﴿مِنْ حَقٍّ﴾: هیچ ضرورتی.
- ۸۰- ﴿ءَاوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ﴾: به قدرتمندی می پیوستم و به کمک او بر شما چیره می شدم.
- ۸۱- ﴿يَقِطْعُ مِنَ اللَّيْلِ﴾: قسمتی از شب یا آخر آن.
- ۸۲- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل پخته شده با آتش مانند سفال.
- ۸۲- ﴿مَنْضُودٍ﴾: پی در پی یا انبوه و آماده برای عذاب.
- ۸۳- ﴿مُسَوَّمَةٍ﴾: نشانی شده برای عذاب.
- ۸۴- ﴿أَرْلَكُمْ بِخَيٍّْ﴾: شما را در نعمت و آسایشی می بینم که از کم فروشی بی نیازتان می کند.
- ۸۴- ﴿يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾: روز هلاکت آور.
- ۸۵- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.
- ۸۵- ﴿لَا تَبْخُسُوا﴾: کم نکنید.

- ۸۵- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد را به حد کمال نرسانید.
- ۸۶- ﴿بَقِیَّتُ اللّٰهِ﴾: حلالی که خدا برای شما باقی گذاشته است.
- ۸۶- ﴿مَحْفِیْظٍ﴾: مراقب که شما را به سبب اعمالتان جزا بدهم.
- ۸۸- ﴿أَرَأَیْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۸۸- ﴿بَیِّنَةٍ﴾: هدایت و بصیرت.
- ۸۹- ﴿لَا یَجْرِمَنَّكُمْ﴾: شما را وادار نسازد.
- ۹۱- ﴿رَهْطًا﴾: گروه و قبیله‌ات.
- ۹۲- ﴿وَرَأَیْتُمْ ظَهْرَیَّ﴾: پشت سر خود فراموش شده و بی‌ارزش.
- ۹۳- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: آخرین توان خود.
- ۹۳- ﴿وَأَرْتَقِبُوا﴾: منتظر عاقبت و نتیجه باشید.
- ۹۴- ﴿الصَّیْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از آسمان.
- ۹۴- ﴿جَثِیْمٍ﴾: خشک بی‌حرکت و بی‌جان.
- ۹۵- ﴿لَمْ یَغْنَوْا فِیْهَا﴾: از مدتها، در این سرزمین به خوشی سکونت نداشته‌اند.
- ۹۵- ﴿بُعْدًا لِّمَدَیْنٍ﴾: قوم مدین از رحمت حق دور و نابود باد.
- ۹۵- ﴿بَعْدَتْ ثُمُودُ﴾: پیش از این ثمود نابود شد.
- ۹۶- ﴿سُلْطٰنٍ مُّبِیْنٍ﴾: دلیلی روشن بر صدق رسالتش.
- ۹۸- ﴿یَقْدُمُ قَوْمَهُ﴾: فرعون پیشاپیش قوم خود خواهد بود.
- ۹۸- ﴿فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ﴾: پس آنها را در دوزخ داخل می‌کند چون همه از وحدانیت خدا منکر بودند.
- ۹۸- ﴿الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ﴾: دوزخ و کسانی که در آن داخل می‌شوند.
- ۹۹- ﴿الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ﴾: عطیه‌ای که به آنها داده شده است، لعنت.
- ۱۰۰- ﴿حَصِیدٍ﴾: نشانش از میان رفته مانند گشت درو شده.
- ۱۰۱- ﴿غَیْرَ تَنْبِیْءٍ﴾: بجز زیان و نابودی.

- ۱۰۶- ﴿زَفِيرٌ﴾: به شدت بیرون آوردن هوا از سینه.
- ۱۰۶- ﴿شَهِيْقٌ﴾: برگشتن نفس به سینه.
- ۱۰۸- ﴿غَيْرَ مُجْدُوذٍ﴾: بی پایان.
- ۱۱۰- ﴿مُرِيْبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۱۱۲- ﴿لَا تَطْعَوَا﴾: از حدی که خدا برای شما تعیین کرده، تجاوز نکنید.
- ۱۱۳- ﴿لَا تَرْكَنُوا﴾: دل های شما به محبت آنان میل نکند.
- ۱۱۴- ﴿زُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ﴾: ساعاتی از شب نزدیک روز.
- ۱۱۴- ﴿ذِكْرَىٰ لِلَّذِكْرِينَ﴾: پندی است برای پند پذیران.
- ۱۱۶- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت ها.
- ۱۱۶- ﴿أُولُوا بِقِيَّةٍ﴾: صاحبان عقل و خیر.
- ۱۱۶- ﴿مَا أَثْرَفُوا فِيهِ﴾: به آنها توانگری و نعمت ارزانی شده بود.
- ۱۱۹- ﴿تَمَّتْ﴾: حتمی و قطعی شد.
- ۱۲۱- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: آخرین توان خویش را به کار گیرید.

سوره یوسف

- ۳- ﴿نَقُصُّ عَلَيْكَ﴾: ای محمد، به تو خبر می دهیم یا بیان می داریم.
- ۶- ﴿يَجْتَبِيكَ﴾: تو را بکارهای بزرگ برمی گزیند.
- ۶- ﴿تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾: تعبیر و تفسیر خواب.
- ۸- ﴿نَحْنُ عُصْبَةٌ﴾: ما جمعی هستیم می توانیم کارهای او را درست و مرتب کنیم، نه آن دوتا.
- ۸- ﴿ضَلَّالٍ مُّبِينٍ﴾: به ترجیح این دو بر ما، گرفتار خطای آشکار است.
- ۹- ﴿أَوْ أَطْرَحُوهُ أَرْضًا﴾: او را به سرزمینی دور از پدرش بیندازید.
- ۹- ﴿يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ﴾: محبت و توجه پدر تنها به شما رسد.

- ۱۰- ﴿غَیَّبَتْ الْجُبَّ﴾: قعر چاه.
- ۱۰- ﴿السَّيَّارَةَ﴾: مسافرین.
- ۱۲- ﴿یَزْتَعُ﴾: تا از خوردنی‌های لذیذ فراوان بخورد.
- ۱۲- ﴿یَلْعَبُ﴾: مسابقه و تیر اندازی کند.
- ۱۵- ﴿أَجْمَعُوا﴾: قصد کردند.
- ۱۷- ﴿نَسْتَبِقُ﴾: مسابقه تیر اندازی می‌کردیم.
- ۱۸- ﴿سَوَّلَتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- ۱۸- ﴿فَصَبْرٌ جَمِیلٌ﴾: در این امر به غیر خدا شکایت نمی‌کنم.
- ۱۹- ﴿سَیَّارَةً﴾: کاروانی که از مدین عازم مصر بود.
- ۱۹- ﴿وَارِدَهُمْ﴾: کسی که پیشاپیش هم‌سفران برای تهیه آب حرکت می‌کند.
- ۱۹- ﴿فَادْأَلَى دَلْوُهُ﴾: پس دلوش را به چاه انداخت تا آب بگیرد.
- ۱۹- ﴿أَسْرُوهُ﴾: آب رسان و یارانش او را از بقیه پنهان کردند یا برادرانش حال او را نهان داشتند.
- ۲۰- ﴿شَرَوْهُ﴾: برادرانش یا کاروانیان او را فروختند.
- ۲۰- ﴿بِثْمَنِ بَاحِسٍ﴾: به قیمت اندک.
- ۲۱- ﴿أَكْرَمَى مَثْوًی﴾: محل اقامت او را خوش آیند و نیکو بساز.
- ۲۱- ﴿غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ﴾: خدا تواناست، هیچ کس نمی‌تواند مانع اجرای کار او شود.
- ۲۲- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت خود رسید.
- ۲۳- ﴿رَاوَدَتْهُ﴾: برای هم‌بستر شدن با یوسف حیل به خرج داد.
- ۲۳- ﴿هَیَّتَ لَكَ﴾: بشتاب و بیا که میل و رغبت من به توست.
- ۲۳- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: از انجام این عمل به خدای یکتا پناه می‌برم.
- ۲۴- ﴿هَمَّ بِهَا﴾: به غریزه بشری قصد او کرد، همراه با عصمت.
- ۲۴- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: برگزیدگان برای طاعت یا رسالت او تعالی.

۲۵- ﴿وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ﴾: هر دو به‌سوی در دویدند، یوسف می‌خواست بیرون شود اما او مانع می‌شد.

۲۵- ﴿قَدَّتْ قَمِيصَهُ﴾: پراهن او را درید.

۲۵- ﴿الْفَيَا سَيِّدَهَا﴾: شوهرش را دیدند.

۲۶- ﴿شَهِدَ شَاهِدٌ﴾: خدا کودکی را در گهواره به سخن آورد و او به برائت یوسف شهادت داد.

۳۰- ﴿شَغَفَهَا حُبًّا﴾: محبت جوان دل او را پاره کرده است.

۳۱- ﴿أَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكًّا﴾: برای آنها پستی و ناز بالش آماده ساخت.

۳۱- ﴿أَكْبَرْنَاهُ﴾: عظمت و شکوه او را دریافتند و با دیدن جمال زیبا او مدهوش شدند.

۳۱- ﴿قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾: از فرط حیرت و دهشت، دستهای خود را بریدند.

۳۱- ﴿حَاشَ لِلَّهِ﴾: خدا پاک و منزّه است و از آفرینش مانند این ناتوان نیست.

۳۲- ﴿فَأَسْتَعْصَمَ﴾: اما دست از عفت برداشت و نپذیرفت.

۳۳- ﴿أَصْبُ إِلَيْهِنَّ﴾: به پذیرش خواهش آنها متمایل می‌شوم.

۳۶- ﴿أَعْصِرْ خَمْرًا﴾: انگور را می‌فشارم که برای استفاده شاه شراب ساخته شود.

۳۷- ﴿ذَلِكُمَا﴾: این تعبیر خواب و خبر دادن از چیزهایی که آمدنی است.

۴۰- ﴿الَّذِينَ الْقَيِّمُ﴾: دین مستقیم یا استوار با دلایل.

۴۳- ﴿عَجَافٌ﴾: بسیار لاغر. ﴿تَعْبُرُونَ﴾: تأویل و تعبیر آن را می‌دانید.

۴۴- ﴿أَضَعْتُ أَحْلَمٍ﴾: خواب‌های پریشان.

۴۵- ﴿أَذْكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾: بعد از مدت زیاد به یاد آورد.

۴۷- ﴿دَابَّاءُ﴾: مثل عادت همیشگی خود به کشت و زرع بپردازید.

۴۸- ﴿تُحْصِنُونَ﴾: برای بذر ذخیره می‌کنید.

۴۹- ﴿يُعَاثُ النَّاسُ﴾: باران می‌بارد و زمین‌های مردم پرسبزه و گیاه می‌شود.

۴۹- ﴿يَعْصِرُونَ﴾: آنچه عصاره‌اش گرفته می‌شود می‌فشارند، مانند زیتون.

- ۵۰- ﴿مَا بَالُ الْيَسُوَّةِ﴾: سرگذشت آن زن‌ها چه بود؟
- ۵۱- ﴿مَا خَطُبُكُنَّ﴾: کار شما چگونه بود؟
- ۵۱- ﴿حَشَى لِلَّهِ﴾: خدا منزّه و عفت یوسف شگفت انگیز است.
- ۵۱- ﴿حَصَّصَ الْحَقُّ﴾: حقیقت پنهان آشکار شد.
- ۵۴- ﴿مَكِينٌ﴾: دارای مقام عالی و اختیارات گسترده.
- ۵۶- ﴿يَكْبُوْا مِنْهَا﴾: به سرزمین مصر اقامت می‌گزیند.
- ۵۹- ﴿جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ﴾: یوسف ضروریات آنها را تهیه کرد.
- ۶۲- ﴿بِضَعَتَهُمْ﴾: کالای آنها را که با آن مواد غذایی خریدند.
- ۶۲- ﴿رِحَالِهِمْ﴾: ظرفهای آنها که مواد غذایی داشت.
- ۶۵- ﴿مَتَّعَهُمْ﴾: مواد غذایی یا بارهای خود را.
- ۶۵- ﴿مَا نَبَغِي﴾: بالاتر از این چه احسانی می‌خواهیم؟
- ۶۵- ﴿نَمِيرُ أَهْلَنَا﴾: از مصر برای خانواده خود مواد غذایی می‌آوریم.
- ۶۶- ﴿مَوْثِقًا﴾: پیمان مؤکد به سوگند که بتوان به آن اعتماد کرد.
- ۶۶- ﴿يُحَاطَ بِكُمْ﴾: همه شما مغلوب یا هلاک شوید.
- ۶۶- ﴿وَكَيْلٌ﴾: مراقب و آگاه.
- ۶۹- ﴿ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ﴾: برادر پدری و مادری خود بنیامین را نزد خود جای داد.
- ۶۹- ﴿فَلَا تَبْتَئِسْ﴾: اندوهگین مباش.
- ۷۰- ﴿السَّقَايَةِ﴾: ظرف طلایی برای نوشیدن آب که به پیمانه کردن استعمال می‌شد.
- ۷۰- ﴿أَذَنَ مُؤَذِّنٍ﴾: منادی فریاد زد.
- ۷۰- ﴿الْعِيرُ﴾: کاروانی که بار دارد.
- ۷۲- ﴿صَوَاعَ الْمَلِكِ﴾: پیمانه پادشاه را.
- ۷۲- ﴿زَعِيمٌ﴾: کفیل، این جایزه را شخص خودم می‌دهم.
- ۷۶- ﴿كِدْنَا لِيُوسُفَ﴾: بخاطر رسیدن یوسف به هدفش تدبیر کردیم.

- ۷۶- ﴿دِينَ الْمَلِكِ﴾: شریعت یا حکم پادشاه مصر.
- ۷۹- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: به خدا پناه می‌بریم.
- ۸۰- ﴿أَسْتَيْسُوا مِنْهُ﴾: از یوسف مأیوس شدند که سخنان آنها را نپذیرفت.
- ۸۰- ﴿خَلَصُوا نَجِيًّا﴾: تنها شدند و به مشاوره پرداختند.
- ۸۰- ﴿مَا فَرَطْتُمْ﴾: کوتاهی کردید «ما» زاید است.
- ۸۲- ﴿الْعِيرِ﴾: کاروان.
- ۸۳- ﴿سَوَّلَتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- ۸۴- ﴿يَتَأَسَفَى﴾: ای اندوه بی‌کران.
- ۸۴- ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ﴾: چشمانش را پرده گرفت و سفید شدند.
- ۸۴- ﴿كَظِيمٌ﴾: خشم یا اندوه فراوان خویش را نهان می‌داشت.
- ۸۵- ﴿تَفْتُوْا﴾: همیشه.
- ۸۵- ﴿تَكُونُ حَرَضًا﴾: مریض شوی و به آستانه مرگ قرار بگیری.
- ۸۶- ﴿بَثَّى﴾: غم و اندوه سنگینم را.
- ۸۷- ﴿فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ﴾: یوسف را جستجو و پیدا کنید. رَوْحُ اللَّهِ: رحمت خدا.
- ۸۸- ﴿الْضُّرُّ﴾: لاغری از شدت گرسنگی.
- ۸۸- ﴿بِبِضْلَةٍ مُّزَجَلَةٍ﴾: متاع از رواج افتاده، بد و تباه.
- ۹۱- ﴿ءَاتَرَكَ اللَّهُ﴾: تو را بر ما فضیلت و برتری داده است.
- ۹۲- ﴿لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمْ﴾: هیچ توییخ و سرزنش نمی‌شوید.
- ۹۳- ﴿يَأْتِ بِصِيرًا﴾: از خوشحالی زیاد بینا می‌شود.
- ۹۴- ﴿فَصَلَّتِ الْعِيرُ﴾: کاروان از دیار مصر فاصله گرفت.
- ۹۴- ﴿لَوْلَا أَنْ تُفْتَدُونَ﴾: اگر مرا به بی‌خردی نسبت ندهید یا تکذیب نکنید.
- ۹۵- ﴿ضَلَّالِكَ﴾: نادرست فکر می‌کنی.

۹۹- ﴿ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوْیْهِ﴾: پدر و مادرش را نزد خود جای داد و دست به گردن هم انداختند.

۱۰۰- ﴿سُجَّدًا﴾: سجده کنان، در شریعت ایشان این کار درست بود.

۱۰۰- ﴿الْبَدْوِ﴾: بادیه.

۱۰۰- ﴿نَزَعَ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان تخم فساد افکند.

۱۰۱- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ای خالق و آفریدگار...

۱۰۲- ﴿أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ﴾: قصد کردند تا در برابر یوسف دست به حيله بزنند.

۱۰۵- ﴿كَأَيِّنْ مِنْ ءَايَةٍ﴾: بسیاری از نشانه‌های خدا.

۱۰۷- ﴿عَذِيبَةٍ﴾: عذابی که دامنگیر همگان شود.

۱۰۷- ﴿بَعَثَهُ﴾: ناگهان.

۱۱۰- ﴿أَسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ﴾: پیامبران به اثر طولانی شدن زمان از نصرت نومید شدند.

۱۱۰- ﴿ظَنُّوا﴾: پیامران گمان کردند یا احساس درونی به آنها دست داد.

۱۱۰- ﴿بِأَسْنَأَ﴾: عذاب ما.

۱۱۱- ﴿عِبْرَةٌ﴾: پند و بیدار کننده غافلان است.

۱۱۱- ﴿يُفْتَرَى﴾: به دروغ بافته شود.

سوره رعد

- ۲- ﴿يَغْيِرُ عَمَدٍ﴾: بدون ستون.
- ۲- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق او تعالی است.
- ۲- ﴿يُدَبِّرُ الْأَمْرَ﴾: همه عالم را به قدرت و حکمت اداره می کند.
- ۳- ﴿مَدَّ الْأَرْضَ﴾: زمین را گسترده است به مشاهده چشم.
- ۳- ﴿رَوَّسَى﴾: کوه های پا برجا تا زمین تکان نخورد.
- ۳- ﴿زَوَّجَيْنِ﴾: دو گونه.
- ۳- ﴿يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾: روز را با تاریکی شب می پوشاند یا به عکس.
- ۴- ﴿قَطَعَ﴾: قطعه ها با طبایع و صفات مختلف.
- ۴- ﴿فَنَخِلٌ صِنَوَانٌ﴾: درخت های خرمایی که از یک ریشه برویند.
- ۴- ﴿الْأُكُلِ﴾: خوردنی ها، میوه و دانه.
- ۵- ﴿الْأَعْلَلِ﴾: غل و زنجیر.
- ۶- ﴿الْمُتْلُثِ﴾: عذاب فضیحت باری که دامنگیر امثال ایشان گردیده.
- ۶- ﴿مَغْفِرَةً لِلنَّاسِ﴾: نسبت به انسان پرده پوش است و به آنها مهلت می دهد.
- ۸- ﴿مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ﴾: آنچه را رحم سقط می کند.
- ۸- ﴿بِمَقْدَارٍ﴾: به اندازه و محدود که از آن تجاوز نمی کند.
- ۹- ﴿الْكَبِيرِ﴾: بزرگواری که همه اشیاء زیر دست او هستند.
- ۹- ﴿الْمُتَعَالِ﴾: برتر از همه چیز به قدرت خود^(۱).
- ۱۰- ﴿سَارِبٍ﴾: در راه خویش آشکار برود.

۱- این یکی از معانی علو است که برای الله سبحانه به اثبات رسیده است زیرا او با چیرگی و با ذات خویش بالاتر از آفریده هایش قرار دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۱۱- ﴿لَهُ مُعَقِّبَتٌ﴾: برای حفظ او فرشتگان پی در پی می آیند.
- ۱۱- ﴿مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾: به فرمان خدا.
- ۱۱- ﴿مِنْ وَالٍ﴾: یار و یاور یا کسی که عهده دار امور ایشان باشد.
- ۱۲- ﴿السَّحَابِ الثَّقَالِ﴾: ابر سنگین و پر آب.
- ۱۳- ﴿شَدِيدُ الْحَالِ﴾: غذایی دشوار دارد یا بسیار قوی است.
- ۱۴- ﴿لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ﴾: دعوت حق، کلمه توحید از آن خداست.
- ۱۵- ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ﴾: به فرمان خدا گردن می نهد.
- ۱۵- ﴿ظِلَالُهُمْ﴾: سایه های آنها هم به فرمان خدا گردن می نهند.
- ۱۵- ﴿بِالْعُدُوِّ﴾: به اول روز.
- ۱۵- ﴿وَالْأَصَالِ﴾: به آخر روز.
- ۱۷- ﴿بِقَدَرِهَا﴾: به اندازه که حکمت خدا اقتضا کند.
- ۱۷- ﴿زَبَدًا﴾: کف و خاشاک روی آب.
- ۱۷- ﴿رَابِيًا﴾: بلند آمده و پر باد.
- ۱۷- ﴿زَبَدٌ﴾: آنچه وقت گداختن از فلزات جدا شود.
- ۱۷- ﴿جُفَاءً﴾: دور انداخته یا پراکنده می شود.
- ۱۸- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بد است.
- ۲۲- ﴿يَذَرُهُنَّ﴾: دفع و گذشت می کنند.
- ۲۲- ﴿عُقَبَى الدَّارِ﴾: فرجام منزلگاه آخرت پسندیده، جنت است.
- ۲۵- ﴿سُوءَ الدَّارِ﴾: عاقبت زشت آن، دوزخ.
- ۲۶- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هرکه را بخواهد به اقتضای حکمتی کم می کند.
- ۲۶- ﴿مَتَنَعٌ﴾: چیز اندک و ناپایدار.
- ۲۷- ﴿أَنَابَ﴾: قلباً به خدا رجوع کند.
- ۲۹- ﴿طُوبَى لَهُمْ﴾: در آخرت زندگانی برای آنها خوش است.

- ۲۹- ﴿حُسْنُ مَتَابٍ﴾: بهترین مرجع و جای بازگشت.
- ۳۰- ﴿إِلَيْهِ مَتَابٍ﴾: توبه و بازگشت من تنها به سوی خداست.
- ۳۱- ﴿أَفَلَمْ يَأْيُسْ﴾: آیا ندانسته‌اند و برای شان آشکار نشده است.
- ۳۱- ﴿قَارِعَةً﴾: مصیبتی که آنها را به اقسام بلاها بکوبد.
- ۳۲- ﴿فَأَمْلَيْتَ﴾: مهلت دادم و امنیت و راحت ایشان را طولانی ساختم.
- ۳۴- ﴿وَأَقِ﴾: نگاهدارنده و پناه دهنده.
- ۳۵- ﴿أَكُلْهَا دَائِمٌ﴾: میوه‌های آن دایمی است.
- ۳۶- ﴿إِلَيْهِ مَتَابٍ﴾: بازگشت من برای جزا تنها به سوی خداست.
- ۳۸- ﴿لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾: به حکمت بالغه الهی برای هر زمانی حکمی تعیین شده است.
- ۳۹- ﴿أَمْ أَلْكَتَبِ﴾: لوح محفوظ یا علم الهی.
- ۴۱- ﴿لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ﴾: هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد یا باطل کند.

سوره ابراهیم

- ۱- ﴿يَا ذِينَ رِبِّهِمْ﴾: به توفیق یا به امر خدا.
- ۱- ﴿الْعَزِيزِ﴾: غالب یا بی‌مثل و مانند.
- ۱- ﴿الْحَمِيدِ﴾: ستوده و ستایش شده.
- ۲- ﴿وَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا وادیی است در جهنم.
- ۳- ﴿يَسْتَجِيبُونَ﴾: اختیار می‌کنند و ترجیح می‌دهند.
- ۳- ﴿يَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- ۵- ﴿بِأَيْمِ اللَّهِ﴾: نعمتهای خدا یا بلاهای که بر امت‌های گذشته وارد کرد.
- ۶- ﴿يُسْأَلُونَكَ﴾: به شما می‌پرسند و به کارهای دشوارتان می‌گماشتند.
- ۶- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمت زنده می‌گذاشتند.

- ۶- ﴿بَلَاءٌ﴾: امتحانی بود به نعمت و شکنجه.
- ۷- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما به تأکید اعلام فرمود.
- ۹- ﴿فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ﴾: از شدت خشم بر پیامبران و گفتار ایشان انگشتان خویش را به دندان گرفتند.
- ۹- ﴿مُرِيبٌ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۱۰- ﴿فَاطِرٌ﴾: آفریدگار.
- ۱۰- ﴿بِسُلْطَانٍ﴾: حجت روشن به صدق گفتار خود.
- ۱۴- ﴿خَافَ مَقَامِي﴾: از ایستادن به حضور من در روز قیامت بترسد.
- ۱۵- ﴿أَسْتَفْتَحُوا﴾: پیامبران علیه ستمگران از خدا کمک خواستند.
- ۱۵- ﴿حَابَ كُلِّ جَبَّارٍ﴾: همه متکبران سرکش نابود شدند.
- ۱۵- ﴿عَنِيدٍ﴾: ستیزه گر و دور از حق.
- ۱۶- ﴿صَدِيدٍ﴾: زردابی که از بدن دوزخیان روان می شود.
- ۱۷- ﴿يَتَجَرَّعُهُ﴾: آن آب را به زحمت فرو می برد چون گرم و تلخ است.
- ۱۷- ﴿لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ﴾: از شدت زشتی و بوی بدش نتواند به آسانی ببلعد.
- ۱۸- ﴿يَوْمٍ عَاصِفٍ﴾: روز طوفانی که باد به شدت بوزد.
- ۲۱- ﴿بَرَزُوا﴾: از قبرها بخاطر حساب بیرون می شوند.
- ۲۱- ﴿مُغْنَوْنَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می کنید.
- ۲۱- ﴿مُحِصِّ﴾: جای فرار و نجات.
- ۲۲- ﴿سُلْطَانٍ﴾: تسلط یا حجت.
- ۲۲- ﴿بِمُصْرِخِكُمْ﴾: نجات دهنده شما از عذاب.
- ۲۲- ﴿بِمُصْرِخِي﴾: مرا از عذاب نجات دهید.
- ۲۴- ﴿كَلِمَةً طَيِّبَةً﴾: کلمه توحید و اسلام.
- ۲۵- ﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا﴾: میوه می دهد.

- ۲۶- ﴿كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ﴾: سخن کفر و گمراهی.
- ۲۶- ﴿أَجْتَنَّتْ﴾: تنه‌اش از رشیه جدا شد.
- ۲۷- ﴿فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: در قبر هنگام سؤال.
- ۲۸- ﴿دَارَ الْبَوَارِ﴾: سرای تباهی، جهنم.
- ۲۹- ﴿يَصَلُّونَهَا﴾: در آن داخل می‌شوند یا سختی آتش وی را می‌کشند.
- ۳۰- ﴿أَنذَادًا﴾: همتایان یعنی بتها را پرستش کردند.
- ۳۱- ﴿لَا خِلَلٌ﴾: نه دوستی است و نه محبت.
- ۳۳- ﴿دَائِبِينَ﴾: برای منافع و مصالح شما همواره در جریانند.
- ۳۴- ﴿لَا تُحْصَوْنَ﴾: توان شمارش آن را ندارید که بی‌نهایت است.
- ۳۵- ﴿وَأَجُنَّبَنِ﴾: مرا دور نگهدار.
- ۳۷- ﴿تَهْوَى إِلَيْهِمْ﴾: به‌سوی آنها به شوق بشتابد.
- ۴۲- ﴿تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾: در آن روز چشم‌ها از ترس باز و پلک‌ها بی‌حرکت می‌مانند.
- ۴۳- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: به ذلت به‌سوی دعوت کننده می‌شتابند.
- ۴۳- ﴿مُقْنَعِي رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را بالا گرفته و مدام به جلو نگاه می‌کنند.
- ۴۳- ﴿أَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ﴾: دلهای‌شان تهی و از شدت حیرت چیزی را نمی‌فهمند.
- ۴۸- ﴿بَرَزُوا لِلَّهِ﴾: از قبرها بیرون می‌آیند و بخاطر حساب به پیشگاه خدا حاضر می‌شوند.
- ۴۹- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: به یکدیگر بسته شده‌اند.
- ۴۹- ﴿الْأَصْفَادِ﴾: زنجیرها یا غل‌ها.
- ۵۰- ﴿سَرَابِیْلُهُمْ﴾: لباس‌هاشان.
- ۵۰- ﴿تَغْشَىٰ وُجُوهُهُمْ﴾: روی‌های ایشان را می‌پوشاند.
- ۵۲- ﴿بَلَغَ لِلنَّاسِ﴾: پند و انداز کامل است برای مردم.

سوره جِجِر

- ۲- ﴿رُبَّمَا﴾: «رَبَّ» برای تقلیل و «مَا» زاید است، چه بسا.
- ۳- ﴿ذَرَّهُمْ﴾: به حال خود رهاشان کن.
- ۴- ﴿لَهَا كِتَابٌ﴾: زمان آن معلوم و در لوح محفوظ نوشته است.
- ۷- ﴿لَوْ مَا تَأْتِينَا﴾: چرا برای ما نمی آوری.
- ۸- ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾: جز به مقتضای حکمت.
- ۹- ﴿الَّذِكْرُ﴾: قرآن را.
- ۱۰- ﴿شِيعَ الْأَوَّلِينَ﴾: گروه‌های ملت‌های پیشین.
- ۱۲- ﴿نَسْلُكُهُ﴾: قرآن را داخل می‌کنیم در حالی که به آن استهزا می‌کند.
- ۱۳- ﴿خَلَّتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ﴾: این سنت الهی است که هر کس پیامبران را تکذیب کند نابود می‌شود.
- ۱۴- ﴿يَعْرُجُونَ﴾: مشرکان صعود کنند و فرشتگان و اشیای شگفت‌انگیز را ببینند.
- ۱۵- ﴿سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا﴾: چشم بندی است.
- ۱۶- ﴿بُرُوجًا﴾: منازلی برای ستارگان سیار.
- ۱۷- ﴿رَجِيمٍ﴾: مطرود یا مرجوم با ستارگان.
- ۱۸- ﴿أَسْتَرَقَ السَّمْعُ﴾: دزدیده و پنهانی از عالم بالا چیزی را گوش داد.
- ۱۸- ﴿فَاتَّبَعَهُ﴾: به او می‌رسد.
- ۱۸- ﴿شِهَابٌ﴾: شعله آتش که به سرعت از آسمان پایین می‌آید.
- ۱۸- ﴿مُبِينٌ﴾: آشکار به چشم بینندگان.
- ۱۹- ﴿الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا﴾: زمین را بخاطر بهره‌گیری از آن گسترش دادیم.
- ۱۹- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های پا بر جا تا تکان نخورد.
- ۱۹- ﴿مَوُزُونٍ﴾: اندازه کرده شد به میزان حکمت.

- ۲۰- ﴿مَعِيشَ﴾: خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را که وسیله زندگانی شماست.
- ۲۱- ﴿عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ﴾: ما به ایجاد و تدبیر خزانه‌های ارزاق توانا هستیم.
- ۲۱- ﴿نُزِّلُهُ﴾: او را ایجاد می‌کنیم یا عطا می‌نماییم.
- ۲۱- ﴿بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾: به اندازه معین به مقتضای حکمت.
- ۲۲- ﴿الرِّيحَ لَوْفِحَ﴾: باده‌ها را که ابر یا آب را می‌برند یا درخت‌ها را آبستن می‌کنند.
- ۲۳- ﴿نَحْنُ الْوَارِثُونَ﴾: بعد از نابودی آفرینش ما پاینده و باقی هستیم.
- ۲۶- ﴿صَلَّصِلَ﴾: گل خشک مانند سفال.
- ۲۶- ﴿حَمًا﴾: گل سیاه و تغییر یافته.
- ۲۷- ﴿نَّارِ السَّمُومِ﴾: باد نهایت گرم و کشنده.
- ۲۹- ﴿سَوِيَّتُهُ﴾: شکل و صورت او را کامل کردم به جهت دمیدن روح.
- ۲۹- ﴿سَاجِدِينَ﴾: سجده کنید سجده سلام و تحیت نه سجده عبادت.
- ۳۱- ﴿أَبَى﴾: از کبر و سرکشی امتناع کرد.
- ۳۲- ﴿مَا لَكَ﴾: هدف‌ت چیست یا عذر‌ت چیست.
- ۳۴- ﴿رَجِیمَ﴾: از رحمت خدا دوری.
- ۳۵- ﴿الْلَعْنَةُ﴾: به غضب از خود دور کردن.
- ۳۶- ﴿فَانْظِرْنِي﴾: مهلتم بده و مرگم را به تأخیر انداز.
- ۳۸- ﴿الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: وقت نفخه اول.
- ۳۹- ﴿لَاغْوِيَنَّهُمْ﴾: آنها را گمراه می‌کنم.
- ۴۰- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که به طاعت خود برگزیده‌ای.
- ۴۱- ﴿صِرَاطٌ عَلَیَّ﴾: راهی است که مراعات آن بر من واجب.
- ۴۲- ﴿سُلْطَنٌ﴾: تسلط و توانایی بر گمراه کردن.
- ۴۴- ﴿جُزْءٌ مَّقْسُومٌ﴾: گروه معین متمایز از دیگران.
- ۴۷- ﴿غِلٍّ﴾: کینه، عناد و دشمنی.

- ۴۸- ﴿نَصَبٌ﴾: هیچ خستگی و رنجی.
- ۵۱- ﴿ضَيْفٌ إِبْرَاهِيمَ﴾: مهمانان او که از فرشتگان بودند.
- ۵۲- ﴿وَجِلُونَ﴾: هراسانیم.
- ۵۵- ﴿الْقَنَیْنِ﴾: نومید از خیر یا فرزند.
- ۵۷- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کار مهم شما چیست؟
- ۶۰- ﴿قَدَرْنَا﴾: دانستیم یا حکم کردیم.
- ۶۲- ﴿قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾: گروهی ناآشناید، من شما را نمی‌شناسم.
- ۶۳- ﴿فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾: در آمدن عذاب شک داشتند و تو را تکذیب می‌کردند.
- ۶۵- ﴿يَقْطَعُ مِنَ اللَّيْلِ﴾: به قسمتی از شب یا آخر آن.
- ۶۵- ﴿اتَّبِعْ أَذْبَارَهُمْ﴾: از دنبال آنها برو تا از احوال‌شان با خبر باشی.
- ۶۶- ﴿وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ﴾: به لوط وحی فرستادیم.
- ۶۶- ﴿دَابِرَ هَوَآءٍ﴾: آخرین نفر آنها، جمیع آنها.
- ۶۶- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- ۷۰- ﴿عَنِ الْعَالَمِينَ﴾: از پناه دادن و مهمان کردن مردم.
- ۷۲- ﴿لَعَمْرُكَ﴾: ای محمد، به جان تو سوگند.
- ۷۲- ﴿سَكْرَتِهِمْ﴾: بی‌راهی و گمراهی خود.
- ۷۲- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نمی‌دیدند یا حیران بودند.
- ۷۳- ﴿الصَّيْحَةُ﴾: آواز کشنده از آسمان.
- ۷۳- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- ۷۴- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل سخت پخته شده با آتش.
- ۷۵- ﴿لِلْمُتَوَسِّمِينَ﴾: به اهل فراست و اندیشه.
- ۷۶- ﴿لَيْسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾: بر سر راه معلوم، ثابت و پر رفت و آمد قرار دارد.
- ۷۸- ﴿أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان سرزمین پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.

- ۷۹- ﴿إِنَّهُمَا﴾: شهرهای قوم لوط و ایکه.
- ۷۹- ﴿لِيَأْمُرَ مُبِينٍ﴾: در سر راه آشکار هستند که در آنجا سفر می کنند.
- ۸۰- ﴿الْحَجَرِ﴾: دیار ثمود بین مدینه و شام.
- ۸۳- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- ۸۷- ﴿سَبْعًا﴾: سوره فاتحه که هفت آیه است.
- ۸۷- ﴿مِّنَ الْمَثَانِي﴾: قرائت آن در نماز تکرار می شود «مِنْ» بیانیه است.
- ۸۸- ﴿أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروه‌های از کفار.
- ۸۸- ﴿وَأَخْفَضَ جَنَاحَكَ﴾: فروتنی کن و نرمی نما.
- ۹۰- ﴿الْمُقْتَسِمِينَ﴾: تقسیم کنندگان، اهل کتاب.
- ۹۱- ﴿عِضِينَ﴾: بخش بخش، به قسمتی از قرآن ایمان آوردند و به قسمتی کافر شدند.

۹۴- ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾: رسالت خویش را آشکار کن یا اجرا نما.

۹۹- ﴿الْيَقِينُ﴾: مرگ که وقوع آن یقینی است.

سورة نحل

- ۲- ﴿بِالرُّوحِ﴾: به وحی از جمله قرآن.
- ۴- ﴿نُطْفَةٍ﴾: آب حقیر.
- ۴- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: او حق ستیز است.
- ۵- ﴿الْأَنْعَمَ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۵- ﴿فِيهَا دِفْءٌ﴾: هنگام سردی خود را به وسیله آن گرم نگاه می دارید.
- ۶- ﴿فِيهَا جَمَالٌ﴾: در آنها تجمل، زینت ووجاهت است.
- ۶- ﴿حِينَ تَرِيحُونَ﴾: هنگام غروب آنها را به جای شب‌شان می آورید.
- ۶- ﴿حِينَ تَسْرَحُونَ﴾: بامداد که آنها را به چرا می برید.

- ۷- ﴿تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ﴾: کالای گران بار شما را برمی دارند.
- ۷- ﴿بِشَقِّ الْأَنْفُسِ﴾: با رنج و مشقت خود.
- ۹- ﴿قَصْدُ السَّبِيلِ﴾: بیان راه راست و هموار.
- ۹- ﴿مِنْهَا جَائِرٌ﴾: برخی از راه‌ها کج هستند.
- ۱۰- ﴿فِيهِ تُسِيمُونَ﴾: چهار پایان خود را در آن می چرانید.
- ۱۳- ﴿مَا ذَرَأَ لَكُمْ﴾: آنچه برای منافع شما خلق کرده است.
- ۱۴- ﴿تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ﴾: از بحر خصوصاً از اقیانوس برون آورید.
- ۱۴- ﴿مَوَاحِرَ فِيهِ﴾: در دریا روان هستند و آب را به شدت می شکافند.
- ۱۵- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های پابرجا.
- ۱۵- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را نلرزاند و پریشان نکند.
- ۱۶- ﴿عَلَّمَتْ﴾: نشانه‌های سر راه که با آنها راه خود را پیدا می کنید.
- ۱۸- ﴿لَا تُحْصَوْنَ﴾: توان شمردن آن را ندارید که بی پایان است.
- ۲۳- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- ۲۴- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطل که به کتب آنها نوشته است.
- ۲۵- ﴿أَوْزَارُهُمْ﴾: گناهان خود را.
- ۲۶- ﴿الْقَوَاعِدُ﴾: ستونها و پایه‌ها یا بنیاد.
- ۲۷- ﴿يُخْزِيهِمْ﴾: آنها را با شکنجه و عذاب خوار و ذلیل می کند.
- ۲۷- ﴿تُشْتَقُونَ فِيهِمْ﴾: درباره آنها با پیامبران دشمنی و ستیز می کردید.
- ۲۷- ﴿الْحِزْيِ﴾: ذلت و رسوایی.
- ۲۷- ﴿السُّوءِ﴾: عذاب.
- ۲۸- ﴿فَالْقَوُ السَّلَمَ﴾: گردن نهادند و اظهار فروتنی کردند.
- ۲۹- ﴿مَتَوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾: مسکن و جای متکبران.
- ۳۲- ﴿طَيِّبِينَ﴾: از پلیدی شرک و عصیان پاکند.

- ۳۴- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر آنها فرود آمد.
- ۳۶- ﴿أَجْتَنَّبُوا الطُّغُوتَ﴾: از پرستش معبودهای باطل و تمام آنهایی که به گمراهی دعوت می کنند اجتناب کنید.
- ۳۶- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و حتمی شد.
- ۳۸- ﴿جَهَدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: با قسم های غلیظ و مؤکد کوشیدند.
- ۴۱- ﴿لُئِبَوْتُهُمْ﴾: بدون شک آنها را جای می دهیم.
- ۴۱- ﴿حَسَنَةً﴾: خانه، جای آرامش یا بخششی نیکو.
- ۴۴- ﴿بِالْبَيِّنَاتِ﴾: آنها را با معجزه ها فرستادیم.
- ۴۴- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتاب های آسمانی که بیانگر قوانین الهی هستند.
- ۴۵- ﴿يُخَسِّفُ﴾: فرو برد.
- ۴۶- ﴿تَقَلُّبُهُمْ﴾: سفرها و تجارت های آنها.
- ۴۶- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانند فرار کنند.
- ۴۷- ﴿تَخَوُّفٍ﴾: از ترس عذاب یا کم شدن تدریجی اشخاص و اموال شان.
- ۴۸- ﴿مِنْ شَيْءٍ﴾: هر جسم استاده و دارای سایه.
- ۴۸- ﴿يَتَفَيَّوُا ظِلُّهُ﴾: سایه های آن از جانبی به جانب دیگر حرکت می کند.
- ۴۸- ﴿سُجَّدًا لِلَّهِ﴾: فرمانبردار او تعالی.
- ۴۸- ﴿هُمْ دَاخِرُونَ﴾: سایه ها نیز مانند صاحبان خود مطیع هستند.
- ۵۲- ﴿لَهُ الدِّينُ﴾: تنها از خدای یگانه طاعت لازم است.
- ۵۲- ﴿وَاصِبًا﴾: دایم، واجب یا خالص.
- ۵۳- ﴿تَجَرُّونَ﴾: به زاری و ناله از او کمک می خواهید.
- ۵۶- ﴿تَفْتَرُونَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می دادید.
- ۵۸- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: اعماق جاننش پر از خشم و اندوه می شود.
- ۵۹- ﴿يَتَوَارَى﴾: پنهان می شود.

- ۵۹- ﴿هُونٍ﴾: خواری.
- ۵۹- ﴿يَدُسُّهُ﴾: زنده در گورش کند.
- ۶۰- ﴿مَثَلُ السَّوْءِ﴾: صفت بد، کفر و جهالت.
- ۶۲- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و راست است یا ناچار.
- ۶۲- ﴿مُفْرَطُونَ﴾: پیشاپیش به دوزخ فرستاده می شوند.
- ۶۶- ﴿لَعِبْرَةً﴾: پند بزرگ و نشانه قدرت ماست.
- ۶۶- ﴿فَرَثٌ﴾: سرگین شکمبه.
- ۶۷- ﴿سَكْرًا﴾: شراب را، سپس به مدینه تحریم شد.
- ۶۸- ﴿أَوْحَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت وحی کرد، وحی در اینجا به معنی الهام و راه‌نمایی یا تسخیر است.
- ۶۸- ﴿يُبُوَّتًا﴾: خانه‌ها، زنبور عسل آن را برای تهیه عسل می سازد.
- ۶۸- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: کندوهای که برای زنبور عسل می سازند.
- ۶۹- ﴿ذُلًّا﴾: رام و آسان برای تو.
- ۷۰- ﴿أَرَزَلِ الْعُمُرِ﴾: بدترین و زبون‌ترین دوره عمر، بسیار پیر و خرف شدن.
- ۷۱- ﴿فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ﴾: تا آنها و بردگان‌شان در رزق مساوی باشند؟ نه.
- ۷۲- ﴿حَفْدَةً﴾: خدمتگارا و همکارها یا نبیرگان.
- ۷۶- ﴿أَحَدُهُمَا أَبُكْمٌ﴾: یکی از آن دو گنگ مادرزاد.
- ۷۶- ﴿هُوَ كَلٌّ﴾: او نان خور اضافی و سربار است.
- ۷۷- ﴿كَلَمَحِ الْبَصْرِ﴾: مانند یک نگاه پنهانی.
- ۸۰- ﴿تَسْتَخِفُّونَهَا﴾: آنها را سبکبار می یابید.
- ۸۰- ﴿يَوْمَ طَعْنَكُمْ﴾: وقت سفر خود.
- ۸۰- ﴿أَثْنًا﴾: اثاث خانه‌های شما مثل فرش.
- ۸۰- ﴿مَتَلَعًا﴾: اسباب که در زندگی و تجارت از آن بهر می گیرید.

- ۸۱- ﴿ظِلَالًا﴾: چیزهای که از سایه آنها استفاده می کنید مانند درختها.
- ۸۱- ﴿أَكْنَنًا﴾: مغاره ها که در آن پناه می برید.
- ۸۱- ﴿سَرَبِيلًا﴾: لباس ها یا جوشن ها.
- ۸۱- ﴿تَقْيِيكُم بِأَسْكُمْ﴾: در جنگ ها شما را از شمشیر و نیزه نگه می دارد.
- ۸۴- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی شود که هم اکنون پروردگار خود را خوشنود سازند.
- ۸۵- ﴿لَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾: مهلت داده نمی شوند و عذابشان به تأخیر نمی افتد.
- ۸۷- ﴿الْسَّلَمَ﴾: گردن نهادن به حکم او تعالی.
- ۹۰- ﴿يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾: خدا در امور اعتقادی، عملی و اخلاقی به اعتدال و میانه روی دستور می دهد. ﴿الْإِحْسَنَ﴾: کار درست یا نفع رساندن به مردم.
- ﴿الْفَحْشَاءَ﴾: گناهان بسیار زشت.
- ۹۰- ﴿الْبَغْيِ﴾: سرکشی و ظلم بر مردم.
- ۹۱- ﴿كَفِيلًا﴾: شاهد، مراقب و ضامن.
- ۹۲- ﴿قُوَّةٍ﴾: محکم تابیدن.
- ۹۲- ﴿أَنْكَثًا﴾: تاب ریسمان را گشودن.
- ۹۲- ﴿دَخَلًا بَيْنَكُمْ﴾: در میان خود وسیله فساد، خیانت و فریب.
- ۹۲- ﴿أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ﴾: تا گروهی باشد.
- ۹۲- ﴿هِيَ أَرْبَى﴾: بسیارتر، قویتر و ثروتمندتر.
- ۹۲- ﴿يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ﴾: خدا شما را به این وسیله می آزماید که آیا به عهد خویش وفا می کنید.
- ۹۴- ﴿فَتَرَلَّ قَدَمٌ﴾: پای تان از راه روشن اسلام می لغزد.
- ۹۶- ﴿يَنْفَدُ﴾: نیست و نابود می شود.
- ۹۸- ﴿فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾: به لطف خدا پناه ببر.

- ۹۹- ﴿سُلْطٰنٌ﴾: تسلط و قدرت.
- ۱۰۰- ﴿يَتَوَلَّوْنَهُ﴾: او را دوست و فرمانروا انتخاب می کنند.
- ۱۰۲- ﴿رُوحُ الْقُدُسِ﴾: روح پاکیزه، جبریل.
- ۱۰۳- ﴿يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ﴾: به آن نسبت می دهند که پیامبر را آموزش می دهد.
- ۱۰۷- ﴿أَسْتَحْبُوا﴾: برتر دانستند و برگزیدند.
- ۱۰۸- ﴿طَبَعَ﴾: مهر نهاده است.
- ۱۰۹- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- ۱۱۰- ﴿لِلَّذِينَ هَاجَرُوا﴾: یار و یاور مهاجرین است.
- ۱۱۰- ﴿فَتَنُوا﴾: بخاطر اسلام گرفتار رنج و عذاب شدند.
- ۱۱۲- ﴿رَعَدًا﴾: پاکیزه، فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- ۱۱۵- ﴿الْدَّمِ﴾: خون جاری.
- ۱۱۵- ﴿لَحْمَ الْخَنَازِيرِ﴾: تمام اجزای بدن خوک.
- ۱۱۵- ﴿أَهْلَ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: هنگام سربریدن آن اسم غیر خدا ذکر شود.
- ۱۱۵- ﴿أَضْطَرُّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.
- ۱۱۵- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت محرمت را نخورد یا همیشه این حالت را اختیار نکند.
- ۱۱۵- ﴿لَا عَادٍ﴾: از سدرمق تجاوز نکند.
- ۱۲۰- ﴿كَانَ أُمَّةً﴾: ابراهیم علیه السلام معلم خوبی ها یا یگانه مؤمن بود.
- ۱۲۰- ﴿قَانِتًا لِلَّهِ﴾: فرمانبردار اوتعالی.
- ۱۲۰- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به دین حق بود.
- ۱۲۱- ﴿أَجْتَبَلَهُ﴾: او را به نبوت برگزید.
- ۱۲۳- ﴿مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ﴾: شریعت او که یکتا پرستی است.
- ۱۲۴- ﴿جُعِلَ السَّبْتُ﴾: تعظیم شنبه و فراغت برای عبادت در آن روز فرض شد.

۱۲۷- ﴿ضَيْقٌ﴾: دلتنگ.

سوره اسراء

- ۱- ﴿سُبْحَنَ الَّذِي﴾: پاک و منزّه است ذاتی که قدرت او مایه شگفتی هاست.
- ۱- ﴿أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ﴾: براق را گماشت که او ﷺ را شب هنگام ببرد.
- ۱- ﴿لِنُرِيَهُ﴾: تا او را جانب آسمان بریم و به او نشان دهیم.
- ۲- ﴿وَكَيْلًا﴾: امور خویش را به خدا سپارید.
- ۳- ﴿ذُرِّيَّةً...﴾: نسل خاص و یا ای فرزندان...
- ۴- ﴿فَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ﴾: به بنی اسرائیل اخبار کردیم که شما دو بار فتنه و فساد برپا می کنید.
- ۴- ﴿لَتَعْلُنَّ﴾: در ظلم و سرکشی افراط خواهید کرد.
- ۵- ﴿وَعَدُ أُولَٰئِهِمَا﴾: وعده عذابی که به فتنه و فساد اول معین شده بود.
- ۵- ﴿أُولَىٰ بَأْسٍ﴾: نیرومند، مهاجم، تند و سریع در کارزار.
- ۵- ﴿فَجَاسُوا﴾: برای دست گیری شما با تمام نیرو به جستجو پردازند.
- ۵- ﴿خِلَالِ الدِّيَارِ﴾: در خانه ها.
- ۶- ﴿الْكُرَّةِ﴾: دولت و غلبه.
- ۶- ﴿أَكْثَرُ نَفِيرًا﴾: افراد یا قبایل شما را بیشتر از جمعیت دشمنان قرار دادیم.
- ۷- ﴿لِيَسْتَوُوا وَجُوهَكُمْ﴾: تا شما را سخت اندوهگین سازند که اثر آن در سیمای شما آشکار گردد.
- ۷- ﴿لِيَتَذَكَّرُوا﴾: تا به شدت نابود و ویران کنند.
- ۷- ﴿مَا عَلَوْا﴾: به هر چه تسلط یابند.
- ۸- ﴿حَصِيرًا﴾: زندان یا بستر و فرش.
- ۹- ﴿هِيَ أَقْوَمُ﴾: اسلام و یکتا پرستی درست ترین راه هاست.

- ۱۲- ﴿الَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾: شب و روز یا تابش ماه و خورشید را.
- ۱۲- ﴿فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ﴾: ماه را بی نور و تاریک آفریدیم.
- ۱۲- ﴿آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً﴾: آفتاب را درخشان و وسیله دیدن چشم‌ها.
- ۱۳- ﴿أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ﴾: کار نامه عمل انسان را به او متصل و جدا نشدنی ساختیم.
- ۱۴- ﴿حَسِيْبًا﴾: محاسب.
- ۱۵- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ﴾: هیچ شخص گناهکاری گناه دیگری را بر نمی دارد.
- ۱۶- ﴿أَمَرْنَا مُتْرَفِيَهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت آن دیار را به طاعت خدا دستور می دهیم.
- ۱۶- ﴿فَفَسَقُوا﴾: پس تمرد و عصیان نمایند.
- ۱۶- ﴿فَدَمَّرْنَاهَا﴾: پس بنیاد آن دیار را برکنیم و آثارش را محو کنیم.
- ۱۷- ﴿الْقُرُونِ﴾: مللی را که حقایق را تکذیب می کردند.
- ۱۸- ﴿يَصْلَنَهَا﴾: به جهنم داخل شود و رنج آتش سوزان آن را بکشد.
- ۱۸- ﴿مَذْخُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- ۲۰- ﴿كُلًّا نُّمِدُّ﴾: عطای هر دو گروه را پی در پی زیاد می کنیم.
- ۲۰- ﴿مُحْظُورًا﴾: از کسی که خدا خواسته باشد ممنوع نیست.
- ۲۲- ﴿مُخْذُولَ﴾: دور از نصرت و یاری خدا.
- ۲۳- ﴿قَضَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت فرمان داد و حکم کرد.
- ۲۳- ﴿أَفِ﴾: سخن دلتنگ کننده، ناپسند و ملال آور.
- ۲۳- ﴿لَا تَنْهَرُهُمَا﴾: با آنها درشت خونباش، از انجام کاری که نزد تو خوشایند نیست آنها را منع نکن.
- ۲۳- ﴿قَوْلًا كَرِيمًا﴾: سخن خوب و زیبا.
- ۲۵- ﴿لِلْأَوْبَيْنِ﴾: برای توبه کنندگان از آنچه افراط کرده‌اند.
- ۲۹- ﴿يَدَكَ مَعْلُومَةً﴾: کنایه از بخل است.
- ۲۹- ﴿تَبْسُطُهَا كُلَّ الْبَسِطِ﴾: کنایه از اسراف و خرج بیهوده است.

- ۲۹- ﴿مَحْسُورًا﴾: پشیمان یا درمانده و نیازمند.
- ۳۰- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را که بخواهد به مقتضای حکمت کم می‌کند.
- ۳۱- ﴿خَشْيَةً اِمْلَقٍ﴾: از ترس فقر و نیازمندی.
- ۳۱- ﴿خِطًّا كَبِيرًا﴾: گناهی بزرگ.
- ۳۳- ﴿سُلْطَنًا﴾: می‌تواند قاتل را قصاص کند یا دیت بگیرد.
- ۳۴- ﴿يَبْلُغُ اَشَدَّهُ﴾: به کمال برسد، مال خود را حفظ و به گونه درست استفاده کند.
- ۳۵- ﴿بِالْقِسْطِ اِلْمُسْتَقِيمِ﴾: به ترازوی راست و درست.
- ۳۵- ﴿اَحْسَنُ تَاْوِيْلًا﴾: سرانجامش نیکوتر است.
- ۳۶- ﴿لَا تَقْفُ﴾: پیروی نکن.
- ۳۷- ﴿مَرَحًا﴾: تکبر، خود پسندی.
- ۳۹- ﴿مَذْهُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- ۴۰- ﴿اَفَاَصْفَكُمُ رَبُّكُمْ﴾: آیا پروردگارتان به شما برتری داده که شما را برگزیده است.
- ۴۱- ﴿صَرْفًا﴾: سخن را به شیوه‌های مختلف بیان کردیم.
- ۴۱- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و اعراض از حق.
- ۴۲- ﴿لَا تَتَعَوَّا﴾: بدون شک جستجو می‌کردند.
- ۴۲- ﴿سَبِيلًا﴾: راه منازعت و غلبه را.
- ۴۵- ﴿حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾: پرده یا نهان از حس بینایی.
- ۴۶- ﴿اَكِنَّةً﴾: پوشش‌های مانع شونده.
- ۴۶- ﴿وَقَرًا﴾: کری و سنگینی شدید در شنوایی.
- ۴۷- ﴿هُم نَجَوْا﴾: در مورد تو با هم نجوا کنند.
- ۴۷- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده یا خود ساحر است.
- ۴۹- ﴿رُفَّتًا﴾: اجزای ریزریز شده یا خاک و یا گرد و غبار.

- ۵۱- ﴿يَكْبُرُ﴾: احتمال پذیرش حیات برای آن سخت و دشوار است.
- ۵۱- ﴿فَطَرَكُمْ﴾: شما را آفرید. ﴿فَسَيُنْغِضُونَ﴾: به استهزا می جنبانند.
- ۵۲- ﴿مُحَمَّدٌ﴾: فرمانبردار و ستایش کنان.
- ۵۳- ﴿يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ﴾: در میان آنها بدی و فساد را شعله‌ور می‌سازد.
- ۵۴- ﴿وَكَيْلًا﴾: که امورشان بر تو سپرده شده باشد.
- ۵۵- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی است که در او ستایش الهی و پند و اندرز ثبت است.
- ۵۶- ﴿لَا تَحْوِيَلًا﴾: نمی‌توانند ضرر و زیانی را که دامنگیر شماست به دیگری که به عبادت ایشان نپرداخته انتقال دهند.
- ۵۷- ﴿الْوَسِيلَةَ﴾: قربت را به طاعت و عبادت.
- ۵۹- ﴿مُبْصِرَةً﴾: معجزه آشکار.
- ۵۹- ﴿فَظَلَمُوا بِهَا﴾: ستمگرانه به آن کفر ورزیدند و نابود شدند.
- ۶۰- ﴿أَحَاطَ بِالْأَنَاسِ﴾: خدا به علم و قدرت به مردم احاطه کامل دارد و همه در تصرف او هستند.
- ۶۰- ﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ﴾: درخت زقوم را، آزمایشی برای مردم قرار دادیم.
- ۶۰- ﴿طُغْيَانًا﴾: تجاوز از حد در کفر و سرکشی.
- ۶۲- ﴿أَرَأَيْتَكَ﴾: به من خبر بده.
- ۶۲- ﴿لَا أَحْتَنِكَنَّ﴾: بدون شک بر فرزندانش غلبه می‌کنم یا با فریب ریشه‌شان را می‌کنم.
- ۶۴- ﴿أَسْتَفْزِرُ﴾: استهانت کن، نادان بساز و از راه بیرون ببر.
- ۶۴- ﴿بِحَيْلِكَ وَرَجِلِكَ﴾: با کسانت که سواره و پیاده در راه معصیت قدم گذاشته‌اند.
- ۶۵- ﴿عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ﴾: توانایی بر فریب آنها.
- ۶۶- ﴿يُزْجَى﴾: روان می‌کند و به نرمی به حرکت می‌آورد.
- ۶۸- ﴿أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ﴾: که شما را در زمین فرو برد.
- ۶۸- ﴿حَاصِبًا﴾: باد تندی که بر شما سنگریزه پرتاب کند.

- ۶۹- ﴿قَاصِفًا﴾: باد تند، ویرانگر و کشنده.
- ۶۹- ﴿تَبِيعًا﴾: یارور یا کسی که انتقام شما را از ما بگیرد.
- ۷۱- ﴿يَاْمِلِهِمْ﴾: با رهبرشان یا با کتابشان.
- ۷۱- ﴿فَتِيْلًا﴾: به اندازه رشته نازک بین هسته خرما.
- ۷۳- ﴿لَيَفْتِنُوْنَكَ﴾: تو را به فریب منحرف سازند.
- ۷۳- ﴿لَيَفْتَرِيْ عَلَيْنَا﴾: تا سخنانی را از خود بسازی و به ما نسبت دهی.
- ۷۴- ﴿تَرْكُنْ اِلَيْهِمْ﴾: به آنها مایل شوی.
- ۷۵- ﴿ضَعْفَ الْحَيٰوةِ﴾: چند برابر عذاب دنیا.
- ۷۶- ﴿لَيَسْتَفْزِزُوْكَ﴾: تا از جایث دورت کنند و خوار و بی‌مقدارت نمایند.
- ۷۷- ﴿تَحْوِيْلًا﴾: تغییر و تبدیل.
- ۷۸- ﴿لِلْاُلُوْكَ الشَّمْسِ﴾: بعد زوال یا هنگام زوال آفتاب از میانه آسمان.
- ۷۸- ﴿عَسَقِ الْاَيْلِ﴾: تاریکی شب یا شدت تاریکی.
- ۷۸- ﴿قُرْءَانَ الْفَجْرِ﴾: نماز بامداد را برپادار.
- ۷۹- ﴿فَتَهَجَّدْ﴾: نماز تهجد، نمازی که بعد از بیدار شدن هنگام شب خوانده می‌شود.
- ۷۹- ﴿نَافِلَةً لَّكَ﴾: فریضه افزون که خاصه خودت است.
- ۷۹- ﴿مَقَامًا مَّحْمُوْدًا﴾: مقام بزرگ شفاعت.
- ۸۰- ﴿مُدْخَلَ صِدْقٍ﴾: داخل کردنی که همه امورم پسندیده و نیکو باشد.
- ۸۰- ﴿سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا﴾: نیرو که بوسیله آن اسلام را یاری نماییم.
- ۸۱- ﴿زَهَقَ الْبَطِلُ﴾: شرک تباه و نابود شد.
- ۸۲- ﴿خَسَارًا﴾: نابودی به سبب کفرشان به قرآن.
- ۸۳- ﴿نَعًا بِجَانِبِهِ﴾: با تکبر و سرکشی دور می‌شود.
- ۸۳- ﴿كَانَ يَغُوْسًا﴾: از رحمت ما نومید می‌گردد.
- ۸۴- ﴿شَاكِلَتِهِ﴾: شیوه‌ای که برازنده اوست.

- ۸۶- ﴿وَكَيْلًا﴾: کسی را که بتواند قرآن را به تو برگرداند.
- ۸۸- ﴿ظَهِيرًا﴾: یاور.
- ۸۹- ﴿صَرَفْنَا﴾: به شیوه‌های گوناگون بیان کردیم.
- ۸۹- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: معانی شگفت انگیز، زیبا و بدیع.
- ۸۹- ﴿فَأَبَى﴾: پس نپذیرفت.
- ۸۹- ﴿كُفُورًا﴾: حق ستیز.
- ۹۰- ﴿يَتَّبِعُونَ﴾: چشمه‌ای همیشه پرآب.
- ۹۲- ﴿كِسَفًا﴾: تکه و پاره.
- ۹۲- ﴿قَبِيلًا﴾: آشکار یا گروه گروه.
- ۹۳- ﴿زُخْرِفٍ﴾: طلا.
- ۹۷- ﴿حَبَّتْ﴾: شعله آن خاموش شود.
- ۹۷- ﴿سَعِيرًا﴾: شعله و زبانه آتش را.
- ۹۸- ﴿رُفَّتًا﴾: ذرات پراکنده یا خاک.
- ۱۰۰- ﴿كُفُورًا﴾: بسیار بخیل.
- ۱۰۱- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده‌ای یا خود ساحری.
- ۱۰۲- ﴿بَصَائِرَ﴾: این معجزه‌ها آشکارند، هر بیننده به صدق گفتار من پی می‌برد.
- ۱۰۲- ﴿مَثْبُورًا﴾: هلاک شده یا دور از خیر.
- ۱۰۳- ﴿يَسْتَفِزُّهُمْ﴾: آنها را بیرون و خوار و بی‌مقدارشان کند.
- ۱۰۴- ﴿لَفِيفًا﴾: همه را با هم.
- ۱۰۶- ﴿فَرَّقْنَاهُ﴾: قرآن را بیان کردیم یا آیه آیه و سوره سوره نازل نمودیم.
- ۱۰۶- ﴿عَلَىٰ مَكْثٍ﴾: به آهستگی.
- ۱۱۰- ﴿لَا تُخَافِتْ بِهَا﴾: در نماز قرآن را آهسته نخوان تا کسانی که با تو در نماز هستند صدایت را بشنوند.

سوره کُهِف

- ۱- ﴿لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾: هیچ گونه اختلال، اختلاف و انحراف از حق و حکمت را در آن قرار نداده است.
- ۲- ﴿قِيَمًا﴾: مستقیم و یا به مصالح جامعه انسانی.
- ۲- ﴿بِأَسَا﴾: عذاب بامهلت یا بی مهلت.
- ۵- ﴿كَبُرَتْ كَلِمَةً﴾: بزرگترین سخن به زشتی و قباحت.
- ۶- ﴿بَخِعْ نَفْسَكَ﴾: خود را بخشی یا به مشقت اندازی.
- ۶- ﴿أَسْفًا﴾: از شدت اندوه و خشم بر آنها.
- ۷- ﴿يَبْلُوهُمْ﴾: تا آنها را بیازماییم با این که از حالشان آگاهییم.
- ۷- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: نیکوکارتر و شتابنده به طاعت خدا.
- ۸- ﴿صَعِيدًا جُرُزًا﴾: خاک بی سبزه و گیاه.
- ۹- ﴿أَمْ حَسِبْتَ﴾: آیا پنداشتی.
- ۹- ﴿الْكُهْفِ﴾: غار وسیع در کوه.
- ۹- ﴿الزَّقِيمِ﴾: تخته سنگی که در آن نامها و داستان آنها نوشته بود.
- ۱۰- ﴿أَوَى الْفِتْيَةُ﴾: جوانان برای حفظ دینشان فرار کردند و پناه بردند.
- ۱۰- ﴿رَشَدًا﴾: هدایت به راه حق.
- ۱۱- ﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ﴾: و آنان را به خواب سنگین فروبردیم.
- ۱۲- ﴿بَعَثْنَاهُمْ﴾: آنها را از خواب بیدار کردیم.
- ۱۲- ﴿أَمَدًا﴾: تعداد سالها را.
- ۱۴- ﴿رَبَطْنَا﴾: با شکیبایی قوی و استوار ساختیم.
- ۱۴- ﴿شَطَطًا﴾: سخن دوراز حق.
- ۱۶- ﴿مَرَفَقًا﴾: آنچه در زندگی از آن بهره ور شوید.

- ۱۷- ﴿تَزَوَّرُ﴾: میل می کند.
- ۱۷- ﴿تَقْرِضُهُمْ﴾: از آنها عدول می کند و دور می شود.
- ۱۷- ﴿فَجَوْهَ مِّنْهُ﴾: جای وسیعی از آن غار.
- ۱۸- ﴿بِالْوَصِيدِ﴾: کنار غار یا آستانه در آن.
- ۱۸- ﴿رُعْبًا﴾: از ترس.
- ۱۹- ﴿بَعَثْنَاهُمْ﴾: آنان را از خواب طولانی بیدار کردیم.
- ۱۹- ﴿يُورِقُكُمْ﴾: با سکه های خود.
- ۱۹- ﴿أَزْكَىٰ طَعَامًا﴾: غذای حلال یا نیکو.
- ۲۰- ﴿إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ﴾: اگر از شما آگاه شوند یا بر شما دست یابند.
- ۲۱- ﴿أَعَزَّنَا عَلَيْهِمُ﴾: مردم را از حال آنها آگاه ساختیم.
- ۲۲- ﴿رَجْمًا بِالْغَيْبِ﴾: از روی گمان و بدون یقین.
- ۲۲- ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ﴾: پس درباره آنها و تعدادشان مناقشه نکن.
- ۲۲- ﴿إِلَّا مِرَاءَ ظَهْرًا﴾: درباره آنها چیزی را بگو که برایت وحی شد.
- ۲۴- ﴿رَشْدًا﴾: هدایت و راهنمایی برای انسان.
- ۲۶- ﴿أَبْصُرْ بِهِ﴾: خدا چه بیناست به همه موجودات.
- ۲۷- ﴿مُلْتَحَدًا﴾: پناهگاه.
- ۲۸- ﴿أَصْبِرْ نَفْسَكَ﴾: خود را همنوا بساز و ثابت قدم و شکیبا باش.
- ۲۸- ﴿لَا تَعُدَّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾: توجه خود را از مسلمانان بینوا مگیر.
- ۲۸- ﴿أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ﴾: قلب او را غافل کردیم.
- ۲۸- ﴿فُرْطًا﴾: اسراف یا ضایع و نابود ساختن.
- ۲۹- ﴿سُرَادِقُهَا﴾: سرا پرده ها یا شعله و دود آن.
- ۲۹- ﴿كَالْمُهْلِ﴾: مانند دود روغن یا فلز گداخته.
- ۲۹- ﴿سَاءَتْ مَرْثَقًا﴾: دوزخ جایگاه بد است.

- ۳۱- ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ﴾: بهشت‌های محل اقامت دائمی.
- ۳۱- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نرم و نازک، حریر.
- ۳۱- ﴿إِسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۳۱- ﴿أَلَّا رَأَيْكَ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.
- ۳۲- ﴿جَنَّتَيْنِ﴾: دو باغ.
- ۳۲- ﴿حَفَفْنَاهُمَا﴾: اطراف آنها را احاطه کردیم.
- ۳۳- ﴿أُكُلَهَا﴾: میوه‌های قابل خوردنش را.
- ۳۳- ﴿تَظْلِمَ مِّنْهُ﴾: از میوه و محصول آن هیچ کم نگردد.
- ۳۳- ﴿فَجَرَرْنَا خِلَالَهُمَا﴾: در میان آن دو جاری ساختیم.
- ۳۴- ﴿ثَمَرٍ﴾: ثروت فراوان و پر درآمد.
- ۳۴- ﴿أَعَزُّ نَفَرًا﴾: با داشتن همکاران و خویشان نیرومندترم.
- ۳۵- ﴿تَبِيدَ﴾: نیست و نابود و خراب شود.
- ۳۶- ﴿مُنْقَلَبًا﴾: جای بازگشت و سرانجام.
- ۳۸- ﴿لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي﴾: ولی من می‌گویم: ذات پاک او تعالی پروردگار من است.
- ۴۰- ﴿حُسْبَانًا﴾: بلایی مانند صاعقه و آفت.
- ۴۰- ﴿فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا﴾: و این باغ به ریگستان هراس‌انگیز یا زمین بی‌سبزه و گیاه و لغزنده تبدیل شود.
- ۴۱- ﴿غَوْرًا﴾: در اعماق زمین فرورود.
- ۴۲- ﴿أُحِيطَ بِثَمَرِهِ﴾: اموال و بوستانش نیست و نابود شد.
- ۴۲- ﴿يُقَلِّبُ كَفْيَهُ﴾: دست‌های خود را به هم می‌مالید، کنایه از پشیمانی و حسرت است.
- ۴۲- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ غُرُوشِهَا﴾: بر سقف‌های درهم ریخته خود افتاده بود.
- ۴۴- ﴿الْوَلِيَّةُ لِلَّهِ﴾: نصرت و پیروزی تنها از جانب خداست.

- ۴۴- ﴿خَيْرٌ عُقْبًا﴾: خدا به دوستان خود فرجام نیک می دهد.
- ۴۵- ﴿هَشِيمًا﴾: خشک و پوسیده بعد از شادابی و زیبایی.
- ۴۵- ﴿تَذَرُوهُ الرِّيحُ﴾: بادهای آن را می برند و با خاک یکسان می کنند.
- ۴۷- ﴿بَارِزَةً﴾: آشکار، هیچ چیزی بر روی آن نیست.
- ۴۸- ﴿مَّوْعِدًا﴾: وقتی برای ایفای وعده رستاخیز و پاداش و کیفر.
- ۴۹- ﴿وُضِعَ الْكِتَابُ﴾: نامه اعمال هرکس به دستش نهاده می شود.
- ۴۹- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان.
- ۴۹- ﴿يُؤَيِّلَتَنَا﴾: ای وای تباه شدیم.
- ۴۹- ﴿لَا يُعَادِرُ﴾: باقی نمی گذارد.
- ۴۹- ﴿أَحْصَاهَا﴾: آن را به شمار آورده و ثبت کرده است.
- ۵۰- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم سجده سلام و احترام کنید نه سجده پرستش.
- ۵۱- ﴿عَصْدًا﴾: همکار و یاور.
- ۵۲- ﴿مَّوْبِقًا﴾: محل هلاکت، دوزخ.
- ۵۳- ﴿مُؤَافِعُوهَا﴾: در آن خواهند افتاد.
- ۵۳- ﴿مَصْرِفًا﴾: جایی که بروند.
- ۵۴- ﴿صَرَفْنَا﴾: به شیوه های مختلف بیان کردیم.
- ۵۴- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: هر گونه مثلی، معانی شگفت انگیز و زیبا که در غرابت مانند مثل است.
- ۵۵- ﴿سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ﴾: سرنوشت گذشتگان که ریشه کن ساختن است اگر ایمان نیاورند.
- ۵۵- ﴿قُبُلًا﴾: گوناگون یا آشکار و رویاروی.
- ۵۶- ﴿يُؤَيِّدُ حُضُوءًا﴾: تا باطل نمایند و از بین ببرند.
- ۵۶- ﴿هُزُؤًا﴾: تمسخر و استهزاء.

- ۵۷- ﴿أَكِنَّةٌ...﴾: پرده‌های بسیار، مانع از... .
- ۵۷- ﴿وَقَرَأَ﴾: کُری و سنگینی سخت در حس شنوایی.
- ۵۸- ﴿مَوِيلًا﴾: محل نجات و پناهگاه.
- ۵۹- ﴿لِمَهْلِكِهِمْ﴾: برای نابود کردن ایشان.
- ۶۰- ﴿لِقَتْلِهِ﴾: به جوان همراه خود، یوشع بن نون.
- ۶۰- ﴿مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ﴾: جای بهم‌پیوستن دو دریا.
- ۶۰- ﴿أَمْضَى حُقُبًا﴾: زمان طولانی راه می‌سپرم.
- ۶۲- ﴿نَضَبًا﴾: خستگی و رنج بی‌شمار.
- ۶۳- ﴿أَرَاءَيْتَ﴾: به من خبر بده یا به خاطر داری.
- ۶۳- ﴿عَجَبًا﴾: به طرز شگفت‌آوری.
- ۶۴- ﴿مَا كُنَّا نَبْغُ﴾: آنچه ما می‌خواستیم و در جستجویش بودیم.
- ۶۴- ﴿فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا﴾: به راهی که آمده بودند برگشتند.
- ۶۴- ﴿قَصَصًا﴾: نشان قدمهای خویش را دنبال می‌کردند.
- ۶۵- ﴿عَبْدًا﴾: خضر علیه السلام.
- ۶۶- ﴿رُشْدًا﴾: راستی و درستی یا به کار خود به خیری دست یابم.
- ۶۸- ﴿خُبْرًا﴾: علم و معرفت.
- ۷۱- ﴿شَيْئًا إِمْرًا﴾: کار بس ناشایست یا عجیب.
- ۷۳- ﴿لَا تُزْهِقْنِي عُسْرًا﴾: بر من سخت‌نگیر و تحمیل نکن.
- ۷۴- ﴿شَيْئًا نُكْرًا﴾: کار بسیار ناپسند و زشت.
- ۷۷- ﴿فَأَبَوَا﴾: امتناع ورزیدند.
- ۷۷- ﴿يَنْقُضَ﴾: منهدم شود و به سرعت فروریزد.
- ۷۸- ﴿بِتَأْوِيلٍ...﴾: نتیجه و سرانجام...
- ۷۹- ﴿وَرَأَوْهُمْ﴾: پیش روی آنها.

- ۷۹- ﴿غَضَبًا﴾: بدون حق.
- ۸۰- ﴿يُزْهِقُهُمَا﴾: آنها را وادار کند یا از فرط محبت از او پیروی کنند.
- ۸۱- ﴿زَكْوَةً﴾: دور از بدی یا پاک دین و با صلاح.
- ۸۱- ﴿أَقْرَبَ رَحْمًا﴾: مهربانتر با پدر و مادر و فرمان برتر از آن دو.
- ۸۲- ﴿يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا﴾: به کمال عقل و قوت خود برسند.
- ۸۳- ﴿ذِي الْقُرْنَيْنِ﴾: پادشاه صالحی که هم علم داشت و هم حکمت.
- ۸۴- ﴿سَبَّأً﴾: علم و راه رسیدن آن.
- ۸۵- ﴿فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾: پس به راهی رفت که او را به مغرب می‌رساند.
- ۸۶- ﴿تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ﴾: به نظر می‌رسید که آفتاب در چشمه‌ای غروب می‌کند.
- ۸۶- ﴿حِمَّةٍ﴾: گل آلود، گل سیاه.
- ۸۶- ﴿حُسْنًا﴾: رویش نیکویی، دعوت به حق و هدایت.
- ۸۷- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب هول انگیز و شدید.
- ۹۰- ﴿سِتْرًا﴾: پوششی از قبیل لباس و مسکن.
- ۹۱- ﴿خُبْرًا﴾: آگاهی کامل.
- ۹۳- ﴿السَّدَّيْنِ﴾: دو کوه بسیار بلند.
- ۹۴- ﴿يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ﴾: دو قبیله از نسل یافث بن نوح.
- ۹۴- ﴿خَرْجًا﴾: از اموال خود کمکت کنیم.
- ۹۴- ﴿سَدًّا﴾: دیواری که نتوانند بر ما دست یابند.
- ۹۵- ﴿رَدْمًا﴾: سد محکم و استوار.
- ۹۶- ﴿زُبُرَ الْحَدِيدِ﴾: قطعات بزرگ و ضخیم آهن را.
- ۹۶- ﴿الصَّدَقَيْنِ﴾: میان آن دو کوه.
- ۹۶- ﴿قَطْرًا﴾: مس گداخته را.
- ۹۷- ﴿يُظْهِرُوهُ﴾: از آن بالا بروند.

- ۹۷- ﴿نَقَبًا﴾: سوراخی از جهت سختی و صلابت آن.
- ۹۸- ﴿جَعَلَهُ دَكَّاءَ﴾: با خاک یکسانش می کند.
- ۹۹- ﴿يُمُوجُ﴾: موج می زنند و می آمیزند.
- ۹۹- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.
- ۱۰۱- ﴿غِطَاءٍ﴾: پرده ضخیم.
- ۱۰۲- ﴿نُزُلًا﴾: منزل یا برای پذیرایی از آنها.
- ۱۰۵- ﴿وَزَنًا﴾: منزلت و اعتباری از جهت بطلان اعمالشان.
- ۱۰۷- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: بالاترین و بهترین جای بهشت.
- ۱۰۸- ﴿حِوَلًا﴾: انتقال.
- ۱۰۹- ﴿مَدَدًا﴾: ماده ای است که با آن می نویسند.
- ۱۰۹- ﴿لِكَلِمَةٍ رَبِّي﴾: علم و حکمت خدای من.
- ۱۰۹- ﴿لَتَفِدَّ الْبَحْرُ﴾: آب دریا به پایان می رسد. مَدَدًا: کمک و افزایش.

سوره مَرِیم

- ۳- ﴿نِدَاءً خَفِيًّا﴾: دعای نهانی که هیچ کس آن را نشنید.
- ۴- ﴿وَهَنَ الْعَظْمُ﴾: استخوانم سست و ضعیف شده است.
- ۴- ﴿شَقِيًّا﴾: هیچ زمانی نومید.
- ۵- ﴿خِفْتُ الْمَوْلَى﴾: از بستگان خود بیمناکم، از بدکاران یهود بودند.
- ۵- ﴿وَلِيًّا﴾: فرزندی که بعد از من جانشینم باشد.
- ۶- ﴿رَضِيًّا﴾: به گفتار و عمل مورد پسند و رضایت خود باشد.
- ۸- ﴿أَنِّي يَكُونُ﴾: چگونه می شود.
- ۸- ﴿عِتِيًّا﴾: حالتی که مداوا شدنی نیست.
- ۱۰- ﴿آيَةً﴾: نشانه ای بر تحقق خواسته ام تا تو را سپاسگزار باشم.

- ۱۰- ﴿سَوِيًّا﴾: سلامت کامل، نه گنگی و نه علت دیگری داری.
- ۱۱- ﴿مِنَ الْمَحْرَابِ﴾: جای نماز خواندن یا خانه‌ای که در آن خدا را عبادت می‌کرد.
- ۱۲- ﴿الْحُكْمَ﴾: دانش تورات و پرستش.
- ۱۳- ﴿حَنَانًا﴾: مهربانی با مردم.
- ۱۳- ﴿زَكَاةً﴾: برکت یا پاکی از گناه.
- ۱۳- ﴿كَانَ تَقِيًّا﴾: فرمان‌بردار و پرهیزکار بود.
- ۱۴- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ﴾: از پدر و مادرش فرمان می‌برد و با آنها مهربان بود.
- ۱۴- ﴿جَبَّارًا عَصِيًّا﴾: متکبر و مخالف فرمان خدا.
- ۱۶- ﴿أَنْتَبَذْتُ﴾: تنها به یک گوشه رفت.
- ۱۷- ﴿حِجَابًا﴾: پرده‌ای. رُوحَنَا: جبرئیل را.
- ۱۷- ﴿بَشَرًا سَوِيًّا﴾: انسان خوش اندام.
- ۱۹- ﴿عُلَمَاءَ زَكِيًّا﴾: پسری پاک از گناه و پاکیزه خلقت.
- ۲۰- ﴿بَغِيًّا﴾: زنا کار.
- ۲۲- ﴿مَكَانًا قَصِيًّا﴾: پشت کوه دور از مردم.
- ۲۳- ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ﴾: و درد زایمان او را آورد.
- ۲۳- ﴿نَسِيًّا مِّنْ نَّسِيًّا﴾: بی‌ارزش و متروک که هیچ جایی در دلها نداشته باشد.
- ۲۴- ﴿فَنَادَاهَا﴾: جبریل یا عیسی او را صدا کرد.
- ۲۴- ﴿سَرِيًّا﴾: جوی آب یا پسر بلند مرتبه.
- ۲۵- ﴿رُطْبًا جَنِيًّا﴾: میوه رسیده یا تازه.
- ۲۶- ﴿قَرِي عَيْنًا﴾: خوش باش نه اندوهگین.
- ۲۷- ﴿شَيْئًا فَرِيًّا﴾: چیزی بسیار ناشایست.
- ۲۹- ﴿كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾: با کودک شیر خواری که در گهواره است.
- ۳۲- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي﴾: با مادرم مهربان باشم و گرامیش بدارم.

- ۳۴- ﴿يَمُزُّونَ﴾: شک دارند یا بیهوده با هم جدل می کنند.
- ۳۵- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: خدا ایجاد چیزی را اراده کند.
- ۳۸- ﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ﴾: شنوایی و بینایی آنها شگفت آور است.
- ۳۹- ﴿يَوْمَ الْحُسْرَةِ﴾: روز ندامت شدید.
- ۴۳- ﴿صِرَاطًا سَوِيًّا﴾: راه راست و نجات دهنده از گمراهی.
- ۴۴- ﴿عَصِيًّا﴾: بسیار نافرمان.
- ۴۵- ﴿وَلِيًّا﴾: همراه، در جهنم کنارهم.
- ۴۶- ﴿وَأَهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾: برای همیشه از من دور شو.
- ۴۷- ﴿حَفِيًّا﴾: بسیار مهربان.
- ۴۸- ﴿شَقِيًّا﴾: نومید و بی بهره.
- ۵۰- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: تمام ادیان آنها را به نیکویی یاد می کنند.
- ۵۱- ﴿كَانَ مُخْلَصًا﴾: خدا او را به رسالت برگزیده بود.
- ۵۲- ﴿قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾: او نزدیک ساختیم و در آن حال با او سخن گفتیم.
- ۵۸- ﴿أَجْتَبَيْنَاهُ﴾: به نبوت برگزیدیم.
- ۵۸- ﴿بُكِّيًّا﴾: از ترس خدا گریه می کردند.
- ۵۹- ﴿خَلْفَ﴾: فرزند بد.
- ۵۹- ﴿يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾: جزای گمراهی خود را خواهند دیدند یا «غی» وادی است در جهنم.
- ۶۱- ﴿مَاتِيًّا﴾: آمدنی.
- ۶۲- ﴿لَعَوًّا﴾: زشت یا سخن بیهوده.
- ۶۵- ﴿سَمِيًّا﴾: مانند، در ذات و صفات او، هرگز نه.
- ۶۸- ﴿جَحِيًّا﴾: از شدت ترس به زانو درآمده اند.
- ۶۹- ﴿عِتِيًّا﴾: از نافرمانی یا تهور یا فسق.

- ۷۰- ﴿صَلِّ﴾: برای داخل شدن یا رنج و سختی کشیدن.
- ۷۱- ﴿وَارِدُهَا﴾: وارد دوزخ شود با گذشتن از صراط که بر روی جهنم قرار دارد.
- ۷۳- ﴿خَيْرٌ مَّقَامًا﴾: جای سکونتش زیباست.
- ۷۳- ﴿أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾: جلسات و اجتماعاتش نیکوتر است.
- ۷۴- ﴿قَرْنٍ﴾: مردمان.
- ۷۴- ﴿أَحْسَنُ أَثْنًا﴾: وسایل زندگی بهتر داشته‌اند از قبیل فرش، لباس و غیره.
- ۷۴- ﴿رِئَیًا﴾: ظاهر و منظر.
- ۷۵- ﴿فَلْيَمْدُدْ لَهُ﴾: پس خدا به او مهلت می‌دهد و یکباره هلاکش نمی‌کند.
- ۷۵- ﴿أَضْعَفُ جُندًا﴾: یارانش ضعیف و کم‌تر است.
- ۷۶- ﴿خَيْرٌ مَرَدًّا﴾: سرانجام خوب‌تر دارد.
- ۷۷- ﴿أَفْرَءَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۷۸- ﴿أَطْلَعَ الْغَيْبِ﴾: آیا اسرار غیب را کشف کرده، استفهام است.
- ۷۹- ﴿نَمُدُّ لَهُ﴾: بر او دایمی می‌گردانیم یا می‌افزاییم.
- ۸۱- ﴿عِزًّا﴾: شفیع و ناصر و مایه عزتشان باشد.
- ۸۲- ﴿ضِدًّا﴾: مایه ذلت و خواری آنها نه مایه عزت یا ناصر.
- ۸۳- ﴿تَوَزُّهُمْ أَزًّا﴾: آنها را به معاصی تشویق می‌کنند و به هیجان می‌آورند.
- ۸۵- ﴿وَفَدًّا﴾: سواره.
- ۸۶- ﴿وَرْدًا﴾: تشنه یا مانند چارپایان تشنه.
- ۸۹- ﴿شَيْئًا إِدًّا﴾: چیز زشت و ناشایست را.
- ۹۰- ﴿يَفْطَرْنَ مِنْهُ﴾: از زشتی این سخن آسمان‌ها متلاشی کردند.
- ۹۰- ﴿تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾: کوه‌ها فروریزند.
- ۹۶- ﴿وُدًّا﴾: محبوب دلها.
- ۹۷- ﴿قَوْمًا لُدًّا﴾: گروه سرکش و باطل پرست را.

- ۹۸- ﴿قَرْنٍ﴾: نسل‌ها. ﴿مُحْسٍ﴾: می‌آبی یا می‌بینی یا می‌دانی.
 ۹۸- ﴿رِکْزًا﴾: کم‌ترین صدایی.

سوره طه

- ۱- ﴿لَيْتَشَقَى﴾: تا از اندوه و تأسف قومت، خود را خسته کنی.
 ۵- ﴿عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾: استوایی که سزاوار جلال است.
 ۶- ﴿مَا تَحْتَ الثَّرَى﴾: آنچه را که خاک پنهان کرده است یا ماورای زمین.
 ۷- ﴿أَخْفَ﴾: سخن نهانی دل و آنچه به ذهن می‌گذرد.
 ۱۰- ﴿ءَأَنْسَتْ نَارًا﴾: آتشی دیدم.
 ۱۰- ﴿يَقْبَسَ﴾: شعله‌ای از آتش را بر سر چوب.
 ۱۰- ﴿هُدًى﴾: راه را بیابم یا راهنمایی پیدا کنم.
 ۱۲- ﴿الْمُقَدَّسَ﴾: پاکیزه یا مبارک.
 ۱۲- ﴿طَوًى﴾: نام وادی است.
 ۱۵- ﴿أَكَادُ أَحْفِيهَا﴾: وقت آمدن قیامت را نزدیک است از خودم نیز نهان دارم.
 ۱۶- ﴿فَتَرَدَى﴾: آنگاه هلاک شوی.
 ۱۸- ﴿أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا﴾: هنگام راه رفتن و مانند آن بر او تکیه می‌کنم.
 ۱۸- ﴿أَهْشُ بِهَا﴾: با این درخت را می‌زنم تا برگ‌هایش بریزد.
 ۱۸- ﴿مَعَارِبُ أُخْرَى﴾: منافع و نیازهای دیگر.
 ۲۰- ﴿حَيَّةٌ تَسْعَى﴾: ماری پر جنب و جوش و سریع.
 ۲۱- ﴿سِيرَتَهَا الْأُولَى﴾: به حالت اولی‌اش.
 ۲۲- ﴿إِلَى جَنَاحِكَ﴾: به پهلویت زیر بازوی چپ.
 ۲۲- ﴿بَيَضَاءَ﴾: روشنتر از آفتاب.
 ۲۲- ﴿غَيْرِ سَوَاءٍ﴾: بدون پیسی و مانند آن.

- ۲۴- ﴿طَعَى﴾: در سرکشی و ستمگری از حد تجاوز کرده است.
- ۲۹- ﴿وَزِيرًا﴾: همکار و معین.
- ۳۱- ﴿أُزْرِي﴾: پشت مرا یا قوت مرا.
- ۳۶- ﴿أُوتِيتَ سُؤْلَكَ﴾: خواسته و خواهشت به تو داده شد.
- ۳۹- ﴿فَأُقْذِفِهِ فِي أَلِيمٍ﴾: پس او را به دریای نیل بینداز.
- ۳۹- ﴿لِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي﴾: تا زیر نظر من تربیه شوی.
- ۴۰- ﴿مَنْ يَكْفُلُهُ﴾: کسی که این را بگیرد، نگهداری و تربیه اش نماید.
- ۴۰- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار تو خوشحال شود.
- ۴۰- ﴿فَتَنَّاكَ فُتُونًا﴾: بارها تو را از محنت ها نجات دادیم.
- ۴۰- ﴿جِئْتُ عَلَى قَدَرٍ﴾: موافق زمانی که برای آغاز رسالت تعیین شده بود به مصر بازگشتی.
- ۴۱- ﴿وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾: تو را برای رسالت و اقامه حجت خود برگزیدم.
- ۴۲- ﴿لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي﴾: در تبلیغ رسالت من سستی نکنید.
- ۴۵- ﴿يَقْرُطْ عَلَيْنَا﴾: به شکنجه ما عجله نماید.
- ۴۵- ﴿يَطْعَى﴾: به سرکشی و طغیان بیفزاید.
- ۴۶- ﴿إِنِّي مَعَكُمْ﴾: من حافظ و نگهبان شما هستم.
- ۵۰- ﴿خَلَقَهُ﴾: شکل اشیاء را که با منافع و خصوصیت مربوط به آن سازگار است.
- ۵۰- ﴿هَدَى﴾: آنچه به خیر و صلاح اوست به او نشان داده.
- ۵۱- ﴿فَمَا بَالُ الْقُرُونِ﴾: پس حالت ملل گذشته چه خواهد شد؟
- ۵۲- ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّي﴾: هیچ چیز از علم پروردگار من پوشیده نیست.
- ۵۳- ﴿مَهْدًا﴾: محل آسایش مانند رختخواب کودک.
- ۵۳- ﴿سُبُلًا﴾: راه های که برای نیازمندی های خویش بر آنها می روید.
- ۵۳- ﴿أَزْوَاجًا﴾: گوناگون یا به اشکال مختلف.

- ۵۳- ﴿شَقَى﴾: به صفات و خصایص گوناگون.
- ۵۴- ﴿لَا أُولَىٰ الْاُنْهَى﴾: برای صاحبان خرد و بصیرت.
- ۵۶- ﴿أَبَى﴾: از ایمان و اطاعت امتناع ورزید.
- ۵۸- ﴿مَكَانًا سُوًى﴾: جای میانه یا میدان هموار.
- ۵۹- ﴿يَوْمَ الرِّينَةِ﴾: روز عید شما.
- ۶۰- ﴿فَجَمَعَ كَيْدَهُ﴾: ساحران را جمع کرد که به وسیله آنها دست به فریب بزند.
- ۶۱- ﴿وَيَلَكُمْ﴾: هلاک شوید.
- ۶۱- ﴿فَيُسْجَنَكُمْ﴾: پس شما را نابود خواهد کرد.
- ۶۲- ﴿أَسْرُوا النَّجْوَى﴾: در خفا با هم راز گفتند.
- ۶۳- ﴿بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى﴾: راه و روش و شریعت برتر شما را.
- ۶۴- ﴿فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ﴾: پس تمام نیرنگ‌های خود را به دقت جمع کنید و به توانمندی و پایداری کامل سحر خود را انجام دهید.
- ۶۴- ﴿أَفْلَحَ﴾: به مطلوب خود دست یابد.
- ۶۷- ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ﴾: نهان کرد یا در نهاد خود احساس کرد.
- ۶۹- ﴿تَلَقَّفَ﴾: به سرعت می‌بلعد.
- ۷۲- ﴿وَالَّذِي فَطَرَنَا﴾: و ذاتی که ما را آفریده است.
- ۷۶- ﴿تَزَكَّى﴾: خود را از آلودگی‌های کفر و شرک پاکیزه دارد.
- ۷۷- ﴿أَسْرٍ بَعَادَى﴾: با بندگان من شبانه از مصر برو.
- ۷۷- ﴿يَبْسًا﴾: خشک، بدون آب و گل.
- ۷۷- ﴿لَا تَخَفْ دَرَكًا﴾: از رسیدن فرعون و لشکرش نترس.
- ۷۷- ﴿لَا تَحْشَى﴾: از غرق شدن هم بیم نداشته باش.
- ۷۸- ﴿فَعَشِيَهُمْ﴾: امواج خروشان آنها را برداشت و به کام خود فروبرد.
- ۸۰- ﴿الْأَيْمَنَ﴾: ماده صمغی شیرین مانند عسل.

- ۸۰- ﴿وَالسَّلَوٰی﴾: پرنده مشهور به سمانی.
- ۸۱- ﴿لَا تَطْعَوْا﴾: ناسپاسی یا ستم نکنید.
- ۸۱- ﴿فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما لازم و ثابت می شود.
- ۸۱- ﴿هَوٰی﴾: هلاک شد یا به جهنم افتاد.
- ۸۳- ﴿مَا أَعْجَلَكَ﴾: چه چیز تو را به عجله واداشت؟
- ۸۵- ﴿فَتَنَّا قَوْمَكَ﴾: قومت را آزمودیم یا به فتنه افکندیم.
- ۸۶- ﴿أَسْفًا﴾: حزین یا بسیار خشمگین.
- ۸۶- ﴿مَوْعِدِی﴾: با من وعده داشتید که به دین من ثابت و استوار می مانید.
- ۸۷- ﴿بِمَلَكِنَا﴾: به قدرت و توان خود.
- ۸۷- ﴿أَوْزَارًا﴾: بارهای سنگین یا گناهای را.
- ۸۷- ﴿مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ﴾: از زیورات قبطیان مصر.
- ۸۸- ﴿عِجْلًا جَسَدًا﴾: مجسمه گوساله، از طلای سرخ.
- ۸۸- ﴿لَهُ خُورٌ﴾: مانند گاو صدا داشت.
- ۹۲- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت.
- ۹۵- ﴿فَمَا خَطْبُكَ﴾: این کار خطرناک را چرا انجام دادی؟
- ۹۶- ﴿بَصُرْتُ﴾: به بصیرت آگاه شدم.
- ۹۶- ﴿أَثَرِ الرَّسُولِ﴾: خاک زیر سم اسب جبریل.
- ۹۶- ﴿فَتَبَدُّتُهَا﴾: پس آن را در زیورات ذوب شده انداختم.
- ۹۶- ﴿سَوَّلْتُ﴾: زیبا و نیکو جلوه داد.
- ۹۷- ﴿لَا مِسَاسَ﴾: من به تو نزدیک نمی شوم و تو هم به من نزدیک نشو.
- ۹۷- ﴿لَنَنْسِفَنَّهُ﴾: پراکنده اش می کنیم.
- ۱۰۰- ﴿وِزْرًا﴾: عذاب سنگین بخاطر اعراض از قرآن.
- ۱۰۲- ﴿زُرْقًا﴾: کبود چشم یا نابینا یا تشنه.

- ۱۰۳- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته با هم گفتگو می کنند.
- ۱۰۴- ﴿أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً﴾: کسی که اندیشه برتر و روش پسندیده تر داشت.
- ۱۰۵- ﴿يَنْسِفُهَا﴾: آنها را از بیخ می کند یا آنها را به وسیله باد پراکنده می کند.
- ۱۰۶- ﴿فَاعَا﴾: زمین صاف فاقد گیاه و آبادی.
- ۱۰۶- ﴿صَفْصَفًا﴾: زمین هموار یا بی گیاه.
- ۱۰۷- ﴿عَوَجًا﴾: جای پست.
- ۱۰۷- ﴿أَمْتًا﴾: جای بلند.
- ۱۰۸- ﴿لَا عِوَجَ لَهُ﴾: هیچ دعوت شده ای نمی تواند از آن سرپیچی کند.
- ۱۰۸- ﴿هَمْسًا﴾: صدای آهسته.
- ۱۱۱- ﴿عَنْتِ الْوُجُوهُ﴾: انسانها فرمانبردار می شوند.
- ۱۱۱- ﴿لِلْحَيِّ﴾: در برابر خدای جاوید و فنا ناپذیر.
- ۱۱۲- ﴿الْقَيُّومِ﴾: نگهبان جهانیان و مجری امور جهان.
- ۱۱۲- ﴿حَمَلٌ ظُلْمًا﴾: بار شرک و کفر را بر دوش گرفت.
- ۱۱۲- ﴿هَضْمًا﴾: از کم شدن ثوابش.
- ۱۱۳- ﴿صَرَفْنَا فِيهِ﴾: در قرآن به روش های مختلف بیان کردیم.
- ۱۱۳- ﴿ذِكْرًا﴾: پند و عبرت را.
- ۱۱۴- ﴿يُقْضَىٰ إِلَيْكَ﴾: بر تو کامل گردد.
- ۱۱۵- ﴿عَهْدَنَا إِلَىٰ عَادَمَ﴾: به آدم دستور دادیم یا وحی فرستادیم.
- ۱۱۶- ﴿أَبَى﴾: با تکبر از سجده امتناع ورزید.
- ۱۱۸- ﴿لَا تَعْرَى﴾: برهنه نمی شوی.
- ۱۱۹- ﴿لَا تَضْحَى﴾: در برابر گرمای آفتاب قرار نمی گیری.
- ۱۲۰- ﴿لَا يَبْلَى﴾: از بین نمی رود.
- ۱۲۱- ﴿سَوَاءُ تَهُمَا﴾: عورتشان.

- ۱۲۱- ﴿طَفِقًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسباندند.
- ۱۲۱- ﴿عَصَىٰ عَادَ﴾: آدم به سهو یا به تأیل نافرمانی کرد.
- ۱۲۲- ﴿أَجْتَبَهُ﴾: او را به نبوت برگزید و از مقربین خود گردانید.
- ۱۲۴- ﴿مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾: حالت سخت و دشوار، در گورش.
- ۱۲۸- ﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا به این غافلان سرانجام گذشتگان آشکار نشد.
- ۱۲۸- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: کثرت نابود ساختن ما امتهای گذشته را.
- ۱۲۸- ﴿لَا وَلِيَ الْاٰلِهٰی﴾: برای صاحبان عقل و بصیرت.
- ۱۲۹- ﴿لَكَانَ لِرَآمًا﴾: لازم بود که نابودی شان سرعت یابد.
- ۱۲۹- ﴿اَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت، به ﴿كَلِمَةً﴾ عطف است.
- ۱۳۰- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: نماز بخوان و خدایت را حمد و ثنا بگو.
- ۱۳۰- ﴿ءَاَنَآیَ الْاٰیِلِ﴾: ساعاتی از شب.
- ۱۳۱- ﴿اَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروه‌های از کفار.
- ۱۳۱- ﴿زَهْرَةَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا﴾: زینت و زیبایی زندگی دنیا.
- ۱۳۱- ﴿لِتَفْتَنَهُمْ فِيْهِ﴾: تا این زیبایی‌ها را وسیله آزمون و امتحان آنها قرار دهیم.
- ۱۳۳- ﴿بَيِّنَةً﴾: قرآن اعجاز آفرین.
- ۱۳۴- ﴿مِّنْ قَبْلِهِ﴾: پیش از بعثت پیامبران.
- ۱۳۴- ﴿نُحْزَى﴾: در آخرت عذاب و رسوا شویم.
- ۱۳۵- ﴿مُتَرَبِّصٌ﴾: در انتظار نتیجه آن هستید.
- ۱۳۵- ﴿الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾: راه مستقیم.

سورة انبياء

- ۱- ﴿اَقْتَرَبَ﴾: نزدیک شد.
- ۲- ﴿مُحَدِّثٍ﴾: تازه نزول یافته.
- ۳- ﴿اَسْرُوا النَّجْوَى﴾: در پنهان داشتن راز خود کوشیدند.
- ۵- ﴿اَضَعْتُ اَحْلَمَ﴾: خواب‌های پریشان است.
- ۸- ﴿جَسَدَ﴾: پیکرها یا دارندگان جسد.
- ۱۰- ﴿فِيهِ ذِكْرُكُمْ﴾: در آن پند و اندرز یا شرف شماست.
- ۱۱- ﴿كَمْ قَصَمْنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.
- ۱۲- ﴿اَحْسُوا بَاْسَنَا﴾: عذاب شدید ما را احساس کردند.
- ۱۲- ﴿يَرْكُضُونَ﴾: به سرعت می‌گریزند.
- ۱۳- ﴿اُتْرِفْتُمْ فِيهِ﴾: در آن نعمت و رفاهی که داشتید پس سرکشی کردید.
- ۱۵- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- ۱۵- ﴿خَمِدِينَ﴾: بی‌جان، مانند آتشی که شعله‌اش خاموش شود.
- ۱۷- ﴿تَتَّخِذَ لَهَوًا﴾: برای سرگرمی بگیریم از قبیل زن و فرزندان.
- ۱۸- ﴿نَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را می‌افکنیم.
- ۱۸- ﴿فَيَذْمُغُهُ﴾: باطل را نابود می‌کند.
- ۱۸- ﴿زَاهِقٌ﴾: از میان رفتنی است.
- ۱۸- ﴿الْوَيْلَ﴾: هلاکت یا رسوایی یا وادبی است در جهنم.
- ۱۹- ﴿لَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾: رنجور و در مانده نمی‌شوند.
- ۲۰- ﴿لَا يَفْقَرُونَ﴾: در تسبیح و عبادت سستی نمی‌کنند.
- ۲۱- ﴿هُمْ يُنْشَرُونَ﴾: آنها مرده‌ها را زنده می‌کنند، هرگز نه.

- ۲۲- ﴿لَفَسَدَتَا﴾: نظام آنها نابسامان و در نتیجه درگیری و کشمکش ویران می شدند.
- ۲۶- ﴿وَلَدَا﴾: گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند.
- ۲۸- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۳۰- ﴿كَانَتَا رَتْقًا﴾: آسمان و زمین با هم چسبیده بودند.
- ۳۰- ﴿فَفَتَقْنَاهُمَا﴾: پس آنها را به واسطه هوا از هم جدا ساختیم.
- ۳۰- ﴿كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى﴾: هر موجود نشو و نما کننده، حیوان یا نبات.
- ۳۱- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های پایدار.
- ۳۱- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ﴾: تا زمین آنها را نجنباند.
- ۳۱- ﴿فَجَا جَا سُبُلًا﴾: راه‌های بزرگ و پر رفت و آمد.
- ۳۲- ﴿سَفَقًا مَّحْفُوظًا﴾: سقف محفوظ از سقوط یا دگرگونی.
- ۳۳- ﴿كُلُّ﴾: آفتاب و مهتاب.
- ۳۳- ﴿فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾: در مداری می چرخند یا در آسمان روان هستند.
- ۳۵- ﴿تَبْلُوكُمْ﴾: شما را می آزماییم، با این که از وضع شما آگاهیم.
- ۳۹- ﴿لَا يَكْفُونَ﴾: نمی توانند دفع کنند.
- ۴۰- ﴿بَغَّةً﴾: ناگهان.
- ۴۰- ﴿فَتَبَّهَتْهُمْ﴾: و آنها را به دهشت و حیرت می اندازد.
- ۴۰- ﴿يُنْظَرُونَ﴾: مهلت داده می شوند.
- ۴۱- ﴿فَحَاقَ﴾: پس عذاب احاطه کرد یا نازل شد.
- ۴۲- ﴿يَكْلُلُوكُمْ﴾: شما را حفظ و حراست می کند.
- ۴۳- ﴿يُصْحَبُونَ﴾: پناه و نجات داده شوند یا کمک شوند.
- ۴۶- ﴿نَفْحَةً﴾: بخشی اندکی.
- ۴۷- ﴿الْقِسْطَ﴾: عدالت یا دارای عدل.
- ۴۷- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین چیز.

- ۴۹- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۵۲- ﴿التَّمَاثِيلُ﴾: بت‌های که خود ساخته‌اید.
- ۵۶- ﴿فَطَرَهُنَّ﴾: آنها را ایجاد کرده است.
- ۵۸- ﴿جُذَذًا﴾: شکسته و پاره‌پاره.
- ۶۱- ﴿عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ﴾: در برابر چشم مردم.
- ۶۵- ﴿نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ﴾: به باطل و ستیز رو آوردند.
- ۶۷- ﴿أَفِ لَكُمْ﴾: گفتاری است که هنگام زشت و ناپسند دانستن چیزی گفته می‌شود.
- ۷۱- ﴿إِلَى الْأَرْضِ﴾: به سوی سرزمین شام رفتند.
- ۷۲- ﴿نَافِلَةً﴾: بخشش یا علاوه بر خواسته‌اش.
- ۷۴- ﴿قَوْمَ سَوَاءٍ﴾: گروه فساد پیشه و زشت کردار.
- ۷۸- ﴿الْحَرْثِ﴾: کشت یا تاک انگور.
- ۷۸- ﴿نَفَثَتْ فِيهِ﴾: شب هنگام از غفلت چوپان پراکنده شدند و کشت را چریدند.
- ۸۰- ﴿صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾: ساختن زره را که در کارزار پوشیده می‌شود.
- ۸۰- ﴿لِئَلْخَصِنَكُمُ﴾: تا شما را حفظ نماید.
- ۸۰- ﴿بِأْسِكُمْ﴾: جنگ با دشمن و بدست آوردن سلاح آن.
- ۸۱- ﴿عَاصِفَةً﴾: باد تند.
- ۸۲- ﴿يَغْوُصُونَ لَهُ﴾: در بحرهای غواصی می‌کردند و برای سلیمان چیزهای نفیس و گران بها بیرون می‌آوردند.
- ۸۲- ﴿كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ﴾: آنان را از سرپیچی از فرمان سلیمان عليه السلام یا از تبهکاری دور نگه داشتیم.
- ۸۵- ﴿ذَا الْكِفْلِ﴾: گفته شده الیاس عليه السلام است.
- ۸۷- ﴿ذَا التَّنُونِ﴾: یونس عليه السلام. ﴿مُعْضِبًا﴾: بر قوم بی‌دین خود خشمگین شد.

- ۸۷- ﴿لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾: با زندانی کردن و دیگر چیزها، او را در تنگنا قرار نمی‌دهیم.
- ۹۰- ﴿رَغَبًا وَرَهَبًا﴾: به امید ثواب و ترس از عذاب.
- ۹۰- ﴿خَاشِعِينَ﴾: فروتن و فرمان‌بردار.
- ۹۱- ﴿أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾: عفت خود را حفظ کرد.
- ۹۱- ﴿مِنْ رُوحِنَا﴾: از روح خود، جبرئیل.
- ۹۲- ﴿أُمْتُكُمْ﴾: ملت شما، اسلام.
- ۹۳- ﴿تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: دین خود را به گروه‌ها و احزاب متفرق ساختند.
- ۹۵- ﴿حَرَمٌ عَلَى قَرْيَةٍ﴾: محال است بر اهل قریه‌ای.
- ۹۵- ﴿أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾: که آنها به رستاخیز و حساب به سوی ما برنگردند.
- ۹۶- ﴿حَدَبٍ﴾: زمین بلند.
- ۹۶- ﴿يَنْسِلُونَ﴾: به شتاب بیرون می‌آیند.
- ۹۷- ﴿الْوَعْدُ الْحَقُّ﴾: رستاخیز، حساب و جزاء.
- ۹۷- ﴿شَخِصَةً﴾: باز می‌ماند و پلک‌هایش حرکت نمی‌کند.
- ۹۸- ﴿حَصَبُ جَهَنَّمَ﴾: هیزم دوزخ.
- ۹۸- ﴿لَهَا وَارِدُونَ﴾: در آن داخل می‌شوید.
- ۱۰۰- ﴿زَفِيرٌ﴾: تنفس شدیدی که از اثر آن قفسه سینه بالا بیاید.
- ۱۰۲- ﴿حَسِيْسَهَا﴾: صدای شعله‌ور شدن آتش دوزخ را.
- ۱۰۳- ﴿الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ﴾: هنگام صور رستاخیز.
- ۱۰۴- ﴿السَّجَلِ﴾: صفحلاً نوشته شده.
- ۱۰۴- ﴿لِلْكِتَابِ﴾: بر آنچه در صفحه نوشته است.
- ۱۰۵- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتابهای آسمانی.
- ۱۰۵- ﴿الذِّكْرِ﴾: لوح محفوظ.

- ۱۰۶- ﴿لَبَلَّغَا﴾: پند و اندرز کافی است یا مایه رسیدن به مطلوب است.
- ۱۰۹- ﴿ءَاذَنْتُكُمْ﴾: شما را از مأموریت خود آگاه ساختم.
- ۱۰۹- ﴿عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾: به همه یکسان اعلام شد.
- ۱۰۹- ﴿إِنْ أَدْرَىٰ﴾: من آگاه نیستم.
- ۱۱۱- ﴿فِتْنَةً لَّكُمْ﴾: امتحانی برای شماست.

سوره حَجّ

- ۱- ﴿زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾: هول و هراس قیامت و سختی‌های آن.
- ۲- ﴿تَذْهَلُ﴾: از شدت ترس به خود گرفتار و غافل می‌شود.
- ۳- ﴿مَرِيدٍ﴾: سرکش، نافرمان و کوشا در فساد.
- ۴- ﴿تَوَلَّاهُ﴾: دوست و پیرو او شود.
- ۵- ﴿نُطْفَةٍ﴾: منی.
- ۵- ﴿عَلَقَةٍ﴾: پاره خون بسته.
- ۵- ﴿مُضْغَةٍ﴾: قطعه گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- ۵- ﴿مُخَلَّقَةٍ﴾: دارای شکل که خلقتش شناخته شود.
- ۵- ﴿يَتَبَلَّغُوا أَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت خود برسید.
- ۵- ﴿أَرْذَلِ الْعُمُرِ﴾: زبون‌ترین دوره عمر که عقل از کلانسالی تباه گردد.
- ۵- ﴿هَامِدَةً﴾: خشک و بی‌جان.
- ۵- ﴿أَهْتَزَّتْ﴾: به جنب و جوش می‌آید.
- ۵- ﴿رَبَّتْ﴾: رشد و نمو می‌کند.
- ۵- ﴿رَوْحٍ بَهِيحٍ﴾: نوع خوب و تازه.
- ۹- ﴿ثَانِي عِطْفِهِ﴾: با تکبر و غرور سرپیچی می‌کند.
- ۹- ﴿خِزْيٍ﴾: ذلت و خواری.

- ۱۱- ﴿عَلَىٰ حَرْفٍ﴾: شک و اضطراب در دین.
- ۱۳- ﴿الْمَوْلَىٰ﴾: یاور.
- ۱۳- ﴿الْعَشِيرُ﴾: هم صحبت.
- ۱۵- ﴿يَنْصُرُهُ اللَّهُ﴾: خدا رسول خود را کمک خواهد کرد.
- ۱۵- ﴿بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾: با ریسمانی به سقف خانه خود.
- ۱۵- ﴿ثُمَّ لَيَقَطَعَنَّ﴾: و خود را خفه کند تا بمیرد.
- ۱۵- ﴿كَيِّدُهُ﴾: کاری که به خود انجام داده.
- ۱۷- ﴿وَالصَّبِيعِينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.
- ۱۸- ﴿يَسْجُدُ لَهُ﴾: فرمانبر او هستند.
- ۱۸- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: بر او حتمی شده است.
- ۱۹- ﴿خَصْمَانِ﴾: مسلمانان و کفار.
- ۱۹- ﴿الْحَمِيمُ﴾: آب جوشان.
- ۲۰- ﴿يُضْهَرُّ بِهِ﴾: به اثر آن ذوب می شود.
- ۲۱- ﴿مَقْلِعُ﴾: گرزها یا تازیانه‌ها.
- ۲۴- ﴿صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾: راه شایسته، اسلام را به بندگان پسندیده است.
- ۲۵- ﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: مکه، حرم.
- ۲۵- ﴿الْعَكِيفِ فِيهِ﴾: ساکن و ملازم در آن.
- ۲۵- ﴿الْبَادِ﴾: آنهایی که از نقاط دیگر می آیند.
- ۲۵- ﴿بِالْحَادِ يَظْلَمُ﴾: با انحراف از حق و تمایل به باطل.
- ۲۶- ﴿بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ﴾: برای ابراهیم آماده کردیم یا آشکار نمودیم.
- ۲۷- ﴿أَذِّنْ فِي النَّاسِ﴾: مردم را دعوت کن و آگاه بساز.
- ۲۷- ﴿رَجَالًا﴾: پیاده.
- ۲۷- ﴿ضَامِرٍ﴾: شتر لاغر از رنج راه.

- ۲۷- ﴿فَجَّ عَمِيقَ﴾: جای دور.
- ۲۸- ﴿بِهَيْمَةَ الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۲۹- ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾: سپس از احرام خارج و چرک و ناپاکی‌ها را از خود دور نمایند یا مناسک حج را ادا کنند.
- ۳۰- ﴿حُرْمَتِ اللَّهِ﴾: مناسک حج و غیره.
- ۳۰- ﴿الرَّجَسِ﴾: پلیدی، مراد بتهاست.
- ۳۰- ﴿قَوْلَ الزُّورِ﴾: سخنی بیهوده و دروغ.
- ۳۱- ﴿خُفَاءَ لِلَّهِ﴾: از باطل روگردان و به دین حق باشید.
- ۳۱- ﴿تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ﴾: باد تند او را پرتاب می‌کند.
- ۳۱- ﴿مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾: جای دور و کشنده.
- ۳۲- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: شعائر دینی را، قربانی که به کعبه برند.
- ۳۳- ﴿مَحِلُّهَا﴾: جای وجوب ذبح آن.
- ۳۳- ﴿إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾: ساحه حرم.
- ۳۴- ﴿مَنْسَكًا﴾: ذبح قربانی برای تقرب به خدا.
- ۳۴- ﴿بَشِيرِ الْمُحْضِينَ﴾: به فروتنان در برابر خدا مژده بده.
- ۳۶- ﴿وَالْبُدْنَ﴾: شتر یا گاوی است که جهت قربانی به حرم برند.
- ۳۶- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: نشانه‌های آئین الهی در حج.
- ۳۶- ﴿صَوَافٍ﴾: در صف ایستاده‌اند.
- ۳۶- ﴿وَجَبَتْ جُنُوبُهَا﴾: بعد از ذبح بر زمین افتد.
- ۳۶- ﴿أَطْعَمُوا الْقَانِعَ﴾: به سائل غذا بدهید.
- ۳۶- ﴿الْمُعْتَرِّ﴾: کسی که پیش شما می‌آید و سؤال نمی‌کند.
- ۳۸- ﴿خَوَانٍ كَفُورٍ﴾: خائن به امانت و منکر نعمت.
- ۴۰- ﴿صَوْمِعَ﴾: عبادتگاه راهبان نصاری.

- ۴۰- ﴿يَبْعُ﴾: کنیسه‌های نصاری.
- ۴۰- ﴿صَلَوَاتُ﴾: کنیسه‌های یهود.
- ۴۰- ﴿مَسْجِدُ﴾: مسجدهای مسلمانان.
- ۴۴- ﴿أَصْحَابُ مَدْيَنَ﴾: قوم شعیب علیه السلام.
- ۴۴- ﴿فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ﴾: به آنها مهلت دادم و عقوبت‌شان را به تأخیر انداختم.
- ۴۵- ﴿فَكَأَنَّ مِنَ قَرْيَةٍ﴾: ساکنان بسیاری از آبادیها را.
- ۴۵- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ عُرُوشَهَا﴾: دیوارهای آن بر سقف‌های ویرانش افتاده است.
- ۴۵- ﴿قَصْرِ مَشِيدٍ﴾: قصرهای سر به فلک خالی از سکنه شد.
- ۴۸- ﴿أَمْلَيْتُ لَهَا﴾: به او مهلت دادم.
- ۵۱- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: گمان می‌کنند ما را ناتوان می‌سازند و نجات می‌یابند.
- ۵۲- ﴿تَمَنَّى﴾: قرائت کرد.
- ۵۲- ﴿أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾: شیطان در دل رفقای خود در باره آیات تلاوت شده [برای اغوای آنها] شبه افکند.
- ۵۴- ﴿فَتَحَبَّتْ لَهُ﴾: به قرآن اطمینان کند و به آن آرامش یابد.
- ۵۵- ﴿مِرْيَةٍ﴾: در باره قرآن در شک هستند.
- ۵۵- ﴿يَوْمِ عَقِيمٍ﴾: آخرین روز، قیامت.
- ۵۹- ﴿مُدْخَلًا﴾: بهشت یا مقام‌های عالی آن.
- ۶۰- ﴿ثُمَّ بُعِيَ عَلَيْهِ﴾: سپس بار دوم بر او ستم شود.
- ۶۱- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.
- ۶۷- ﴿مَنْسَكًا﴾: شریعت خاصی و عبادتی.
- ۷۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیلی و برهانی.
- ۷۲- ﴿الْمُنْكَرُ﴾: حالت زشت، عبوست و ترش‌رویی.
- ۷۲- ﴿يَسْطُونُ﴾: از خشم و کین بر خیزند و هجوم برند.

- ۷۴- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: عظمت و بزرگی خدا را نشناختند.
- ۷۸- ﴿هُوَ أَجْتَبَٰكُمْ﴾: او شما را برای عبادت خود و دین خود برگزیده است.
- ۷۸- ﴿حَرَجَ﴾: تکلیف شدید و دشوار.
- ۷۸- ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا مالک، ناصر و عهده‌دار امور شماست.

سورة مؤمنون

- ۱- ﴿أَفَلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان کامیاب و سعادتمند شدند و نجات یافتند.
- ۲- ﴿خَالِشُونَ﴾: فروتن، ترسان و آرام باشند.
- ۳- ﴿اللَّعُؤِ﴾: گفتار و کردار ناپسند.
- ۷- ﴿الْعَادُونَ﴾: از حلال به حرام تجاوز کردند.
- ۱۱- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: عالی‌ترین و بهترین جای بهشت.
- ۱۲- ﴿سُلَّٰلَةٍ﴾: شیرهای که از غذا به وجود آمده است.
- ۱۳- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: جای مطمئن، رَحِم.
- ۱۴- ﴿عَلَقَةٍ﴾: خون بسته.
- ۱۴- ﴿مُضْغَةٍ﴾: تکه‌ای گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- ۱۴- ﴿خَلْقًا آخَرَ﴾: متفاوت از اول با دمیدن روح در آن.
- ۱۴- ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ یا خیر و احسانش فراوان است.
- ۱۴- ﴿أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾: زبردست و ماهرترین آفرینندگان است.
- ۱۷- ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾: هفت طبقه آسمان یا راه‌های رفت و آمد فرشتگان یا مدار ستارگان.
- ۱۸- ﴿يَقْدَرِ﴾: به اندازه نیاز و مصالح انسان.
- ۲۰- ﴿شَجَرَةٍ﴾: درخت زیتون.
- ۲۰- ﴿بِالذَّهْنِ﴾: میوه آن دارای روغن زیتون است.

- ۲۰- ﴿صِیْغَ لِّلْأَكِلِیْنَ﴾: خورش انسان که با نان خوره شود.
- ۲۱- ﴿الْأَنْعَمَ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۲۱- ﴿لَعِبْرَةٌ﴾: پند و اندرز و نشانه قدرت و رحمت خداست.
- ۲۲- ﴿عَلَيْهَا﴾: بر شتر.
- ۲۴- ﴿الْمَلُؤُا﴾: سران و بزرگان قوم.
- ۲۴- ﴿يَنْفَضِّلَ عَلَيْكُمْ﴾: ریاست شما را بدست گیرد.
- ۲۵- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده یا جن عقل او را برده است.
- ۲۵- ﴿فَتَرَبَّصُوا بِهِ﴾: در باه او صبر کنید و در انتظار بمانید.
- ۲۷- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و مراقبت ما.
- ۲۷- ﴿فَارَ التَّنُّورُ﴾: آب از تنور نان فوران کرد.
- ۲۷- ﴿فَأَسْلَكَ فِيهَا﴾: درکشتی داخل شو.
- ۲۹- ﴿مُنْزَلًا﴾: جای فرود آمدن.
- ۳۰- ﴿لَمُبْتَلِينَ﴾: همانا بندگان خود را با این آیات می‌آزمایم.
- ۳۱- ﴿قَرْنًا ءَاخِرِينَ﴾: قومی دیگر را، عاد اول قوم هود.
- ۳۳- ﴿أَتَرَفْنَهُمْ﴾: نعمت فراوان به آنها دادیم اما ناسپاسی کردند.
- ۳۶- ﴿هِيَاهُنَّ﴾: وقوع این وعده‌ها بسیار بعید است.
- ۴۱- ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ﴾: پس آواز جبریل یا عذاب بنیان برانداز دیگر آنها را گرفت.
- ۴۱- ﴿فَجَعَلْنَهُمْ غُثَاءً﴾: پس مانند کف روی سیل نابودشان ساختیم.
- ۴۱- ﴿فَبُعْدًا...﴾: نابود باد یا از رحمت حق دور باد...
- ۴۲- ﴿قُرُونًا ءَاخِرِينَ﴾: ملت‌های دیگری را.
- ۴۴- ﴿تَتَرَا﴾: پی‌درپی در زمانهای مختلف.
- ۴۴- ﴿جَعَلْنَهُمْ أَحَادِيثَ﴾: ایشان را تنها داستان‌های شگفت انگیز قرار دادیم.
- ۴۵- ﴿سُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾: حجت روشن و آشکار کننده حق.

- ۴۶- ﴿قَوْمًا عَالِينَ﴾: گروه متکبر یا ستمگر مغرور.
- ۵۰- ﴿ءَاوَيْنَهُمَا﴾: آن دو را رساندیم.
- ۵۰- ﴿إِلَى رَبْوَةٍ﴾: به جایی بلندتر از نقاط دیگر.
- ۵۰- ﴿مَعِينٍ﴾: چشمه آب روان و زلال.
- ۵۲- ﴿أَمَّتْكُمْ﴾: ملت و شریعت شما.
- ۵۳- ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: امور دین خود را به پراکندگی کشاندند.
- ۵۳- ﴿زُبُرًا﴾: به گروه‌ها و فرقه‌های مختلف.
- ۵۴- ﴿غَمَرَتِهِمْ﴾: جهالت و گمراهی‌شان.
- ۵۵- ﴿أَنَّمَا نُمِذُّهُمْ بِهِ﴾: آنچه به کمک آنها قرار می‌دهیم.
- ۵۷- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۶۰- ﴿يُؤْتُونَ مَاءً تَوًّا﴾: زکات و صدقات می‌دهند.
- ۶۰- ﴿قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ﴾: دل‌هایشان هراسان است که مبدا اعمال‌شان قبول نشود.
- ۶۲- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه طاقتش، از اعمال.
- ۶۳- ﴿غَمْرَةٍ﴾: جهالت و غفلت.
- ۶۴- ﴿مُتَرَفِّهِمْ﴾: ثروتمندان‌شان را که ثروت آنها را گمراه و ناسپاس ساخته است.
- ۶۴- ﴿يَجْزُرُونَ﴾: به پیشگاه خدا زاری و ناله می‌کنند.
- ۶۶- ﴿تَنكِصُونَ﴾: از پذیرش آن اعراض می‌کردید.
- ۶۷- ﴿مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ﴾: به اهل حرم بودن می‌بالیدید و خود را بزرگ می‌شمردید.
- ۶۷- ﴿سَمِيرًا﴾: به اطراف آن جلسات شب نشینی تشکیل می‌دادید.
- ۶۷- ﴿تَهْجُرُونَ﴾: نسبت به قرآن سخن زشت و یاوه می‌گفتید.
- ۷۰- ﴿بِهِ جَنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده است.
- ۷۱- ﴿بِذِكْرِهِمْ﴾: قرآن را که مایه افتخار و شرف آنهاست.
- ۷۲- ﴿خَرْجًا﴾: دست مزد و اجرت.

- ۷۴- ﴿لَتَنكِبُونَ﴾: از حق منحرف می شوند.
- ۷۵- ﴿لَلْجَوُّ فِي طُعَيْنِهِمْ﴾: در گمراهی و کفر خود غرق می شوند.
- ۷۵- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست و درست را نمی یابند یا حیران می شوند.
- ۷۶- ﴿فَمَا اسْتَكَاؤُا﴾: فروتنی نشان ندادند.
- ۷۶- ﴿مَا يَتَضَرَّعُونَ﴾: در پیشگاه خدا دعا و زاری نکردند.
- ۷۷- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: حیران و نومید از خیر و خوبی.
- ۷۹- ﴿ذَرَأَكُمْ﴾: شما را آفرید و به زاد و ولد در زمین پراکنده ساخت.
- ۸۳- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های که در کتابهایشان نوشته است.
- ۸۸- ﴿مَلَكُوتُ﴾: فرمان‌روایی عظیم و گسترده.
- ۸۸- ﴿هُوَ يُجِيرُ﴾: اوست فریادرس و هرکه را بخواهد کمک و دفاع می کند.
- ۸۸- ﴿لَا يُجَارُ عَلَيْهِ﴾: هیچ کس نمی تواند مانع عذاب و عقاب او شود.
- ۸۹- ﴿فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾: پس چگونه فریب می خورید، از یکتا پرستی کناره می روید.
- ۹۷- ﴿أَعُوذُ بِكَ﴾: به تو پناه می برم و از تو نیرو می خواهم.
- ۹۸- ﴿هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه‌های فساد انگیز اهریمنان.
- ۱۰۰- ﴿مِنْ وَرَائِهِمْ﴾: پیش روی آنها.
- ۱۰۰- ﴿بَرَزَخُ﴾: مانعی است.
- ۱۰۴- ﴿تَلَفَحُ﴾: می سوزاند.
- ۱۰۴- ﴿كَالْحُونِ﴾: با چهره عبوس یا لبها از اثر سوختن جمع شده و دندانها نمایان است.
- ۱۰۶- ﴿غَلَبَتْ عَلَيْنَا﴾: بر ما چیره شد.
- ۱۰۶- ﴿شِفْوَتَنَا﴾: بخت بد یا لذات و شهوات ما.
- ۱۰۸- ﴿أَخْسَرُوا فِيهَا﴾: مثل سگ دور شوید، در دوزخ بمانید.
- ۱۱۰- ﴿سِحْرِيًّا﴾: مورد استهزاء و تمسخر.

۱۱۶- ﴿فَتَعَلَى اللَّهِ﴾: مقام و عظمت او تعالی بلند و از بیهودگی‌ها منزّه است.

سوره نور

- ۱- ﴿فَرَضْنَهَا﴾: احکام آن را بر شما فرض کردیم.
- ۲- ﴿كُلِّ وَاحِدٍ﴾: هر یکی را، اگر آزاد و ازدواج نکرده باشد.
- ۴- ﴿يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان پاک دامن را متهم به زنا می‌کنند.
- ۸- ﴿دُرُؤًا عَنْهَا الْعَذَابُ﴾: عقوبت را از زن دفع می‌کند.
- ۱۱- ﴿بِالْإِفْكِ﴾: بهتان و دروغ بسیار زشت.
- ۱۱- ﴿عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ﴾: گروهی از شما.
- ۱۱- ﴿تَوَلَّى كِبْرَهُ﴾: بخش عمده‌ای از آن را بر عهده داشت، رئیس منافقان عبد الله پسر ابی.
- ۱۴- ﴿أَفْضَتْمْ فِيهِ﴾: در قضیه افک به گفتگو پرداختید و شایع ساختید.
- ۱۵- ﴿تَحْسَبُونَهُ هَيِّئًا﴾: می‌پنداشتید این کار ساده است و فرجام بد ندارد.
- ۱۶- ﴿سُبْحَنَكَ﴾: سبحان الله زشتی و شناعة این تهمت بزرگ شگفت آور است.
- ۱۷- ﴿بُهْتَنٌ﴾: دروغی است که از شناعة و زشتی بی‌حد شنونده را به حیرت می‌اندازد.
- ۲۱- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه و روش شیطان.
- ۲۱- ﴿بِالْفَحْشَاءِ﴾: به زشت‌ترین گناه.
- ۲۱- ﴿الْمُنْكَرِ﴾: آنچه شرع او را نپذیرد و به نزد خدا ناپسند باشد.
- ۲۱- ﴿مَا زَكَّى﴾: از آلودگی گناهان پاک نمی‌شد.
- ۲۲- ﴿لَا يَأْتِلِ﴾: سوگند یاد نکنند یا کوتاهی نکنند.
- ۲۲- ﴿أُولُوا الْفَضْلِ﴾: صاحبان فضیلت در دین.
- ۲۲- ﴿السَّعَةِ﴾: ثروت.

- ۲۳- ﴿الْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان پاکدامن را، همینگونه است مردان پاک دامن.
- ۲۵- ﴿دِينَهُمُ الْحَقُّ﴾: جزای آنها را که به عدالت تثبیت شده است.
- ۲۷- ﴿تَسْتَأْذِنُوا﴾: از کسی که صلاحیت اجازه دادن دارد اجازه بگیرید.
- ۲۸- ﴿أَرْزُقْ لَكُمْ﴾: برای شما شایسته‌تر است از لکهدار شدن به گمان و پستی.
- ۲۹- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناه.
- ۲۹- ﴿مَتَّعْ لَكُمْ﴾: منافع و مصالح شماسست.
- ۳۰- ﴿يَغْضُؤًا مِنْ أَبْصَرِهِمْ﴾: از نگاه به نامحرمان خودداری کنند.
- ۳۱- ﴿زِينَتَهُنَّ﴾: جاهای زینت خود را از بدنشان.
- ۳۱- ﴿وَلْيَضْرِبْنَ﴾: ببندازند.
- ۳۱- ﴿يُحْمَرْنَ﴾: چادرهای خود را.
- ۳۱- ﴿عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾: بر سینه‌هاشان و اطراف آن.
- ۳۱- ﴿لِبُعُولَتِهِنَّ﴾: برای شوهرهای خود.
- ۳۱- ﴿نِسَائِهِنَّ﴾: زنانی که مخصوص صحبت و یا خدمت‌شان است.
- ۳۱- ﴿أُولَى الْأَرْبَةِ﴾: میل به زنان.
- ۳۱- ﴿لَمْ يَظْهَرُوا﴾: به حد بلوغ و شهوت نرسیده‌اند.
- ۳۲- ﴿أَنْكِحُوا الْأَيْمَى﴾: زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهید.
- ۳۳- ﴿يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ﴾: آزادی خود را با عقد قرار داد می‌خواهند.
- ۳۳- ﴿فَتَيَاتِكُمْ﴾: کنیزان خود را.
- ۳۳- ﴿الْبَغَاءِ﴾: زنا. ﴿تَحْصَنًا﴾: عفت و پاکدامنی.
- ۳۵- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ﴾: خدا روشن کننده آسمان و زمین یا هدایت کننده باشندگان این دو یا آفریدگار آنهاست.
- ۳۵- ﴿مِصْبَاحٌ﴾: چراغ بزرگ فروزان.
- ۳۵- ﴿زُجَاجَةٍ﴾: قندیلی از شیشه پاک و بسیار روشن.

- ۳۵- ﴿كُوكَبٌ دُرِّيٌّ﴾: ستاره درخشان.
- ۳۶- ﴿بُيُوتٍ﴾: عموم مساجد.
- ۳۶- ﴿أَنْ تُرْفَعَ﴾: قدر و حرمت شوند، مجلل و پاکیزه باشند.
- ۳۶- ﴿بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- ۳۸- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بی نهایت یا فراوان.
- ۳۹- ﴿كَسْرَابٍ﴾: مانند سرابی است، شعاعی که در بیابان هنگام ظهر و شدت گرما مانند آب روان به نظر می آید.
- ۳۹- ﴿بِقِيعَةٍ﴾: در زمین هموار و فراخ.
- ۴۰- ﴿بِحَرْ لُجِّيٍّ﴾: دریای بسیار عمیق و پر آب.
- ۴۰- ﴿يَغْشَاهُ﴾: بر فرازش قرار می گیرد و او را می پوشاند.
- ۴۰- ﴿سَحَابٌ﴾: ابرهای که روشنی آسمان را پنهان می کنند.
- ۴۱- ﴿صَفَّاتٍ﴾: بال های خود را در هوا گشوده اند.
- ۴۳- ﴿يُزْجِي سَحَابًا﴾: به هر جا که بخواهد ابرها را به آرامی سوق می دهد.
- ۴۳- ﴿يَجْعَلُهُ رُكَّامًا﴾: آنها را به فراز هم متراکم می سازد.
- ۴۳- ﴿الْوَدَقَ﴾: باران را.
- ۴۳- ﴿مِنْ خِلَالِهِ﴾: از لابلای ابرها.
- ۴۳- ﴿سَنَا بَرْقِهِ﴾: درخشش و لمعان برق آن.
- ۴۹- ﴿مُذْعِنِينَ﴾: فرمانبردار و فروتن.
- ۵۰- ﴿أَنْ يَحِيفَ﴾: که ستم روا دارد.
- ۵۳- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سخت ترین سوگندهای خود.
- ۵۳- ﴿طَاعَةً مَّعْرُوفَةً﴾: طاعت شما شناخته شده که از روی زبان است.
- ۵۴- ﴿مَا حُمِّلَ﴾: آنچه پیامبر به اجرای آن مأمور شده است از قبیل تبلیغ احکام.
- ۵۴- ﴿مَا حُمِّلْتُمْ﴾: آنچه به اجرای آن مأمور شده اید از قبیل اطاعت و فرمانبرداری.

- ۵۷- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب ما نمی‌توانند فرار کنند.
- ۵۸- ﴿جُنَاحٌ﴾: بدون اجازه داخل شدن گناه نیست.
- ۶۰- ﴿الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾: پیره زنانی که حیض نمی‌بینند.
- ۶۰- ﴿غَيْرِ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾: زینتی را که به نهان داشتن آن مأمورند آشکار نکنند.
- ۶۱- ﴿مَا مَلَکَتْهُم مِّمَّا تَتَّخِذُونَ﴾: از چیزهای که وکالتاً در تصرف شماست و یا نگهبان آنها هستید.
- ۶۱- ﴿أَشْتَاتًا﴾: جداگانه.
- ۶۲- ﴿أَمْرٍ جَامِعٍ﴾: کار مهمی که ایجاب می‌کند همه یکجا باشند.
- ۶۳- ﴿دُعَاءَ الرَّسُولِ﴾: دعوت پیغمبر را که برای جمع شدن شما انجام می‌دهد یا صدا کردن شما پیامبر را.
- ۶۳- ﴿يَسْأَلُونَ مِنْكُمْ﴾: یکی پس از دیگری از میان شما نهانی بیرون می‌روند.
- ۶۳- ﴿لِوَادٍ﴾: خود را پشت سر دیگران پنهان می‌کنند تا بیرون روند.
- ۶۳- ﴿يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾: از امر او سرپیچی می‌کنند یا مانع اجرای آن می‌شوند.
- ۶۳- ﴿فِتْنَةٍ﴾: سختی و محنت در دنیا.

سوره فرقان

- ۱- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: بزرگ و با عظمت است یا خیرش فزون است ذاتی که.
- ۱- ﴿نَزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را که فاصل بین حق و باطل است نازل کرد.
- ۲- ﴿فَقَدَرَهُ﴾: همه چیز را آماده کاری کرد که صلاحیت و شایستگی آن را دارند.
- ۳- ﴿نُشُورًا﴾: رستاخیز.
- ۴- ﴿إِنَّا أَفْتَرْنَاهُ﴾: دروغی است که از خود ساخته.
- ۴- ﴿زُورًا﴾: دروغی است بس بزرگ.
- ۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.

- ۵- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز، همیشه.
- ۶- ﴿يَعْلَمُ الْسِّرَّ﴾: همه اسرار را می‌داند.
- ۸- ﴿جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا﴾: باغی پر ثمرکه از میوه‌های آن بخورد.
- ۸- ﴿رَجُلًا مَّسْحُورًا﴾: انسانی که سحر عقل او را ربوده است.
- ۱۱- ﴿سَعِيرًا﴾: آتش عظیم و شعله‌ور.
- ۱۲- ﴿تَغِيظًا﴾: صدای جوش و خروش، مثل صدای انسان خشمگین.
- ۱۲- ﴿زَفِيرًا﴾: آواز شدید مثل صدای درندگان.
- ۱۳- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: دست‌هاشان با غل و زنجیر به گردنشان بسته است.
- ۱۳- ﴿ثُبُورًا﴾: آرزوی مرگ کنند.
- ۱۶- ﴿وَعَدًا مَّسْئُولًا﴾: وعده‌ای است حق و باید بندگان آن را از خدا بخواهند.
- ۱۸- ﴿نَسُوا الذِّكْرَ﴾: از نشانه‌های وحدانیت غفلت ورزیدند.
- ۱۸- ﴿قَوْمًا بُورًا﴾: گروه هلاک شده یا فاسد بودند.
- ۱۹- ﴿صَرْفًا﴾: عذاب الهی را از خود دور نمایید.
- ۲۰- ﴿فِتْنَةً﴾: بلا و آزمایش.
- ۲۱- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: امید دیدار ما را ندارند، از رستاخیز منکرند.
- ۲۱- ﴿عُتُورًا﴾: در ستمگری و سرکشی از حد تجاوز کردند.
- ۲۲- ﴿حِجْرًا مَّحْجُورًا﴾: [امروز] بشارت بر شما حرام است.
- ۲۳- ﴿هَبَاءً﴾: مانند گرد، چیزهای که در روزنه با شعاع آفتاب دیده شود مثل غبار.
- ۲۳- ﴿مَنْثُورًا﴾: پراکنده و ناپایدار.
- ۲۴- ﴿مَقِيلًا﴾: جای آسایش و لذت بردن از خواب نیمروزی.
- ۲۵- ﴿تَشَقَّقُ السَّمَاءُ﴾: آسمان‌ها شکافته شوند.
- ۲۵- ﴿بِالْغَمِّ﴾: با ابر سفید.
- ۲۷- ﴿سَبِيلًا﴾: راهی به سوی هدایت یا نجات.

- ۲۹- ﴿لِلْإِنْسَنِ خَذُولًا﴾: به دوستان خود هیچ یاری نمی‌رساند.
- ۳۰- ﴿مَهْجُورًا﴾: متروک و مهمل.
- ۳۲- ﴿رَتَّلْنَاهُ﴾: ما آیات قرآن را یکی بعد از دیگری فرستادیم یا بیان نمودیم.
- ۳۳- ﴿أَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾: راست‌ترین شرح و بیان را.
- ۳۶- ﴿فَدَمَّرْنَاهُمْ﴾: آنها را نابود کردیم.
- ۳۸- ﴿أَصْحَابِ الرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را کشتند و در آن چاه افکندند.
- ۳۸- ﴿قُرُونًا﴾: ملت‌ها را.
- ۳۹- ﴿تَبَرْنَا تَبِيرًا﴾: به طرز شگفت‌انگیزی نابود کردیم.
- ۴۰- ﴿مَطَرِ السَّوْءِ﴾: باران سنگ‌های ویرانگر.
- ۴۰- ﴿لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾: انتظار وقوع رستاخیز را ندارند بلکه منکر آن هستند.
- ۴۱- ﴿هَزَوًا﴾: به باد استهزاء.
- ۴۳- ﴿أَرْءَيْتَ﴾: به من بگو.
- ۴۳- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب که او را از پرستش هوس‌هایش منع کنی.
- ۴۵- ﴿مَدَّ الظَّلَّ﴾: بین سپیده دم و طلوع آفتاب سایه را گسترده است.
- ۴۷- ﴿الَّيْلِ لِبَاسًا﴾: تاریکی شب را برای شما پوشش قرار داد مانند لباس.
- ۴۷- ﴿وَالنَّوْمَ سُبَاتًا﴾: خواب را مایه آسایش شما قرار داد با متوقف شدن کار و تلاش.
- ۴۷- ﴿الْثَّهَارَ نُشُورًا﴾: روز را بر خاستن از خواب برای کار و کوشش.
- ۴۸- ﴿الرَّيْحَ بُشْرًا﴾: باده‌ها را بشارت دهنده باران که رحمت خداست.
- ۵۰- ﴿صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ﴾: باران را به شکل‌های مختلف فرستادیم.
- ۵۰- ﴿كُفُورًا﴾: به این نعمت انکار و ناسپاسی کردند.
- ۵۳- ﴿مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریا را در محل جریانشان در کنار هم قرار داد، یا آنها را جاری کرد.
- ۵۳- ﴿عَذْبُ فُرَاتٍ﴾: بسیار شیرین و گوارا.

- ۵۳- ﴿مِلْحُ أُجَاجٍ﴾: بسیار شور و تند یا بسیار تلخ.
- ۵۳- ﴿بَرْزَخًا﴾: حایل بزرگی که مانع یکجا شدن دو دریا می شود.
- ۵۳- ﴿وَحِجْرًا مَّحْجُورًا﴾: بین این دو دریا حایلی قرار داد که با هم مخلوط نشوند و صفاتشان تغییر نکند.
- ۵۴- ﴿نَسَبًا﴾: دارای نسب ذکور که به آنها منسوب است.
- ۵۴- ﴿وَصِهْرًا﴾: خویشاوندی.
- ۵۵- ﴿عَلَى رِبِّهِ ظَهِيرًا﴾: در برابر پروردگارش، در راه شرك همکار شیطان است.
- ۵۸- ﴿سَبَّحَ﴾: اوتعالی را از همه نقص ها پاک و منزّه بدان.
- ۵۸- ﴿بِحَمْدِهِ﴾: او را به اوصاف کمال ستایش کن.
- ۵۹- ﴿أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که سزاوار کمال اوست.
- ۶۰- ﴿زَادَهُمْ نُفُورًا﴾: آنان را از ایمان دورتر ساخت.
- ۶۱- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر و با عظمت است یا خیرش فراوان است خدای که.
- ۶۱- ﴿بُرُوجًا﴾: منازل ستارگان سیار.
- ۶۲- ﴿خِلْفَةً﴾: دنبال هم می آیند و جانشین یکدیگر می شوند.
- ۶۳- ﴿هُونًا﴾: به مهابت، وقار و فروتنی.
- ۶۳- ﴿قَالُوا سَلَامًا﴾: سخن درست به زبان می آورند که با آن از رنج و آزار رهایی یابند.
- ۶۵- ﴿كَانَ عَرَامًا﴾: عذاب جهنم دوامدار است.
- ۶۷- ﴿لَمْ يَفْقُرُوا﴾: بخیلانه سختی نمی کنند.
- ۶۷- ﴿قَوَامًا﴾: حد اعتدال، میانه این دو.
- ۶۸- ﴿يَلْقَ أَثَامًا﴾: در آخرت عذاب و جزا خواهد دید.
- ۷۲- ﴿مَرُّوا بِاللَّغْوِ﴾: کار بیهوده ای را مشاهده کردند.
- ۷۲- ﴿مَرُّوا كِرَامًا﴾: بزرگوارانه از آن کناره می گیرند و می گذرند.
- ۷۳- ﴿لَمْ يَخْرُوْا﴾: [نمی باشند] نمی افتند.

- ۷۴- ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾: مایه شادمانی.
- ۷۴- ﴿إِمَامًا﴾: سرمشق یا پیشوا.
- ۷۵- ﴿يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ﴾: بلندترین و بهترین جای جنت به آنها پاداش داده می‌شود.
- ۷۷- ﴿مَا يَعْبُونَ بِكُمْ﴾: هیچ ارج و اهمیتی به شما نمی‌دهد.
- ۷۷- ﴿دُعَاؤُكُمْ﴾: عبادت شما برای خدا.
- ۷۷- ﴿يَكُونُ لِمَامًا﴾: جزای تکذیب شما عذابی است که همواره با شماست.

سورة شَعَرَاء

- ۳- ﴿بَخِعْ نَفْسَكَ﴾: می‌خواهی خود را از حسرت و اندوه هلاک کنی.
- ۴- ﴿أَعْنَقَهُمْ﴾: گروه‌های ایشان یا سران و پیشوایان آنها.
- ۷- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع زیبا و پر منفعت.
- ۱۹- ﴿الْكَافِرِينَ﴾: انکار کنندگان نعمت من.
- ۲۰- ﴿الضَّالِّينَ﴾: خطا کاران نه از روی قصد.
- ۲۲- ﴿عَبَدَتْ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾: بنی اسرائیل را خوار و برده خود ساخته‌ای.
- ۳۳- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبانش بیرون آورد.
- ۳۳- ﴿هِيَ بَيْضَاءُ﴾: آن سفید و درخشان بود که چشم‌ها را خیره می‌کرد.
- ۳۴- ﴿لِلْمَلَأِ﴾: به سران و بزرگان قوم.
- ۳۶- ﴿أَرْجِهْ وَأَخَاهُ﴾: کار او و برادرش را به تأخیر بینداز و به شکنجه این دو عجله نکن.
- ۳۶- ﴿حَاشِرِينَ﴾: افراد پولیس را که تمام ساحران را جمع کنند.
- ۳۹- ﴿هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ﴾: آیا شما هم جمع می‌شوید، مردم را به اجتماع تشویق می‌کرد.
- ۴۴- ﴿بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ﴾: سوگند به قدرت و عظمت فرعون.

- ۴۵- ﴿تَلْقَفْ﴾: به سرعت می بلعید.
- ۴۵- ﴿مَا يَأْفِكُونَ﴾: چیزهای را که به تدویر دیگرگون نشان می دادند.
- ۵۰- ﴿لَا ضَيْرَ﴾: هر چه به ما برسد به زیان ما نیست.
- ۵۲- ﴿إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾: فرعون و سپاه او شما را تعقیب می کنند.
- ۵۳- ﴿حَشَرِينَ﴾: افرادی را برای جمع آوری سپاه تا موسی علیه السلام و پیروانش را تعقیب نمایند.
- ۵۴- ﴿لَشِرْذِمَةً﴾: نسبت به ما گروهی اندکی هستند.
- ۵۶- ﴿حَذِرُونَ﴾: آماده ، هوشیار و مسلح هستیم.
- ۶۰- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- ۶۱- ﴿تَرَاءَ الْجَمْعَانِ﴾: هر دو گروه یکدیگر را دیدند.
- ۶۳- ﴿فَأَنفَلَقَ﴾: دریا به دوازه بخش شکافته شد.
- ۶۳- ﴿فَرَقَ﴾: قسمتی از دریا.
- ۶۳- ﴿كَالطُّودِ الْعَظِيمِ﴾: مثل کوه بسیار بلند.
- ۶۴- ﴿أَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ﴾: در آنجا لشکریان فرعون را نیز به دریا نزدیک ساختیم.
- ۷۵- ﴿أَفَرَأَيْتُمْ...﴾: آیا دقت کردید و دانستید...
- ۸۴- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: ستایش نیکو و ذکر خیر.
- ۸۷- ﴿لَا تُخْزِنِي﴾: مرا با شکنجه و عذاب ذلیل و رسوا مکن.
- ۸۹- ﴿بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾: با قلب سلیم از مرض کفر و نفاق.
- ۹۰- ﴿أَزَلَفْتُ الْجَنَّةَ﴾: بهشت نزدیک آورده شود جای که نعمت‌هایش مشاهد گردد.
- ۹۱- ﴿بُرَزَتِ الْجَحِيمِ﴾: دوزخ نمایان شود به جایی که مناظر هول انگیزش دیده شود.
- ۹۱- ﴿لِلْعَاوِينَ﴾: برای گمراهان از راه حق.
- ۹۴- ﴿فَكُبْكِبُوا﴾: بتها سرنگون افکنده می شوند.
- ۹۸- ﴿نُسَوِّعُكُمْ بَرَبِ الْعَالَمِينَ﴾: شما و خالق جهان را یکسان مستحق عبادت

می‌پنداشتیم در حالی که شما بسیار ناتوان بوده‌اید.

- ۱۰۱- ﴿حَمِيمٌ﴾: نزدیک یا دل‌سوزی که به حال ما اهمیت قایل باشد.
- ۱۰۲- ﴿كَرَّةً﴾: برگشتی به دنیا.
- ۱۱۱- ﴿وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ﴾: افراد پست از تو پیروی کرده‌اند.
- ۱۱۸- ﴿فَأَفْتَحْ﴾: پس دآوری کن.
- ۱۱۹- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان، چارپا و متاع.
- ۱۲۸- ﴿رِيعٌ﴾: راه یا جای بلند.
- ۱۲۸- ﴿ءَايَةً﴾: عمارت بلند و نمایان مانند عَلم.
- ۱۲۸- ﴿تَعْبَثُونَ﴾: بازی می‌کنید با ساختن این بناها یا با کسانی که از آنجا می‌گذرند.
- ۱۲۹- ﴿مَصَانِعَ﴾: قلعه‌ها یا کاخها یا حوض‌های آب.
- ۱۳۲- ﴿أَمَدَكُمُ﴾: به شما نعمت داد.
- ۱۳۷- ﴿خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾: عادت پیشینیان که به رستاخیز باور نداشتند.
- ۱۴۸- ﴿طَلْعُهَا﴾: شکوفه که میوه می‌گردد.
- ۱۴۸- ﴿هَضِيمٌ﴾: رطب پخته و رسیده یا از فراوانی آویزان.
- ۱۴۹- ﴿فَرِهَيْنِ﴾: به تراشیدن آن ماهرید یا ستمگرید.
- ۱۵۳- ﴿مِنَ الْمُسْحَرِينَ﴾: از جادو شدگانی.
- ۱۵۵- ﴿لَهَا شَرِبٌ﴾: برای او سهمی از آب است.
- ۱۶۶- ﴿قَوْمٌ عَادُونَ﴾: قومی هستید که در گناه از حد گذشته‌اید.
- ۱۶۸- ﴿مِّنَ الْقَالِينَ﴾: از دشمنان سرسخت.
- ۱۷۱- ﴿فِي الْعَبِيرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.
- ۱۷۲- ﴿دَمَرْنَا الْآخِرِينَ﴾: دیگران را به شدت نابود کردیم.
- ۱۷۳- ﴿مَطَرًا﴾: باران کشنده.
- ۱۷۶- ﴿أَصْحَابُ لُغْيَكَةٍ﴾: صاحب‌های درختان بسیار و به هم پیچیده، نزدیک مدین.

- ۱۸۱- ﴿مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾: کم فروشانی که حقوق دیگران را کامل نمی دهند.
- ۱۸۳- ﴿لَا تَبْخُسُوا﴾: کم نکنید.
- ۱۸۳- ﴿لَا تَعْتُوا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- ۱۸۴- ﴿وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ﴾: ملل گذشته را.
- ۱۸۵- ﴿الْمُسْحَرِينَ﴾: سحر و جادو شدگان.
- ۱۸۷- ﴿كَيْسًا﴾: پاره‌های از عذاب.
- ۱۸۹- ﴿الظَّلَّةَ﴾: ابری که بر آنها سایه افکند و بعد آتش بارید.
- ۱۹۶- ﴿زُبُرِ الْأُولِينَ﴾: کتاب‌های پیامبران پیشین.
- ۲۰۲- ﴿بَغْتَةً﴾: ناگهان.
- ۲۰۳- ﴿هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ﴾: آیا به ما مهلت داده می شود تا ایمان بیاوریم؟ نه، هرگز.
- ۲۰۵- ﴿أَفَرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۲۰۷- ﴿مَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ﴾: عمر دراز به آنها چه نفعی رساند، یعنی نفعی نرساند.
- ۲۱۵- ﴿أَخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾: خوشرفتاری و فروتنی کن.
- ۲۱۹- ﴿تَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ﴾: حرکات تو را در جمع نماز گزاران مشاهد می کند.
- ۲۲۲- ﴿أَفَأَنْكِ أَثِيمٌ﴾: پر گناه مانند کاهن ها.
- ۲۲۵- ﴿يَهِيمُونَ﴾: به هر راهی سرگردانند.

سوره نمل

- ۲- ﴿هُدًى﴾: هدایت کننده از گمراهی.
- ۴- ﴿فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾: آنها راه راست را نمی یابند یا متحیر و سرگردانند.
- ۷- ﴿ءَأَنْتُمْ نَارًا﴾: من آتشی را مشاهده کردم.
- ۷- ﴿بِشَهَابٍ قَبَسٍ﴾: اخگر شعله‌وری را از آن بیاورم.
- ۷- ﴿تَصْطَلُونَ﴾: گرم شوید.

- ۸- ﴿بُورِكَ﴾: پاکیزه و مبارک گردید و خیرش فزونی یافت.
- ۸- ﴿مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾: موسی علیه السلام و فرشتگان.
- ۱۰- ﴿تَهْتَزُّ﴾: موج آسا حرکت می کند.
- ۱۰- ﴿كَأَنَّهَا جَانٌّ﴾: در سرعت حرکت مانند مار کوچکی است.
- ۱۰- ﴿لَمْ يُعَقِّبْ﴾: موسی به عقب برنگشت و یا به پشت سر خود متوجه نشد.
- ۱۲- ﴿فِي جَيْبِكَ﴾: در گریبان.
- ۱۲- ﴿بَيِّضَاءَ﴾: درخشان تر از آفتاب.
- ۱۲- ﴿غَيْرِ سُوءٍ﴾: بدون برص و مانند آن.
- ۱۳- ﴿مُبْصَرَةً﴾: واضح، آشکار و هدایت کننده.
- ۱۴- ﴿عُلُوءًا﴾: از سرکشی و استکبار ایمان نیاوردند.
- ۱۶- ﴿مَنْطِقِ الطَّيْرِ﴾: درک مقصد پرندگان از آواز آنها.
- ۱۷- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: گروه های اول آنها توقف داده می شوند تا گروه های آخر برسند.
- ۱۸- ﴿لَا يَحْطِئَنَّكُمْ﴾: شما را پامال و نابود نکند.
- ۱۹- ﴿أَوْزَعْنِي...﴾: به من الهام کن و وادارم بساز...
- ۲۱- ﴿بِسُلْطَنِ مُبِينٍ﴾: دلیلی که عذر غیابت او را روشن کند.
- ۲۵- ﴿يُخْرِجُ الْحَبَّاءَ﴾: چیزهای پنهان را آشکار می کند.
- ۲۸- ﴿تَوَلَّ عَنْهُمْ﴾: از آنها اندکی دور شو.
- ۳۱- ﴿أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ﴾: در برابر من خود را بزرگ نپندارید.
- ۳۱- ﴿مُسْلِمِينَ﴾: به خدا ایمان بیاورید یا تسلیم و فرمانبردار شوید.
- ۳۲- ﴿تَشْهَدُونَ﴾: شما نزد من حاضر می بودید یا برایم مشوره می دادید.
- ۳۳- ﴿أُولُوا بَأْسٍ﴾: ما دلیران جنگ آزموده ایم.
- ۳۷- ﴿لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا﴾: توان مقاومت با آن را ندارند.
- ۳۷- ﴿هُمْ صَغِيرُونَ﴾: به اسارت و بردگی خوار و ذلیل می شوند.

۴۰- ﴿الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ﴾: کسی که از علم بهره‌ور بود، آصف یا جبریل یا فرشته‌ای دیگر.

۴۰- ﴿طَرَفُكَ﴾: چشم خود را یا پلک چشمان خود را برهم زنی.

۴۰- ﴿لِيُؤْمِنَ﴾: تا مرا بی‌آزماید.

۴۱- ﴿نَكِّرُوا﴾: تغییر بدهید.

۴۴- ﴿أَدْخِلِ الصَّرْحَ﴾: به قصر با شکوه یا به ساحه آن یا به حوض آن وارد شو.

۴۴- ﴿حَسِبْتُهُ لُجَّةً﴾: بلقیس گمان کرد آب عمیق است.

۴۴- ﴿صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ﴾: قصری است صاف و تابان.

۴۴- ﴿مِّن قَوَارِيرٍ﴾: از شیشه‌های شفاف.

۴۷- ﴿أَظِيرْنَا﴾: هر زمانی که به سختی‌ها گرفتار شدیم به فال بد گرفتیم.

۴۷- ﴿ظَهَرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی شما عملتان است که نزد او تعالی نوشته است.

۴۷- ﴿قَوْمٌ تُفْتَنُونَ﴾: قومی هستید که شیطان شما را با وسوسه به فتنه می‌افکند.

۴۸- ﴿تِسْعَةَ رَهْطٍ﴾: نه نفر از بزرگان در رأس هر گروه.

۴۹- ﴿تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ﴾: یکدیگر را به خدا قسم دادند یا خود به خدا قسم یاد کردند.

۴۹- ﴿لُتُبَيِّنَنَّهٗ وَأَهْلَهٗ﴾: شب هنگام او و خانواده‌اش را بی‌خبر می‌کشیم.

۴۹- ﴿مَهْلِكٌ أَهْلِهٖ﴾: هلاکت خانواده او را.

۵۱- ﴿دَمَرْنَاهُمْ﴾: نابودشان کردیم.

۵۲- ﴿خَاوِيَةً﴾: ویران و بی‌صاحب است.

۵۴- ﴿أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ﴾: از انجام علنی لواط هیچ شرم و باکی ندارید.

۵۶- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از لواطت دوری می‌کنند.

۵۷- ﴿قَدَّرْنَاهَا﴾: بر او حکم و تقدیر کردیم.

۵۷- ﴿مِنَ الْغَابِرِينَ﴾: که جزو باقی‌ماندگان در عذاب باشد.

۵۸- ﴿مَظْرًا﴾: باران سنگ و کشنده از آسمان.

- ۶۰- ﴿حَدَّايَقْ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾: باغ‌های زیبا و با رونق.
- ۶۰- ﴿قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾: قومی هستند منحرف از حق و مایل به باطل.
- ۶۱- ﴿الْأَرْضَ قَرَارًا﴾: زمین را محل استقرار و گسترده.
- ۶۱- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های استوار تا تکان نخورد.
- ۶۱- ﴿حَاجِزًا﴾: حایلی که مانع یکجا شدن آنها می‌شود.
- ۶۳- ﴿رَحْمَتِهِ﴾: باران که رحمت پروردگار و مایه حیات زمین است.
- ۶۶- ﴿أَذْرَكَ عَلَيْهِمْ فِي الْآخِرَةِ﴾: احوال قیامت را کامل دریافتند، این تهکم و استهزاء است بر آنها، از فرط بی‌اطلاعی ایشان در باره آخرت.
- ۶۶- ﴿عُمُونَ﴾: نشانه‌های آشکار آن را نمی‌بینند.
- ۶۸- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های که در کتب آنها نوشته است.
- ۷۰- ﴿ضَيْقٍ﴾: دلتنگی.
- ۷۲- ﴿رَدَفَ لَكُمْ﴾: به شما رسیده باشد.
- ۷۴- ﴿مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ﴾: اسراری که در سینه‌های خود نهان می‌دارند.
- ۷۵- ﴿غَابِيَةً﴾: چیزهای نهان از انسان.
- ۸۲- ﴿وَقَعَ الْقَوْلُ﴾: قیامت و دشواری‌های موعودش نزدیک شود.
- ۸۲- ﴿دَابَّةً﴾: جانوری را، این جانور از علایم قیامت کبری است.
- ۸۳- ﴿فَوْجًا﴾: گروهی را.
- ۸۳- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: دسته‌های اولی توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند و بعد یکجا سوق داده می‌شوند.
- ۸۷- ﴿فَفَزِعَ﴾: بترسند چنان ترسی که مرگ در پی دارد.
- ۸۷- ﴿دَاخِرِينَ﴾: خوار و ذلیل بعد از رستاخیز.
- ۹۰- ﴿فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ﴾: سرنگون افکنده می‌شوند.

سورة قصص

- ۴- ﴿عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾: در سرزمین مصر نافرمانی و سرکشی کرد.
- ۴- ﴿شِيعًا﴾: گروه‌های مختلف، گروهی برای خدمت و گروهی برای بیگاری و ذلت.
- ۴- ﴿يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾: دخترانشان را برای خدمت زنده می گذاشت.
- ۶- ﴿يَحْذَرُونَ﴾: از رفتن پادشاهی‌شان هراس داشتند.
- ۸- ﴿كَانُوا خَاطِئِينَ﴾: مجرم و گناه کار بودند.
- ۹- ﴿قُرْتُ عَيْنٍ﴾: مایه شادمانی است.
- ۱۰- ﴿فَرِحًا﴾: جز یاد موسی از همه چیز تهی گشت.
- ۱۰- ﴿لَثُبْدِي بِهِ﴾: از شدت اندوه آشکار کند که این پسرش است.
- ۱۰- ﴿لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا﴾: اگر با صبر استوار نمی داشتیم.
- ۱۱- ﴿قَصِيهِ﴾: از دنبالش برو و از احوالش آگاه شو.
- ۱۱- ﴿فَبَصُرَتْ بِهِ﴾: او را دید. ﴿عَنْ جُنُبٍ﴾: از دور.
- ۱۲- ﴿يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ﴾: بخاطر شما تربیت این پسر را به عهده می گیرند.
- ۱۳- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار فرزندش خوشحال شد.
- ۱۴- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال بالندگی و نیروی بدنی خود رسید.
- ۱۴- ﴿وَأَسْتَوَى﴾: عقلش کامل شد.
- ۱۵- ﴿فَوَكَرَهُ مُوسَى﴾: موسی با مشیت به سینه او زد.
- ۱۷- ﴿ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ﴾: همکار مجرمین.
- ۱۸- ﴿يَتَرَقَّبُ﴾: انتظار وقوع اتفاق بدی را داشت.
- ۱۸- ﴿يَسْتَصْرِخُهُ﴾: از او کمک می خواهد.
- ۱۸- ﴿إِنَّكَ لَغَوِيٌّ﴾: تو گمراه هستی هیچگاه اصلاح نمی شوی.

- ۱۹- ﴿يَبْطِشُ﴾: به قوت و شدت بگیرد.
- ۲۰- ﴿يَسْعَى﴾: به شتاب.
- ۲۰- ﴿إِنَّ أَلْمَلَأَ﴾: سران و بزرگان قوم.
- ۲۰- ﴿يَأْتِمُرُونَ بِكَ﴾: در باره تو با هم مشورت دارند.
- ۲۲- ﴿تَلْقَاءَ مَدْيَنَ﴾: به سمت مدین، قریه شعیب عليه السلام.
- ۲۲- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه راست که مایه نجات است.
- ۲۳- ﴿أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ﴾: جمعیت بسیاری از مردم را.
- ۲۳- ﴿تَذُودَانِ﴾: گوسفندان خود را از نزدیک شدن به آب منع می کردند.
- ۲۳- ﴿مَا خَطْبُكُمَا﴾: مقصد شما از این کار چیست؟
- ۲۳- ﴿يُصْدِرَ الرِّعَاءَ﴾: چوپانها رمه های خود را از آب دور ببرند.
- ۲۷- ﴿تَأْجُرْنِي﴾: بخاطر چراندن گوسفندها به من اجیر باشی.
- ۲۷- ﴿حِجَجَ﴾: سالها.
- ۲۹- ﴿ءَانَسَ﴾: مشاهده کرد.
- ۲۹- ﴿نَارًا﴾: آتشی را، در واقع نور ربانی بود.
- ۲۹- ﴿جَذْوَةً مِّنَ النَّارِ﴾: چوبی که آتش بدون شعله دارد.
- ۲۹- ﴿تَضْطَلُونَ﴾: خود را به آن گرم نمایید.
- ۳۱- ﴿تَهَيَّئْ﴾: به سرعت حرکت می کند.
- ۳۱- ﴿لَمْ يُعَقِّبْ﴾: بر نمی گردد یا متوجه نمی شود.
- ۳۲- ﴿جَبِيكَ﴾: گریبانت.
- ۳۲- ﴿بَيَضَاءَ﴾: سفید، درخشانتر از آفتاب.
- ۳۲- ﴿غَيْرِ سُوءٍ﴾: بدون برص و امثال آن.
- ۳۲- ﴿وَأَضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ﴾: دست راست خود را به سینهات بگذار
ترسی که از این مار داری زایل می شود.

- ۳۴- ﴿رِدْءًا﴾: یاور.
- ۳۵- ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ﴾: نیرومندت می‌سازم و کمکت می‌کنم.
- ۳۵- ﴿سُلْطَنًا﴾: حجت یا غلبه.
- ۳۶- ﴿مُفَرَّجًا﴾: این را به دروغ به خدا نسبت می‌دهی.
- ۳۸- ﴿صَرْحًا﴾: قصری یا عمارت بلند و نمایان.
- ۴۰- ﴿فَتَبَدَّلْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ﴾: آنها را به دریا افکندیم و غرق نمودیم.
- ۴۱- ﴿أَيِّمَةً﴾: پیشوایانی در مسیر گمراهی.
- ۴۲- ﴿لَعْنَةً﴾: دوری از رحمت خدا.
- ۴۲- ﴿مِّنَ الْمُقْبُوحِينَ﴾: از طرد شدگان یا از زشت رویان هستند.
- ۴۳- ﴿الْقُرُونِ الْأُولَى﴾: ملل گذشته را که پیامبران خویش را تکذیب کردند.
- ۴۳- ﴿بَصَائِرَ لِلنَّاسِ﴾: روشنی بخش دلهای مردم که با آن حقایق را مشاهده کنند.
- ۴۴- ﴿قَضِينَا﴾: سپردیم.
- ۴۵- ﴿ثَاوِيًا﴾: مقیم.
- ۴۸- ﴿سِحْرَانِ تَظَاهَرَا﴾: قرآن و تورات هر دو سحر و پشتیبان یکدیگر.
- ۵۱- ﴿وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾: ما قرآن را برای آنها پی در پی فرستادیم.
- ۵۴- ﴿يَذَرُونَّ﴾: دفع می‌کنند.
- ۵۵- ﴿اللَّعُوفَ﴾: دشنام را از کفار.
- ۵۵- ﴿سَلَّمَ عَلَيْكُمْ﴾: سلام بر شما ما مثل شما رفتار نمی‌کنیم.
- ۵۷- ﴿نُتَخِطَفَ﴾: به سرعت ربوده می‌شویم.
- ۵۷- ﴿يُجْبَىٰ إِلَيْهِ﴾: از هر سمت به آنجا آورده می‌شود.
- ۵۸- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: چه بسیاری را هلاک کردیم.
- ۵۸- ﴿بَطَرْتُ مَعِيشَتَهَا﴾: در دنیا بدمست و مغرور شده بودند.

- ۶۱- ﴿مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ.
- ۶۳- ﴿أَغْوَيْنَا﴾: آنها را به گمراهی دعوت کردیم و از ما پیروی کردند.
- ۶۶- ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ﴾: دلایل بر آنها پوشیده گردد، دلیلی نمی‌یابند.
- ۶۸- ﴿الْخِیرَةُ﴾: اختیار.
- ۶۹- ﴿مَا تَكُنْ صُدُورُهُمْ﴾: باطل و عداوتی که در سینه‌های خود نهان می‌دارند.
- ۷۱- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۷۱- ﴿سَرْمَدًا﴾: دایمی.
- ۷۵- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: پندار باطلی که در دنیا به دروغ می‌بافتند.
- ۷۶- ﴿فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها ستم یا کبر کرد.
- ۷۶- ﴿لَتَنْوُوا بِالْعُصْبَةِ﴾: به یک گروه سنگین بود.
- ۷۶- ﴿لَا تَفْرَحْ﴾: به کثرت دارایی خودبین و بدمست مباش.
- ۷۸- ﴿مِنَ الْقُرُونِ﴾: از ملت‌ها.
- ۷۸- ﴿لَا يُسْئَلُ﴾: برای معلومات از آنها سؤال نمی‌شود بلکه سؤال توبیخ و سرزنش می‌شود.
- ۷۹- ﴿فِي زِينَتِهِ﴾: در آرایشی از رفاه و ثروت خود.
- ۸۰- ﴿وَيَلْكُمْ﴾: وای بر شما، برای منع آنها از چنین آرزوهایست.
- ۸۰- ﴿وَلَا يُلْقَاهَا﴾: به انجام کارهای نیک موفق نمی‌شوند.
- ۸۲- ﴿وَيَكُنَّ لِلَّهِ﴾: آیا مشاهده نکردی که او تعالی.
- ۸۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: به مقتضای حکمت روزی هر که را بخواهد کم می‌کند.
- ۸۲- ﴿وَيَكُنَّ لَهُ لَا يُفْلِحُ﴾: آیا نمی‌بینی که رستگار نمی‌شود.
- ۸۵- ﴿مَعَادٍ﴾: به مکه پیروزمندانه.
- ۸۶- ﴿ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ﴾: پشتیبان کافران.

سورهٔ عَنكَبُوت

- ۲- ﴿لَا يُفْتَنُونَ﴾: با گرفتاری به سختی‌ها مورد امتحان قرار نمی‌گیرند تا مخلص از منافق جدا شود.
- ۴- ﴿أَنْ يَسْأَلُوا﴾: ما را ناتوان سازند و از مجازات ما نجات یابند.
- ۵- ﴿أَجَلُ اللَّهِ﴾: وقت معین برای رستاخیز و جزاء.
- ۸- ﴿وَصَيَّنَّا الْإِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم.
- ۸- ﴿حُسْنًا﴾: فرمانبردار پدر و مادر و بر آنها مهربان باشد.
- ۱۰- ﴿فِتْنَةَ النَّاسِ﴾: شکنجه و آزاری که از مردم به او می‌رسد.
- ۱۲- ﴿خَطَايَكُمْ﴾: گناهان شما را.
- ۱۳- ﴿أَثْقَالَهُمْ﴾: خطاهای سنگین خود را.
- ۱۳- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: سخنان دروغ و یاوه را از خود می‌بافتند.
- ۱۷- ﴿تَخْلُقُونَ إِفْكًا﴾: دروغ می‌گویند.
- ۲۱- ﴿إِلَيْهِ تُقْلَبُونَ﴾: به نزد خدا بر می‌گردید.
- ۲۲- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۲۵- ﴿مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ﴾: برای استحکام دوستی بین خود که همه یکسان بت پرستید.
- ۲۵- ﴿مَأْوَنَكُمْ النَّارُ﴾: جای شما دوزخ است.
- ۲۹- ﴿تَقْطَعُونَ السَّبِيلَ﴾: راه را می‌بندید با آمیزش به گناه و زشتی.
- ۲۹- ﴿نَادِيَكُمْ﴾: مجالس خود.
- ۳۲- ﴿مِنَ الْعَابِرِينَ﴾: مثل همتایان خود در عذاب خواهد ماند.
- ۳۳- ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آنها غمگین شد که از دست درازی قومش بر آنها ترسید.
- ۳۳- ﴿ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾: بخاطر آنها سخت دلتنگ شد که توان نجات آنها را نداشت.
- ۳۴- ﴿رَجَزًا﴾: عذاب شدید.

- ۳۶- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- ۳۷- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ﴾: به سبب صیحه گرفتار زمین لرزه شدید شدند.
- ۳۷- ﴿جَثِيمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- ۳۸- ﴿كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾: خردمند و اهل نظر بودند.
- ۳۹- ﴿سَبِقِينَ﴾: از عذاب خدا نجات یابند.
- ۴۰- ﴿حَاصِبًا﴾: باد شدیدی که سنگریزه پرتاب می کرد.
- ۴۰- ﴿أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از جانب آسمان او را گرفت.
- ۴۱- ﴿الْعَنَكُبُوتِ﴾: حشره معروف.
- ۴۸- ﴿لَا رَتَابَ﴾: در شک می افتادند.
- ۴۹- ﴿مَا يَجْحَدُ﴾: انکار و تکذیب نمی کند.
- ۵۰- ﴿ءَايَاتٍ مِّن رَّبِّهِ﴾: معجزه های خارق العاده از سوی پروردگارش.
- ۵۳- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت.
- ۵۳- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- ۵۵- ﴿يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ﴾: عذاب آنها را احاطه کند.
- ۵۸- ﴿لِنُبَوِّئَنَّهُمُ﴾: آنها را دایمی جای می دهیم.
- ۵۸- ﴿غُرَفًا﴾: منازل عالی.
- ۶۰- ﴿كَآيِنٍ مِّن دَابَّةٍ﴾: بسیاری از جانوران.
- ۶۱- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه آنان را از توحید حق منحرف می سازند؟
- ۶۲- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: روزی هرکسی را به مقتضای حکمت کم می کند.
- ۶۴- ﴿لَهُوٌّ وَلَعِبٌ﴾: لذت های زود گذر، عبث و بیهوده.
- ۶۴- ﴿لَهُيَ الْحَيَوانُ﴾: بدون شک دیار آخرت پاینده و جاوید است.
- ۶۵- ﴿الَّذِينَ﴾: طاعت و عبادت را.
- ۶۷- ﴿يُتَخَطَّفُ النَّاسُ﴾: مردم ربوده و سر بریده می شوند.

۶۸- ﴿مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾: محل اقامت کافران.

سورة روم

- ۲- ﴿غُلِبَتِ الرُّومُ﴾: فارس روم را مغلوب کرد.
- ۳- ﴿أَذْنَى الْأَرْضِ﴾: نزدیک‌ترین ساحه سرزمین روم به فارس.
- ۳- ﴿غَلِبَهُمْ﴾: مغلوب شدنشان.
- ۸- ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین برای بقای آنها از ازل.
- ۹- ﴿أَتَأْتِرُوا الْأَرْضَ﴾: زمین را شخم زدند و برای زراعت آماده کردند.
- ۱۰- ﴿السُّوَّاءِ﴾: بدترین عذاب، دوزخ.
- ۱۲- ﴿يُجْلِسُ الْمُجْرِمُونَ﴾: دلیل مجرمان منقطع می‌شود یا نومید می‌شوند.
- ۱۵- ﴿يُخْبَرُونَ﴾: شاد یا گرامی داشته می‌شوند.
- ۱۶- ﴿فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ﴾: همیشه در عذابند.
- ۱۸- ﴿حِينَ تُظْهِرُونَ﴾: هنگامی که به ظهر می‌رسید.
- ۲۰- ﴿تَنْتَشِرُونَ﴾: در امور زندگی دست بکار می‌شوید.
- ۲۱- ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾: تا به آنها تمایل پیدا کنید و انس بگیرید.
- ۲۶- ﴿لَهُ قَنَاطُونَ﴾: از اراده او تعالی فرمان می‌برند.
- ۲۷- ﴿لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾: عالی‌ترین وصف در کمال و جلال از آن خداست.
- ۳۰- ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ﴾: پس روی خود را راست و درست کن.
- ۳۰- ﴿لِلدِّينِ﴾: به دین توحید و اسلام.
- ۳۰- ﴿حَنِيفًا﴾: متمایل به سوی او.
- ۳۰- ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ﴾: به اسلام پایدار باشید.
- ۳۰- ﴿فَطَرَ الْنَّاسَ عَلَيْهَا﴾: خدا انسان را بر آن آفریده است.
- ۳۰- ﴿لِخَلْقِ اللَّهِ﴾: به دین الهی که انسان را بر آن آفریده است.

- ۳۰- ﴿ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾: این است دین مستقیم.
- ۳۱- ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ﴾: با توبه و اخلاص به او تعالی رجوع کنید.
- ۳۲- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از هوای نفس به صورت احزاب گوناگون درآمدند.
- ۳۵- ﴿سُلْطَنَا﴾: کتابی یا دلیل روشنی.
- ۳۶- ﴿فَرِحُوا بِهَا﴾: به سبب آن متکبر و خودپسند می‌شوند.
- ۳۶- ﴿هُمْ يَقْنَطُونَ﴾: از رحمت خدا نومید می‌شوند.
- ۳۷- ﴿يَقْدِرُ﴾: به اقتضای حکمت روزی هرکه را بخواهد تنگ می‌کند.
- ۳۹- ﴿رَبًّا﴾: همین ربای حرام معروف.
- ۳۹- ﴿لَا يَرْبُوا﴾: تا آن ربا بیفزاید.
- ۳۹- ﴿فَلَا يَرْبُو﴾: مایه برکت آن نمی‌شود.
- ۳۹- ﴿الْمُضْعِفُونَ﴾: چند برابر.
- ۴۳- ﴿لِلدِّينِ الْقَيِّمِ﴾: به دین مستقیم و فطرت.
- ۴۳- ﴿لَا مَرَدَّ لَهُ﴾: هیچ کس نمی‌تواند مانع وقوع آن شود.
- ۴۳- ﴿يَصَّدَّعُونَ﴾: به سوی بهشت و دوزخ متفرق می‌شوند.
- ۴۴- ﴿يَمْهَدُونَ﴾: جایگاه نعمت و ناز را مهیا می‌سازند.
- ۴۸- ﴿فَتَثِيرُ سَحَابًا﴾: ابرها را حرکت می‌دهد و پراکنده می‌سازد.
- ۴۸- ﴿يَجْعَلُهُ كِسْفًا﴾: ابرها را به صورت قطعه‌های پراکنده در می‌آورد.
- ۴۸- ﴿الْوَدَقَ﴾: باران را.
- ۴۸- ﴿مِنْ خِلَالِهِ﴾: از لابلای آن.
- ۴۹- ﴿الْمُبْلِسِينَ﴾: از بارش باران نومید بودند.
- ۵۱- ﴿فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا﴾: گیاهان را بعد از شادابی و سبزی زرد می‌بینند.
- ۵۴- ﴿شَيْبَةً﴾: حالت پیری.
- ۵۵- ﴿يُؤَفِّكُونَ﴾: از حق و راستی دوری می‌جستند.

- ۵۷- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی‌شود که با توبه و طاعت، غضب خدا را از خود دور نمایند.
- ۶۰- ﴿لَا يَسْتَخِفُّكَ﴾: تو را به خفت، خواری و اضطراب وادار نکنند.

سورة لقمان

- ۶- ﴿لَهُوَ الْحَدِيثُ﴾: سخن باطل که انسان را از خیر و عبادت باز دارد.
- ۶- ﴿هُزُؤًا﴾: به استهزاء.
- ۷- ﴿وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا﴾: با تکبر از تفکر در آن اعراض می‌کند.
- ۷- ﴿وَقُرًّا﴾: کربی مانع از شنیدن.
- ۱۰- ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ﴾: بدون پایه و ستون.
- ۱۰- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های استوار.
- ۱۰- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را تکان ندهد.
- ۱۰- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: در روی زمین پراکنده کرد.
- ۱۰- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع خوب و پرمفعت.
- ۱۲- ﴿لُقْمَنَ﴾: لقمان شخصی صالح و حکیم بود نه پیامبر.
- ۱۲- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: عقل، فهم، زیرکی و سخن راست و درست.
- ۱۴- ﴿وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم و موظفش ساختیم.
- ۱۴- ﴿وَهَنًا﴾: در حال ناتوانی.
- ۱۴- ﴿فَصَلِّهٖ﴾: پایان دوره شیرخوارگی آن.
- ۱۵- ﴿أَنَابَ إِلَيَّ﴾: به اخلاص و طاعت به سوی من آمده است.
- ۱۶- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ...﴾: به وزن کوچکترین چیز...
- ۱۸- ﴿لَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾: به تکبر و غرور روی خود را از مردم نگردان.
- ۱۸- ﴿مَرَحًا﴾: به سرکشی، غرور و خودپسندی.

- ۱۸- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر، کسی که به خصال نیک خود فخر کند.
- ۱۹- ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾: در راه رفتن حد وسط را اختیار کن.
- ۱۹- ﴿أَغْضُضْ﴾: آهسته بدار.
- ۲۰- ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾: برای منافع شما مسخر کرده است.
- ۲۰- ﴿أَسْبَغَ﴾: تمام، فراوان و کامل کرد.
- ۲۲- ﴿يُسَلِّمُ وَجْهَهُ...﴾: همه امور خود را بسپارد...
- ۲۲- ﴿أَسْتَمْسَكَ﴾: چنگزده دلبستگی یافته و پناه برده است.
- ۲۲- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عهد و پیمان مطمئن.
- ۲۴- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾: عذاب شدید، دوزخ.
- ۲۷- ﴿يَمُدُّهُ﴾: بر او افزوده شود.
- ۲۷- ﴿سَبْعَةَ أَجْرٍ﴾: هفت دریای پر آب دیگر.
- ۲۷- ﴿مَا نَفِذَتْ﴾: به پایان نرسد.
- ۲۷- ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾: مقدرات و عجایب صنعت یا علم الهی^(۱).

۱- شیخ مخلوف می گوید: ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ (مقدورات و عجایب او معلوماته) یعنی: تقدیرها و شگفتی ها یا معلوماتش.

می گویم: تفسیر ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات و معلومات، مخالف فهم سلف در این زمینه است و همچنین کنار گذاشتن ظاهر لفظ است، بلکه کلمات خداوند -پاک و منزّه- همان کلام و سخن او می باشد که پایان ندارد؛ زیرا الله اول است بی آنکه آغازی داشته باشد و آخر است بی آنکه پایانی داشته باشد و پیوسته و همیشه سخن گفته است و هر آنچه که بخواهد و هرگاه که اراده کند می گوید و کلام او در گذشته و آینده هیچ حد و مرزی نداشته و ندارد و درختان و دریاها بی که مقدر نموده تا کلمات الله را بنویسند به ناچار تمام می شوند و پایان می پذیرند اما کلام الله هیچ پایانی ندارد.

تفسیر ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات یا معلومات شامل امور وجودی و امور عدمی می شود، در حالی که ویژگی کلمات الله این است که هیچ پایانی ندارد و از امور وجودی است. به نظر می رسد تفسیری که مؤلف ذکر نموده بر اساس مذهب اشاعره در مورد کلام الله است، زیرا آنها می گویند که کلام الله معنایی واحد درونی و قدیمی است و وصف تعدد شامل آن نمی شود. این تعریف

- ۲۹- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می کند.
- ۳۲- ﴿غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ﴾: موجی بالای سر آنها قرار بگیرد.
- ۳۲- ﴿كَالظَّلِيلِ﴾: مانند ابر یا کوه های سایه افکن.
- ۳۲- ﴿فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ﴾: عده ای خدا را شکر و به عهد خود وفا می کنند.
- ۳۲- ﴿حَتَّارِ كُفُورٍ﴾: غدا و ناسپاس.
- ۳۳- ﴿يَوْمًا لَا يَجْزِي...﴾: روزی که در آن چیزی را دور نمی کند...
- ۳۳- ﴿فَلَا تَعْرَتَكُمْ﴾: شما را به لذت های خود سرگرم نکند و فریب ندهد.
- ۳۳- ﴿الْغُرُورِ﴾: شیطان اغواگر و امثال آن.

سوره سجده

- ۳- ﴿أَفْتَرِلُهُ﴾: قرآن را خودش ساخته است.
- ۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق کمال و جلال اوست.
- ۵- ﴿يَعْرُجُ إِلَيْهِ﴾: این امر به سوی او بالا می رود.
- ۷- ﴿أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ﴾: همه چیز را استوار ساخته است.
- ۸- ﴿سُلَّالَةٍ﴾: خلاصه ای.
- ۸- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.

مخالف با مذهب اهل سنت و جماعت است که می گویند: «خداوند متعال پیوسته و همیشه به هر کلامی که بخواهد و هرگونه که بخواهد سخن می گوید و کلامش پایانی ندارد و خداوند این گونه وصف می شود که: گفت و می گوید، ندا داده و ندا می دهد، همانگونه خداوند متعال درباره ی خودش چنین خبر داده است او از هر کسی به نفس خویش آگاه تر است و از آفریده هایش صادق تر و نیکو سخن تر است». (نگاه: تفسیر ابن جریر ۸۰/۲۱-۸۲، تفسیر بغوی ۶/۲۹۲ و تفسیر سعدی ۱۶۶/۶). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۹- ﴿سَوَّاهُ﴾: او را صورت بخشیدن و موزون ساخت.
- ۱۰- ﴿ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ﴾: ما خاک و در زمین گم شویم.
- ۱۲- ﴿نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را از رسوایی، شرم و ندامت به زیر افکنند.
- ۱۳- ﴿حَقَّ الْقَوْلُ﴾: قضاء و قدر ثابت و نافذ شده است.
- ۱۳- ﴿الْجَنَّةِ﴾: جن.
- ۱۶- ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ﴾: پهلوهایشان برای عبادت دور می شود.
- ۱۶- ﴿عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾: از بسترهای خواب.
- ۱۷- ﴿مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾: از اسباب شادمانی است.
- ۱۹- ﴿نُزُلًا﴾: مهمانی و ضیافت.
- ۲۳- ﴿فِي مِرْيَةٍ﴾: در شک.
- ۲۳- ﴿مِّن لِّقَائِهِ﴾: از پذیرفتن موسی تورات را به خوشی.
- ۲۶- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا مشرکان غافلند و سرانجام شان را روشن نساخته است.
- ۲۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: هلاکت و نابودی ملت‌های گذشته.
- ۲۶- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملل گذشته.
- ۲۷- ﴿الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾: زمین خشک و بی گیاه.
- ۲۸- ﴿هَذَا الْفَتْحُ﴾: این پیروزی و نجات شما.
- ۲۹- ﴿لَا هُمْ يُنْظَرُونَ﴾: مهلت داده نخواهند شد تا ایمان بیاورند.

سورة احزاب

- ۱- ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾: همواره از خدا بترس یا پرهیزگاری را افزون نما.
- ۳- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب.
- ۴- ﴿تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ﴾: آنها را مثل مادر بر خود حرام می کنید.
- ۴- ﴿أَدْعِيَاءَكُمْ﴾: فرزند خوانده های شما را.

۵- ﴿أَقْسَطُ﴾: عادلانه تر.

۵- ﴿مَوَالِيكُمْ﴾: دوستان دینی شما هستند.

۶- ﴿أَوَّلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾: مهربان تر و سودمندتر است به مؤمنان.

۶- ﴿أَزْوَاجُهُ وَأُمَّهَاتُهُمْ﴾: همسرانش مثل مادرند به مسلمانان در حرمت نکاح و قدر

و منزلت.

۶- ﴿أُولُوا الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.

۷- ﴿مِيثَاقَهُمْ﴾: پیمان آنها را، هر چه برعهده دارند بجا کنند.

۷- ﴿مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾: پیمان استوار به وفا.

۹- ﴿جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ﴾: لشکرهای بزرگ به سوی شما آمدند، روز خندق سال

پنجم هجرت.

۱۰- ﴿زَاغَتْ الْأَبْصَارُ﴾: چشمها از دهشت و حیرت کج و دیگرگون شدند.

۱۰- ﴿بَلَغَتْ الْفُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾: دلها به گلو رسید، تمثیل است برای شدت ترس.

۱۱- ﴿أَبْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان در سختی‌ها آزمایش شدند.

۱۱- ﴿زُلْزِلُوا﴾: از شدت ترس بسیار مضطرب شدند.

۱۲- ﴿عُرُورًا﴾: وعده بیهوده یا فریب.

۱۳- ﴿يَثْرِبَ﴾: نام سابق مدینه است.

۱۳- ﴿لَا مَقَامَ لَكُمْ﴾: اینجا محل اقامت شما نیست.

۱۳- ﴿إِنَّ بَيْوتَنَا عَوْرَةٌ﴾: خانه‌های ما دور و بیم تجاوز دشمن در آنجا است.

۱۳- ﴿فِرَارًا﴾: فرار از جنگ در صف مسلمانها.

۱۴- ﴿مِّنْ أَقْطَارِهَا﴾: از اطراف و نواحی مدینه.

۱۴- ﴿سُيْلُوا الْفِتْنَةَ﴾: از آنها خواسته شود که با مسلمانها بجنگند.

۱۴- ﴿مَا تَلَبَّثُوا فِيهَا﴾: جنگ را به تأخیر نمی‌اندازند.

۱۷- ﴿يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ﴾: حکم و مشیت او را از شما دور می‌کند.

- ۱۸- ﴿الْمُعَوِّقِينَ﴾: گروهی از شما که مردم را از همکاری با رسول خدا منع می کردند.
- ۱۸- ﴿هَلُمَّ إِلَيْنَا﴾: پیش ما بیایید یا خود را به ما نزدیک بسازید.
- ۱۸- ﴿الْبَاسُ﴾: جنگ.
- ۱۹- ﴿أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ﴾: به چیزهای که در نفع شماست بخالت می کنند.
- ۱۹- ﴿يُعْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ﴾: از سختی مرگ بیهوش می شود.
- ۱۹- ﴿سَلَقُوكُمْ﴾: به شما طعنه می زنند و آزار می رسانند.
- ۱۹- ﴿بِالْأَسِنَّةِ جِدَادٍ﴾: با زبان درازی.
- ۱۹- ﴿أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ﴾: حریص بر مال و غنیمت.
- ۱۹- ﴿فَأَحْبَطَ اللَّهُ﴾: خدا باطل کرد.
- ۲۰- ﴿بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ﴾: با اعراب در بادیه بودند.
- ۲۱- ﴿أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: سرمشق نیکو در همه امور.
- ۲۳- ﴿قَضَىٰ نَحْبَهُ﴾: به پیمان خود وفا کردند یا جام شهادت نوشیدند.
- ۲۶- ﴿الَّذِينَ ظَلَمُواهُمْ﴾: یهود بنی قریظه که به احزاب کمک کردند.
- ۲۶- ﴿صِيَاصِيهِمُ﴾: از قلعه های مستحکم خود.
- ۲۶- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس شدید.
- ۲۸- ﴿أُمْتِعْكَ﴾: به شما متعه طلاق بدهم.
- ۲۸- ﴿أَسْرَحْكَ﴾: طلاقتان نمایم.
- ۲۸- ﴿سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾: طلاق حسن که ضرر و زیان در آن نیست.
- ۳۰- ﴿بِفَدْحَةٍ مُّبِينَةٍ﴾: گناه کبیره.
- ۳۱- ﴿مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ﴾: هرکه از شما فرمانبرداری کند.
- ۳۲- ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾: با مردان به لهجه نرم و با آب و تاب سخن نگویند.
- ۳۳- ﴿قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾: شما و دیگر زنان در خانه های خود بمانید.
- ۳۳- ﴿لَا تَبَرَّجْنَ﴾: زینتی را که ستر آن واجب است آشکار نسازید.

- ۳۳- ﴿الْجَهْلِيَّةِ الْأُولَى﴾: جاهلیت پیش از اسلام.
- ۳۳- ﴿الرَّجَسِ﴾: گناه یا نقص را.
- ۳۴- ﴿وَالْحِكْمَةِ﴾: سیرت پیامبر یا احکام قرآن.
- ۳۵- ﴿الْقَنَیْنِ﴾: مردانی که مطیع فرمان خدا هستند.
- ۳۶- ﴿الْخِیرَةُ﴾: اختیار.
- ۳۷- ﴿وَطَرًا﴾: حاجت خود را، کنایه از طلاق است.
- ۳۷- ﴿حَرْجٌ﴾: هیچ گناهی.
- ۳۷- ﴿أَدْعِيَائِهِمْ﴾: فرزند خوانده‌هایشان، قبل از نسخ فرزند خواندگی.
- ۳۸- ﴿فَرَضَ اللَّهُ لَهُ﴾: خدا بر او قسمت کرده یا مقدر گردانیده یا بر او حلال کرده.
- ۳۸- ﴿خَلَوْا مِنْ قَبْلُ﴾: پیامبرانی که پیش از تو گذشتند.
- ۳۹- ﴿حَسِبًا﴾: محاسب اعمال.
- ۴۲- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز.
- ۴۹- ﴿سَرَاخًا جَمِيلًا﴾: رها کردن نیکو و عاری از آزار و منع واجب.
- ۵۰- ﴿ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ﴾: مهرهای ایشان را داده‌ای.
- ۵۰- ﴿أَفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ﴾: خدا از راه غنیمت به تو داده است.
- ۵۱- ﴿تُرْجَى﴾: به تأخیر اندازی و همبستر نشوی.
- ۵۱- ﴿تُتَوَى إِلَيْكَ﴾: همدم خود کنی و با او همبستر شوی.
- ۵۱- ﴿أَبْتَغَيْتَ﴾: خواستی.
- ۵۱- ﴿عَزَلْتَ﴾: کنار زده‌ای.
- ۵۱- ﴿ذَلِكَ أَذَى أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ﴾: این که خودت را در مورد معاشرت با آنها مخیر ساختیم مایه مسرت و رضایت آنهاست چون می‌دانند این کار به دستور خداست.
- ۵۲- ﴿رَقِيبًا﴾: مراقب.
- ۵۳- ﴿غَيْرَ نَظِيرِينَ إِنَّهُ﴾: منتظر پختن غذا نباشید.

- ۵۳- ﴿فَانتَشِرُوا﴾: پراکنده شوید و در نزد او درنگ نکنید.
- ۵۳- ﴿سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا﴾: حاجت قابل استفاده را از آنها خواستید.
- ۵۶- ﴿يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾: بر پیامبر درود می‌فرستند.
- ۵۸- ﴿بُهِتْنَا﴾: کاربرد یا دروغ بسیار زشت.
- ۵۹- ﴿يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ﴾: بر خود بیندازند.
- ۵۹- ﴿جَلَبِيْهِنَّ﴾: چادرهای خود را.
- ۶۰- ﴿وَالْمُرْجُفُونَ﴾: آنهای که خبرهای دروغ را پخش می‌کنند.
- ۶۰- ﴿لِنُغْرِثَكَ بِهِمْ﴾: تو را بر آنها مسلط می‌کنیم.
- ۶۱- ﴿تُفْقُوا﴾: یافت شوند و به دست آیند.
- ۶۸- ﴿ضِعْفَيْنِ﴾: دو چند.
- ۶۹- ﴿وَجِيهًا﴾: با جاه و مقام و مستجاب الدعوه.
- ۷۰- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: سخن درست یا راست یا پیام‌آور حق.
- ۷۲- ﴿عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ﴾: تکالیف، اوامر و نواهی را عرضه کردیم.
- ۷۲- ﴿فَأَبَيْنَ﴾: نپذیرفتند.
- ۷۲- ﴿أَشَقَقْنَ مِنْهَا﴾: از خیانت در آن ترسیدند.

سوره سبأ

- ۲- ﴿مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ﴾: آنچه در زمین فرومی رود، باران و غیره.
- ۲- ﴿مَا يَرْجُ﴾: آنچه صعود می کند، فرشتگان و اعمال انسان.
- ۳- ﴿لَا يَعْزُبُ عَنْهُ﴾: از وی پوشیده و پنهان نمی ماند.
- ۳- ﴿مِثْقَالُ ذَرَّةٍ﴾: به اندازه کوچک ترین مورچه یا گرد و غبار.
- ۵- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: به گمان باطلشان بر ما سبقت گیرند و از عذاب ما نجات یابند.
- ۵- ﴿مِّن رَّجَرٍ﴾: بدترین و سخت ترین عذاب.
- ۷- ﴿مُرْقُتُمْ﴾: پاره پاره شدید و خاک گشتید.
- ۸- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: به جنون گرفتار شده سخنان بیهوده می گوید.
- ۹- ﴿نُحْشِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ﴾: آنها را مانند قارون به کام زمین فرومی بریم.
- ۹- ﴿كَيْسَفًا مِّنَ السَّمَاءِ﴾: پاره ای از آسمان مثل اصحاب ایکه.
- ۹- ﴿مُتَنِيْبٍ﴾: با توبه و طاعت به پرورگارش رجوع نماید.
- ۱۰- ﴿أَوْبَىٰ مَعَهُ﴾: با او در تسبیح هم صدا شوید.
- ۱۱- ﴿أَعْمَلُ سَبْعَتِ﴾: زره های کامل و فراخ بساز.
- ۱۱- ﴿وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ﴾: زره ها را مستحکم و حلقه ها را به اندازه و متناسب به هم بساز.
- ۱۲- ﴿عُدُوْهَا شَهْرٌ﴾: صبحگاه مسیر یکماه را طی می کرد.
- ۱۲- ﴿رَوَّاحُهَا شَهْرٌ﴾: شامگاه نیز مسیر یکماه را می پیمود.
- ۱۲- ﴿عَيْنَ الْقَطْرِ﴾: چشمه مس ذوب شده که مانند آب از زمین می جوشید.
- ۱۲- ﴿يَزِغُ مِنْهُمْ﴾: از آنها سرپیچی می کرد.
- ۱۳- ﴿مِن مَّحَرِّبٍ﴾: قصرها یا مسجدها.
- ۱۳- ﴿تَمَثَّلَ﴾: مجسمه ها از مس و چیزهای دیگر.

- ۱۳- ﴿جَفَانِ كَالْجَوَابِ﴾: کاسه‌های بزرگ مانند حوض‌های کلان.
- ۱۳- ﴿قُدُورٍ رَّاسِيَّتٍ﴾: دیک‌های بزرگ ثابت در جای خود.
- ۱۴- ﴿دَابَّةُ الْأَرْضِ﴾: موریانه که چوب را می‌خورد.
- ۱۴- ﴿تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾: عصای او را می‌خورد.
- ۱۵- ﴿لِسِيٍّ﴾: برای مردم سبا، قبیله‌ای است به یمن.
- ۱۵- ﴿ءَايَةٍ﴾: نشانه‌ای بر قدرت ما یا پند و عبرت است.
- ۱۵- ﴿جَتَّتَانِ﴾: دو باغ یا دو سلسله از باغ‌ها.
- ۱۵- ﴿بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ﴾: شهری است پاکیزه و فرحت‌آور.
- ۱۶- ﴿فَأَعْرَضُوا﴾: شکر و سپاس نکردند یا پیامبران خود را تکذیب کردند.
- ۱۶- ﴿سَيْلَ الْعَرِمِ﴾: سیلی که از اثر تخریب سد یا از باران شدید جاری شد.
- ۱۶- ﴿أَكْلٍ خَمَطٍ﴾: میوه‌های تلخ، ترش و زشت.
- ۱۶- ﴿أَثَلٍ﴾: نوعی از درخت گز.
- ۱۸- ﴿الْقَرَى﴾: قریه‌های شام.
- ۱۸- ﴿قَرَى ظَهْرَةٍ﴾: متصل و نزدیک به هم.
- ۱۸- ﴿قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ﴾: ما در میان این آبادی‌ها مسافت‌های نزدیک به هم تعیین کردیم.
- ۱۹- ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ﴾: آنها را اخبار سرگرم کننده و شگفت آور قرار دادیم.
- ۱۹- ﴿مَرَقْنَاهُمْ﴾: آنها را در سرزمین‌های مختلف پراکنده ساختیم.
- ۲۰- ﴿صَدَّقَ عَلَيْهِمْ﴾: درباره آنها به اثبات رساند.
- ۲۱- ﴿سُلْطَنٍ﴾: سلطه و غلبه به وسوسه و فریب.
- ۲۲- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن یک ذره از نفع و یا ضرر.
- ۲۲- ﴿ظَهِيرٍ﴾: یاور در آفرینش و تدبیر.
- ۲۳- ﴿فُزِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ﴾: از دل‌هایشان ترس و خوف دور شود.

- ۲۳- ﴿الْحَقُّ﴾: سخن حق را گفت، اجازه شفاعت.
- ۲۵- ﴿أَجْرَمْنَا﴾: خطاهای که ما انجام دادیم.
- ۲۶- ﴿يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾: بین ما داوری و حکم می کند.
- ۲۶- ﴿هُوَ الْفَتَّاحُ﴾: اوست قاضی و حاکم.
- ۲۷- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست، از ادعای مشارکت بتان به خدای یکتا خودداری کنید.
- ۲۸- ﴿كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾: به همه مردم.
- ۳۱- ﴿مَوْفُوفُونَ﴾: در محل حساب نگهداشته می شوند.
- ۳۱- ﴿يَرْجِعُ﴾: رد می کند و نسبت خطا می دهد.
- ۳۳- ﴿مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾: حیل‌های شبانه روزی شما مانع هدایت ما شد.
- ۳۳- ﴿أَنذَادًا﴾: همتاهای از مخلوقات و عبادتش نماییم.
- ۳۳- ﴿أَسْرُوا الدَّامَةَ﴾: ندامت را نهان داشتند یا اظهار کردند.
- ۳۳- ﴿الْأَغْلَلِ﴾: زنجیرهای که دست‌ها را به گردن می بندد.
- ۳۴- ﴿مُتْرَفُوها﴾: صاحبان ناز و نعمت و پیشوایان فاسد آنجا.
- ۳۶- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را بخواهد به مقتضای حکمت تنگ می کند.
- ۳۷- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیکی و تقرب.
- ۳۷- ﴿لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعِيفِ﴾: ثواب آنها دو چند است.
- ۳۷- ﴿فِي الْغُرْفَتِ﴾: در منزل‌های عالی بهشت.
- ۳۸- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: نگهبانان دوزخ آنها را حاضر می کنند.
- ۳۹- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: هرکه را بخواهد کم روزی می کند.
- ۴۱- ﴿أَنْتَ وَلَيْنَا﴾: تو یگانه یاور ماستی.
- ۴۳- ﴿إِلَّاكَ مُفْتَرَى﴾: دروغ ساختگی.
- ۴۵- ﴿مِعْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ﴾: یک دهم نعمت‌های که به آنها دادیم.

- ۴۵- ﴿كَانَ نَكِيرًا﴾: انکار من بر آنها با ویرانی و نابودیشان بود.
- ۴۶- ﴿مِّنْ جَنَّةٍ﴾: جنون.
- ۴۸- ﴿يَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را به باطل می افکند و نابودش می کند.
- ۵۱- ﴿فَرَعُوا﴾: هنگام مرگ یا رستاخیز بترسند.
- ۵۱- ﴿فَلَا فَوْتَ﴾: جای فرار و نجات از عذاب نیست.
- ۵۱- ﴿مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾: جای حساب.
- ۵۲- ﴿التَّائُوشِ﴾: بدست آوردن ایمان و توبه.
- ۵۲- ﴿مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾: آخرت.
- ۵۳- ﴿يَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ﴾: به گمان می گویند.
- ۵۴- ﴿بِأَشْيَاءِهِمْ﴾: با همتایان کافر آنها.
- ۵۴- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک و اضطراب آور.

سوره فاطر

- ۱- ﴿فَاطِرٍ﴾: ایجاد کننده.
- ۲- ﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ﴾: آنچه خدا بفرستد.
- ۳- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی برگردانده می شوند.
- ۵- ﴿فَلَا تَعْرَنَكُمْ﴾: آرایش و لذت های دنیا شما را نفریبد.
- ۵- ﴿الْعُرُورُ﴾: هر چه بفریبد و حيله کند از قبیل شیطان و غیره.
- ۸- ﴿فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ﴾: از غم و اندوه اینها که چرا در کفر روانند جانت از دست نرود.
- ۹- ﴿فَتُثِيرُ سَحَابًا﴾: باد ابرها را حرکت می دهد.
- ۹- ﴿النُّشُورُ﴾: زنده شدن مرده ها برای جزاء.
- ۱۰- ﴿يُرِيدُ الْعِزَّةَ﴾: شرف و قدرت می خواهد.

- ۱۰- ﴿الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾: کلمه توحید و تمام عبادت‌های که با زبان انجام می‌شود.
- ۱۰- ﴿الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾: خدا عمل صالح را بالا می‌برد و می‌پذیرد.^(۱)
- ۱۰- ﴿يَبُورُ﴾: باطل می‌گردد.
- ۱۱- ﴿أَزْوَاجًا﴾: ذکور و اناث.
- ۱۱- ﴿مُعَصَّرٍ﴾: عمر دراز.
- ۱۲- ﴿عَذْبُ فُرَاتٍ﴾: پاکیزه، شیرین و گوارا.
- ۱۲- ﴿سَائِغٌ شَرَابُهُ﴾: آبش گوارا و خوشمزه است.
- ۱۲- ﴿مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾: بسیار شور یا تلخ.
- ۱۲- ﴿حَلِیَّةٌ﴾: لؤلؤ و مرجان.
- ۱۲- ﴿مَوَاحِرَ﴾: بوسیله باد جاری هستند.
- ۱۳- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.
- ۱۳- ﴿لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: تا روز معین یعنی روز قیامت.
- ۱۳- ﴿قَطْمِرٍ﴾: پوست نازک هسته خرما.
- ۱۸- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...
- ۱۸- ﴿مُثْقَلَةً﴾: کسی که بار گناهش سنگین است.
- ۱۸- ﴿حَمْلَهَا﴾: بار گناهان سنگینش را.
- ۱۸- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و گناه پاکی اختیار کند.
- ۲۱- ﴿الْحُرُورُ﴾: گرمای شدید به شب مانند باد سوزان.

۱- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است. و قول دوم این است که کردار نیک، سخن نیک را بالا می‌برد، زیرا کردار، برهان راستین بودن انسان در سخن نیکش است. بنابراین، هرگاه کردار شخص سخنش را تصدیق کند و گردارش مطابق گفتارش باشد، شایسته و سزاوار این است که الله آن را بالا برده و بپذیرد. و این آیه یکی از بزرگ‌ترین حجت‌های اهل سنت علیه اهل بدعت در باب اثبات صفت علو الله متعال است. (نگاه: تفسیر ابن کثیر ۵/۵۷۲-۵۷۳). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۲۵- ﴿بِالْزُّبُرِ﴾: به کتابها مثل صحیفه ابراهیم و تورات موسی علیهما السلام.
- ۲۶- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: انکار من بر آنها به ویرانی و نابودی شان بود.
- ۲۷- ﴿جُدُدٌ﴾: راهها با رنگهای مختلف.
- ۲۷- ﴿غَرَابِيبُ سُودٌ﴾: نهایت سیاه مانند زاغ.
- ۲۹- ﴿لَنْ تَبُورَ﴾: کساد یا نابود نمی گردد.
- ۳۲- ﴿ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾: گناهانش بر حسناتش رجحان یابد.
- ۳۲- ﴿مُقْتَصِدٌ﴾: حسنات و گناهانش برابر باشد.
- ۳۲- ﴿سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ﴾: حسناتش بر گناهانش رجحان یابد.
- ۳۴- ﴿الْحَزَنُ﴾: هر چیز اندوه آور.
- ۳۵- ﴿دَارَ الْمُقَامَةِ﴾: بهشت.
- ۳۵- ﴿نَصَبٌ﴾: رنج و مشقت.
- ۳۵- ﴿لُغُوبٌ﴾: رنج از خستگی و ناتوانی.
- ۳۷- ﴿هُمْ يَصْطَرِحُونَ﴾: آنها به شدت فریاد می کنند و کمک می خواهند.
- ۳۹- ﴿جَعَلَكُمْ خَلِيفَ﴾: شما را جانشین گذشتگان قرار داده.
- ۳۹- ﴿مَقَاتًا﴾: غضب شدید، خواری و حقارت.
- ۴۰- ﴿أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ﴾: به من از شریکهای خود خبر دهید.
- ۴۰- ﴿أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ﴾: آیا آنها در آفرینش با خدا شریکند.
- ۴۰- ﴿عُرُورًا﴾: باطل یا فریب.
- ۴۲- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سخت ترین سوگند.
- ۴۲- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و فرار از حق.
- ۴۳- ﴿مَكْرَ السَّيِّ﴾: حيله گریهای ناشایست، در برابر پیامبر.
- ۴۳- ﴿لَا يَحِيقُ﴾: احاطه نمی کند یا نازل نمی شود.
- ۴۳- ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ﴾: انتظار ندارند.

۴۳- ﴿سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت گذشتگان را، سنت الهی که به جرم تکذیب انبیاء به عذاب گرفتار شوند.

سوره یس

- ۷- ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ﴾: سوگند به خدا که عذاب ثابت و حتمی شد.
- ۸- ﴿أَغْلَلَا﴾: زنجیرها که دست‌های آنها را به گردنشان می‌بندد.
- ۸- ﴿فَهُمْ مُّقَمَحُونَ﴾: سرهاشان را بالا گرفته‌اند و چشمانشان خیره است.
- ۹- ﴿سَدَّ﴾: حایل و مانعی.
- ۹- ﴿فَأَغْشَيْنَاهُمْ﴾: چشم‌های آنها را پرده پوشانده‌ایم.
- ۱۲- ﴿ءَاتَرَاهُمْ﴾: آنچه وضع کرده‌اند از نیکویها و زشتی‌ها.
- ۱۲- ﴿أُحْصَيْنَاهُ﴾: او را ثبت و حفظ نمودیم.
- ۱۲- ﴿إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾: اصل آشکار، لوح محفوظ.
- ۱۳- ﴿الْقَرْيَةِ﴾: انطاکیه.
- ۱۴- ﴿فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ﴾: آن دو را با فرستادن سومی قوت و نیرو بخشیدیم.
- ۱۸- ﴿تَطَيَّرْنَا بِكُمْ﴾: شما را فال بد گرفتیم.
- ۱۹- ﴿طَلَّيْرُكُمْ مَعَكُمْ﴾: شومی شما کفرتان است که پیوسته با خود شماست.
- ۱۹- ﴿أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ﴾: آیا اگر به شما پند و اندرز دهیم به فال بد می‌گیرید.
- ۲۰- ﴿يَسْعَى﴾: برای نصیحت قوم خود شتابان راه می‌رفت.
- ۲۲- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.
- ۲۳- ﴿لَا تُغْنِ عَنِّي﴾: از من دفع نخواهد کرد.
- ۲۹- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز کشنده از جانب آسمان.
- ۲۹- ﴿خَلِمْدُونَ﴾: مانند آتش خاموش شدند.
- ۳۰- ﴿يَلْحَسِرَةً﴾: وا دردا، وا حسرتا.
- ۳۱- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را هلاک ساختیم.

- ۳۱- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت‌ها.
- ۳۲- ﴿لَمَّا جَمِيعٌ﴾: همه بدون استثناء.
- ۳۲- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: آنها را برای حساب و جزا احضار می‌کنیم.
- ۳۴- ﴿فَجَرَرْنَا فِيهَا﴾: در زمین جاری ساختیم.
- ۳۶- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: گروه‌ها را آفرید.
- ۳۷- ﴿نَسَلْخُ مِنْهُ النَّهَارَ﴾: روشنی آفتاب را از شب دور می‌کنیم.
- ۳۹- ﴿كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾: مانند شاخه خشک و کهن درخت خرما.
- ۴۰- ﴿لَا اللَّيْلُ﴾: نه آیت شب، ماه.
- ۴۰- ﴿سَابِقُ النَّهَارِ﴾: سبقت کننده است از نشانه روز، از آفتاب.
- ۴۰- ﴿يَسْبَحُونَ﴾: گسترده سیر می‌کنند یا می‌چرخند.
- ۴۱- ﴿ذُرِّيَّتَهُمْ﴾: فرزندان و ناتوانان آنها را.
- ۴۱- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان و سایر حیوانات.
- ۴۳- ﴿فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ﴾: هیچ کس نیست که آنها را از غرق نجات دهد.
- ۴۹- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفخه مرگ.
- ۴۹- ﴿هُمْ يَخْصِمُونَ﴾: آنها بی‌خبر و با یکدیگر در خصومت و ستیزند.
- ۵۱- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.
- ۵۱- ﴿الْأَجْدَاثِ...﴾: قبرها... ﴿يَنْسِلُونَ﴾: در بیرون آمدن می‌شتابند.
- ۵۳- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز، نفخه بعث.
- ۵۳- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: برای حساب و جزا احضارشان می‌کنیم.
- ۵۵- ﴿فِي شُغْلٍ﴾: نعمت‌های بزرگ آنها را به خود مشغول و از چیزهای دیگر غافل کرده است.
- ۵۵- ﴿فَلْيَكْفُوهُنَّ﴾: با لذت‌های فراوان شادند.
- ۵۶- ﴿عَلَى الْأَرْيَافِ﴾: بر تخت‌ها در حجله‌ها.

- ۵۷- ﴿لَهُمْ مَا يَدْعُونَ﴾: هر چه آرزو می کنند و یا می طلبند برای آنها می رسد.
- ۵۹- ﴿أَمْتَرُوا﴾: از مسلمانان جدا شوید.
- ۶۰- ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ﴾: آیا به شما امر نکرده بودم یا شما را مکلف نساخته بودم.
- ۶۲- ﴿جِبَلًا﴾: گروهی یا جماعتی بسیاری را.
- ۶۴- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در آن داخل شوید یا رنج و سختی آن را بکشید.
- ۶۶- ﴿لَطَمَسْنَا﴾: محو و ناپدید کنیم.
- ۶۶- ﴿فَأَسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ﴾: بشتابند و از یکدیگر پیشی گیرند.
- ۶۶- ﴿فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾: پس چگونه راه را می بینند؟
- ۶۷- ﴿عَلَىٰ مَكَاتِبِهِمْ﴾: در محل گناهشان.
- ۶۸- ﴿مَنْ نُعَمِّرْهُ﴾: هر که را عمر دراز دهیم.
- ۶۸- ﴿نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ﴾: او را به ارزل عمر برمی گردانیم.
- ۷۲- ﴿ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾: چارپای را برای انسان رام نمودیم.
- ۷۵- ﴿وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ﴾: بتها سپاه آماده کافران هستند همه را یکجا بخاطر عذاب در جهنم احضار می کنیم.
- ۷۷- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: در دشمنی و ستیز کوشاست.
- ۷۸- ﴿هِيَ رَمِيمٌ﴾: این استخوانها پوسیده اند.
- ۸۱- ﴿بَلَىٰ﴾: بله، او تواناست که امثال اینها را بیافریند.
- ۸۳- ﴿مَلَكُوتٌ﴾: پادشاهی کامل.

سوره صافات

- ۱- ﴿وَالصَّفَّاتِ صَفًّا﴾: قسم به گروه‌های که برای عبادت صف می کشند.
- ۲- ﴿فَالزَّجْرَتِ زَجْرًا﴾: و قسم به آنهای که با گفتار و کردار از ارتکاب معاصی منع می کنند.

- ۳- ﴿فَالْتَلَيْتَ ذِكْرًا﴾: قرآن را برای آموختن تلاوت می کنند.
- ۴- ﴿إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ﴾: یقیناً خدای شما یکتاست، جواب قسم.
- ۷- ﴿شَیْطَانٍ مَّارِدٍ﴾: شیطان نافرمان و متمرّد.
- ۸- ﴿يُقْدِفُونَ﴾: تیر باران می شوند.
- ۹- ﴿دُحُورًا﴾: دور کرده می شوند.
- ۹- ﴿عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾: عذاب دائمی.
- ۱۰- ﴿خَطَفَ الْخَطْفَةَ﴾: سخنی را دزدانه به سرعت بشنود.
- ۱۰- ﴿شِهَابٌ﴾: شعله ای که به نظر می رسد، مانند ستاره از آسمان فرود می آید.
- ثاقِبٌ: روشن کننده یا سوزان.
- ۱۱- ﴿طِينٍ لَّازِبٍ﴾: گل با هم چسبیده.
- ۱۲- ﴿بَلْ عَجِبْتَ﴾: تو از قدرت خدا برآفرینش و انکار اینها به رستاخیز تعجب می کنی.
- ۱۲- ﴿يَسْخَرُونَ﴾: ولی آنها به تعجب تو تمسخر می کنند.
- ۱۴- ﴿يَسْتَسْخَرُونَ﴾: در تمسخر و استهزاء افراط می کنند.
- ۱۸- ﴿أَنْتُمْ دَاخِرُونَ﴾: شما بیچاره و ذلیل باشید.
- ۱۹- ﴿رَجْرَجَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک صدا، نفخه رستاخیز.
- ۲۰- ﴿يَوِيلَنَا﴾: ای مرگ زودتر بیا.
- ۲۰- ﴿يَوْمُ الدِّينِ﴾: روز جزا و حساب.
- ۲۲- ﴿أَرْوَاهُمْ﴾: امثال آنها یا همنشین های آنها را.
- ۲۴- ﴿فَقَوَّهُمْ﴾: اینها را در میدان حساب نگهدارید.
- ۳۰- ﴿قَوْمًا طَٰغِينَ﴾: گروه نافرمان.
- ۳۱- ﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا﴾: بر ما ثابت و حتمی شده است.
- ۳۲- ﴿فَاغْوَيْنَكُمْ﴾: شما را به گمراهی دعوت کردیم و پذیرفتید.

- ۴۰- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که خدا آنها را برای طاعت خود برگزیده است.
- ۴۵- ﴿يَكْأْسٍ﴾: شراب یا پیاله شراب.
- ۴۵- ﴿مِّنْ مَّعِينٍ﴾: از شرابی که از چشمه‌ها جاری می‌شود.
- ۴۷- ﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ﴾: ضررهای که در شراب دنیا است در آن نیست.
- ۴۷- ﴿عَنْهَا يُزْفَوْنَ﴾: به سبب آن مست می‌شوند و خردشان زایل می‌گردد.
- ۴۸- ﴿فَلَصِرَتْ الظُّرُفُ﴾: زیبا رویان بهشتی که غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی‌کنند.
- ۴۸- ﴿عَيْنٌ﴾: چشمان بزرگ در کمال زیبایی.
- ۴۹- ﴿بَيْضٌ مَّكْنُونٌ﴾: تخم مرغ‌های پوشیده، گردی هم بر آنها نرسیده است.
- ۵۳- ﴿لَمَدِينُونَ﴾: محاسبه و جزاء داده می‌شویم.
- ۵۵- ﴿سَوَاءٌ الْجَحِيمُ﴾: میانه دوزخ.
- ۵۶- ﴿إِنْ كِدْتَ لِتُردِّينَ﴾: نزدیک بود مرا گمراه و نابود کنی.
- ۵۷- ﴿الْمُحْضَرِّينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ مانند خودت.
- ۶۲- ﴿خَيْرٌ تَزَلًا﴾: مهمانی، اکرام و لذت است.
- ۶۲- ﴿شَجَرَةُ الزُّقُومِ﴾: خبیث‌ترین درختی که در دوزخ می‌روید.
- ۶۳- ﴿فِتْنَةً لِّلظَّالِمِينَ﴾: بلا و عذابی است بر ستمگران در آخرت.
- ۶۴- ﴿أَصْلُ الْجَحِيمِ﴾: قعر جهنم.
- ۶۵- ﴿ظَلَعُهَا﴾: میوه آن که مانند خوشه خرماست.
- ۶۵- ﴿كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾: مانند سرهای شیاطین، تمثیل است برای نهایت زشتی.

۶۷- ﴿لَشَوْبًا﴾: مخلوطی.

۶۷- ﴿مِّنْ حَمِيمٍ﴾: از آب جوشان.

۷۰- ﴿عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾: به شتاب به دنبال پدرانسان رانده می‌شوند.

- ۸۳- ﴿مِنْ شِيعَتِهِ﴾: از کسانی که اندیشه و راه نوح را دنبال کردند.
- ۸۶- ﴿أَيُّفَكَّا﴾: آیا باطل و دروغی؟
- ۸۸- ﴿فَنَظَرُ﴾: همچو کاملان به دقت نگرست.
- ۸۹- ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾: من بیمارم، مرادش این بود که قلبش از مشاهده کفر آنها بیمار است.
- ۹۱- ﴿فَرَاغَ إِلَى الْهَتِيمِ﴾: نهانی به سوی بتها رفت تا آنها را بشکند.
- ۹۳- ﴿ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾: آنها را به شدت کوبید.
- ۹۴- ﴿يَزِفُونَ﴾: به شتاب می آمدند.
- ۱۰۱- ﴿بِعُلَمٍ حَلِيمٍ﴾: به نوجوانی بردبار، بسیاری از عالما ترجیح داده اند که اسماعیل عليه السلام است.
- ۱۰۲- ﴿بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيُ﴾: به مرتبه ای رسید که همراه پدر نیازمندی های او را انجام دهد.
- ۱۰۳- ﴿أَسْلَمَا﴾: به امر خدا تسلیم شدند.
- ۱۰۳- ﴿تَلَّهُ لِلْجَبِينِ﴾: او را خوابانید و جبینش را بر خاک نهاد.
- ۱۰۶- ﴿الْبَلَاؤُا الْمُبِينُ﴾: آزمون روشن یا بلای آشکار است.
- ۱۰۷- ﴿بِذَبْحٍ﴾: به قوچی که ذبح شود.
- ۱۲۵- ﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا﴾: آیا بعل را پرستیش می کنید، نام بت است.
- ۱۲۷- ﴿لَمُحْضَرُونَ﴾: آنها را فرشتگان در دوزخ حاضر می کنند.
- ۱۳۰- ﴿إِلَ يَاسِينَ﴾: الیاس یا او و پیروانش.
- ۱۳۵- ﴿فِي الْغَدِيرِ﴾: از باقی ماندگان در عذاب.
- ۱۳۶- ﴿دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ﴾: بقیه را هلاک کردیم.
- ۱۳۷- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.
- ۱۴۰- ﴿أَبَقَ﴾: گریخت. ﴿الْمُشْحُونِ﴾: پر.
- ۱۴۱- ﴿فَسَاهَمَ﴾: اهل کشتی قرعه زدند.

- ۱۴۱- ﴿الْمُدْحَضِينَ﴾: از مغلوب شدگان به قرعه.
- ۱۴۲- ﴿فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ﴾: ماهی او را بلعید.
- ۱۴۲- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: او کار ملامت آور انجام داده بود.
- ۱۴۳- ﴿الْمُسَبِّحِينَ﴾: بسیار تسبیح می گفت.
- ۱۴۵- ﴿فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ﴾: او را به سرزمین پهناور افکندیم.
- ۱۴۶- ﴿يَقْطِينِ﴾: همین کادوی معروف و گفته شده چیز دیگر است.
- ۱۵۱- ﴿إِنكِهِمْ﴾: دروغ شان بر خدا.
- ۱۵۳- ﴿أَصْطَفَى﴾: اختیار کرده، استفهام توییخی است.
- ۱۵۶- ﴿سُلْطَنٌ﴾: دلیل روشن.
- ۱۵۸- ﴿الْجِنَّةِ﴾: فرشتگان یا شیاطین.
- ۱۵۸- ﴿إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾: بدون شک کافرها به دوزخ حاضر کرده می شوند.
- ۱۶۲- ﴿عَلَيْهِ بَئْتَيْنِ﴾: هیچ کس را نمی توانید فاسد و از خدا دور نمایید.
- ۱۶۳- ﴿صَالِ الْجَحِيمِ﴾: اهل دوزخ.
- ۱۶۵- ﴿الصَّافُونَ﴾: ما خود در مقام عبادت به صف ایستاده ایم.
- ۱۶۶- ﴿الْمُسَبِّحُونَ﴾: خدا را از آنچه سزاوار جلالت او نیست پاکیزه می دانیم.
- ۱۷۷- ﴿بِسَاحَتِهِمْ﴾: به ساحت منزل آنها مراد خود آنهاست.
- ۱۸۰- ﴿رَبِّ الْعِزَّةِ﴾: پروردگار توانا.

سوره ص

۱- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: قسم به قرآن. جواب قسم: واقعیت امر چنانچه شما می پندارید نیست.

۱- ﴿ذِي الْذِكْرِ﴾: امور مورد نیاز در دین را بیان می کند.

۲- ﴿عِزَّةٍ﴾: از پذیرش حق تکبر و سرپیچی می کنند.

- ۲- ﴿شِقَاقٌ﴾: در مخالفت و دشمنی با خدا و رسول او هستند.
- ۳- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را نابود کردیم.
- ۳- ﴿قَرْنٍ﴾: امتهای.
- ۴- ﴿فَنَادَوْا﴾: هنگام مشاهده عذاب فریاد کردند.
- ۴- ﴿لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ﴾: آن وقت، مجال خلاصی و فرار نیست.
- ۵- ﴿عُجَابٌ﴾: شگفت انگیز.
- ۶- ﴿الْمَلَأُ مِنْهُمْ﴾: سران کفار قریش.
- ۶- ﴿أَمْشُوا﴾: به دین خود رفتار نمایید.
- ۷- ﴿الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ﴾: آیین قریش.
- ۷- ﴿أَخْتَلَقُ﴾: دروغ و افترای خود اوست.
- ۱۰- ﴿الْأَسْبَبِ﴾: وسایل رفتن به آسمان.
- ۱۱- ﴿جُنْدٌ مَّا﴾: آنها گروه حقیرند «ما» زاید است.
- ۱۱- ﴿هَنَالِكُ﴾: روز فتح مکه یا بدر.
- ۱۲- ﴿ذُو الْأَوْتَادِ﴾: صاحب لشکرها یا ساختمان‌های مستحکم.
- ۱۳- ﴿أَصْحَبُ لُيْكَةِ﴾: ساکنان دیار پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.
- ۱۵- ﴿مَا يَنْظُرُ﴾: انتظار نمی‌کشند.
- ۱۵- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفخه رستاخیز.
- ۱۶- ﴿قِطْنًا﴾: سهم ما را از غذایی که وعده داده‌ای.
- ۱۷- ﴿ذَا الْأَيْدِ﴾: دارای نیرو در دین و عبادت.
- ۱۷- ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: به فرمان خدا رجوع می‌کرد.
- ۱۸- ﴿بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾: شام و چاشت.
- ۲۰- ﴿شَدَدْنَا مُلْكَهُ﴾: با اسباب قوت و نیرو، پادشاهی و قدرتش را افزودیم.
- ۲۰- ﴿ءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ﴾: برای او نبوت، دانش و عمل درست دادیم.

- ۲۰- ﴿فَصَلِّ الْخُطَابِ﴾: دانش فیصله خصومت‌ها.
- ۲۱- ﴿تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾: از دیوار مسجد بلند شدند و به نزد او آمدند.
- ۲۲- ﴿بَغَى بَعْضُنَا﴾: یکی از ما ستم کرده است.
- ۲۲- ﴿لَا تُشْطِطْ﴾: بی‌انصافی نکن.
- ۲۲- ﴿سَوَاءٍ الصِّرَاطِ﴾: راه راست که حقیقت است.
- ۲۳- ﴿أَكْفَلْنِيهَا﴾: آن را به من بده تا از او سرپرستی کنم.
- ۲۳- ﴿عَزَّنِي فِي الْخُطَابِ﴾: در اظهار حجت بر من فشار آورده و سخت گرفته است.
- ۲۴- ﴿الْخُلَطَاءِ﴾: شریکها.
- ۲۴- ﴿فَتَنَّهُ﴾: او را آزموده‌ایم.
- ۲۴- ﴿خَرَّ رَاكِعًا﴾: به خدا سجده کرد.
- ۲۴- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.
- ۲۵- ﴿لَزُلْفَى﴾: قربت و منزلت است.
- ۲۵- ﴿حُسْنِ مَآبَ﴾: در آخرت سرانجام نیکو دارد، بهشت.
- ۲۷- ﴿بَطِلًا﴾: بیهوده و عبث.
- ۲۷- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا وادی است در جهنم.
- ۳۰- ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: به درگاه خدا همواره با توبه رجوع می‌کرد.
- ۳۱- ﴿بِالْعَشِيِّ﴾: بعد از زوال تا غروب.
- ۳۱- ﴿الصَّافِنْتُ﴾: اسب‌های که به سه پا و نوک سم چهارم ایستاد شوند.
- ۳۱- ﴿الْحَيَادُ﴾: اسبان تیز و سبقت گیرنده بر دشمن.
- ۳۲- ﴿أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ﴾: علاقه‌مندی به اسبها را ترجیح دادم.
- ۳۲- ﴿عَنْ ذِكْرِ رَبِّي﴾: بر ادای نماز عصر.

- ۳۲- ﴿تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾: آفتاب غروب کرد یا در تاریکی شب اسبها از نظرش نهان شد.
- ۳۳- ﴿رُدُّوْهَا عَلَیَّ﴾: اسبها را نزد من بیاورید.
- ۳۳- ﴿فَطَفِقَ مَسْحًا بِالْسُوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾: سپس به منظور تقرب به خدا به بریدن سر و ساق اسبها شروع کرد، این کار در آیین او مشروع بود.
- ۳۴- ﴿فَتَنَّا سُلَيْمَانَ﴾: سلیمان را آزمودیم و مجازات کردیم.
- ۳۴- ﴿جَسَدًا﴾: انسان ناقص خلقت را که همسرش به دنیا آورده بود.
- ۳۴- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.
- ۳۶- ﴿رُخَاءَ حَيْثُ أَصَابَ﴾: نرم یا فرمانبردار هر جا که بخواهد.
- ۳۷- ﴿غَوَاصٍ﴾: برای استخراج نفایس غواصی می کردند.
- ۳۸- ﴿الْأَصْفَادَ﴾: غل که دستها را به گردنها می بندد.
- ۳۹- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: در هیچ کدام از این دو امر محاسبه نمی شوی.
- ۴۰- ﴿لَزُلْفَى﴾: قربت و منزلت است.
- ۴۰- ﴿حُسْنِ مَّآبٍ﴾: سرانجام نیکوست در آخرت.
- ۴۱- ﴿بِئْصَابٍ وَعَذَابٍ﴾: به سختی و مشقت، رنج و عذاب.
- ۴۲- ﴿أَرْكُضَ بِرَجْلِكَ﴾: پای خود را بر زمین بزن.
- ۴۲- ﴿هَذَا مُغْتَسَلٌ﴾: این چشمه است خود را شستشوکن، در آن شفای تو است.
- ۴۴- ﴿ضِعْفًا﴾: یک دسته شاخه درخت یا خوشه خرماى نارس.
- ۴۵- ﴿أُولَى الْأَيْدَى﴾: دارای نیرو در طاعت خدا.
- ۴۵- ﴿وَالْأَبْصَرِ﴾: و بیصرت در دین و دانش.
- ۴۶- ﴿أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ﴾: آنها را به خصلت نیک ویزگی بخشیدیم.
- ۵۲- ﴿قَلَصِرْتُ الظَّرْفِ﴾: بجز از شوهران خود به کسی نگاه نمی کنند.
- ۵۲- ﴿أَثْرَابَ﴾: همه جوان و هم سن و سال هستند.

- ۵۴- ﴿تَقَادِرُ﴾: فنا ناپذیر.
- ۵۵- ﴿لَشَرَّ مَآبٍ﴾: بازگشت بد است.
- ۵۶- ﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا﴾: به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌کشند.
- ۵۶- ﴿فَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جای بد است.
- ۵۷- ﴿حَمِيمٌ﴾: آب جوشان است.
- ۵۷- ﴿عَسَاقُ﴾: ریمی که از بدن دوزخیان جاری می‌شود.
- ۵۸- ﴿ءَاخَرُ﴾: عذاب دیگر.
- ۵۸- ﴿مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ﴾: مانند این عذابهای دیگر هم است.
- ۵۹- ﴿هَذَا فَوْجٌ﴾: این جماعت انبوه پیروان گمراه شماست.
- ۵۹- ﴿مُقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ﴾: با شما یکجا وارد دوزخ می‌شوند.
- ۵۹- ﴿لَا مَرْحَبًا بِهِمْ﴾: خوش نیامدند و آسایش نبینند.
- ۵۹- ﴿صَالُوا النَّارِ﴾: در دوزخ داخل خواهند شد یا سختی‌های آن را خواهند چشید.
- ۶۰- ﴿فَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾: جهنم بر همه آنها جای بسیار بد است.
- ۶۳- ﴿أَتُخَذْنَاهُمْ سِحْرِيًّا﴾: آیا ما آنها را در دنیا به استهزا گرفتیم، کار ما نادرست بوده؟
- ۶۳- ﴿زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ﴾: چشم ما به آنها نمی‌افتد و جای آنها را نمی‌بینیم.
- ۶۹- ﴿بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى﴾: به فرشتگان.
- ۶۹- ﴿إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾: زمانی که در مورد آدم و خلقت او اختلاف داشتند.
- ۷۲- ﴿سَوِيَّتُهُ﴾: آفرینش او را به صورت انسان به تمام رساندم.
- ۷۲- ﴿سَجْدِينَ﴾: سجده تحیت و سلام.
- ۷۵- ﴿الْعَالِينَ﴾: مستحق بزرگی، نه هرگز چنین نیست.
- ۷۷- ﴿رَجِيمٌ﴾: دور از خبر.

- ۷۹- ﴿فَأَنْظِرْنِي﴾: مهلتم بده و زنده‌ام بمان.
- ۸۱- ﴿يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: روز نفخه اول.
- ۸۲- ﴿فَبِعِزَّتِكَ﴾: قسم به توانایی و قدرت.
- ۸۲- ﴿لَا أُغْوِيَنَّهُمْ﴾: با آراستن گناه به چشم آنها گمراه‌شان می‌کنم.
- ۸۶- ﴿الْمُتَكَلِّفِينَ﴾: از تظاهر کنندگان و سخن سازان نسبت به خدا.
- ۸۸- ﴿نَبَأُهُ﴾: صدق اخبار او را.

سوره زمر

- ۲- ﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾: طاعت و عبادت را خالص برای او.
- ۳- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیک گردانیدن.
- ۴- ﴿سُبْحَنَهُ﴾: خدا از اختیار فرزند پاک و منزّه است.
- ۵- ﴿يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ﴾: شب را بر روز می‌پیچد مانند لباس بر انسان پس روز نهان و تاریکی ظاهر می‌گردد.
- ۶- ﴿أَنْزَلَ لَكُمْ﴾: برای شما آفرید.
- ۶- ﴿مِّنَ الْأَنْعَامِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۶- ﴿ظَلَمْتَ ثَلَاثَ﴾: سه تاریکی، تاریکی بطن، رحم و مشیمه.
- ۶- ﴿فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او روگردان می‌شوید؟
- ۷- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...
- ۸- ﴿مُنِيبًا إِلَيْهِ﴾: به فریاد و زاری به خدا رجوع می‌کند.
- ۸- ﴿حَوْلَهُ نِعْمَةٌ﴾: از فضل و احسان به او نعمت بزرگ بدهد.
- ۸- ﴿أَنْدَادًا﴾: همتایانی و آنها را عبادت می‌کند.
- ۹- ﴿هُوَ قَنِيتٌ﴾: وی عابد و مطیع فرمان خداست.
- ۹- ﴿ءَانَاءَ اللَّيْلِ﴾: ساعت‌های از شب.

- ۱۰- ﴿يَغْيِرْ حِسَابٍ﴾: بی‌نهایت یا فراوان.
- ۱۶- ﴿ظُلُلٌ مِّنَ النَّارِ﴾: طبقه‌های متراکم دوزخ.
- ۱۷- ﴿أَجْتَنَّبُوا الطُّغُوتَ﴾: از بتها و معبودهای باطل اجتناب کردند.
- ۱۷- ﴿أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ﴾: به عبادت خدا رجوع کردند.
- ۱۹- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب و ثابت شد.
- ۲۰- ﴿لَهُمْ عُرْفٌ﴾: در جنت برای آنها قصرهای عالی است.
- ۲۱- ﴿فَسَلَكَهُ يَنْبِيعٌ﴾: پس آن را در چشمه‌ها و مجراها وارد نمود.
- ۲۱- ﴿يَهِيحُ﴾: خشک می‌شود.
- ۲۱- ﴿يَجْعَلُهُ حُطْلًا﴾: آن را شکسته و ریزه ریزه می‌کند.
- ۲۲- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۲۳- ﴿أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾: رساترین و راست‌ترین سخن را، قرآن.
- ۲۳- ﴿كِتَابًا مُّتَشَدِّهًا﴾: کتابی که بعضی از آن مشابه برخی دیگر است در اعجاز، هدایت و خصوصیات دیگر.
- ۲۳- ﴿مَّثَانِي﴾: در آن احکام، موعظه‌ها، قصه‌ها و غیره به تکرار بیان شده است.
- ۲۳- ﴿تَفْشَعِرُ مِنْهُ﴾: از وعیدهای قرآن می‌لرزد و مضطرب می‌شود.
- ۲۳- ﴿تَلِينُ جُلُودَهُمْ﴾: پوست‌های آنها آرامش می‌یابد.
- ۲۶- ﴿الْحِزْيِ﴾: ذلت و خواری را.
- ۲۸- ﴿عَوَجٍ﴾: اختلافی و اختلالی.
- ۲۹- ﴿شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ﴾: شریکان بدخوکه همواره با هم در نزاع هستند.
- ۲۹- ﴿سَلَمًا لِّرَجُلٍ﴾: تنها از یک نفر باشد.
- ۳۲- ﴿مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾: جایگاهی برای کافران.
- ۳۸- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۳۸- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: در همه امور خدا مرا بس است.

- ۳۹- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: توانایی خود.
- ۴۰- ﴿يُخْزِيهِ﴾: ذلیلش گرداند.
- ۴۰- ﴿يَحِلُّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب شود.
- ۴۲- ﴿يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ﴾: جان را قبض می‌کند.
- ۴۴- ﴿لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾: هیچ کس در حضور خدا شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او.
- ۴۵- ﴿أَشْمَأَزَّتْ﴾: از یکتا پرستی متنفر و دلیگر شود.
- ۴۶- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ای آفریدگار...
- ۴۷- ﴿يَحْتَسِبُونَ﴾: گمان می‌کردند و انتظارش را داشتند.
- ۴۸- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کند یا بر آنها فرود آید.
- ۴۹- ﴿خَوَّلَنَاهُ نِعْمَةً﴾: از فضل و احسان به او نعمتی بدهیم.
- ۴۹- ﴿هِيَ فِتْنَةٌ﴾: آن نعمت آزمایشی است.
- ۵۱- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانند فرار نمایند.
- ۵۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هرکه را بخواهد به روی حکمتی کم می‌کند.
- ۵۳- ﴿أَسْرَفُوا﴾: در ارتکاب معاصی از حد تجاوز کردند.
- ۵۳- ﴿لَا تَقْنَطُوا﴾: نومید نشوید.
- ۵۳- ﴿الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾: همه گناهان را به جز از شرک.
- ۵۴- ﴿أَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾: با توبه و طاعت به خدای خود رجوع کنید.
- ۵۴- ﴿أَسْلِمُوا لَهُ﴾: او تعالی را به اخلاص عبادت کنید.
- ۵۵- ﴿بَعَثَ﴾: ناگهان.
- ۵۶- ﴿يَحْشَرُونِ﴾: وای اندوه بی‌کران، وای ندامت و پشیمانی.
- ۵۶- ﴿فَرَطْتُ﴾: کوتاهی کردم.
- ۵۶- ﴿فِي جَنبِ اللَّهِ﴾: در طاعت، اجرای دستور و حق او تعالی.

- ۵۶- ﴿السَّخِرِينَ﴾: اسلام، آقران و مسلمانان را به استهزا می گرفتند.
- ۵۸- ﴿كَرَّةٍ﴾: بازگشت به دنیا.
- ۶۰- ﴿مَتَوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾: جای متکبران.
- ۶۱- ﴿بِمَقَارَتِهِمْ﴾: به سبب دست یافتن ایشان به مطلوب.
- ۶۳- ﴿لَّهُمْ مَقَالِيدُ...﴾: کلیدها یا خزانه‌های... از آن اوست.
- ۶۵- ﴿لَا يَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ﴾: عملت باطل می گردد.
- ۶۷- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ...﴾: خدا را نشناختند یا به عظمت او پی نبردند...
- ۶۷- ﴿قَبَضْتُهُ﴾: در توان و تصرف اوست.
- ۶۷- ﴿مَطْوِيَّتٌ بِيَمِينِهِ﴾: به قدرت خدا در هم پیچیده می شوند، مانند پیچاندن نویسنده نامه را.
- ۶۸- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می دمَد، در نفخه اول.
- ۶۸- ﴿فَصَعِقَ﴾: بمیرد.
- ۶۹- ﴿وُضِعَ الْكِتَابُ﴾: نامه اعمال انسان داده شود.
- ۷۱- ﴿زُمَرًا﴾: گروه‌های پراکنده و پی در پی.
- ۷۱- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و ثابت شد.
- ۷۳- ﴿طِبْتُمْ﴾: از لوث گناه پاک شدید.
- ۷۴- ﴿صَدَقْنَا وَعْدَهُ﴾: نعمت‌های که به ما وعده داده بود وفا کرد.
- ۷۴- ﴿تَنَبَّأُوا﴾: جای می گیریم.
- ۷۵- ﴿حَاقِّينَ﴾: احاطه کرده اند.

سوره غافر

- ۳- ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ﴾: گناه مسلمانان را می پوشاند.
- ۳- ﴿قَابِلِ التَّوْبِ﴾: توبه هر گناه کار را می پذیرد.
- ۳- ﴿ذِي الطَّوْلِ﴾: توانگر یا دارای فضل، انعام و احسان.
- ۴- ﴿فَلَا يَغْرُرُكَ﴾: تو را نفریبد.
- ۴- ﴿تَقْلُبُهُمْ﴾: رفت و آمد پر منفعت آنها زیرا این استدراج است.
- ۵- ﴿لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾: تا بوسیله باطل حق را نابود کنند.
- ۶- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و مقرر شد به نابود ساختن.
- ۷- ﴿سَبِيلَكَ﴾: راه هدایت، اسلام.
- ۷- ﴿وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾: آنها را از عذاب جحیم نگهدار.
- ۹- ﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ﴾: آنها را از گناه یا از عذاب آن نگهدار.
- ۱۰- ﴿لَمَقْتُ اللَّهِ﴾: دشمنی و غضب شدید خدا بر شما.
- ۱۲- ﴿تُؤْمِنُوا﴾: باور می کردید.
- ۱۳- ﴿يُنِيبَ﴾: با تفکر در آیات رجوع می کند.
- ۱۵- ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ﴾: آسمانها را بر فراز هم افراشته است.
- ۱۵- ﴿يُلْقِي الرُّوحَ﴾: وحی یا قرآن یا جبریل را می فرستد.
- ۱۵- ﴿يَوْمَ التَّلَاقِ﴾: روز اجتماع در محشر.
- ۱۶- ﴿بَرِزُونَ﴾: از قبرها آشکار بیرون می آیند و هیچ چیز آنها را پنهان نمی کند.
- ۱۸- ﴿يَوْمَ الْأَرْفَةِ﴾: روز نزدیک، روز قیامت.
- ۱۸- ﴿الْحَنَاجِرِ﴾: حلقها.
- ۱۸- ﴿حَمِيمٍ﴾: دوست مشفق که به آنها اهمیت بدهد.

- ۱۹- ﴿خَايِنَةٌ أَلْأَعْيُنِ﴾: نگاه خائنانه را.
- ۲۱- ﴿وَاقٍ﴾: مدافعی که از آنها عذاب را دور کند.
- ۲۵- ﴿أَسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ﴾: دختران آنها را برای خدمت زنده بگذارید.
- ۲۵- ﴿ضَلَّلِ﴾: نابودی و بطلان.
- ۲۷- ﴿عُدْتُ بِرَبِّي﴾: به خدایم پناه گرفتم.
- ۲۹- ﴿ظَهَرِينَ﴾: پیروز و برترید.
- ۲۹- ﴿بِأَيْسَ اللَّهِ﴾: عذاب و انتقام خدا.
- ۲۹- ﴿مَا أُرِيكُمْ﴾: شما را راهنمایی نمی‌کنم.
- ۳۰- ﴿الْأَحْزَابِ﴾: ملت‌های گذشته که علیه انبیاء یاور هم بودند.
- ۳۱- ﴿دَابِ قَوْمِ نُوحٍ﴾: عادت آنها در تکذیب پیامبران.
- ۳۲- ﴿يَوْمَ التَّنَادِ﴾: روز قیامت، در آن روز مردم را به محشر می‌خوانند.
- ۳۳- ﴿عَاصِمٍ﴾: دفاع کننده.
- ۳۴- ﴿مُرْتَابٍ﴾: شک و تردید کننده در دین و یگانگی خدا.
- ۳۵- ﴿بِغَيْرِ سُلْطَنِ﴾: بدون دلیل.
- ۳۵- ﴿كَبْرَ مَقْتًا﴾: جدال بدون دلیل آنها دشمنی بزرگ است.
- ۳۶- ﴿صَرْحًا﴾: قصری یا ساختمان بلند و نمایان.
- ۳۶- ﴿أَبْلُغُ الْأَسْبَبِ﴾: به درها یا به راه‌ها برسم.
- ۳۷- ﴿تَبَابٍ﴾: تباهی و نابودی.
- ۴۰- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: اعطای رازق مطلق بی‌نهایت است.
- ۴۳- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و ثابت است یا در حقیقت.
- ۴۳- ﴿مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ﴾: باز گشت ما بعد از مرگ به سوی خداست که همه را کیفر و پاداش می‌دهد.
- ۴۵- ﴿حَاقٍ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.

- ۴۶- ﴿غُدُوًّا وَعَشِيًّا﴾: صبح و شام یا دایم در برزخ.
- ۴۷- ﴿مُغْنُونَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می کنید یا به جای ما بر می دارید.
- ۵۱- ﴿يَقُومُوا لَاشْهَادٍ﴾: فرشتگان، پیامبران و مؤمنان به شهادت برخیزند.
- ۵۲- ﴿مَعَذِرَتُهُمْ﴾: بهانه یا عذر خواهی ایشان.
- ۵۵- ﴿بِالْعِثَّةِ وَالْإِنْبَكْرِ﴾: هر صبح و شام یا دایم.
- ۵۶- ﴿مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ﴾: هرگز به اسباب کبر و بزرگ نمایی نخواهند رسید.
- ۶۰- ﴿دَاخِرِينَ﴾: باپستی و حقارت.
- ۶۲- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی منحرف می شوید؟
- ۶۳- ﴿يُؤْفَكُ﴾: از توحید حق منحرف می شوند.
- ۶۴- ﴿الْأَرْضَ قَرَارًا﴾: زمین را محل زندگی و آرامش.
- ۶۴- ﴿السَّمَاءَ بَنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشته مانند قبه بالای سر شما.
- ۶۴- ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فراوان است.
- ۶۶- ﴿أَن أَسْلِمَ﴾: که فرمانبردار باشم یا دین خود را خالص گردانم.
- ۶۷- ﴿لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت برسید.
- ۶۸- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: اراده ایجاد کاری را بکند.
- ۶۹- ﴿أَنِّي يُصْرَفُونَ﴾: چگونه از آیات با همه راستی و وضاحت آنها منحرف ساخته می شوند؟
- ۷۱- ﴿الْأَغْلَلِ﴾: زنجیرهای که دستها و گردن ها را با هم می بندد.
- ۷۲- ﴿الْحَمِيمِ﴾: آب جوشان.
- ۷۲- ﴿يُسْجَرُونَ﴾: سوزانده می شوند یا دوزخ از آنها پر می شود.
- ۷۵- ﴿تَفَرَّحُونَ﴾: سرمستی و تکبر می نمودید.
- ۷۵- ﴿تَمْرَحُونَ﴾: بسیار کبر می کردید.
- ۷۶- ﴿مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾: جایگاه متکبران.

- ۸۰- ﴿حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ﴾: به چیزهای مهمی که به آن ارزش قایلید.
- ۸۲- ﴿فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ﴾: از آنها دفع نکرد و به آنها نفع نرسانید.
- ۸۳- ﴿مِّنَ الْعِلْمِ﴾: از دانش به امور دنیا، دین را مسخره می کردند.
- ۸۳- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر آنها فرود آمد.
- ۸۴- ﴿رَأَوْاْ بَاسَنَا﴾: شدت عذاب ما را در دنیا مشاهده کردند.
- ۸۵- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته است.

سورة فصلت

- ۳- ﴿فُصِّلَتِ ءَايَاتُهُ﴾: آیات آن دسته بندی شده است یا به روشنی بیان شده است.
- ۵- ﴿فِيْ اَكْثَرِ﴾: از خلقت در پوششی است که مانع فهم و درک می شود.
- ۵- ﴿وَقُرْ﴾: سنگینی است که مانع شنیدن می گردد.
- ۵- ﴿حِجَابٌ﴾: پرده ای ضخیمی است که مانع سازگاری ما با تو می شود.
- ۶- ﴿فَاسْتَقِمْوْاْ اِلَيْهِ﴾: با طاعت و عبادت متوجه او تعالی باشید.
- ۶- ﴿وَيَلِّ لِلْمُشْرِكِيْنَ﴾: بر مشرکین هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید باد.
- ۸- ﴿غَيْرُ مَمْنُوْنٍ﴾: جاودانی.
- ۹- ﴿اَنْدَادًا﴾: همتایانی از مخلوقات و آنها را پرستش می کنید.
- ۱۰- ﴿رَوَّاسِيْ﴾: کوه های استوار که مانع تکان زمین می شوند.
- ۱۰- ﴿بَرَكَ فِيْهَا﴾: منافع و خیر زمین را بسیار کرد. ﴿اَقْوَتَهَا﴾: مواد غذایی و مصالح زندگی ساکنان زمین را.
- ۱۰- ﴿فِيْ اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ﴾: در چهار روز تمام.
- ۱۱- ﴿اَسْتَوٰی﴾: قصد ساختن کرد.
- ۱۱- ﴿هِيَ دُخَانٌ﴾: او از ماده شبیه دود ساخته شده بود.
- ۱۱- ﴿اَتَيْنَا﴾: دستورات مرا به جا کنید.

- ۱۲- ﴿فَقَضَّاهُنَّ﴾: پس آنها را ساخت.
- ۱۲- ﴿حِفْظًا﴾: آن را از آفات، نیکو حفظ کردیم.
- ۱۳- ﴿أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً﴾: شما را از عذاب شدید و کشنده بر حذر می‌دارم.
- ۱۶- ﴿رِيحًا صَرْصَرًا﴾: باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- ۱۶- ﴿أَيَّامٍ نَّحْسَاتٍ﴾: روزهای شوم یا روزهای پر غبار و خاک باد.
- ۱۶- ﴿أَخْرَى﴾: ذلت و اهانت شدید.
- ۱۷- ﴿فَهَدَيْنَهُمْ﴾: راه‌های گمراهی و هدایت را به آنها نشان دادیم.
- ۱۷- ﴿الْعَذَابِ الْهُونِ﴾: عذاب ذلت‌آور.
- ۱۹- ﴿فَهُمْ يُورَعُونَ﴾: گروه‌های پیشرو را نگه می‌دارند تا گروه‌های دنبال برسند.
- ۲۲- ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ﴾: هنگام ارتکاب گناه خود را پنهان نمی‌کردید.
- ۲۲- ﴿أَنْ يَشْهَدَ...﴾: از ترس شهادت دادن...
- ۲۲- ﴿ظَنَنْتُمْ﴾: هنگام پنهان داشتن از مردم باور داشتید.
- ۲۲- ﴿كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ﴾: بسیاری از اعمالی را که در پنهان انجام می‌دادید.
- ۲۳- ﴿أَرَدْنَكُمْ﴾: شما را نابود کرد.
- ۲۴- ﴿مَنْوَى لَهُمْ﴾: اقامتگاه دائمی آنهاست.
- ۲۴- ﴿إِنْ يَسْتَعْجِبُوا﴾: اگر در آن روز رضای پروردگار خود را بجویند.
- ۲۴- ﴿مِّنَ الْمُعْتَبِينَ﴾: از آنها که خواسته‌شان پذیرفته شود.
- ۲۵- ﴿فَيُضْنَا لَهُمْ﴾: برای آنها گماشتیم و مهیا کردیم.
- ۲۵- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعید عذاب بر آنها تحقق یافت.
- ۲۶- ﴿وَالْعَوُفُ فِيهِ﴾: هنگام قرائت قرآن سخنان بیهوده بگویید.
- ۲۹- ﴿الْأَسْفَلِينَ﴾: در قعر دوزخ.
- ۳۰- ﴿أَسْتَقْمُوا﴾: به اعتقاد، عمل و اخلاص در راه حق پایداری کردند.
- ۳۱- ﴿مَا تَدْعُونَ﴾: آنچه در خواست و آرزو کنید.

- ۳۲- ﴿نُزُلًا﴾: روزی یا مهمانی یا بخشش.
- ۳۴- ﴿وَلِيَّ حَمِيمٍ﴾: دوست نزدیکی است که به تو اهمیت می دهد.
- ۳۵- ﴿مَا يُلْقَاهَا﴾: به این خصلت نیکو نایل نمی شود.
- ۳۶- ﴿يَنْزَعَنَّكَ﴾: به تو برسد یا مانع تو گردد.
- ۳۶- ﴿نَزْعٌ﴾: وسوسه ای یا مانع شونده ای.
- ۳۸- ﴿لَا يَسْمُونَ﴾: از تسبیح گفتن به ستوه نمی آیند.
- ۳۹- ﴿الْأَرْضُ خَشِعَةً﴾: زمین را خشک، آرام و بی سبزه و گیاه.
- ۳۹- ﴿أَهْزَتْ﴾: به سبزه و گیاه به جنب و جوش می آید.
- ۳۹- ﴿رَبَّتْ﴾: بالا می آید.
- ۴۰- ﴿يُلْحِدُونَ﴾: از حق و راستی منحرف می شوند.
- ۴۴- ﴿قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا﴾: قرآن به زبان عجم چنانچه پیشنهاد می کنند.
- ۴۴- ﴿لَوْلَا فَصَّلَتْ ءَايَاتُهُ﴾: چرا این قرآن به زبانی که ما آشناسیم بیان نشد.
- ۴۴- ﴿ءَاَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ﴾: آیا کتابی که به زبان عجم است به پیامبری که عرب است نازل شد.
- ۴۴- ﴿فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرْ﴾: در گوش های ایشان کری است که مانع شنیدن قرآن می شود.
- ۴۵- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۴۷- ﴿أَكْمَامِهَا﴾: پوسته اش.
- ۴۷- ﴿ءَاذَنَّاكَ﴾: تو را خبر دادیم و آگاه ساختیم.
- ۴۸- ﴿ظَنُّوْا﴾: یقین دانستن.
- ۴۸- ﴿مُحْيِصٍ﴾: جای فرار و گریز از عذاب.
- ۴۹- ﴿لَا يَسْمُ الْإِنْسَانُ﴾: انسان مانده نمی شود.
- ۴۹- ﴿دُعَاءِ الْحَيْرِ﴾: طلب عافیت و فراوانی نعمت.

- ۴۹- ﴿فَيَعُوْذُ فَنُوحُ﴾: از فضل و رحمت خدا نومید است.
- ۵۰- ﴿هَذَا لِي﴾: این حق من است من به لیاقت خود سزاوارش هستم.
- ۵۰- ﴿عَذَابٍ غَلِيْظٍ﴾: عذاب شدید و دایمی.
- ۵۱- ﴿نَعَايَجْنِيْهِ﴾: با تکبر از شکر و سپاس دوری گزیند.
- ۵۱- ﴿دُعَاءٍ عَرِيْضٍ﴾: دعای بسیار و مداوم.
- ۵۳- ﴿الْاَفَاقِ﴾: کرانه‌های آسمان‌ها و زمین.
- ۵۴- ﴿فِي مَرِيَّةٍ﴾: در شکند.

سوره شوری

- ۵- ﴿يَتَفَطَّرْنَ﴾: از عظمت و جلال خدا پاره پاره شوند.
- ۶- ﴿اَوْلِيَاءَ﴾: معبودهای که به کمک آنها باور دارند.
- ۷- ﴿اللَّهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ﴾: خدا مراقب اعمال و پاداش دهنده آنهاست.
- ۷- ﴿بِوَكِيْلٍ﴾: امور آنها به تو سپرده شده باشد.
- ۷- ﴿اُمَّ الْقُرَى﴾: مکه یعنی اهالی آنجا را.
- ۷- ﴿يَوْمَ الْجُمُعِ﴾: روز قیامت.
- ۱۰- ﴿اِلَيْهِ اُنِيْبُ﴾: در همه حال به درگاه او رجوع می‌کنم.
- ۱۱- ﴿فَاطِرُ...﴾: آفریننده...
- ۱۱- ﴿مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا﴾: همسرانی از جنس خودتان.
- ۱۱- ﴿مِّنَ الْاَنْعَمِ اَزْوَاجًا﴾: از چارپایان نر و ماده.
- ۱۱- ﴿يَذَرُوْكُمْ فِيْهِ﴾: به سبب ازدواج تعداد شما را زیاد می‌کند.
- ۱۲- ﴿لَهُ مَقَالِيْدُ﴾: کلیدها یا خزانه‌ها از آن اوست.
- ۱۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: به حکمت بالغه روزی هرکه را بخواهد تنگ می‌کند.
- ۱۳- ﴿شَرَعَ لَكُمْ﴾: راه روشن را به شما آشکار کرد.

- ۱۳- ﴿مَا وَصَّيْ﴾: آیینی که امر کرده و موظف ساخته بود.
- ۱۳- ﴿اقِيمُوا الدِّينَ﴾: دین توحید را به پادارید، اسلام.
- ۱۳- ﴿كَبُرَ...﴾: بزرگ و دشوار است...
- ۱۳- ﴿يُحْتَجَى﴾: برمی گزیند.
- ۱۳- ﴿يُنِيبُ﴾: به او رجوع می کند و به طاعت او رو می آورد.
- ۱۴- ﴿بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾: از دشمنی یا از دنیا طلبی.
- ۱۴- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۱۵- ﴿أَسْتَقِمُّ﴾: به راه راست و روشن ادامه بده.
- ۱۵- ﴿لَا حُجَّةَ﴾: به خصومت و بیان حجت مجال نماند برای این که حق به ظهور پیوست.
- ۱۶- ﴿أَسْتُجِيبَ لَهُ﴾: مردم دین خدا را پذیرفتند و به آن گردن نهادند.
- ۱۶- ﴿حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً﴾: دلیل آنها باطل و ناپایدار است.
- ۱۷- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت و راستی در حقوق را.
- ۱۸- ﴿مُسْتَفْقُونَ مِنْهَا﴾: با این که به آن توجه دارند از آن هراسانند.
- ۱۸- ﴿يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ﴾: در وقوع قیامت مجادله می کنند یا شک دارند.
- ۱۹- ﴿لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾: به بندگان خود مهربان است.
- ۲۰- ﴿حَرَّتِ الْأَخِرَةُ﴾: ثواب آخرت را.
- ۲۱- ﴿كَلِمَةُ الْفَصْلِ﴾: حکم قطعی به تأخیر عذاب تا روز آخرت.
- ۲۲- ﴿رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾: زیباترین، پاکیزه ترین و نزهت افزاترین ساحه بهشت.
- ۲۳- ﴿يَقْتَرِفُ حَسَنَةً﴾: طاعت ورزد.
- ۲۷- ﴿لَبِغُوا﴾: طغیان یا ستم می نمودند.
- ۲۷- ﴿يُزِيلُ بَقْدَرٍ﴾: به اندازه ای که حکیم توانا بخواهد می فرستد.
- ۲۸- ﴿قَنَظُوا﴾: از بارش آن نومید شدند.

- ۲۹- ﴿بَثَّ فِيهِمَا﴾: در آسمان و زمین پراکنده ساخته است.
- ۳۱- ﴿يُعْجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانید فرار نمایید.
- ۳۲- ﴿الْجَوَارِ﴾: کشتی‌هاست.
- ۳۲- ﴿كَأَلَّا عَالِمَ﴾: مانند کوه‌ها یا کاخ‌های بلند.
- ۳۳- ﴿فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ﴾: کشتی‌ها ساکن و بی‌حرکت می‌شوند.
- ۳۴- ﴿يُوبِقُهُنَّ﴾: آنها را یا کسانی که در آنها هستند غرق می‌کند.
- ۳۵- ﴿فَحِصَّ﴾: جای فرار و نجات از عذاب.
- ۳۷- ﴿وَالْفَوَاحِشَ﴾: زشت‌ترین گناهان.
- ۳۸- ﴿أَمْرُهُمْ شُورَى﴾: در کارهای خود با هم مشوره می‌کنند.
- ۳۹- ﴿أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ﴾: ظلم و ستم بر آنها برسد.
- ۳۹- ﴿يَنْتَصِرُونَ﴾: از کسی که به آنها ظلم کرده انتقام می‌گیرند و تجاوز نمی‌کنند.
- ۴۲- ﴿يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین فساد یا سرکشی می‌کنند.
- ۴۵- ﴿خَاشِعِينَ﴾: کوچک و حقیر.
- ۴۵- ﴿يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾: از شدت ترس دزدانه نگاه می‌کنند.
- ۴۷- ﴿تَكْبِيرٍ﴾: از گناهان خود انکار کنید.
- ۴۸- ﴿فَرَحَ بِهَا﴾: بخاطر آن متکبر و خودپسند می‌شود.
- ۵۲- ﴿رُوحًا﴾: قرآن یا نبوت یا جبریل را.
- ۵۲- ﴿الْإِيمَانُ﴾: قوانین گسترده‌ای که تنها به وسیله وحی آن را شناختی.
- ۵۲- ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾: دین راست و درست، اسلام.

سورة زخرف

- ۴- ﴿أَمْ أَلِکْتَبِ﴾: لوح محفوظ یا علم ازلی.
- ۵- ﴿أَفَنضْرُبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ﴾: آیا از اتمام حجت و پند و اندرز شما با قرآن صرف نظر کنیم.
- ۵- ﴿صَفْحًا﴾: به سبب اعراض از شما.
- ۵- ﴿أَنْ کُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ﴾: به علت این که شما در جهالت و گمراهی افراط می کنید؟ نه، هرگز ترک نکنیم.
- ۶- ﴿کَمْ أَرْسَلْنَا﴾: بسیار فرستادیم.
- ۶- ﴿فِی الْأَوَّلِينَ﴾: به سوی ملت های گذشته.
- ۸- ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- ۸- ﴿مَثَلُ الْأَوَّلِينَ﴾: او صاف یا داستان شگفت انگیز پیشینیان.
- ۱۰- ﴿الْأَرْضَ مَهْدًا﴾: زمین را فرش گسترده برای استقرار بر آن.
- ۱۰- ﴿سُبُلًا﴾: راه های رفت و آمد یا اسباب زندگانی.
- ۱۱- ﴿مَاءً یَّقْدَرِ﴾: آب را به اندازه ضرورت.
- ۱۱- ﴿فَأَنْشَرْنَا بِهِ﴾: پس به وسیله آب زنده کردیم.
- ۱۲- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: انواع و اقسام مخلوقات را آفرید.
- ۱۲- ﴿وَالْأَنْعَامَ﴾: و از چارپایان از قبیل شتر.
- ۱۳- ﴿لِتَسْتَوُوا﴾: تا قرار بگیرد.
- ۱۳- ﴿سَخَّرَ﴾: رام کرد.
- ۱۳- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: توانا و غالب یا نگهدارنده.
- ۱۶- ﴿أَصْفَلْکُمْ بِالْبَنِينَ﴾: پسران را برای شما برگزیده است.
- ۱۷- ﴿مَثَلًا﴾: مثل و مانند.

- ۱۷- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: قلبش پر از خشم و اندوه است.
- ۱۸- ﴿يُنْشَوُا فِي الْحِلْيَةِ﴾: در زینت و نعمت پرورش می‌یابد، دختران.
- ۱۸- ﴿فِي الْخِصَامِ﴾: در خصومت.
- ۲۰- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: هر چه می‌گویند دروغ می‌گویند.
- ۲۲- ﴿عَلَى أُمَّةٍ﴾: بر آیین و روشی.
- ۲۳- ﴿قَالَ مُتَرَفُّوْهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت و غرق شهوات آن دیار گفتند.
- ۲۶- ﴿إِنِّي بَرَاءٌ﴾: من بیزارم.
- ۲۷- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.
- ۲۸- ﴿كَلِمَةً بَاقِيَةً﴾: کلمه توحید یا بیزاری از بت پرستی را.
- ۲۸- ﴿فِي عَقِبِهِ﴾: در نسل خود تا روز قیامت.
- ۳۱- ﴿مِّنَ الْقَرِيبَيْنِ﴾: از یکی از این دو قریه، مکه و طایف.
- ۳۲- ﴿سُخْرِيًّا﴾: فرمان بردار و خدمتکار.
- ۳۳- ﴿أُمَّةً وَاحِدَةً﴾: یک ملت، از محبت دنیا همه کافر شوند.
- ۳۳- ﴿مَعَارِجَ﴾: نردبانها و پلکان رفیع از نقره.
- ۳۳- ﴿يُظْهَرُونَ﴾: بالا می‌شدند.
- ۳۵- ﴿زُخْرُفًا﴾: طلا یا آراسته و مزین.
- ۳۵- ﴿لَمَّا مَتَّع...﴾: مگر متاع...
- ۳۶- ﴿مَنْ يَعِشْ﴾: کسی که روی برگرداند و غافل شود.
- ۳۶- ﴿نُقِصَّ لَهُ﴾: برای او آماده کنیم.
- ۳۶- ﴿لَهُ قَرِينٌ﴾: همنشینی که هیچ گاه از او جدا نشود.
- ۴۴- ﴿إِنَّهُ لَذِكْرٌ﴾: قرآن شرف بزرگ است.
- ۴۹- ﴿بِمَا عَاهَدَ عِنْدَكَ﴾: به اساس عهدی که با تو بسته، دور داشتن راه راست یافتگان از عذاب.

- ۵۰- ﴿يَنْكُثُونَ﴾: پیمان خود را که به راه نیک می‌روند، می‌شکنند.
- ۵۲- ﴿هُوَ مِهِنٌ﴾: او کوچک و حقیر است.
- ۵۲- ﴿يُبِينُ﴾: از لکنت زبان سخن را روشن بیان کند.
- ۵۳- ﴿مُقْتَرِنِينَ﴾: همراه با او که تصدیقش نمایند.
- ۵۴- ﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمُهُ﴾: قوم خود را سبک عقل یافت.
- ۵۵- ﴿ءَاسْفُونَا﴾: با این کارها ما را سخت خشمگین ساختند.
- ۵۶- ﴿سَلَفًا﴾: سرمشق کافران در استحقاق عذاب.
- ۵۶- ﴿مَثَلًا لِلْآخِرِينَ﴾: پند و عبرت به کافران بعد از آنها.
- ۵۷- ﴿مِنْهُ يَصُدُّونَ﴾: بخاطر آن از خوشحالی فریاد می‌کشند.
- ۵۸- ﴿قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾: گروهی ستیزه‌گرند.
- ۵۹- ﴿مَثَلًا﴾: نشانه و عبرتی شگفت‌انگیز، مانند مثل، زبان زد همه.
- ۶۰- ﴿لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ﴾: به جای شما قرار می‌دادیم.
- ۶۱- ﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ﴾: نزول عیسی علیه السلام نشانه نزدیکی قیامت است.
- ۶۱- ﴿فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا﴾: در آمدن قیامت شک نکنید.
- ۶۵- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۶۶- ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ﴾: آیا انتظار خواهند کشید.
- ۶۶- ﴿بَغْتَةً﴾: ناگهان.
- ۶۷- ﴿الْأَخِلَّاءُ﴾: دوستان غیر خدایی.
- ۷۰- ﴿مُخْبِرُونَ﴾: شاد و خندان باشید.
- ۷۱- ﴿أَكْوَابٍ﴾: صراحی‌ها.
- ۷۵- ﴿لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ﴾: عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد.
- ۷۵- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: خاموشند یا از نومیدی بسیار اندوهگینند.
- ۷۷- ﴿لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ﴾: کاش خدایت ما را بکشد تا از این عذاب خلاص شویم.

- ۷۹- ﴿أَمْ أَمْرًا مَرًّا﴾: بلکه در برابر پیامبر دست به دسیه قوی زدند.
- ۸۰- ﴿نَجْوَاهُمْ﴾: سخنان آسته آنها را که با هم می گویند.
- ۸۳- ﴿يَخُوضُوا﴾: در باطل فروروند.
- ۸۴- ﴿فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ﴾: او خدای آسمان هاست.
- ۸۵- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر است یا خیر و احسانش فراوان است.
- ۸۷- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او تعالی منحرف می شوند.
- ۸۸- ﴿قِيلَ﴾: خدا از گفتار پیامبر آگاه است.
- ۸۹- ﴿فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ﴾: از آنها دور شو.
- ۸۹- ﴿سَلَّمَ﴾: کار من متارکه و دوری از شماست.

سوره دخان

- ۳- ﴿لَيْلَةٍ مُّبَرَكَهٖ﴾: شب قدر از ماه رمضان.
- ۴- ﴿فِيهَا يُفْرَقُ﴾: در آن شب فیصله و بیان می شود.
- ۴- ﴿أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾: کارهای مهم یا با حکمت.
- ۱۰- ﴿فَارْتَقِبْ﴾: پس در انتظار شک کنندگان باش.
- ۱۰- ﴿بِذِّخَانٍ﴾: دودی، کنایه از گرفتاری آنها به خشکسالی و گرسنگی است.
- ۱۱- ﴿يَغْشَى النَّاسَ﴾: مردم را احاطه کند.
- ۱۳- ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى﴾: چگونه پند بگیرند؟
- ۱۴- ﴿مُعَلَّمٌ﴾: انسانی به او آموخته است.
- ۱۶- ﴿يَوْمَ نَبْطِشُ﴾: روزی که به شدت بگیریم، روز بدر یا قیامت.
- ۱۷- ﴿فَتَنَّا﴾: آزمودیم.
- ۱۸- ﴿أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ﴾: بنی اسرائیل را به من بسپارید.
- ۱۹- ﴿لَا تَعْلُوا﴾: برتری نجوید یا افترا نکنید.

- ۱۹- ﴿يَسْلُطْنَ﴾: دلیل روشن به صدق گفتارم.
- ۲۰- ﴿إِنِّي عَذْتُ بِرَبِّي﴾: من به خدای خود پناه گرفتم.
- ۲۰- ﴿تَرْجُمُونَ﴾: به من آزار برسانید یا مرا با سنگ بکشید.
- ۲۳- ﴿فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا﴾: شب هنگام بنی اسرائیل را با خود ببر.
- ۲۳- ﴿إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾: فرعون و لشکرش دنبال شما می آیند.
- ۲۴- ﴿الْبَحْرَ رَهَوًا﴾: دریا را آرام یا شکافته.
- ۲۴- ﴿جُنْدٌ﴾: گروهی.
- ۲۷- ﴿نِعْمَةً﴾: ناز و نعمت یا زیبایی و لذت های زندگی.
- ۲۷- ﴿فَلَکَهِینَ﴾: آسوده و مرفه.
- ۲۹- ﴿مَا کَانُوا مُنْظَرِینَ﴾: عذاب آنها تا وقت دیگر مهلت نمی یابد.
- ۳۱- ﴿كَانَ عَلِیًّا﴾: متکبر و سرکش بود.
- ۳۲- ﴿الْعَلَمِینَ﴾: جهانیان دوران خود.
- ۳۳- ﴿بَلَّغُوا مَیِّنَ﴾: آزمایش یا نعمت آشکار بود.
- ۳۵- ﴿بِمُنْشَرِینَ﴾: بعد از مرگ زنده نمی شویم.
- ۳۷- ﴿قَوْمٌ تَبَعَ﴾: قوم ابوکرب حمیری پادشاه یمن.
- ۴۰- ﴿یَوْمَ الْفَصْلِ﴾: روز قیامت و حساب.
- ۴۱- ﴿لَا یُعْنِ مَوْلًی...﴾: هیچ دوست و قریبی نمی تواند دفاع کند...
- ۴۳- ﴿شَجَرَتِ الزُّقُومِ﴾: خبیث ترین درخت که در دوزخ می روید.
- ۴۵- ﴿كَالْمُهْلِ﴾: مانند دُرد روغن زیتون یا فلز ذوب شده.
- ۴۶- ﴿الْحَمِیمِ﴾: آب جوشان.
- ۴۷- ﴿فَاعْتَلَوْهُ﴾: او را به تندی و قهر بکشید.
- ۴۷- ﴿سَوَاءٍ الْجَحِیمِ﴾: میانه دوزخ.
- ۵۰- ﴿بِهِ تَمَتَّرُونَ﴾: در باره آن شک داشتید و مجادله می کردید.

- ۵۳- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نازک.
- ۵۳- ﴿سَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۵۴- ﴿زَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عَيْنٍ﴾: زنان سفید چهره و زیبا چشم بهشتی را همدم و همراز آنها می‌کنیم.
- ۵۵- ﴿يَدْعُونَ فِيهَا﴾: در بهشت طلب می‌کنند.
- ۵۹- ﴿فَارْتَقِبْ﴾: منتظر عذاب بر آنها باش.
- ۵۹- ﴿إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾: آنها هم انتظار دارند که به تو چیزی برسد.

سوره جاثیه

- ۴- ﴿يُبْتُ﴾: پخش و پراکنده می‌سازد.
- ۵- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيحِ﴾: تغییر جهت وزش و احوال بادها.
- ۷- ﴿وَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۷- ﴿أَفَاكُ أَثِيمٍ﴾: دروغگوی سر تا پا گناه.
- ۹- ﴿أَتَّخَذَهَا هُزُوًا﴾: او را مسخره می‌کند.
- ۱۰- ﴿لَا يُغْنِي عَنْهُمْ﴾: از آنها دفاع نمی‌کند.
- ۱۱- ﴿رَجَزٍ﴾: عذاب شدید.
- ۱۴- ﴿لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾: انتظار آمدن عذاب الهی بر دشمنانش را ندارند.
- ۱۷- ﴿بَغِيًّا بَيْنَهُمْ﴾: از حسد و دشمنی با یکدیگر.
- ۱۸- ﴿شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾: راه و روش روشن از امر دین.
- ۱۹- ﴿لَن يُّغْنُوا عَنْكَ﴾: هرگز از تو دور نخواهند کرد.
- ۲۰- ﴿بَصَرٍ لِّلنَّاسِ﴾: دلایل روشنی است که راه نجات را به مردم نشان می‌دهد.
- ۲۱- ﴿أَجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ﴾: گناه کردند و کفر ورزیدند.
- ۲۳- ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.

- ۲۳- ﴿غِشَوَةٌ﴾: پرده تا راه درست را نبیند.
- ۲۸- ﴿جَائِيَةً﴾: از شدت ترس بر زانو در آمده.
- ۲۸- ﴿كِتَبِهَا﴾: نامه اعمالش.
- ۲۹- ﴿نَسْتَنْسِخُ...﴾: فرشتگان را به نوشتن امر کرده بودیم...
- ۳۳- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: فرود می آید یا آنها را احاطه می کند.
- ۳۴- ﴿نَنْسَلُكُمْ﴾: شما را در عذاب می گذاریم.
- ۳۴- ﴿مَأْوَنُكُمْ النَّارُ﴾: جایگاه شما دوزخ است.
- ۳۵- ﴿غَرَّتْكُمْ...﴾: شما را فریفت...
- ۳۵- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی شود که برگردند و خوشنودی خدا را بدست آورند.
- ۳۷- ﴿لَهُ الْكِبْرِيَاءُ﴾: جاه و جلال و فرمانروایی مخصوص اوست.

سوره احقاف

- ۳- ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین، روز قیامت.
- ۴- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۴- ﴿لَهُمْ شُرُكٌ﴾: شرک با خدا دارند.
- ۴- ﴿أَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ﴾: اثر علمی از گذشتگان نزد شماست.
- ۸- ﴿تُفَيْضُونَ فِيهِ﴾: به طعن و تکذیب قرآن می پردازید.
- ۹- ﴿مَا كُنْتُ بِدْعًا﴾: من چیز نوی نیاوردم.
- ۱۰- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید حال شما چه خواهد بود.
- ۱۱- ﴿إِفْكٌ قَدِيمٌ﴾: دروغ دیرینه.
- ۱۵- ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم.
- ۱۵- ﴿كُرْهًا﴾: به سختی و مشقت.

- ۱۵- ﴿حَمْلُهُ وَفَصْلُهُ﴾: مدت حمل او و از شیر جدا شدنش.
- ۱۵- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و عقل خود برسد.
- ۱۵- ﴿رَبِّ أَوْزَعْنِي﴾: پرودگارا به من الهام کن و کمکم نما.
- ۱۷- ﴿أَفِ لَكُمْ﴾: از شما دلتنگ شدم، سخن دلتنگ کننده و ناپسند، از امری اظهار آزرده‌گی کردن.
- ۱۷- ﴿أَنْ أُخْرِجَ﴾: بعد از مرگ زنده می‌شوم.
- ۱۷- ﴿خَلَّتِ الْأَقْرُونُ﴾: ملت‌ها از جهان رفتند و هیچ کدام دو باره زنده نشدند.
- ۱۷- ﴿وَيَلِكْ﴾: وای بر تو تباه‌شدی، مراد تشویق او به اسلام است.
- ۱۷- ﴿ءَامِنٌ﴾: به خدا و رستاخیز ایمان بیاور.
- ۱۷- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: سخنان باطلی که در کتب آنها نوشته است.
- ۱۸- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعده عذاب بر آنها لازم و ثابت شد.
- ۱۸- ﴿قَدْ خَلَتْ﴾: گذشته‌اند.
- ۲۰- ﴿عَذَابَ الْهُونِ﴾: عذاب، خواری و ذلت.
- ۲۱- ﴿أَخَا عَادٍ﴾: برادر قوم عاد، هود را.
- ۲۱- ﴿بِالْأَحْقَافِ﴾: به احقاف، وادیی است بین عُمان و سرزمین مَهْرَه.
- ۲۲- ﴿لِتَأْفِكُنَا﴾: تا ما را برگردانی یا با دروغ دور کنی.
- ۲۴- ﴿عَارِضًا﴾: ابری گسترده در افق.
- ۲۵- ﴿تُدْمِرُ﴾: هلاک می‌کند.
- ۲۶- ﴿مَكَّنَهُمْ﴾: ایشان را قوت و شوکت داده بودیم.
- ۲۶- ﴿فِيمَا إِنْ مَكَّنَكُمُ﴾: نیروی آنها را به شما ندادیم.
- ۲۶- ﴿فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ﴾: پس از آنها دور نکرد.
- ۲۶- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر ایشان فرود آمد.
- ۲۷- ﴿صَرَفْنَا الْآيَاتِ﴾: به اسلوب‌های مختلف آیات را تکرار کردیم.

۲۸- ﴿قُرْبَانًا ءَالِهَةً﴾: معبودانی که آنها را به خدا نزدیک می کنند.

۲۸- ﴿يَقْتُرُونَ﴾: افتراء می کردند.

۲۹- ﴿صَرَفْنَا إِلَيْكَ﴾: به سوی تو فرستادیم.

۲۹- ﴿أَنْصِتُوا﴾: خاموش شوید و به دقت بشنوید.

۲۹- ﴿قُضِيَ﴾: تلاوت قرآن تمام شد.

۳۲- ﴿فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ﴾: نمی تواند از عذاب او فرار نماید.

۳۳- ﴿لَمْ يَمِئْ بِخَلْقِهِنَّ﴾: از آفرینش آنها خسته یا ناتوان نگردید.

۳۳- ﴿بَلَى﴾: بله، خدا می تواند مرده ها را زنده کند.

۳۵- ﴿أُولُوا الْعَرْصِ﴾: صاحبان صبر، ثبات و جدیت.

۳۵- ﴿بَلَعُ﴾: این تبلیغ است از جانب پیامبر ما.

سوره محمد

۱- ﴿أَصْلَ أَعْمَالَهُمْ﴾: خدا اعمال آنها را باطل و بی فایده کرد.

۲- ﴿كَفَرَ عَنْهُمْ﴾: از آنها دور کرد.

۲- ﴿أَصْلَحَ بِالْهَمِّ﴾: حال ایشان را در دین و دنیا به صلاح آورد.

۴- ﴿فَضْرَبَ الرِّقَابِ﴾: پس گردن آنها را بزنید.

۴- ﴿أَخْنَتْنَاهُمْ﴾: کشته، زخمی و اسیر فراوان از آنها گرفتید.

۴- ﴿فَشَدُّوا الْوَتَاقِ﴾: اسرای آنها را بند و زنجیر کنید.

۴- ﴿مَتَّأِ﴾: اسیرها را بدون عوض آزاد و بر آنها منت گزارید.

۴- ﴿فِدَاءً﴾: از آنها فدیة بگیرید یا در برابر اسرای مسلمین آزادشان کنید.

۴- ﴿حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾: تا این که جنگ آلات و بارهای سنگین خود را بر

زمین نهد، پایان جنگ.

۴- ﴿لَيَلْبَسُو...﴾: تا امتحان کند... و بار گناه مسلمانان را کاهش دهد و کافران را تباه کند.

۴- ﴿فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلُهُمْ﴾: هرگز اعمال آنها را باطل نمی کند بلکه اجر و پاداش آنها را کامل می دهد.

۸- ﴿فَتَعَسَا لَهُمْ﴾: بر آنها مرگ یا شقاوت و بدبختی باد.

۹- ﴿فَأَحْبَطَ أَعْمَلُهُمْ﴾: خدا اعمال آنها را باطل کرد که از قرآن نفرت داشتند.

۱۰- ﴿دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا نا بودشان کرد.

۱۱- ﴿مَوْلَى...﴾: دوست و ناصر...

۱۲- ﴿مَثْوَى لَهُمْ﴾: محل سکونت آنهاست.

۱۳- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیار شهرها که.

۱۵- ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ﴾: وصف بهشت.

۱۵- ﴿غَيْرِ عَاسِنٍ﴾: تغییر نمی کند و گنده و بد بوی نمی شود.

۱۵- ﴿عَسَلٍ مُّصَفًّى﴾: عسل پاکیزه و صاف.

۱۵- ﴿مَاءٌ حَمِيمًا﴾: آب جوشان.

۱۶- ﴿مَاذَا قَالَ عَازِفًا﴾: همین حالا یا همین ساعت چه گفت.

۱۸- ﴿جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾: علایم قیامت آمده است از جمله بعثت رسول خدا.

۱۸- ﴿فَأَنَّى لَهُمْ﴾: پس چگونه یا از کجا باشد برای ایشان.

۱۹- ﴿يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ﴾: خدا از حرکات شما آگاه است.

۱۹- ﴿مَثْوًى لَّكُمْ﴾: جای استقرار شما را.

۲۰- ﴿الْمُعْصِي عَلَيْهِ﴾: کسی که دچار بی هوشی و مستی باشد.

۲۰- ﴿فَأَوَّلَىٰ لَهُمْ﴾: اسباب نابودی اینها نزدیک است یا سزاوار عذابند، «لام» زاید است.

۲۱- ﴿طَاعَةً﴾: فرمانبرداری برای آنان بهتر است یا دستور ما طاعت است.

۲۱- ﴿عَزَمَ الْأَمْرُ﴾: فرمان جهاد قطعیت یافت و بر عهده آنان قرار گرفت.

- ۲۲- ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ﴾: آیا می‌توان از شما انتظار داشت، یعنی می‌توان.
- ۲۲- ﴿تَوَلَّيْتُمْ﴾: فرمانروای مردم شوید.
- ۲۴- ﴿أَفَقَالُوا﴾: قفل آنهاست که باز نمی‌شود.
- ۲۵- ﴿سَوَّلَ لَهُمْ﴾: شیطان خطاهای آنها را آراست و آسان نشان داد و امیدوارشان ساخت.
- ۲۵- ﴿أَمَلَى لَهُمْ﴾: خدا بر آنها با آرزوهای پوچ‌شان مهلت داد.
- ۲۶- ﴿يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾: خدا از تمام زشتی‌های پنهان آنها آگاه است.
- ۲۹- ﴿أَضَعْنَاهُمْ﴾: کینه‌های شدید و نهان ایشان را.
- ۳۰- ﴿بَسَمِمْهُمْ﴾: از علایم مشخصه چهره‌شان.
- ۳۰- ﴿فِي لَحْنِ الْقَوْلِ﴾: از اسلوب سخن‌شان.
- ۳۱- ﴿لَنَبْلُوَنَّكُمْ﴾: همانا شما را به تکالیف شاقه می‌آزمایم.
- ۳۱- ﴿نَبْلُوا أَخْبَارَكُمْ﴾: خبرهای شما را آشکار کنیم.
- ۳۵- ﴿فَلَا تَهِنُوا﴾: از جهاد علیه کفار سستی نکنید.
- ۳۵- ﴿الْسَّلْمِ﴾: صلح و آستی.
- ۳۵- ﴿لَن يَتَرَكُمُ أَعْمَالَكُمْ﴾: خدا هرگز از اجر اعمال شما نمی‌کاهد.
- ۳۷- ﴿فَيُحْفِكُمْ﴾: و به اصرار اموال شما را بخواهد.
- ۳۷- ﴿أَضَعْنَكُمْ﴾: کینه‌های شدید شما را در برابر اسلام.

سوره فتح

- ۱- ﴿فَتَحًا مُّبِينًا﴾: پیروزی درخشان، صلح حدیبیه در سال ششم هجری.
- ۴- ﴿السَّكِينَةَ﴾: آرامش خاطر و ثبات را.
- ۶- ﴿ظَنَّ السَّوْءَ﴾: گمان بد.
- ۶- ﴿عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ﴾: دعاء است بر هلاکت و نابودی ایشان.

- ۹- ﴿تُعَزِّرُوهُ﴾: به کمک دین خدا بپردازید.
- ۹- ﴿تُوقِّرُوهُ﴾: او تعالی را تعظیم کنید و گرامی بدارید.
- ۹- ﴿تَسْبِحُوهُ﴾: او را از آنچه لایق جلالت او نیست پاک و منزّه بدانید.
- ۹- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: بامداد و شام یا تمام روز.
- ۱۰- ﴿نَكَثَ﴾: تعهد و بیعت را بشکند.
- ۱۱- ﴿الْمُخَلَّفُونَ﴾: تخلف کنندگان از همراهی با تو در غزوه حدیبیه.
- ۱۲- ﴿لَنْ يَنْقَلِبَ﴾: هرگز به مدینه برنمی گردد.
- ۱۲- ﴿قَوْمًا بُورًا﴾: گروهی فاسد یا شایسته هلاکت.
- ۱۵- ﴿ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ﴾: بگذارید با شما به غزوه خیبر حاضر باشیم.
- ۱۵- ﴿كَلَّمَ اللَّهُ﴾: فرمان خدا را به اختصاص غنایم برای اهل حدیبیه.
- ۱۶- ﴿أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾: دارای قوت و صلابت در جنگ.
- ۱۷- ﴿حَرَجٌ﴾: گناهی در تخلف از جهاد.
- ۱۸- ﴿يُبَايِعُونَكَ﴾: با تو در حدیبیه بیعت رضوان را انجام دادند.
- ۱۸- ﴿فَتْحًا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، فتح خیبر سال هفتم هجرت.
- ۲۱- ﴿أَحَاطَ اللَّهُ﴾: خدا او را به شما آماده کرده یا نگهداشته است.
- ۲۴- ﴿بِبَطْنِ مَكَّةَ﴾: به دل مکه، حدیبیه نزدیک مکه.
- ۲۴- ﴿أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ﴾: شما را برتری داد و بر آنها پیروز گردانید.
- ۲۵- ﴿وَالْهَدْيَ﴾: شترانی که رسول خدا آورده بود.
- ۲۵- ﴿مَعْكُوفًا﴾: منع و محبوس کردند.
- ۲۵- ﴿مِحْلَةً﴾: به محلی که کشتن آن حلال است.
- ۲۵- ﴿تَطَّوَّهُمْ﴾: آنها را یکجا با کفار نا بود و پامال کنید.
- ۲۵- ﴿مَعْرَةً﴾: کار زشتی یا ننگی.
- ۲۵- ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا﴾: اگر مسلمانان در مکه از کفار جدا می بودند.

- ۲۶- ﴿الْحَمِيَّةُ﴾: ننگ و غضب شدید.
- ۲۶- ﴿سَكِينَتُهُ﴾: اطمینان و آرامش خود را.
- ۲۶- ﴿كَلِمَةُ التَّقْوَى﴾: کلمه توحید و اخلاص.
- ۲۷- ﴿فَتَحًّا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، صلح حدیبیه یا فتح خیبر.
- ۲۸- ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾: تا او را برتری دهد و نیرومندش کند.
- ۲۹- ﴿سَيِّمَاهُمْ﴾: نشانه آنها.
- ۲۹- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: وصف شگفت انگیز ایشان.
- ۲۹- ﴿فَقَارَرَهُ﴾: پس آن جوانه را تقویت کند.
- ۲۹- ﴿فَأَسْتَغْلَظَ﴾: محکم شود.
- ۲۹- ﴿فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾: و بر ساقه خود ایستاد شود.

سوره حجرات

- ۱- ﴿لَا تَقْدِمُوا﴾: در هیچ کاری تصمیم نگیرید و امری را فیصله نکنید.
- ۲- ﴿أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ﴾: مبدا اعمال شما باطل شود.
- ۳- ﴿يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ﴾: صدای خود را پایین می آورند و آهسته سخن می گویند.
- ۳- ﴿أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾: خدا دل‌های آنان را امتحان کرده و برگزیده است.
- ۴- ﴿الْحُجَرَاتِ﴾: حجره‌های همسران پیامبر.
- ۷- ﴿لَعْنَتُمْ﴾: گرفتار گناه و نابود می شود.
- ۹- ﴿بَعَثَ﴾: تجاوز و سرکشی کرد و صلح را نپذیرفت.
- ۹- ﴿تَفِيءَ﴾: رجوع کند.
- ۹- ﴿أَفْسِطُوا﴾: در همه امور عدالت را رعایت نمایید.
- ۹- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان را و به آنها پاداش نیکو می دهد.
- ۱۱- ﴿لَا يَسْخَرُ﴾: تمسخر و عیب نکند.

- ۱۱- ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: یکدیگر را طعن و بدگویی نکنید.
- ۱۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِ﴾: یکدیگر را به لقب‌های زشت صدا نکنید.
- ۱۲- ﴿كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: بسیاری از گمانها، گمان بد به اشخاص نیک.
- ۱۲- ﴿لَا تَجَسَّسُوا﴾: در جستجوی راز نهان مسلمانها نباشید.
- ۱۲- ﴿فَكَرِهْتُمُوهُ﴾: به یقین از آن بیزارید پس انجامش ندهید.
- ۱۴- ﴿ءَامَنَّا﴾: به زبان و دل تصدیق کردیم.
- ۱۴- ﴿لَمْ تُؤْمِنُوا﴾: به دل تصدیق نکرده‌اید.
- ۱۴- ﴿أَسْلَمْنَا﴾: از ترس و حرص و آز گردان نهادیم.
- ۱۴- ﴿لَا يَلْتَنِكُمْ﴾: کم نمی‌کند.
- ۱۶- ﴿أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾: آیا خدا را از ایمان خود آگاه می‌سازید.

سوره ق

- ۱- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: به قرآن قسم است که مبعوث می‌شوید.
- ۳- ﴿رَجْعُ بَعِيدٍ﴾: حیات دوباره غیر ممکن است.
- ۵- ﴿أَمْرِ مَرِيجٍ﴾: کاری پریشان و اضطراب‌آور.
- ۶- ﴿فُرُوجٍ﴾: شکافی.
- ۷- ﴿الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا﴾: زمین را برای استقرار بر آن گسترش دادیم.
- ۷- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های استوار که زمین را از تکان خوردن منع می‌کنند.
- ۷- ﴿زُوجٍ بَهِيحٍ﴾: نوع زیبا و شاداب.
- ۸- ﴿عَبْدٍ مُّنِيبٍ﴾: بنده‌ای که با باور کامل به قدرت ما به ما رجوع کند.
- ۹- ﴿حَبِّ الْحَصِيدِ﴾: دانه گیاهی که درو می‌شود.
- ۱۰- ﴿وَالنَّخْلِ بَاسِقَاتٍ﴾: درخت بلند و تناور خرما.
- ۱۰- ﴿لَهَا طَلْعٌ﴾: خرما‌ی که هنوز در غلاف است.

- ۱۰- ﴿تَضِيدُ﴾: متراکم یکی بالای دیگری.
- ۱۱- ﴿كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾: همینگونه است زنده شدن بعد از مرگ هنگام رستاخیز.
- ۱۲- ﴿أَصْحَبُ الرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را در چاه افکندند و نابود شدند.
- ۱۴- ﴿أَصْحَبُ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان ناحیه جنگلزار، دارای درختان انبوه و در هم پیچیده، قوم شعیب.
- ۱۴- ﴿قَوْمُ بُعَ﴾: قوم ابوکرب حمیری شاه یمن.
- ۱۵- ﴿أَفْعَيْنَا بِالْخَلْقِ﴾: آیا در آفرینش عاجز شده بودیم، نه هرگز.
- ۱۵- ﴿فِي لَبْسٍ﴾: در شک و اشتباه هستند.
- ۱۶- ﴿حَبْلُ الْوَرِيدِ﴾: رگ گردن.
- ۱۷- ﴿يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ﴾: دو فرشته مراقبند و می نویسند.
- ۱۷- ﴿قَعِيدٌ﴾: فرشته‌ای نشسته است.
- ۱۸- ﴿رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾: فرشته‌ای حاضر و آماده، مراقب گفتار اوست.
- ۱۹- ﴿سَكْرَةُ الْمَوْتِ﴾: سختی مرگ که عقل را می برد.
- ۱۹- ﴿تَحِيدٌ﴾: از آن فرار می کردی.
- ۲۲- ﴿غِطَاءَكَ﴾: پرده‌ای که تو را از آخرت غافل ساخت.
- ۲۲- ﴿حَدِيدٌ﴾: تیز و نافذ است.
- ۲۳- ﴿عَتِيدٌ﴾: برای عرضه داشتن آماده است.
- ۲۴- ﴿عَنِيدٍ﴾: ستیزه گر و دور از حق را.
- ۲۵- ﴿مُعْتَدٍ﴾: ظالم و متجاوز از حد.
- ۲۵- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک کننده به خدا و دین.
- ۲۷- ﴿مَا أَطْعَيْتُهُ﴾: من او را به طغیان و سرکشی مجبور نکردم.
- ۳۱- ﴿أَزَلَفْتَ الْجَنَّةَ﴾: جنت نزدیک آورده شود.

- ۳۲- ﴿أَوَابٍ﴾: تائب و رجوع کننده به خدا.
- ۳۳- ﴿بِقَلْبٍ مُّئِيٍّ﴾: با قلب مخلص و پذیرای فرمان حق.
- ۳۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.
- ۳۶- ﴿قَرْنٍ﴾: نسلها.
- ۲۶- ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- ۲۶- ﴿فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ﴾: از ترس مرگ روی زمین را گردش کردند.
- ۲۶- ﴿مُحْيِصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب خدا.
- ۳۸- ﴿لُغُوبٍ﴾: ماندگی.
- ۳۹- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را از هر نقص منزّه بدان یا حمد و سپاس نما.
- ۴۰- ﴿أَدْبَرَ السُّجُودِ﴾: بعد از نماز.
- ۴۲- ﴿يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ﴾: نفخه رستاخیز را می شنوند.
- ۴۴- ﴿تَشَقَّقُ الْأَرْضُ...﴾: زمین بشکافد...
- ۴۴- ﴿سِرَاعًا﴾: به جانب دعوتگر بشتابند.
- ۴۵- ﴿بِجَبَّارٍ﴾: مسلط که آنها را به اجبار مسلمان کنی.

سورة ذاریات

- ۱- ﴿وَالذَّرِيَّتِ ذُرْوًا﴾: قسم به بادهای که خاک و چیزهای دگر را پراکنده می سازند.
- ۲- ﴿فَالْحَمِلَتِ وَقْرًا﴾: ابرها که باران را حمل می کنند.
- ۳- ﴿فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا﴾: کشتی های که بر روی آب به سهولت حرکت می کنند.
- ۴- ﴿فَالْمُقْسِمَتِ أَمْرًا﴾: فرشتگانی که مقدرات ربانی را تقسیم می کنند.
- ۵- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: رستاخیز که به شما وعده شده، جواب قسم است.
- ۵- ﴿لَصَادِقٌ﴾: راست و درست است.

- ۶- ﴿إِنَّ الدِّينَ﴾: بی شک جزای بعد از حساب.
- ۷- ﴿ذَاتِ الْحُبُكِ﴾: دارای راه‌ها که مدار ستارگان است.
- ۸- ﴿قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ﴾: گفتار ضد و نقیض دارید.
- ۹- ﴿يُؤَفِّكُ عَنْهُ﴾: از قرآن منحرف می‌شود.
- ۱۰- ﴿قُتِلَ الْحَرَّصُونَ﴾: دروغ‌گویان از رحمت دور و زشت هستند.
- ۱۱- ﴿عَمْرَةٍ﴾: از امور آخرت نمی‌دانند.
- ۱۱- ﴿سَاهُونَ﴾: از دستورات الهی غافلند.
- ۱۲- ﴿أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز جزاء چه وقت است، از آن منکرند.
- ۱۳- ﴿يُقْتَنُونَ﴾: تعذیب و سوزانده می‌شوند.
- ۱۷- ﴿يَهْجَعُونَ﴾: می‌خوابیدند.
- ۱۸- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: آخرهای شب.
- ۱۹- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: کسی که از صدقه بی‌بهره است برای این که با همه نیازمندی از سؤال اجتناب می‌کند.

۲۴- ﴿صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ﴾: مهمانان ابراهیم از فرشته‌ها.

۲۵- ﴿قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ﴾: آنها را نشناخت با خود گفت گروه ناشناسند.

۲۶- ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾: پنهان از مهمانان نزد خانواده خود رفت.

۲۸- ﴿فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: در نهاد خود از آنها احساس کرد.

۲۸- ﴿بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾: پسر دانا، اسحاق علیه السلام در نزد جمهور.

۲۹- ﴿صَرَقَ﴾: فریاد.

۲۸- ﴿فَصَكَّتْ وَجْهَهَا﴾: از تعجب بر روی خود زد.

۳۱- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کار مهم شما چیست؟

۳۴- ﴿مُسَوَّمَةً﴾: نشانی شده که سنگ عذاب است.

۳۸- ﴿فِي مُوسَىٰ﴾: در قصه موسی علیه السلام آیتی قرار دادیم.

- ۳۹- ﴿فَتَوَلَّىٰ بُرْكَنِهِ﴾: فرعون به سبب فرمانروایی از ایمان به خدا اعراض کرد.
- ۴۰- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: فرعون طغیان کرده و در خور سرزنش بود.
- ۴۱- ﴿الرَّيْحَ الْعَقِيمَ﴾: تند باد بی باران که آنها را نابود و نسلشان را منقرض ساخت.
- ۴۲- ﴿كَالْرَمِيمِ﴾: مانند چیزهای پوسیده و ریز ریز شده.
- ۴۴- ﴿فَعَتَوْا﴾: پس سرکشی کردند.
- ۴۴- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّلِيقَةُ﴾: پس صدای مهیب یا آتشی از آسمان آنها را نابود کرد.
- ۴۷- ﴿بَيَّنَّنَا بَأْيِيدٍ﴾: آسمان را با قوت و قدرت بنا کردیم.
- ۴۷- ﴿إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾: ما تواناستیم.
- ۴۸- ﴿الْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا﴾: برای استقرار بر روی زمین آن را مانند فرش گسترديم.
- ۴۸- ﴿فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ﴾: و ما چه نیکو هموار و درسکننده هستیم.
- ۴۹- ﴿خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾: دو نوع آفریدیم.
- ۵۰- ﴿فَقِيرُوا إِلَى اللَّهِ﴾: از عذاب خدا به سوی ثواب او بگریزید.
- ۵۳- ﴿ظَاغُونَ﴾: در کفر از حد گذشته‌اند.
- ۵۶- ﴿لِيُعْبُدُونَ﴾: برای این که مرا بشناسند یا فرمانبردار من باشند.
- ۵۹- ﴿ذُنُوبٍ﴾: سهمی از عذاب.
- ۶۰- ﴿فَوَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.

سوره طور

- ۱- ﴿وَالطُّورِ﴾: قسم به طور سینا که خدا در آنجا با موسی عليه السلام سخن گفت.
- ۲- ﴿كِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾: قسم به کتابی که به نظام درست نوشته شده است.
- ۳- ﴿فِي رَقٍ﴾: در صفحه، آنچه در آن بنویسند جلد باشد و یا چیز دیگر.
- ۳- ﴿مَنْشُورٍ﴾: گشوده و مهر نشده.
- ۴- ﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾: قسم به بیت المعمور، خانه است در آسمان یا کعبه.

- ۵- ﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾: قسم به آسمان.
- ۶- ﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾: قسم به دریای شعله‌ور در روز قیامت.
- ۷- ﴿إِنَّ عَذَابَ﴾: که عذاب، جواب قسم‌های است که در بالا آمد.
- ۹- ﴿تَمُورُ السَّمَاءِ﴾: آسمان به شدت دور می‌خورد، مانند آسیاب.
- ۱۱- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا شدت عذاب.
- ۱۲- ﴿خَوْضٍ﴾: غرق در سخنان بیهوده و دروغ.
- ۱۳- ﴿يُدْعُونَ﴾: به تندى و خشونت رانده می‌شوند.
- ۱۶- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در دوزخ داخل شوید یا سختی آن را بکشید.
- ۱۸- ﴿فَلَكِهَيْنِ﴾: متلذذ، مرفه و مسرور.
- ۲۰- ﴿سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ﴾: تخت‌های یکسان کنارهم.
- ۲۰- ﴿زَوْجْنَهُمْ﴾: جفت و همدم گردانیدیم.
- ۲۰- ﴿بِحُجُورِ عَيْنٍ﴾: با زیبا چشمان سفید پوست بهشتی.
- ۲۱- ﴿مَا أَلْتَنَّهُمْ﴾: از پاداش پدران چیزی را کم نمی‌کنیم.
- ۲۱- ﴿رَهِيْنٌ﴾: نزد خدا گرو است.
- ۲۳- ﴿يَتَنَزَّعُونَ﴾: از یکدیگر می‌گیرند.
- ۲۳- ﴿كَأْسًا﴾: شراب یا جام شراب را.
- ۲۳- ﴿لَا لَعُوْ فِيهَا وَلَا تَأْنِيْمٌ﴾: هنگام نوشیدن آن بیهوده نمی‌گویند و حرکت موجب گناه انجام نمی‌دهند.
- ۲۴- ﴿لَوْلُوْ مَكْنُونٌ﴾: مروارید نهان در صدف.
- ۲۶- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان از عاقبت.
- ۲۷- ﴿عَذَابِ السَّمُومِ﴾: آتش جهنم که وارد مسامات می‌شود.
- ۲۸- ﴿هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾: او تعالی احسان کننده، مهربان و بسیار بخشنده است.
- ۳۰- ﴿رَيْبَ الْمُنُونِ﴾: حوادث کشنده روزگار.

- ۳۲- ﴿قَوْمٌ طَاغُونُ﴾: قومی ستیزه‌گر و متجاوز.
- ۳۳- ﴿تَقَوْلُهُ﴾: قرآن را از پیش خود ساخته است.
- ۳۷- ﴿خَزَائِنُ رَبِّكَ﴾: خزانه‌های رزق و رحمت یا مقدرات خدایت.
- ۳۷- ﴿هُمُ الْمُصِيطِرُونَ﴾: آنها صاحبان قدرت و سیطره‌اند.
- ۳۸- ﴿لَهُمْ سَلَمٌ﴾: نردبانی دارند که با آن به آسمان می‌روند.
- ۴۰- ﴿مِّنْ مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾: از پرداخت غرامت در رنجند.
- ۴۲- ﴿هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾: جزای حيله و مکر خود را می‌یابند.
- ۴۴- ﴿كِسْفًا﴾: قطعه بزرگی.
- ۴۴- ﴿سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾: ابر متراکم است که باران می‌بارد.
- ۴۵- ﴿فِيهِ يُصْعَقُونَ﴾: روز بدر نابود می‌شوند.
- ۴۶- ﴿لَا يُعْنِي عَنْهُمْ﴾: از آنها دور نمی‌کند.
- ۴۷- ﴿عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ﴾: عذابی پیش از این، قحطی.
- ۴۸- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حراست ما.
- ۴۸- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را پاک و منزّه بدان و حمد و سپاس بگو.
- ۴۹- ﴿إِذْ بَرَّ الْأُجُومَ﴾: وقت نهان شدن ستارگان در روشنی سحر.

سوره نجم

- ۱- ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ﴾: قسم به ستاره وقتی که غروب می‌کند.
- ۲- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ﴾: پیامبر از حق و هدایت عدول نکرده، جواب قسم است.
- ۲- ﴿مَا عَوَىٰ﴾: هرگز به باطل اعتقاد نداشته است.
- ۵- ﴿شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾: بسیار نیرومند، امین وحی جبریل.
- ۶- ﴿ذُو مِرَّةٍ﴾: توانا یا زیبا یا دارای آثار بدیع.
- ۶- ﴿فَاسْتَوَىٰ﴾: به صورت اصلی و ملکوتی خود ایستاد.

- ۸- ﴿دَنَا﴾: جبریل به رسول خدا نزدیک شد.
- ۹- ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ﴾: فاصله او و پیامبر خدا به اندازه دو کمان یا دو ذراع بود.
- ۱۰- ﴿عَبْدَهُ﴾: بنده خدا، محمد ﷺ.
- ۱۲- ﴿أَفْتَمَرُوْنَهُ﴾: آیا پیامبر را تکذیب و با او مجادله می کنید.
- ۱۳- ﴿نَزَلَهُ أُخْرَى﴾: یک بار دیگر به صورت اصلی.
- ۱۴- ﴿سِدْرَةَ الْمُنْتَهَى﴾: جایی که دانش مخلوقات به انتها می رسد.
- ۱۵- ﴿جَنَّةَ الْمَأْوَى﴾: بهشت که آرامگاه ارواح شهداست.
- ۱۶- ﴿يَغْشَى السِّدْرَةَ﴾: سدره را پوشیده بود.
- ۱۷- ﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ﴾: نگاه او از آنچه به دیدنش مأمور بود منحرف نشد.
- ۱۷- ﴿مَا طَعَى﴾: از آنچه به دیدنش مأمور بود تجاوز نکرد.
- ۱۸- ﴿لَقَدْ رَأَى﴾: بی شک به شب معراج دید.
- ۱۹- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید آیا این بتها توانایی دارند.
- ۱۹- ﴿الَّذِیْنَ وَالَّعَزَّىٰ ۖ وَمَنْ لَّهُمْ﴾: لات، منات و عزا بتهای که در جاهلیت پرستش می شدند.
- ۲۲- ﴿قِسْمَةٌ ضِیْرَى﴾: قسمت ظالمانه یا نادرست.
- ۲۴- ﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى﴾: آیا انسان به همه آرزوهای خود می رسد. نه، هرگز.
- ۲۶- ﴿لَا تُغْنِی شَفَعَتُهُمْ﴾: شفاعت آنها مدافع یا سودمند نیست.
- ۳۲- ﴿الْفَوَاحِشُ﴾: گناهان کبیره و نهایت زشت.
- ۳۲- ﴿الْلَمَمِ﴾: گناهان صغیره.
- ۳۲- ﴿فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ﴾: با اعمال نیک خودستایی نکنید.
- ۳۴- ﴿أَكْذَى﴾: احسان خود را بخیلانه قطع کرد.
- ۳۷- ﴿الَّذِی وَفَّى﴾: دستورات الهی را کامل انجام داد.
- ۳۸- ﴿أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ مجرمی بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد.

- ۴۲- ﴿الْمُنْتَهَى﴾: بازگشت در آخرت برای دریافت پاداش.
- ۴۶- ﴿تُمْنَى﴾: در رحم می‌ریزد.
- ۴۷- ﴿النَّشْأَةُ الْآخِرَى﴾: زنده کردن مرده‌ها چنانچه وعده کرده است.
- ۴۹- ﴿الشَّعْرَى﴾: ستاره معروف که در جاهلیت پرستش می‌شد.
- ۵۰- ﴿عَادًا الْأُولَى﴾: عاد نخستین، قوم هود عليه السلام.
- ۵۱- ﴿ثَمُودَ﴾: قوم صالح عليه السلام.
- ۵۳- ﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ﴾: شهرهای قوم لوط.
- ۵۳- ﴿أَهْوَى﴾: بلند کرد و بر زمین کوبید.
- ۵۴- ﴿فَعَشَّهَا﴾: آن را به انواع عذاب گرفتار کرد.
- ۵۵- ﴿ءَالَاءِ رَبِّكَ﴾: نعمت‌های پروردگارت از جمله دلایل قدرت او.
- ۵۵- ﴿تَتَمَارَى﴾: شک می‌کنی.
- ۵۷- ﴿أَزِفَتْ الْأَزِفَةُ﴾: قیامت نزدیک شد.
- ۵۸- ﴿كَاشِفَةٌ﴾: کسی که سختی و هول آن را دفع کند.
- ۶۱- ﴿أَنْتُمْ سَمِيدُونَ﴾: شما غافلید.

سوره قمر

- ۱- ﴿أَنشَقَّ الْقَمَرُ﴾: ماه آسمان به دو نیمه، شق شد، معجزه پیامبر است.
- ۲- ﴿سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾: سحر دایمی یا استوار یا ناپایدار است.
- ۳- ﴿مُسْتَقَرٌّ﴾: سرانجامی دارد که به آن استقرار می‌یابد.
- ۴- ﴿مُرْدَجَرٌ﴾: بازداشتن از کفر است.
- ۵- ﴿النُّذُرُ﴾: پیامبران یا امور هشدار دهنده دیگر.
- ۶- ﴿شَيْءٍ نُكْرٍ﴾: چیزی زشت و وحشت انگیز، هول قیامت.
- ۷- ﴿خُشْعًا أَبْصَرُهُمْ﴾: چشم‌هایشان از شدت ترس به زیر افتاده است.

- ۷- ﴿الْأَجْدَاثِ﴾: قبرها.
- ۸- ﴿مُطْعِمِينَ﴾: شتابان.
- ۸- ﴿يَوْمَ عَسِيرٍ﴾: روز سختی است.
- ۹- ﴿وَأَزْدُجِرَ﴾: با دشنام و حرکات دیگر از تبلیغ رسالت منع شد.
- ۱۰- ﴿مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرَ﴾: مغلوب شدم انتقام مرا از اینها بگیر.
- ۱۱- ﴿أَبْوَابَ السَّمَاءِ﴾: درهای ابر را.
- ۱۱- ﴿بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾: باران تند که به شدت می بارید.
- ۱۲- ﴿فَجَرَّنا الْأَرْضَ﴾: زمین را شکافتیم.
- ۱۲- ﴿أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾: هلاکت ایشان به اثر طوفان مقدر شده بود.
- ۱۳- ﴿دُسرٍ﴾: میخ‌های که با آنها تخته‌ها را محکم می کنند.
- ۱۴- ﴿تَجَرَّيْ بِأَعْيُنِنَا﴾: به محافظت ما یا زیر نظر ما یا به امر ما روان بود.
- ۱۵- ﴿تَرَكْنَهَا آيَةً﴾: داستان این کشتی را باقی گذاشتیم تا مایه پند و عبرت باشد.
- ۱۵- ﴿مُدْكِرٍ﴾: پند و عبرت گیرنده.
- ۱۶- ﴿نُذْرٍ﴾: هشدارهای من.
- ۱۹- ﴿رِيحًا صَرْصَرًا﴾: باد سوزان یا سرد یا با آواز شدید.
- ۱۹- ﴿يَوْمِ نَحْسٍ﴾: روزی که بر آنها شوم بود.
- ۱۹- ﴿مُسْتَمِرٍّ﴾: شومی آن دائمی یا شدید یا زشت است.
- ۲۰- ﴿تَنْزِغُ النَّاسِ﴾: مردم را می کند و پرتاب می کند.
- ۲۰- ﴿أَعْجَازُ نَخْلٍ﴾: تنه درخت خرما. مُنْعَرٍ: ریشه کن شده.
- ۲۴- ﴿سُعْرٍ﴾: عذاب شدید و آتش یا جنون.
- ۲۵- ﴿كَذَابٌ أَثِيرٌ﴾: دروغگوی متکبر است.
- ۲۷- ﴿فِتْنَةً لَهُمْ﴾: برای امتحان و ابتلای آنها.

- ۲۷- ﴿أَصْطِرُّ﴾: به آزار و اذیت آنها صبور باش و عجله نکن.
- ۲۸- ﴿قَسَمَةٌ بَيْنَهُمْ﴾: بین آنها و شتر تقسیم شده است.
- ۲۸- ﴿كُلُّ شَرْبٍ﴾: هر سهم از آب.
- ۲۸- ﴿مُخْتَصِرٌ﴾: صاحب نوبت حاضر می شود.
- ۲۹- ﴿فَتَعَاطَى﴾: شتر را به شمشیر بست.
- ۳۴- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی که ریگ ها را بر آنها پرتاب می کرد.
- ۳۴- ﴿تَجَيَّنَهُمْ بِسَحَرٍ﴾: وقت طلوع فجر آنها را نجات دادیم.
- ۳۶- ﴿أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا﴾: لوط آنها را از عذاب شدید ما ترساند.
- ۳۶- ﴿فَتَمَارَوْا بِالْأَنْذَرِ﴾: ولی آنها در آن هشدارها شک و تکذیب کردند.
- ۳۷- ﴿رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ﴾: آنها از لوط عليه السلام خواستند مهمان های خود را در اختیارشان بگذارد.
- ۳۷- ﴿فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ﴾: ما آنها را کور ساختیم یا چشمانشان را محو کردیم.
- ۳۸- ﴿بُكْرَةً﴾: اول روز.
- ۴۳- ﴿فِي الزُّبُرِ﴾: در کتابهای آسمانی.
- ۴۴- ﴿نَحْنُ جَمِيعٌ﴾: ما یک گروه هستیم و متحدانه عمل می کنیم.
- ۴۴- ﴿مُنْتَصِرٌ﴾: توانایم و مغلوب نمی شویم.
- ۴۶- ﴿وَالسَّاعَةُ أَذْهَى﴾: و قیامت دشوارتر است.
- ۴۶- ﴿أَمْرٌ﴾: تلختر از عذاب دنیا.
- ۴۷- ﴿سُعْرٍ﴾: آتش شعله ور یا جنون.
- ۴۹- ﴿خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾: به تقدیر ازلی یا محکم و به اندازه مقرر.
- ۵۰- ﴿إِلَّا وَاحِدَةً﴾: مگر یک کلمه، لفظ «کن» است.
- ۵۱- ﴿أَشْيَاءَ عَكْمٌ﴾: همتایان شما در کفر را.
- ۵۲- ﴿الزُّبُرِ﴾: نامه های اعمال.

۵۳- ﴿مُسْتَظَرٌ﴾: در لوح محفوظ نوشته شده است.

۵۴- ﴿نَهْرٍ﴾: چشمه‌ها.

۵۵- ﴿مَقْعَدِ صِدْقٍ﴾: جایگاه شایسته.

سورة رحمان

۲- ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را به انسان آموخت.

۵- ﴿مُحْسَبَانَ﴾: به حساب منظم در برج خود در گردش هستند.

۶- ﴿النَّجْمِ﴾: گیاه بی ساقه.

۶- ﴿يَسْجُدَانِ﴾: مطیع فرمان خدا هستند در اموری که برای آن آفریده شده‌اند.

۷- ﴿وَضَعَ الْمِيزَانَ﴾: نظام عدل را روشن کرد و مردم را به پیروی از آن دستور

داد.

۸- ﴿أَلَّا تَطْغَوْا﴾: تا این که از حق و عدالت تجاوز نکنید.

۹- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.

۹- ﴿لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾: در وزن کردن، کم و کاست نکنید.

۱۱- ﴿ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾: خوشه‌های نورس و غلاف دار خرما.

۱۲- ﴿ذُو الْعَصْفِ﴾: پوسته‌دار یا کاه یا دارای برگ خشک.

۱۲- ﴿الرَّيْحَانُ﴾: گیاه خوش بو.

۱۳- ﴿ءَالَاءِ رَبِّكُمَا﴾: نعمت‌های خدای خود.

۱۳- ﴿تُكَذِّبَانِ﴾: ای انسان و ای جن ناسپاسی می‌کنید.

۱۴- ﴿صَلْصَلٍ﴾: گل خشک صدا دهند.

۱۴- ﴿كَالْفَخَّارِ﴾: مانند گلی که به اثر سوزاندن مثل سنگ گردد.

۱۵- ﴿مَّارِجٍ﴾: شعله بی دود.

۱۹- ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریای شیرین و شور را در محل جریاشان روان ساخت.

۱۹- ﴿يَلْتَقِيَانِ﴾: در جوار هم هستند یا کناره آن دو بهم پیوست است.

۲۰- ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ﴾: میان آن دو پرده است از زمین یا از قدرت الهی.

۲۰- ﴿لَا يَبْغِيَانِ﴾: یکی بر حد دیگری تجاوز نمی کند.

۲۴- ﴿لَهُ الْجَوَارِ﴾: کشتی های روان از آن اوست.

۲۴- ﴿الْمُنَشَّاتُ﴾: بادبان بلند.

۲۴- ﴿كَأَلَّا عِلْمٌ﴾: مانند کوه های سرافراشته یا کاخ ها.

۲۶- ﴿فَانِ﴾: هلاک شونده است.

۲۷- ﴿ذُو الْجَلَالِ﴾: دارای جاه و جلال و استغنائی مطلق.

۲۷- ﴿الْإِكْرَامِ﴾: احسان کامل.

۲۹- ﴿فِي شَأْنٍ﴾: درکاری است، به مقتضای حکمت حالت های را ایجاد می کند و حالت های را از میان می برد.

۳۱- ﴿سَنَفَرُغْ لَكُمْ﴾: بعد از مهلت دادن به محاسبه شما می پردازیم.

۳۱- ﴿آيَةُ الثَّقَلَانِ﴾: ای انسان و جن.

۳۳- ﴿تَنْفُذُوا﴾: از ساحه فرمان من بیرون روید.

۳۳- ﴿فَانْفُذُوا﴾: پس بروید، امر اعجازی است.

۳۴- ﴿بِسُلْطَنِ﴾: به نیرو، قهر و غلبه خیلی بعید است...!

۳۵- ﴿شَوَاطِئَ﴾: شعله های بی دود.

۳۵- ﴿نُحَاسٌ﴾: مس گداخته یا دود بدون شعله.

۳۷- ﴿فَكَانَتْ وَرْدَةً﴾: مانند گل سرخ گردد.

۳۷- ﴿كَالَّذِي هَانَ﴾: مانند روغن زیتون در زوبان.

۴۱- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از سیاهی روی و کبودی چشم آنها.

- ۴۱- ﴿فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَصَّى﴾: موی پیشانی آنها را می گیرند.
- ۴۴- ﴿حَمِيمٍ ءَانٍ﴾: آب جوشان.
- ۴۶- ﴿جَنَّاتٍ﴾: دو بستان یکی داخل و دیگری بیرون قصر.
- ۴۸- ﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾: دارای شاخه ها یا انواع میوه ها.
- ۵۰- ﴿عَيْنَانِ﴾: دو چشمه، تسنیم و سلسبیل.
- ۵۲- ﴿زَوْجًا﴾: دو گونه یکی مشهور و دیگری ناشناخته.
- ۵۴- ﴿اسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۵۴- ﴿وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ﴾: میوه های رسیده این دو باغ.
- ۵۴- ﴿دَانٍ﴾: به دسترس تناول کننده است.
- ۵۶- ﴿قَصِيرَاتُ الْظَّرْفِ﴾: غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی کنند.
- ۵۶- ﴿لَمْ يَطْمِئُنْهُنَّ﴾: پیش از شوهر هیچ کس با آنها مقاربت نکرده است.
- ۶۲- ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾: غیر از آن دو باغ، دو باغ دیگر بالاتر یا پایین تر نیز است.
- ۶۴- ﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾: هر دو بسیار سرسبزند.
- ۶۶- ﴿نَضَاحَتَانِ﴾: دایم در فورانند.
- ۷۰- ﴿خَيْرَاتُ حِسَانٍ﴾: خوش خلق و خوش صورت.
- ۷۲- ﴿حُورٍ﴾: زنان سفید چهره و زیبا.
- ۷۲- ﴿مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾: پرده نشینان در خانه های از مروارید.
- ۷۶- ﴿رَفْرَفٍ﴾: ناز بالشت ها یا فرش های عالی.
- ۷۶- ﴿عَبْقَرِيٍّ﴾: فرش های نفیس.
- ۷۸- ﴿تَبَرَّكٌ﴾: برتر یا خیر و احسانش بسیار است.
- ۷۸- ﴿ذِي الْجَلَالِ﴾: با شکوه و استغنائی مطلق.
- ۷۸- ﴿الْأَكْرَامِ﴾: فضل و احسان کامل.

سوره واقعه

- ۱- ﴿وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾: با نفخه رستاخیز قیامت برپا شود.
- ۳- ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾: آن روز گناهکاران را پست و نیکو کاران را سرفراز می گرداند.
- ۴- ﴿رُجَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به شدت لرزانده شود.
- ۵- ﴿بُسَّتِ الْجِبَالُ﴾: کوه ها مانند تلخان کوبیده و ریزریز شوند.
- ۶- ﴿هَبَاءٌ مُنَبِّئًا﴾: غبار پراکنده.
- ۷- ﴿كُنْتُمْ أَزْوَاجًا﴾: شما دسته دسته شوید.
- ۸- ﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾: اهل سعادت و برکت یا ناحیه راست.
- ۹- ﴿أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾: اهل شقاوت یا ناحیه چپ.
- ۱۳- ﴿ثَلَاثَةٌ﴾: گروه بیشتر.
- ۱۵- ﴿سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ﴾: به تخت های که به استحکام خاص از طلا بافته شده اند.
- ۱۷- ﴿وَلَدَانِ مُخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا باقی می مانند.
- ۱۸- ﴿بِأَكْوَابٍ﴾: با جام ها.
- ۱۸- ﴿أَبَارِيقَ﴾: ظرف ها.
- ۱۸- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- ۱۸- ﴿مِنْ مَّعِينٍ﴾: از چشمه های شراب.
- ۱۹- ﴿يُصَدَّعُونَ عَنْهَا﴾: نوشیدن این شراب ها در دسر ندارد.
- ۱۹- ﴿لَا يُنْزِفُونَ﴾: به سبب نوشیدن آن مست نمی شود.
- ۲۲- ﴿حُورٌ عِينٌ﴾: زنان سفید اندام با چشمان فراخ و زیبا.
- ۲۳- ﴿الْلُّلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾: مروارید نهان در صدف و مصون از تغییر.
- ۲۵- ﴿لَعَوَا﴾: سخن بی خیر یا باطل.
- ۲۵- ﴿لَا تَأْتِيَمًا﴾: نه سخن گناه آلود یا موجب گناه.

- ۲۸- ﴿فِي سِدْرٍ﴾: در سایه درخت نبق در ناز و نعمت زندگی می کنند.
- ۲۸- ﴿مَخْضُودٍ﴾: بی خار.
- ۲۹- ﴿طَلْحٍ﴾: درخت موز یا مانند آن.
- ۲۹- ﴿مَنْضُودٍ﴾: میوه آن از پایین تا بالا روی هم افتاده است.
- ۳۰- ﴿ظِلِّ مَمْدُودٍ﴾: سایه دایمی یا گسترده.
- ۳۱- ﴿مَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾: آبی که از آبشارها می ریزد و پیوسته در روی زمین جاری است.
- ۳۴- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: گرانها، بر روی تخت ها یا چارپایه های بلند.
- ۳۷- ﴿عُرْبًا﴾: شوهر دوست.
- ۳۷- ﴿أَثَرًا﴾: هم سن و سال.
- ۴۲- ﴿سَمُومٍ﴾: باد سوزان که در مسامات وارد شود.
- ۴۲- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- ۴۳- ﴿يَحْمُومٍ﴾: دود غلیظ یا آتش.
- ۴۴- ﴿لَا كَرِيمٍ﴾: در آن گرمی آزار دهنده سودی نمی رساند.
- ۴۵- ﴿مُتَرَفِّينَ﴾: در ناز و نعمت و نفس پرست.
- ۴۶- ﴿الْحَنِثِ الْعَظِيمِ﴾: گناه بزرگ، شرک.
- ۵۲- ﴿زُقُومٍ﴾: درخت بسیار زشت در دوزخ.
- ۵۵- ﴿شَرِبَ الْهَيْمِ﴾: مانند شتر تشنه که سیراب نشود.
- ۵۶- ﴿هَذَا نُزُلُهُمْ﴾: این کیفری است که به آنها مهیا شده.
- ۵۶- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز قیامت.
- ۵۸- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۵۸- ﴿مَا تُمْنُونَ﴾: منی که در رحم می ریزید.
- ۵۹- ﴿تَخْلُقُونَهُ﴾: به صورت انسان آفریدید.

- ۶۰- ﴿بِمَسْبُوقَيْنَ﴾: مغلوب و عاجز.
- ۶۳- ﴿مَا تَحْرُثُونَ﴾: دانه‌ای که در زمین می‌کارید.
- ۶۴- ﴿تَزْرَعُونَهُ﴾: او را می‌رویانید تا به کمال برسد.
- ۶۵- ﴿حُطَّامًا﴾: گیاه خشک و بی‌فایده.
- ۶۵- ﴿تَفَكَّهُونَ﴾: از دگرگونی و حالت بد او تعجب می‌کردید.
- ۶۶- ﴿إِنَّا لَمُعْرُمُونَ﴾: بدون شک، با از بین رفتن خوردنی‌ها نابود خواهیم شد.
- ۶۷- ﴿مَحْرُومُونَ﴾: همگی از رزق محروم شدیم.
- ۶۹- ﴿الْمَنْزِلُونَ﴾: ابر یا ابر سفید.
- ۷۰- ﴿جَعَلْنَاهُ أَجَاًا﴾: این آب شیرین را نمک یا تلخ می‌گردانیم که نوشیدنش ممکن نباشد.
- ۷۱- ﴿النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾: آتشی را که می‌افروزید.
- ۷۳- ﴿مَتَلَعًا لِّلْمُقْوِينَ﴾: برای استفاده‌ی مسافران صحراء یا آنهای که به آن نیاز دارند.
- ۷۵- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: پس سوگند می‌خورم «لا» زائد و برای تأکید است.
- ۷۵- ﴿بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾: به غروب ستارگان یا مدار آنها.
- ۷۷- ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾: این کتاب قرآنی است بسیار سودمند یا با ارزش.
- ۷۸- ﴿كِتَابٍ مَّكْنُونٍ﴾: کتابی است نزد پروردگار در لوح محفوظ نهان و موصون از بدی.
- ۷۹- ﴿لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾: جز پاکیزگان نمی‌توانند به آن دست زنند صفت دیگر قرآن است.
- ۸۱- ﴿أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ﴾: شما اهمیت نمی‌دهید یا تکذیب می‌کنید.
- ۸۳- ﴿بَلَغْتَ الْخُبْرَ﴾: هنگام مرگ جان به گلو رسد.
- ۸۵- ﴿نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ﴾: ما به علم و قدرت خویش به او نزدیک‌تریم.
- ۸۶- ﴿غَيْرِ مَدِينِينَ﴾: مغلوب حکم الهی نباشید.
- ۸۹- ﴿فَرَوْحٌ﴾: برای او آسایش یا رحمت است.

- ۸۹- ﴿رَيَحَانٌ﴾: رزق نیکو.
- ۹۳- ﴿فَنُزِّلٌ﴾: مهمانی اوست.
- ۹۳- ﴿حَمِيمٌ﴾: آب جوشان.
- ۹۴- ﴿تَصْلِيَةُ جَحِيمٍ﴾: رنج آتش دوزخ را می کشد یا به آن انداخته می شود.

سورة حديد

- ۱- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی یاد و ستایش کرد.
- ۱- ﴿الْعَزِيزُ﴾: بر همه چیز توانا و غالب است.
- ۳- ﴿الْأَوَّلُ﴾: از همه موجودات پیش است.
- ۳- ﴿الْآخِرُ﴾: بعد از نابودی موجودات باقی است.
- ۳- ﴿الظَّاهِرُ﴾: وجود او با دلایل روشن، آشکار است.
- ۳- ﴿الْبَاطِنُ﴾: حقیقت ذات او تعالی از عقل و ادراک پنهان است.^(۱)
- ۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که شایان کمال او تعالی است.
- ۴- ﴿مَا يَلْبُغُ﴾: آنچه داخل می شود از قبیل باران و غیره.
- ۴- ﴿مَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾: آنچه به سوی آسمان بالا می رود از قبیل فرشتگان و اعمال بندگان.
- ۴- ﴿هُوَ مَعَكُمْ﴾: او از همه چیز آگاه و با شماست.

۱- بهتر و شایسته تر این بود که این دو نام خداوند یعنی ظاهر و باطن را بر اساس همان تفسیری که پیامبر ﷺ تفسیر نموده تفسیر می کرد. پیامبر ﷺ می فرماید: «وَأنت الظاهر فليس فوقك شيء، وأنت الباطن فليس دونك شيء» «تو ظاهر هستی پس هیچ چیزی بالاتر از تو نیست و تو باطن هستی پس هیچ چیزی از تو دور و مخفی نیست». بنابراین اسم ظاهر بیانگر بالا بودن او بر آفریده هایش دارد و اسم باطن بیانگر احاطه ی علم او است و اینکه هیچ چیز از او پنهان نمی ماند، شنوایی اش گنجایش تمامی صداها را دارد و بینایی اش همه ی آفریده ها را زیر نظر دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسیر و بیان للشيخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۶- ﴿يُولِجُ اللَّيْلَ﴾: شب را داخل می کند.
- ۱۰- ﴿قَبْلَ الْفَتْحِ﴾: پیش از فتح مکه یا صلح حدیبیه.
- ۱۰- ﴿الْحُسْنَى﴾: پاداش نیکو، جنت.
- ۱۱- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: کار ثوابی را از طیب خاطر انجام بدهد.
- ۱۳- ﴿أَنْظُرُونَا﴾: منتظر ما بمانید.
- ۱۳- ﴿نَقْتَبِسُ﴾: روشنایی بگیریم.
- ۱۴- ﴿بِسُورٍ﴾: دیواری بین بهشت و دوزخ، اعراف.
- ۱۴- ﴿يُنَادُونَهُمْ﴾: منافقها مسلمانان را صدا می کنند.
- ۱۴- ﴿فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: با اختیار نفاق خود را نابود کنید.
- ۱۴- ﴿تَرَبَّصْتُمْ﴾: انتظار داشتید به مسلمانان حوادث ناگوار برسد.
- ۱۴- ﴿عَرَّزْتَكُمْ الْأُمَّاةَ﴾: آرزوهای بیهوده شما را فریفت.
- ۱۴- ﴿الْغُرُورُ﴾: شیطان و هر فریبنده ای.
- ۱۵- ﴿هِيَ مَوْلَاكُمْ﴾: دوزخ به شما مناسب است.
- ۱۶- ﴿أَلَمْ يَأْنِ﴾: آیا وقت آن نرسیده. ﴿أَنْ تَخْشَعَ﴾: که فروتنی کند.
- ۱۶- ﴿الْأَمَدُ﴾: زمان.
- ۲۰- ﴿تَكَاثَّرُوا...﴾: مباحثات است به افزونی...
- ۲۰- ﴿أَعْجَبَ الْكُفَّارَ﴾: کشاورزان را به شگفت آورد.
- ۲۰- ﴿يَهِيْجُ﴾: بسیار خشک شود.
- ۲۰- ﴿يَكُونُ حُطَمًا﴾: بعد از خشک شدن بشکند و پوسیده گردد.
- ۲۱- ﴿سَابِقُوا﴾: بشتابید.
- ۲۲- ﴿تَبَرَّأَهَا﴾: این کائنات را خلق نمایم.
- ۲۳- ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا﴾: تا حزین و نومید نشوید.
- ۲۳- ﴿لَا تَفْرَحُوا﴾: به غرور و تکبر شادی نکنید.

- ۲۳- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر خودستا را.
- ۲۵- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت را که به اجرای آن دستور دادیم یا همین ترازوی معروف را.
- ۲۵- ﴿أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾: آهن را آفریدیم یا برای مردم مهیا ساختیم.
- ۲۵- ﴿بِأَسْسٍ شَدِيدٍ﴾: نیروی قوی.
- ۲۷- ﴿فَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ﴾: بعد از آنها فرستادیم.
- ۲۷- ﴿الْأَنْجِيلَ﴾: انجیل را، سپس تحریفش نمودند.
- ۲۷- ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾: کسانی که از دین او پیروی کردند.
- ۲۷- ﴿رَأْفَةً وَرَحْمَةً﴾: نرمی و مهربانی.
- ۲۷- ﴿رَهْبَانِيَّةً﴾: زیاده روی در عبادت.
- ۲۷- ﴿مَا كُتِبَ عَلَيْهَا عَلَيْهِمْ﴾: ما این رهبانیت را بر آنها فرض نکرده بودیم بلکه آنها از پیش خود ساختند.
- ۲۷- ﴿فَمَا رَعَوْهَا﴾: آن را رعایت نکردند، بلکه جانشین‌های ایشان آن گم و به دین عیسی انکار کردند.
- ۲۸- ﴿يُؤْتِكُمْ كَيْفَ لَيْتُمْ﴾: به شما دو اجر می‌دهد.
- ۲۹- ﴿إِنَّمَا يَعْلَمُ﴾: تا بداند «لا» زاید است.

سوره مُجَادَلَه

- ۱- ﴿تُجَدِّلُكَ﴾: با تو گفتگو می‌کرد و سخن را تکرار می‌نمود.
- ۱- ﴿تَحَاوَرَكُمَا﴾: گفتگوی شما را.
- ۲- ﴿يُظَاهِرُونَ﴾: همسر خود را مانند مادر خود تحریم می‌کنند.
- ۲- ﴿مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ﴾: سخن زشت که شایسته شرع و عقل نباشد.
- ۲- ﴿زُورًا﴾: دروغ، بیهوده و منحرف از حق.
- ۳- ﴿يَتَمَآسَا﴾: به مقاربت یا انگیزه آن از هم لذت ببرند.

- ۵- ﴿يُحَادُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.
- ۵- ﴿كُتِبُوا﴾: خوار یا نابود یا لعنت می شوند.
- ۶- ﴿أَخَصَلَهُ اللَّهُ﴾: خدا از آن کاملاً آگاه است.
- ۷- ﴿نَجَوَى ثَلَاثَةً﴾: سه نفر با هم زار نهانی بگویند.
- ۷- ﴿هُوَ رَابِعُهُمْ﴾: خدا چهارم آنها و از نجوای آنها آگاه است.
- ۷- ﴿هُوَ مَعَهُمْ﴾: خدا با آنها و از همه چیز آگاه است.
- ۸- ﴿لَوْلَا يُعَذِّبُنَا﴾: چرا ما را عذاب نمی کند.
- ۸- ﴿حَسَبُهُمْ جَهَنَّمُ﴾: برای تعذیب و شکنجه آنان جهنم کافی است.
- ۸- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: به دوزخ داخل می شوند یا سختی آن را می کشند.
- ۱۰- ﴿إِنَّمَا النَّجْوَى﴾: بدون شک نجوای که نهی شده.
- ۱۰- ﴿لِيَحْزُنَ﴾: تا انده گین کند.
- ۱۱- ﴿تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ﴾: در مجالس جای را بر دیگران فراخ کنید و پیوست با هم ننشینید.
- ۱۱- ﴿أَنْشُرُوا﴾: بخاطر فراخ شدن مجلس یا عبادت یا کار خیر دیگر برخیزید.
- ۱۳- ﴿ءَأَشْفَقْتُمْ﴾: آیا از فقر ترسیدید.
- ۱۳- ﴿تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: با نسخ حکم آن بر شما آسان کرد.
- ۱۴- ﴿إِلَى الَّذِينَ﴾: منافقانی را که.
- ۱۴- ﴿تَوَلَّوْا قَوْمًا﴾: با یهود دوستی کردند.
- ۱۴- ﴿غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا بر یهود غضب کرده است.
- ۱۶- ﴿جُنَّةً﴾: به جان و مال خود سپر قرار دادند.
- ۱۷- ﴿لَنْ تُغْنِيَ...﴾: هرگز دفاع نمی کند...
- ۱۹- ﴿أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ﴾: بر عقل آنها غلبه یافته است.
- ۲۰- ﴿يُحَادُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.

- ۲۰- ﴿فِي الْأَذَلِّينَ﴾: در میان ذلیل‌ترین مردمانند.
- ۲۱- ﴿عَزِيزٌ﴾: همواره بر دشمنانش پیروز و شکست‌ناپذیر است.
- ۲۲- ﴿يُرْجَى مِنْهُ﴾: به نوری که بر دل آنها می‌افکند یا به قرآن.

سورة حَشْرِ

- ۱- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را پاک و منزّه می‌داند و ستایش می‌کند.
- ۲- ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾: یهود بنی‌نضیر را در نزدیک مدینه.
- ۲- ﴿لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾: در اولین اخراج و تبعید به شام.
- ۲- ﴿فَأَتْنَهُمُ اللَّهُ﴾: امر و عذاب خدا بر آنها آمد.
- ۲- ﴿لَمْ يَخْتَسِبُوا﴾: گمان نمی‌کردند و به ذهن آنها هم خطور نمی‌کرد.
- ۲- ﴿قَذَفَ﴾: افکند.
- ۳- ﴿الْجُلَاءِ﴾: با زن و فرزندان از وطن بیرون شدن.
- ۴- ﴿شَاقُوا﴾: دشمنی و نافرمانی کردند.
- ۵- ﴿مِّن لَّيْتَةٍ﴾: درخت خرما یا درخت شایسته خرما را.
- ۵- ﴿عَلَىٰ أَصُولِهَا﴾: بر ساقه‌اش.
- ۶- ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ﴾: آنچه خدا عاید گردانید.
- ۶- ﴿فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ﴾: بخاطر بدست آوردن آن نتاختید.
- ۶- ﴿رِكَابٍ﴾: آنچه سوار شوند خصوصاً شتر.
- ۷- ﴿دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ﴾: این اموال تنها در میان توانگران دست بدست نگردد.
- ۹- ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ﴾: مدینه را وطن خود قرار دادند و به خلوص نیت ایمان آوردند.
- ۹- ﴿حَاجَةً﴾: سوزش دل و حسد.
- ۹- ﴿خَصَاصَةً﴾: فقر و احتیاج.
- ۹- ﴿مَنْ يُوقَ﴾: کسی که دور نگاه داشته شود.
- ۹- ﴿شَحَّ نَفْسِهِ﴾: از بخل و حرص خویش.
- ۱۰- ﴿غِلًّا﴾: هیچ حقد، کینه و خیانتی.

- ۱۴- ﴿بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ﴾: جنگ آنها در میان خودشان سخت تر است.
- ۱۴- ﴿قُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾: بین خود اختلاف دارند و دلهاشان پراکنده است.
- ۱۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: عاقبت بد کفر خود را.
- ۱۹- ﴿نَسُوا اللَّهَ﴾: اوامر و نواهی خدا را مراعات نکردند.
- ۱۹- ﴿فَانْسَلْهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾: پس خدا هم خود آنها را از یاد خودشان برد، کار خیری به نفع آخرت خود انجام ندادند.
- ۲۱- ﴿خَشِعًا﴾: فروتن و فرمان بردار.
- ۲۱- ﴿مُتَّصِدِّعًا﴾: پاره پاره.
- ۲۳- ﴿الْمَلِكُ﴾: مالک و متصرف تمام اشیاء.
- ۲۳- ﴿الْقُدُّوسُ﴾: دور از همه نقصها و در کمال پاکیزگی است.
- ۲۳- ﴿السَّلَامُ﴾: سالم از عیب و نقص.
- ۲۳- ﴿الْمُؤْمِنُ﴾: پیامبران خود را با معجزه تأیید و تصدیق می کند.
- ۲۳- ﴿الْمُهَيِّمُ﴾: حافظ و مراقب تمام اشیاء.
- ۲۳- ﴿الْعَزِيزُ﴾: قوی و غالب.
- ۲۳- ﴿الْجَبَّارُ﴾: قهار یا بلند مرتبه.
- ۲۳- ﴿الْمُتَكَبِّرُ﴾: کبریا و با جاه و جلال.
- ۲۴- ﴿الْبَارِئُ﴾: ایجاد کننده.
- ۲۴- ﴿الْمُصَوِّرُ﴾: خالق صورتها به هر شکل که بخواهد.
- ۲۴- ﴿الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾: نامهای نیکو با معانی نیکو.

سُورَةُ مُمْتَحِنَةٍ

- ۱- ﴿أُولِيَاءَ﴾: یاورانی که با آنها دوستی و خیر خواهی می کنید.
- ۱- ﴿أَنْ تُوْمِنُوا﴾: بخاطر ایمانتان یا نفرتی که از دین شما داشتند.

- ۲- ﴿يَتَقَفُّوكُمْ﴾: به شما دست یابند یا با شما روبرو شوند.
- ۲- ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ﴾: به سوی شما بکشایند.
- ۴- ﴿أَسْوَهُ حَسَنَةً﴾: سرمشق خوبی در اظهار بیزاری از گمراهان.
- ۴- ﴿إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ﴾: ما از شما بیزاریم.
- ۴- ﴿إِلَيْكَ أُنَبِّئُا﴾: توبه کنان به درگاه تو رجوع کردیم.
- ۵- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را به دست کافران عذاب نکن.
- ۸- ﴿تَبَرُّوهُمْ﴾: به آنها احسان و احترام نمایید.
- ۸- ﴿وَتَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾: با آنها به عدل و انصاف رفتار کنید.
- ۹- ﴿ظَاهِرُوا﴾: با کسانی که با شما پیکار و اخراجتان نمودند، همکاری کردند.
- ۹- ﴿أَن تَوَلَّوْهُمْ﴾: که با آنها طرح دوستی بریزید.
- ۱۰- ﴿فَأَمْتَحِنُوهُمْ﴾: آنها را آزمایش نمایید، این حالت در صلح حدیبیه بود.
- ۱۰- ﴿أَجُورُهُنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۱۰- ﴿بِعِصْمِ الْكُوفِرِ﴾: به عقد نکاح زنان مشترک.
- ۱۱- ﴿فَاتَكُمُ شَيْءٌ﴾: یکی مرتد شد و گریخت.
- ۱۱- ﴿فَعَاقَبْتُمْ﴾: با آنها پیکار کردید و غنیمت گرفتید.
- ۱۲- ﴿بِئْهَتَنِ﴾: نسبت کودکان یافت شده به شوهر.
- ۱۲- ﴿يَفْتَرِيْنَهُ﴾: او را به دروغ می سازند.
- ۱۳- ﴿لَا تَتَوَلَّوْا﴾: دوست نگیرید.
- ۱۳- ﴿قَوْمًا﴾: یهود را یا عامه کفار را.

سوره صف

- ۱- ﴿سَبِّحَ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی و بزرگی می ستاید و فروتنی می کند.
- ۳- ﴿كَبِرَ مَقْتًا﴾: بسیار خشم آور است.

- ۴- ﴿صَفَّا﴾: خود صف بسته‌اند یا به صف ایستاد کرده شده‌اند.
- ۴- ﴿بُنَيْنٌ مَّرْصُوصٌ﴾: عمارتی مستحکم و به هم پیوسته.
- ۵- ﴿زَاغُوا﴾: به اختیار خود از حق منحرف شدند.
- ۵- ﴿أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾: خدا توفیق‌شان نداد که به راه حق بروند.
- ۸- ﴿نُورَ اللَّهِ﴾: حقیقتی را که پیامبر آورده است.
- ۱۳- ﴿أُخْرَى﴾: نعمت دیگری هم نصیب شماست.
- ۱۴- ﴿لِلْحَوَارِيِّنَ﴾: خاصان عیسی (علیه السلام).
- ۱۴- ﴿فَأَيَّدْنَا﴾: مؤمنان را قوت و نیرو دادیم.
- ۱۴- ﴿ظَهَرِينَ﴾: با دلایل آشکار پیروزی یافتند.

سوره جُمُعَه

- ۱- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی می‌ستایند.
- ۱- ﴿الْمَلِكِ﴾: مالک تمام اشیاء.
- ۱- ﴿الْقُدُّوسِ﴾: از همه عیبها پاک است.
- ۱- ﴿الْعَزِيزِ﴾: قادر، غالب و تواناست.
- ۲- ﴿الْأَمِينِ﴾: عرب معاصر پیامبر.
- ۲- ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.
- ۳- ﴿ءَاخَرِينَ مِنْهُمْ﴾: بر گروه دیگری از عرب.
- ۳- ﴿لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾: هنوز به آنها نپیوسته‌اند و به زودی خواهند پیوست.
- ۵- ﴿حُمِّلُوا التَّوْرَةَ﴾: مکلف شدند که به تورات عمل نمایند، یهود.
- ۵- ﴿يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾: کتابهای بزرگ را بر می‌دارد و از آنها بهره نمی‌گیرد.
- ۶- ﴿هَادُوا﴾: یهودیت را پذیرفته‌اید.
- ۹- ﴿ذَرُوا الْبَيْعَ﴾: خرید و فروش را رها کنید.

- ۱۰- ﴿فَانتَشِرُوا﴾: برای بدست آوردن نیازمندی‌های خود پراکنده شوید.
 ۱۱- ﴿انْفِضُوا إِلَيْهَا﴾: از نزد تو پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند.

سورة مُنَافِقُونَ

- ۲- ﴿جَنَّةٍ﴾: سپری برای حفظ جان و مال خود.
 ۳- ﴿أَمْنُوا﴾: تنها به زبان ایمان آوردند.
 ۴- ﴿فَطِيعَ﴾: بخاطر کفرشان مهر نهاده شد.
 ۵- ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾: حقیقت ایمان را نمی‌دانند.
 ۴- ﴿حُشْبٌ مُّسَنَدَةٌ﴾: چوب تکیه داده بر دیوارند، اجسام بی‌خردند.
 ۴- ﴿هُمُ الْعَدُوُّ﴾: دشمنانی سرسختند.
 ۴- ﴿أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟
 ۵- ﴿لَوْ رَأَوْهُمْ﴾: به استهزاء و تمسخر روی خود را می‌گردانند.
 ۷- ﴿حَتَّى يَنْفَضُوا﴾: تا از کنار پیامبر پراکنده شوند.
 ۸- ﴿رَجَعْنَا﴾: از غزوه بنی‌مصطلق برگشتیم.
 ۸- ﴿لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ﴾: قوی‌ترها [خود آنها] بیرون می‌کنند.
 ۸- ﴿الْأَذَلَّ﴾: ضعیف‌ترها [رسول خدا] را.
 ۸- ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ﴾: غلبه و قهر خاصه خداست.
 ۹- ﴿لَا تُلْهِكُمْ﴾: شما را مشغول نگرداند.
 ۹- ﴿عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾: از طاعت و عبادت خدا.
 ۱۰- ﴿لَوْلَا أَخَّرْتَنِي﴾: چرا مهلت‌م ندادی و مرگم را به تأخیر نینداختی.

سوره تغابن

- ۱- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی می ستاید و ثنا می گوید...
- ۱- ﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾: در همه امور اختیار کامل دارد.
- ۳- ﴿بِالْحَقِّ﴾: به حکمت بالغه.
- ۳- ﴿فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾: صورتهای شما را نیکو ساخت.
- ۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: سرانجام بد کفر خود را در دنیا.
- ۶- ﴿تَوَلَّوْا﴾: از ایمان به پیامبران سرپیچی کردند.
- ۸- ﴿وَالْتَّوْرِ﴾: به قرآن.
- ۹- ﴿لَيَوْمَ الْجَمْعِ﴾: در قیامت که خلائق برای حساب و جزاء جمع می شوند.
- ۹- ﴿يَوْمَ التَّغَابُنِ﴾: روزی که زیان کافر به ترک ایمان و غفلت مسلمان به کوتاهی از احسان آشکار گردد.
- ۱۱- ﴿بِإِذْنِ اللَّهِ﴾: به اراده، قضاء و قدر او.
- ۱۱- ﴿يَهْدِ قَلْبَهُ﴾: خدا دلش را به یقین، صبر و تسلیم هدایت می کند.
- ۱۵- ﴿فِتْنَةً﴾: بلاء، محنت و آزمون است.
- ۱۶- ﴿يُوقُ شَحْ نَفْسِهِ﴾: از بخل شدید و حرص خویشتن دور بماند.
- ۱۷- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: اعمال را به اخلاص، طیب خاطر و امید ثواب انجام دهید.

سوره طلاق

- ۱- ﴿فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾: زنهارا در زمان پاکی که در آن مقاربت نشده باشد طلاق دهید.
- ۱- ﴿أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾: عده را شمار و سه حیض یا سه پاکی را کامل نمایید.

- ۱- ﴿يَفْحِشَةَ مِیْنَةٍ﴾: گناه کبیره آشکار.
- ۲- ﴿بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾: زنان طلاق شده به پایان عده خود نزدیک شوند.
- ۲- ﴿فَخَرَجَا﴾: راه نجات از تمام سختی‌ها و بلاها.
- ۳- ﴿لَا يَخْتَسِبُ﴾: به ذهنش خطور نمی‌کند.
- ۳- ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: خدا در همه امور به او بس است.
- ۳- ﴿قَدَرًا﴾: وقت معین یا تقدیر ازلی.
- ۴- ﴿يَيْسَنَ﴾: زنانی که امید بچه دار شدن ندارد.
- ۴- ﴿وَأَلَّتِي لَمْ يَحْضَنْ﴾: عده زنان نابالغ سه ماه است.
- ۴- ﴿يُسْرًا﴾: آسانی را.
- ۶- ﴿وَجِدْكُمْ﴾: وسع و توان خود.
- ۶- ﴿وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن با هم مشوره نمایید.
- ۶- ﴿تَعَاَسَرْتُمْ﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن مضایقه کردید.
- ۷- ﴿ذُو سَعَةٍ﴾: غنی و توانگری.
- ۷- ﴿قُدِرَ عَلَيْهِ﴾: فقیر و تنگدست.
- ۸- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیاری از اهالی قریه‌ای.
- ۸- ﴿عَتَتْ﴾: سرکشی کرد.
- ۸- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب زشت در آخرت.
- ۹- ﴿وَبَالَ أَمْرِهَا﴾: عاقبت بد نافرمانی خود را.
- ۹- ﴿خُسْرًا﴾: خسران و هلاکت.
- ۱۰- ﴿ذِكْرًا﴾: قرآن را.
- ۱۱- ﴿رَسُولًا﴾: پیامبری یا جبریل را فرستاده است.
- ۱۲- ﴿يَنْزِلُ الْأَمْرُ﴾: قضا و قدر یا تدبیر او تعالی جریان دارد.

سورة تحریم

- ۱- ﴿مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾: خدا نوشیدن عسل را برای تو حلال کرده است.
- ۱- ﴿تَبْتَغِي﴾: طلب می کنی.
- ۲- ﴿حِجْلَةً أَيْمَنِكُمْ﴾: کشودن قسمهای شما را با کفاره.
- ۲- ﴿اللَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا ناصر و متولی امور شماست.
- ۳- ﴿نَبَأْتُ بِهِ﴾: این راز را به دیگری خبرداد.
- ۳- ﴿أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾: خدا پیامبر را از افشا شدن این راز آگاه ساخت.
- ۴- ﴿صَعَتْ فُلُوبُكُمْ﴾: دل های شما از حق پیامبر که بر شماست منحرف شده است.
- ۴- ﴿إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ﴾: اگر شما به رنجاندن و اندوهگین ساختن او ﷺ همدست شوید.
- ۴- ﴿هُوَ مَوْلَاهُ﴾: خدا یار و یاور اوست.
- ۴- ﴿ظَهِيرٌ﴾: پشتیبان او می باشند.
- ۵- ﴿قَنْتِ﴾: مطیع و فرمانبردار خدا.
- ۵- ﴿سَبَّخْتِ﴾: هجرت کنندگان یا روزه داران.
- ۶- ﴿قَوَّ أَنْفُسَكُمْ﴾: خود را با طاعت و عبادت دور نگاه دارید.
- ۶- ﴿غِلَاطٌ شِدَادٌ﴾: نگاهبانان دوزخ قوی و سنگدل هستند.
- ۸- ﴿تَوْبَةً نُّصُوحًا﴾: توبه خالصانه یا صادقانه یا مقبول.
- ۸- ﴿لَا يُخْزِي اللَّهَ النَّبِيَّ﴾: خدا پیامبر خود را خوار نمی کند بلکه عزت او را می افزاید.
- ۹- ﴿أَغْلَظَ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها سخت بگیر یا در برابر ایشان سنگدل باش.
- ۱۰- ﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾: به منافقت یا به نمایی به آن دو خیانت کردند.
- ۱۰- ﴿فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا﴾: از آن دو دفاع نکردند.
- ۱۲- ﴿أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾: دامن خود را از مردان دور نگاه داشت.

- ۱۲- ﴿مِنْ رُّوحِنَا﴾: از روحی که مخلوق ماست بدون واسطه پدر، عیسی الصلی علیہ و آله و سلم.
 ۱۲- ﴿مِنَ الْقِنْتَيْنِ﴾: از بندگان مطیع و فرمانبردار خدا.

سورة مُلْك

- ۱- ﴿تَبَرَّكَ الَّذِي﴾: بلند و با عظمت یا خیرش فراوان است ذاتی که.
 ۱- ﴿بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾: امر و نهی و فرمانروایی از آن اوست.
 ۲- ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ﴾: مرگ را آفریده یا از ازل مقدر کرده است.
 ۲- ﴿لِيَبْلُوَكُمْ﴾: تا شما را بیازماید.
 ۲- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: نیکو کارتر و مخلصتر یا فرمانبرتر است.
 ۳- ﴿طَبَاقًا﴾: هر آسمان بر فراز دیگری است.
 ۳- ﴿تَفَوُّتٍ﴾: اختلاف و عدم تناسب.
 ۳- ﴿فُطُورٍ﴾: شکاف‌ها یا خلل و نابسامانی.
 ۴- ﴿كَرَّتَيْنِ﴾: دوباره.
 ۴- ﴿خَاسِئًا﴾: خوار و ذلیل از نیافتن خلل و نابسامانی.
 ۴- ﴿هُوَ حَسِيرٌ﴾: او از کثرت مراجعت خسته و مانده است.
 ۵- ﴿بِمَصْبِيحٍ﴾: به ستاره‌های درخشان.
 ۵- ﴿رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ﴾: وسیله طرد شیاطین با پرتاب شهاب از ستارگان بر آنها.
 ۷- ﴿شَهِيقًا﴾: آواز زشت مانند آواز خر.
 ۷- ﴿تَفَوُّرٍ﴾: آنها را می‌جوشاند.
 ۸- ﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ﴾: نزدیک است بترکد و از هم بپاشد.
 ۸- ﴿فَوْجٌ﴾: جماعتی از کفار.
 ۱۱- ﴿فَسُحْقًا﴾: از رحمت و بخشش دور باد.
 ۱۵- ﴿الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾: زمین را رام، نرم و هموار کرد که در آن قرار گیرید.

- ۱۵- ﴿مَنَاكِهًا﴾: نواحی آن یا راه‌ها و گزرگاه‌های آن.
- ۱۵- ﴿إِلَيْهِ النُّشُورُ﴾: از قبرها برانگیخته می‌شوید و پیش او می‌روید.
- ۱۶- ﴿مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾: کسی که فرمان‌روای آسمان‌هاست.
- ۱۶- ﴿يُخَسِّفُ بِكُمُ﴾: شما را فرو برد.
- ۱۶- ﴿هِيَ تَمُورُ﴾: زمین لرزه کند.
- ۱۷- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی از سوی آسمان که در آن سنگریزه است.
- ۱۷- ﴿كَيْفَ نَذِيرٍ﴾: تهدید، هشدار و توانایی من در فرستادن عذاب چگونه است.
- ۱۸- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: هلاک ساختن من چگونه بود.
- ۱۹- ﴿صَفَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ﴾: هنگام پرواز بال‌های خود را می‌گشایند و جمع می‌کنند.
- ۲۰- ﴿أَمَنْ هَذَا﴾: آیا این کیست؟
- ۲۰- ﴿جُنْدٌ لَّكُمْ﴾: یار و یاور و پناگاه شماست.
- ۲۰- ﴿عُرُورٍ﴾: گرفتار فریب شیطان و لشکر او هستند.
- ۲۱- ﴿لَجَؤًا فِي عُتُوٍ﴾: در سرکشی و ستیز ادامه دادند.
- ۲۱- ﴿نُفُورٍ﴾: فرار و دوری از حق.
- ۲۲- ﴿مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾: به روی افتاده که از لغزش در امان نیست.
- ۲۲- ﴿يَمِشِي سَوِيًّا﴾: ایستاده راه می‌رود و نمی‌افتد، مَثَل است برای مشرکین و یکتا پرستان.
- ۲۴- ﴿ذَرَأُكُمْ﴾: شما را آفرید و پخش کرد.
- ۲۷- ﴿رَأَوْهُ زُلْفَةً﴾: عذاب را نزدیک خود بینند.
- ۲۷- ﴿سَيِّئَةٍ﴾: از ذلت و اندوه سیاه می‌شود.
- ۲۷- ﴿بِهِ ذَعُونَ﴾: به تمسخر تقاضا داشتید، هر چه زودتر بیاید.
- ۲۸- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۲۸- ﴿يُجِيرُ الْكَافِرِينَ﴾: کافرها را نجات یا پناه می‌دهد.

- ۳۰- ﴿غَوْرًا﴾: در زمین فرو رود و دست رسی به آن ممکن نباشد.
- ۳۰- ﴿بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾: آب روان که به سهولت بدست بیاید.

سوره قلم

- ۱- ﴿وَالْقَلَمِ﴾: قسم به قلم.
- ۱- ﴿مَا يَسْطُرُونَ﴾: قسم به آنچه می نویسند.
- ۲- ﴿مَا أَنْتَ﴾: ای محمد تو نیستی، جواب قسم.
- ۳- ﴿غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾: دایمی.
- ۶- ﴿بِأَيِّكُمْ أَلْمَفُتُونَ﴾: کدام یک از شما دیوانه است.
- ۹- ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ﴾: دوست دارند که با ایشان نرمی و مدارا کنی.
- ۹- ﴿فَيُدْهِنُونَ﴾: آنها نیز با تو نرمی و مدارا کنند.
- ۱۰- ﴿خَلَافٍ﴾: حق و ناحق قسم می خورد.
- ۱۰- ﴿مَّهِينٍ﴾: پست و بی تمیز یا دروغ گو.
- ۱۱- ﴿هَمَّازٍ﴾: عیبجو یا غیبتگر.
- ۱۱- ﴿مَشَاءٍ بَنِيمٍ﴾: برای سخن چینی و فتنه انگیزی بین مردم رفت و آمد دارد.
- ۱۳- ﴿عُتْلٍ﴾: بدخلق و فرومایه یا خشن و بدرفتار.
- ۱۳- ﴿زَنِيمٍ﴾: حرامزاده، بی اصل و نسب یا بدکار.
- ۱۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: چیزهای باطل که نوشته اند.
- ۱۶- ﴿سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ﴾: او را گرفتار ننگ دایمی سازیم، مانند داغ بر بینی.
- ۱۷- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: اهل مکه را به قحطی آزمودیم.
- ۱۷- ﴿الْجَنَّةِ﴾: باغی بود نزدیک صنعاء.
- ۱۷- ﴿لَيَصْرِمُنَّهَا﴾: میوه های رسیده باغ را بچینند.

- ۱۷- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.
- ۱۸- ﴿لَا يَسْتَنُوتُونَ﴾: برخلاف پدر خود حصه نیازمندان را جدا نکنند.
- ۱۹- ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ﴾: آتشی در آن باغ افتاد.
- ۲۰- ﴿كَالْصَّرِيمِ﴾: مانند خاکستر سیاه و شب تاریک.
- ۲۱- ﴿فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ﴾^(۱): هنگام صبح یکدیگر را صدا کردند.
- ۲۲- ﴿أَعْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار حرکت کنید.
- ۲۲- ﴿صَرِيمِينَ﴾: قصد چیدن میوه‌ها را دارید.
- ۲۳- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته به یکدیگر می‌گفتند.
- ۲۵- ﴿غَدُوا﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار خود رفتند.
- ۲۵- ﴿عَلَىٰ حَرْدٍ﴾: به تنهایی و بدون مساکین.
- ۲۵- ﴿قَدِيرِينَ﴾: می‌توانند میوه‌ها را بچینند.
- ۲۶- ﴿إِنَّا لَضَّالُّونَ﴾: ما راه گم کرده‌ایم این باغ ما نیست.
- ۲۸- ﴿أَوْسَطُهُمْ﴾: عاقلتر و با اندیشه‌تر آنها.
- ۲۸- ﴿لَوْلَا تَسْوِیُّونَ﴾: چرا از این کار و خبث نیت خود از خدا آمرزش نمی‌خواهید.
- ۳۰- ﴿يَتَلَوُمُونَ﴾: یکدیگر را ملامت می‌کردند.
- ۳۲- ﴿إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾: از خدای خود خیر و عفو می‌خواهیم.
- ۳۸- ﴿لَمَّا تَخَيَّرُونَ﴾: هر چه را شما انتخاب می‌کنید و مشتاق آن هستید.
- ۳۹- ﴿لَكُمْ أَيْمَنٌ عَلَيْنَا﴾: با ما پیمان‌های مؤکد به سوگند بسته‌اید.
- ۳۹- ﴿لَمَّا تَحْكُمُونَ﴾: هر چه به نفع خود حکم کنید.
- ۴۲- ﴿يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ﴾: کنایه از شدت هول و وحشت قیامت است.^۱

۱- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است و قول دوم چنین است: منظور این است که الله ساقش را آشکار می‌کند. و حدیثی که صحت آن ثابت است دلیل این قول است. (نگا: صحیح بخاری - کتاب التوحید باب قول الله تعالی: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿۲۳﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿۲۴﴾﴾ (۴۳۱/۱۳) حدیث

شماره (۷۴۳۹) و همچنین امام مسلم این حدیث را به شماره (۱۸۳) از طریق عطاء بن یسار عن أبي سعيد الخدري روایت کرده است).

همچنین سلف صالح در اثبات صفت ساق همانند صفت پا و دست اختلافی نداشته‌اند و تنها در تفسیر این آیه اختلاف کرده‌اند. برخی از آنها گفته‌اند: «منظور از ساق، ساق الله است، بنابراین الله ساق خویش را آشکار نموده و در این هنگام مؤمنان برایش سجده می‌کنند همانگونه که در صحیحین وارد شده است». (لفظ این حدیث در صحیح بخاری چنین است که از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که گفت: به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتیم: آیا پروردگاران را در قیامت می‌بینیم؟ فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه در هوای صاف دچار مشکل می‌شوید؟ گفتیم: نه. فرمود: پس شما در دیدن پروردگارتان در آن هنگام نیز دچار مشکل نمی‌شوید. سپس فرمود: منادی ندا سر می‌دهد که هر قومی به سوی آنچه عبادت می‌کردند بروند. پس اصحاب صلیب با صلیبشان و بت‌پرستان با بت‌هایشان می‌روند و هر کس معبودی را می‌پرستیده با آن می‌رود تا اینکه افرادی می‌مانند که الله را عبادت کرده‌اند چه نیکوکار باشند یا تبهکار و غیره از اهل کتاب. سپس جهنم آورده شده و عرضه می‌شود که گویی سراب است. به یهود گفته می‌شود: شما چه کسی را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما عزیر پسر الله را می‌پرستیدیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) پس چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند. سپس به نصاری گفته می‌شود که شما چه را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما مسیح پسر الله را پرستش می‌کردیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) گفته می‌شود: چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند تا اینکه کسانی باقی می‌مانند که الله را پرستش می‌کردند چه نیکوکار و چه تبهکار. به آنها گفته می‌شود: اکنون که مردم رفته‌اند چه چیزی شما را نگه داشته است. می‌گویند: ما آن هنگام که بیشتر به آنها نیاز داشتیم از آنها جدا شدیم و ما ندای ندا دهنده‌ای را شنیدیم که ندا سر داده هر کس به آنچه می‌پرستید بپیوندد و ما منتظر پروردگاران هستیم، می‌گوید: خداوند جبار با هیئتی متفاوت از آنچه در ابتدا دیده بودند می‌آید و می‌گوید: من پروردگار شما هستم، می‌گویند: تو پروردگارمان هستی، و جز پیامبران کسی با او سخن نمی‌گوید. می‌گوید: آیا شما نشانه‌ای دارید که او را با آن بشناسید؟ می‌گویند: ساق، پس الله ساقش را آشکار نموده و هر مؤمنی برای او به سجده می‌افتد و کسانی که از روی خودنمایی و ریا و شهرت خدا را سجده می‌کردند باقی می‌مانند پس می‌روند تا سجده کنند اما کمرشان یک پارچه صاف می‌ماند الحدیث».

برخی نیز گفته‌اند: (إن المراد شدة الهول) منظور ترس و هراس بسیار شدید است. در نتیجه آنها این آیه را از آیات صفات به شمار نیاورده‌اند اما صفت ساق که در سنت ثابت است را انکار نکرده‌اند یعنی صفت ساق را با نص قرآن ثابت نمی‌دانند بلکه از طریق سنت آن را به اثبات

- ۴۳- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: چشمانشان به زیر افتاده است.
- ۴۳- ﴿تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: ذلت و ندامت وجود آنها را فراگیرد.
- ۴۴- ﴿فَذَرْنِي﴾: به من بگذار، تهدید شدید است.
- ۴۴- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: آنها را زمان می دهیم و یکباره گرفتارشان نمی کنیم.
- ۴۵- ﴿أُمْلِي لَهُمْ﴾: به آنها مهلت می دهیم.
- ۴۶- ﴿مَّغْرَمٍ﴾: غرامت آن مزد.
- ۴۶- ﴿مُثْقَلُونَ﴾: سنگین بارند.
- ۴۸- ﴿كَصَاحِبِ الْحَوْتَ﴾: مانند صاحب ماهی، یونس عليه السلام.
- ۴۸- ﴿مَكْطُومٌ﴾: از نافرمانی قوم خود دل پر از خشم و اندوه داشت.
- ۴۹- ﴿لُنَبِّذَ بِالْعَرَاءِ﴾: از شکم ماهی به صحرای خالی و مهلك افکنده می شد.
- ۵۰- ﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را برگزید و دو باره به او وحی فرستاد.
- ۵۱- ﴿لَيُزْلِقُونَكَ﴾: پایت را بلغزانند و چشم زخمت بزنند.

سوره حَاقَّة

- ۱- ﴿الْحَاقَّةُ﴾: قیامت، هر چه را انکار کرده اند در آن روز تحقق یابد.
- ۲- ﴿مَا الْحَاقَّةُ﴾: قیامت و صحنه های هول انگیزش چیست.

می رسانند. و به هر حال تضادی میان دو قول وجود ندارد زیرا الله در روزی بسیار هراسناک ساق خویش را آشکار می گرداند.

بر خلاف معطله که به صفت ساق ایمان ندارند و نه از قرآن و نه از سنت آن را ثابت نمی دانند بلکه آیه و حدیث را به شدت عذاب تعبیر می کنند و اگر چه این را می توان از آیه برداشت کرد ولی در تفسیر حدیث نمی توان چنین برداشتی داشت، زیرا در حدیث ساق به ضمیری اضافه شده که به الله متعال باز می گردد. (نگاه: تفسیر ابن جریر ۲۹-۳۸-۴۲ و تفسیر ابن کثیر ۷/۹۰-۹۱). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۴- ﴿بِالْفَارِغَةِ﴾: به قیامت که هول و هراسش دلها را می کوبد.
- ۵- ﴿بِالطَّاغِيَةِ﴾: به آواز بسیار شدید.
- ۶- ﴿بِرِيحٍ صَّارِصٍ﴾: به باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- ۶- ﴿عَاتِيَةٍ﴾: طوفان شدید.
- ۷- ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ﴾: آفریدگار باد را بر آنها مسلط کرد.
- ۷- ﴿حُسُومًا﴾: پی در پی یا شوم.
- ۷- ﴿أَعْجَازٌ خَلٍ﴾: تنه درخت خرما.
- ۷- ﴿خَاوِيَةٍ﴾: بر زمین افتاده یا پوشیده.
- ۹- ﴿وَالْمُؤْتَفِكْتُ﴾: اهالی قریه های قوم لوط.
- ۹- ﴿بِالْخَاطِئَةِ﴾: خطای بزرگ.
- ۱۰- ﴿أَخَذَ رَابِيَةً﴾: شدیدتر از عذاب های دیگر.
- ۱۱- ﴿الْجَارِيَةِ﴾: کشتی نوح.
- ۱۲- ﴿تَذْكِرَةً﴾: پند و عبرت.
- ۱۲- ﴿تَعِيَهَا﴾: او را به خاطر بسپارد.
- ۱۳- ﴿نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک نفخه، نفخه اول برای تخریب عالم.
- ۱۴- ﴿حُمِلَتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به دستور ما از جایش برداشته شود.
- ۱۴- ﴿فَدُكَّتَا﴾: کوبیده یا هموار شوند.
- ۱۵- ﴿وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾: قیامت قائم شود.
- ۱۶- ﴿أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ﴾: آسمان از ترس پاره و پراکنده گردد.
- ۱۶- ﴿وَاهِيَةً﴾: بعد از آن همه استحکام شکسته و ویران است.
- ۱۷- ﴿عَلَى أَرْجَائِهَا﴾: کناره ها و اطراف آسمان.
- ۱۸- ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ﴾: بعد از نفخه دوم برای حساب و جزا پیش خدا می آیند.
- ۱۹- ﴿هَآؤُمْ﴾: بگیرید یا بیاید.

- ۱۹- ﴿كِتَبِيَّةٌ﴾: نامه اعمال مرا.
- ۲۱- ﴿رَاضِيَةً﴾: پسندیده.
- ۲۳- ﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ﴾: میوه‌های آن در دسترس است.
- ۲۴- ﴿هَنِيئًا﴾: گوارا.
- ۲۷- ﴿كَانَتْ أَلْقَاضِيَةً﴾: مرگ پایان کارم بود، زنده نمی‌شدم.
- ۲۸- ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنِّي﴾: عذاب را از من دفع نکرد.
- ۲۸- ﴿مَالِيَةً﴾: آنچه داشتم، مال و مانند آن.
- ۲۹- ﴿سُلْطَانِيَةً﴾: حجت یا سلطه و قدرت من.
- ۳۰- ﴿فَعُلُوهُ﴾: دست و گردنش را با زنجیر ببندید.
- ۳۱- ﴿أَلْجَحِيمَ صَلْوُهُ﴾: او را در جهنم بیفکنید یا بسوزانید.
- ۳۲- ﴿فَأَسْلُكُوهُ﴾: داخلش نمایید.
- ۳۴- ﴿لَا يَحْضُ﴾: تشویق نمی‌کرد.
- ۳۵- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مهربان که از او دفاع کند.
- ۳۶- ﴿غَسْلِينَ﴾: ریم اهل دوزخ.
- ۳۷- ﴿الْخَطِئُونَ﴾: کافرها.
- ۳۸- ﴿فَلَا أَقْسِمُ﴾: قسم می‌خورم و «لا» زاید است.
- ۴۰- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾: این قرآن را خدا به رسول کریم وحی کرده و او به مردم می‌رساند.
- ۴۴- ﴿لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا﴾: اگر پیامبر سخنانی را می‌ساخت و به ما نسبت می‌داد.
- ۴۵- ﴿بِالْيَمِينِ﴾: دست راست او را یا به قوت و قدرت.
- ۴۶- ﴿الْوَتِينَ﴾: رگ قلب یا حرام مغز.
- ۴۷- ﴿عَنْهُ حَبِيزِينَ﴾: مانع هلاکت او.
- ۵۰- ﴿لِحَسْرَةٍ﴾: مایه ندامت بزرگ است.

۵۲- ﴿فَسَيِّحُ بِأَسْمِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را از آنچه سزاوار او نیست پاک و منزّه بشمار.

سوره معارج

۱- ﴿سَأَلَ سَائِلٌ﴾: درخواست کننده‌ای بر خود و قومش در خواست کرد.

۳- ﴿ذِي الْمَعَارِجِ﴾: صاحب آسمانها، جای بالا رفتن فرشتگان.

۴- ﴿تَعْرُجُ الْمَلَكُتُ﴾: فرشتگان از این مدارج بالا می‌روند.

۴- ﴿وَالرُّوْحِ﴾: جبریل.

۴- ﴿فِي يَوْمٍ﴾: در روز قیامت.

۴- ﴿مِقْدَارُهُ﴾: مقدار آن در حق کفار.

۵- ﴿صَبْرًا جَمِيلًا﴾: در برابر رنج و آزار قومت تنها به خدا شکوه کن.

۸- ﴿السَّمَاءِ كَالْمُهْلِ﴾: آسمان مانند فلز گداخته یا دُرد روغن زیتون.

۹- ﴿الْجِبَالِ كَالْعِهْنِ﴾: کوه‌ها مانند پشم رنگارنگ.

۱۰- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مشفق، از شدت ترس.

۱۱- ﴿يُبْصِرُ وَهُمْ﴾: خویشاوندان یکدیگر را می‌شناسند.

۱۳- ﴿فَصِيلَتِهِ﴾: عشیره نزدیکش را.

۱۳- ﴿تُؤْوِيهِ﴾: در نسب یا روز سختی او را به خود پیوست می‌کردند.

۱۵- ﴿إِنَّهَا لَطِيٌّ﴾: جهنم یا درک دوم دوزخ شعله‌ور است.

۱۶- ﴿نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى﴾: دست و پا یا پوست سر مجرم را می‌کند.

۱۸- ﴿فَأَوْعَى﴾: مال خود را از حرص و آز در ظرفی ذخیره کرد.

۱۹- ﴿هَلُوعًا﴾: ناشکیبا و حریص.

۲۰- ﴿جَزُوعًا﴾: بسیار نومید می‌شود.

۲۱- ﴿مُنُوعًا﴾: بسیار بخیل است و از احسان منع می‌کند.

۲۵- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: محروم از عطا و بخشش که سؤال نمی‌کند.

- ۲۷- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: از کبریایی او تعالی ترسانند.
- ۳۱- ﴿الْعَادُونَ﴾: متجاوز از حلال به حرام.
- ۳۶- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: گردنهای خود را دراز کرده به سوی تو می شتابند.
- ۳۷- ﴿عَزِيزِينَ﴾: گروه‌های پراکنده.
- ۳۹- ﴿مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾: از آنچه خود می دانند، نطفه کوچک.
- ۴۰- ﴿فَلَا أَقْسَمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- ۴۱- ﴿بِمَسْبُوقِينَ﴾: مغلوب و ناتوان.
- ۴۲- ﴿فَذَرَهُمْ﴾: آنها را به حال خود بگذار.
- ۴۲- ﴿يَخْوضُوا﴾: در باطل غوطه‌ور شوند.
- ۴۳- ﴿مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾: از قبرها.
- ۴۳- ﴿سِرَاعًا﴾: شتابان به سوی دعوت کننده.
- ۴۳- ﴿نُصْبٍ﴾: سنگ‌های که در جاهلیت مورد احترام آنها بود.
- ۴۳- ﴿يُوفِضُونَ﴾: می‌دوند.
- ۴۴- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: نمی‌توانند بالا نگاه کنند.
- ۴۴- ﴿تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: در ذلت و خواری غرقند.

سورة نوح

- ۴- ﴿إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ﴾: اگر ایمان نیاورید وقت آمدن عذاب الهی.
- ۶- ﴿فِرَارًا﴾: دوری و رمندگی از ایمان.
- ۷- ﴿وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ﴾: از تنفر زیاد خود را در لباس‌هایشان پنهان کردند.
- ۷- ﴿أَصْرُوا﴾: در راه کفر پایداری کردند.
- ۱۱- ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ﴾: باران را روان می‌کند.
- ۱۱- ﴿مِدْرَارًا﴾: فراوان و پی‌درپی.

- ۱۳- ﴿لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾: به کبریایی خدا معتقد نیستید یا از جاه و جلالش نمی‌ترسید.
- ۱۴- ﴿خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾: شما را به تدریج در حالت‌های مختلف آفرید.
- ۱۵- ﴿سَمَوَاتٍ طِبَاقًا﴾: آسمان‌ها را بر فراز هم.
- ۱۶- ﴿نُورًا﴾: روشنگر زمین در تاریکی شب.
- ۱۶- ﴿الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾: آفتاب را چراغ فروزان که تاریکی را محو می‌کند.
- ۱۷- ﴿أَنْتَبِتُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾: شما را از خاک آفرید.
- ۱۹- ﴿الْأَرْضَ بِسَاطًا﴾: زمین را برای استقرار بر روی آن گسترد.
- ۲۰- ﴿سُبُلًا فِجَاجًا﴾: راه‌های وسیع.
- ۲۱- ﴿خَسَارًا﴾: گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت.
- ۲۲- ﴿مَكْرًا كُبَّارًا﴾: مکر نهایت بزرگ.
- ۲۳- ﴿وَدَّ...﴾: بت‌های هستند که قوم نوح پرستش می‌کردند سپس این روش به عرب انتقال یافت، «ود» بت قبیله «کلب»
- ۲۳- ﴿سُوعَا﴾: سواع بت قبیله هُذَیل.
- ۲۳- ﴿يَعُوثُ﴾: یعوث بت غطفان.
- ۲۳- ﴿يَعُوقُ﴾: یعوق بت همدان.
- ۲۳- ﴿نَسْرًا﴾: نسر بت آل‌ذی‌کلاع از قبیله جمیر بود.
- ۲۵- ﴿مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ﴾: از سبب گناهانشان و «ما» زاید است.
- ۲۶- ﴿دَيَّارًا﴾: یکی را که به روی زمین حرکت کند.
- ۲۸- ﴿تَبَارًا﴾: هلاکت و نابودی.

سوره جن

- ۱- ﴿قُرْءَانًا عَجَبًا﴾: قرآنی شگفت‌انگیز در فصاحت و بلاغت.

- ۲- ﴿الرُّشْدِ﴾: حق یا توحید و ایمان.
- ۳- ﴿تَعَالَى﴾: بلند و با عظمت است.
- ۳- ﴿جَدُّ رَبِّنَا﴾: مقام یا قدرت پروردگار ما.
- ۴- ﴿يَقُولُ سَفِيهُنَا﴾: جاهل ما می گفت، ابلیس.
- ۴- ﴿شَطَطًا﴾: سخنان دروغ و دور از حق.
- ۶- ﴿يُعْذِرُونَ﴾: پناه می جستند.
- ۶- ﴿فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾: به گناه یا سرکشی و سفاهت آنان افزودند.
- ۸- ﴿حَرَسًا شَدِيدًا﴾: نگاهبان های قوی از فرشتگان.
- ۸- ﴿شُهَبًا﴾: شهاب های شعله وری که مانند ستاره به سرعت فرود می آیند.
- ۹- ﴿شِهَابًا رَّصَدًا﴾: شهابی درکمین که او را هدف قرار می دهد.
- ۱۰- ﴿رَشَدًا﴾: خیر، صلاح و رحمت.
- ۱۱- ﴿طَرَائِقَ قِدَدًا﴾: دارای مذاهب گوناگون.
- ۱۲- ﴿ظَنَنَّا﴾: اینک دانستیم و یقین کردیم.
- ۱۳- ﴿فَلَا يَخَافُ بَخْسًا﴾: از نقصان ثواب حسناش نمی ترسد.
- ۱۳- ﴿لَا رَهَقًا﴾: از رسیدن ذلت نمی ترسد [که گناه دیگری بر او بار شود]
- ۱۴- ﴿مِّنَ الْقَاسِطُونَ﴾: گروهی از ما کافر و از راه حق منحرف شدند.
- ۱۴- ﴿تَحَرَّوْا رَشَدًا﴾: به سوی خیر، صلاح و هدایت رفتند.
- ۱۵- ﴿لِحَبْنَمَ حَطْبًا﴾: هیزم دوزخ هستند.
- ۱۶- ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾: راه هدایت، اسلام.
- ۱۶- ﴿مَاءً غَدَقًا﴾: آب فراوان که با آن زندگانی بهتر می شود.
- ۱۷- ﴿لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ﴾: تا با این نعمت ها آنها را بیازمایم.
- ۱۷- ﴿يَسْلُكُهُ﴾: او را داخل می کند.
- ۱۷- ﴿عَذَابًا صَعَدًا﴾: عذاب مشقت آور و طاقت فرسا.

- ۱۹- ﴿عَبْدُ اللَّهِ﴾: نبی کریم که خدا را عبادت می کند.
- ۱۹- ﴿عَلَيْهِ لَبَدًا﴾: از تعجب اطراف او ازدحام می کردند.
- ۲۱- ﴿رَشَدًا﴾: نفعی یا هدایتی.
- ۲۲- ﴿لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ﴾: اگر فرمان خدا را بجا نکنم هیچ کس عذاب او را از من دفع نمی کند.
- ۲۲- ﴿مُلْتَحَدًا﴾: پناهگاهی یا جای استواری که به آن پشت گرمی یابم.
- ۲۵- ﴿أَمَدًا﴾: زمانی دور.
- ۲۷- ﴿رَصَدًا﴾: نگاهبانی از فرشتگان که او را حراست می کنند.
- ۲۸- ﴿أَحَاطَ﴾: به تمام و کمال آگاه است.
- ۲۸- ﴿أَحْصَى﴾: کاملاً ضبط کرده است.

سوره مَزَّمَل

- ۱- ﴿الْمُزَّمِّلُ﴾: خود را در جامه پیچنده، نبی کریم.
- ۴- ﴿رَتَّلِ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را به آهستگی بخوان، حروف را از مخرج ادا کن.
- ۵- ﴿قَوْلًا ثَقِيلًا﴾: سخنی که بر مکلفین مشقت آور است، قرآن.
- ۶- ﴿نَاشِئَةَ اللَّيْلِ﴾: عبادتی که در شب انجام می شود.
- ۶- ﴿أَشَدُّ وَطْأً﴾: ثابت تر و استوارتر است.
- ۶- ﴿أَقْوَمُ قِيلًا﴾: خواندن قرآن ثابت تر است زیرا در شب حضور قلب بیشتر است.
- ۷- ﴿سَبْحًا﴾: مشغولیت و تلاش.
- ۸- ﴿تَبَتَّلَ إِلَيْهِ﴾: یکسره به عبادت او پرداز.
- ۱۰- ﴿هَجْرًا جَمِيلًا﴾: کناره گیری شایسته با شکیبایی.
- ۱۱- ﴿دَٰرِنِي وَالْمُكَذِّبِينَ﴾: تکذیب کنندگان را به خود من واگذار من بر آنها بسنده ام.
- ۱۱- ﴿أُولَى النَّعْمَةِ﴾: صاحبان ناز و نعمت و زندگانی خوش.

۱۱- ﴿مَهْلُهُمْ قَلِيلًا﴾: آنها را اندک زمانی مهلت بده بعد از آن عذاب و عقوبت است.

۱۲- ﴿أَنْكَالًا﴾: زنجیرهای محکم و سنگین.

۱۳- ﴿طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ﴾: غذای گلوگیر.

۱۴- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ﴾: روزی که زمین به شدت تکان بخورد، روز قیامت.

۱۴- ﴿كَثِيرًا مَّهِيلًا﴾: توده‌های ریگ روان.

۱۶- ﴿أَخْذَا وَيِيلًا﴾: گرفتن شدید و عاقبت ناگوار.

۱۸- ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾: آسمان در آن روز از ترس شکافته گردد.

۲۰- ﴿لَنْ تُحْصَوْهُ﴾: نمی‌توانید وقت قیام شب را به دقت تعیین کنید.

۲۰- ﴿فَتَابَ عَلَيْكُمْ﴾: خدا بر شما رحم کرد و اجازه داد که وقت معین برای قیام شب را ترک نمایید.

۲۰- ﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾: در شب هر اندازه به شما آسان است نماز بخوانید و در این نماز آنچه آسان است از قرآن قرائت نمایید.

۲۰- ﴿يَضْرِبُونَ﴾: برای تجارت و مقاصد دیگر سفر می‌کنند.

۲۰- ﴿أَقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾: نماز فرض را ادا کنید.

۲۰- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: به طیب خاطر و برای کسب رضای خدا.

سوره مدثر

۱- ﴿الْمُدَّثِّرُ﴾: پنهان کننده خود را به لباس‌هایش، نبی کریم.

۳- ﴿رَبِّكَ فَكَّرٍ﴾: تنها پروردگارت را بزرگ بشمار و تعظیم نما.

۴- ﴿ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ﴾: لباس‌هایت را پاک کن کنایه از پاکیزگی نفس از بدیهاست.

۵- ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾: از گناه که موجب عذاب است دوری گزین.

۶- ﴿لَا تَمُنْ تَسْتَكْبِرُ﴾: به امید آن نبخش که بیشتر بگیری.

- ۸- ﴿تُقَرَّرُ فِي النَّاقُورِ﴾: بخاطر رستاخیز در صورت دمیده شود.
- ۱۱- ﴿ذَرْنِي﴾: به من واگذار، تهدید و وعید است.
- ۱۲- ﴿مَالًا مَّمْدُودًا﴾: مال فراوان.
- ۱۳- ﴿بَيْنَ شُهُودًا﴾: پسران که همیشه در حضور او هستند و هیچگاه برای کسب و کار از او جدا نمی‌شوند چون نیازی به آن ندارند.
- ۱۴- ﴿مَهْدَتْ لَهُ﴾: نعمت، ریاست و مقام او را گسترش داد.
- ۱۶- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نخواهد شد.
- ۱۶- ﴿لَا يَتَّبِعُنَا عَنِيدًا﴾: نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد یا از حق دوری می‌جوید.
- ۱۷- ﴿سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا﴾: به زودی به عذاب پرمشقت و طاقت فرسا دچارش می‌کنم.
- ۱۸- ﴿قَدَّرَ﴾: سخن طعنه‌آمیزی نسبت به خدا و پیامبر در ذهن خود آماده کرد.
- ۱۹- ﴿فَقَتِلَ﴾: لعنت و عذاب بر او باد یا از نیکی و خیر دور باد.
- ۲۱- ﴿نَظَرَ﴾: درباره سخن طعنه‌آمیزی که آماده کرده بود تأمل کرد.
- ۲۲- ﴿عَبَسَ﴾: هنگامی که میدان حيله برایش تنگ شد ابرو درهم کشید.
- ۲۲- ﴿بَسَرَ﴾: در عبوست چهره‌اش افزود.
- ۲۴- ﴿سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾: سحری است که از ساحران می‌آموزد.
- ۲۶- ﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرَ﴾: به زودی به جهنم داخلش می‌کنم.
- ۲۹- ﴿لَوَاحٍ لِّلْبَشْرِ﴾: پوست دوزخیان را سیاه می‌کند و می‌سوزاند.
- ۳۱- ﴿فِتْنَةً﴾: سبب فتنه و گمراهی.
- ۳۱- ﴿مَا هِيَ﴾: نیست دوزخ.
- ۳۳- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾: قسم به شب وقتی که دور شود.
- ۳۴- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾: قسم به صبح هنگامی که روشن شود.
- ۳۵- ﴿إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ﴾: قطعاً همین جهنم یکی از بلاهای عظیم است،
- جواب قسم.

- ۳۷- ﴿أَنْ يَتَقَدَّمَ﴾: به‌سوی خیر و طاعت پیش رود.
- ۳۸- ﴿بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً﴾: نزد او تعالی در گرو اعمال خویش است.
- ۴۲- ﴿مَا سَلَكَكُمْ﴾: چه چیز شما را وارد کرد؟
- ۴۵- ﴿كُنَّا نَحْوُ﴾: ما غرق در باطل بودیم.
- ۴۶- ﴿بِیَوْمِ الدِّینِ﴾: به روز رستاخیز، حساب و جزا.
- ۵۰- ﴿حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ﴾: خرهای وحشی و رمنده.
- ۵۱- ﴿قَسْوَرَةً﴾: شیر یا تیرانداز.
- ۵۶- ﴿أَهْلُ التَّقْوَى﴾: سزاوار است که بندگان از او بترسند.

سورة قِيَامَت

- ۱- ﴿لَا أُقْسِمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- ۲- ﴿اللَّوَامَةِ﴾: بر آنچه از دست رفته سرزنش و پشیمانی می کند.
- ۴- ﴿بَلَى﴾: بله، آن را بعد از پراکنده شدن جمع می کنیم.
- ۴- ﴿تُسَوَّى بَنَانُهُ﴾: سرانگستان او را مرتب کنیم
- ۵- ﴿لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾: به تمام عمر خود به فسق و فجور ادامه دهد.
- ۷- ﴿بَرَقَ الْبَصَرُ﴾: چشم از آنچه مشاهده می کند به دهشت و حیرت افتد.
- ۸- ﴿خَسَفَ الْقَمَرُ﴾: روشنی ماه برود.
- ۹- ﴿جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾: آفتاب و مهتاب در حالی که تاریکند از مغرب ظاهر شوند.
- ۱۰- ﴿أَيْنَ الْمَقَرُّ﴾: جای فرار از عذاب یا نجات از ترس کجاست؟
- ۱۱- ﴿لَا وَزَرَ﴾: جای نجات و پناه از عذاب خدا ندارد.
- ۱۴- ﴿بَصِيرَةٌ﴾: دلیل آشکار یا چشم بینا.
- ۱۵- ﴿لَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾: هر قدر عذر بیاورد برایش سودمند نیست.
- ۱۷- ﴿جَمْعُهُ﴾: جمع قرآن در سینه و حفظ تو.
- ۱۷- ﴿قُرْآنُهُ﴾: که هر وقت خواسته باشی آن را بخوانی.
- ۱۸- ﴿قُرْآنُهُ﴾: قرائت آن را برای تو به زبان جبریل به اتمام رساندیم.
- ۱۹- ﴿بَيَانُهُ﴾: تفسیر معانی مشکل آن.
- ۲۲- ﴿نَاصِرَةٌ﴾: زیبا، شاد و خندان.
- ۲۴- ﴿بَاسِرَةٌ﴾: بسیار عبوس و افسرده.
- ۲۵- ﴿فَاقِرَةٌ﴾: بلای بزرگ کمر شکن.
- ۲۶- ﴿بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ﴾: جان به گلو رسد.

- ۲۷- ﴿مَنْ رَاقٍ﴾: او را که مداوا می کند و از مرگ نجات می دهد؟
- ۲۹- ﴿وَالْتَفَّتِ السَّاقُ...﴾: بپیچد یا بچسبد...
- ۳۰- ﴿الْمَسَاقُ﴾: روان کردن انسان برای جزا و پاداش.
- ۳۳- ﴿يَتَمَطَّى﴾: به کبر و ناز راه می رفت.
- ۳۴- ﴿أَوَّلَى لَكَ﴾: آنچه مایه نابودی توست به تو نزدیک است.
- ۳۶- ﴿يُتْرَكُ سُدًى﴾: سرخور گذاشته می شود که نه مورد امر و نهی قرار گیرد و نه ثواب و عقاب شود.
- ۳۷- ﴿مَنِّي يُمْنِي﴾: منی که در رحم می ریزد.
- ۳۸- ﴿فَسَوَى﴾: درست و کاملش کرد و در او روح دمید.

سوره انسان

- ۲- ﴿أَمْشَاجٍ﴾: مختلط دارای صفات متفاوت.
- ۲- ﴿تَبْتَلِيهِ﴾: انسان را با تعیین تکالیف آزمایش می کنیم.
- ۳- ﴿هَدَيْنَهُ السَّبِيلَ﴾: برای او راه هدایت و گمراهی را نشان دادیم.
- ۴- ﴿سَلَسِلًا﴾: زنجیرهای که با آن بسته و به آتش کشیده می شوند.
- ۴- ﴿أَعْلَلًا﴾: غل های که دست های آنها را به گردنشان می بندند.
- ۵- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- ۵- ﴿مِرْأُجُهَا﴾: آنچه شراب با آن آمیخته شود.
- ۵- ﴿كَافُورًا﴾: آبی مانند کافور در بهترین حالت.
- ۶- ﴿عَيْنًا﴾: آب چشمه یا شراب آن.
- ۶- ﴿يُشْرَبُ بِهَا﴾: که از آن می نوشند.
- ۶- ﴿يُفَجِّرُونَهَا﴾: به هر جای خانه که بخواهند روانش می سازند.
- ۷- ﴿مُسْتَطِيرًا﴾: گسترده است.

- ۱۰- ﴿يَوْمًا عَبُوسًا﴾: روزی که از هول و هراس آن چهره‌ها ترش و عبوس می‌شوند.
- ۱۰- ﴿قَمَطِرًا﴾: عبوست شدید.
- ۱۱- ﴿لَقَلَّهُم نَصْرَةٌ﴾: به آنها چهره شاد و زیبا بخشید.
- ۱۳- ﴿أَلَا رَأَيْكَ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.
- ۱۳- ﴿زَمَّهَرِيرًا﴾: سرمای شدید یا ماه.
- ۱۴- ﴿دَانِيَةً عَلَيْهِمْ﴾: درختان آنجا بر آنها سایه افکن است.
- ۱۴- ﴿ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا﴾: میوه‌های آن به دسترس تناول کننده است.
- ۱۵- ﴿أَكْوَابٍ﴾: صراحی‌ها.
- ۱۵- ﴿قَوَارِيرًا﴾: مانند شیشه صافند.
- ۱۶- ﴿قَدَرُوهَا﴾: ساقیان بهشتی به اندازه سیراب شدن در آن شراب می‌ریزند.
- ۱۷- ﴿كَأْسًا﴾: شرابی که یا جام شرابی که.
- ۱۷- ﴿مِزَاجُهَا﴾: آمیزه آن.
- ۱۷- ﴿زَنْجَبِيلًا﴾: آبی که در خوبی مانند زنجبیل است.
- ۱۹- ﴿وَلَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا خواهند ماند.
- ۱۹- ﴿لَوْلُؤَا مَنَّوْرًا﴾: مروارید پراکنده در زیبایی و صفایی.
- ۲۱- ﴿ثِيَابٌ سُندُسٍ﴾: لباس‌های از حریر نازک.
- ۲۱- ﴿إِسْتَبْرَقٌ﴾: دیبای ضخیم.
- ۲۵- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز یا مدام.
- ۲۷- ﴿يَوْمًا ثَقِيلًا﴾: روز بسیار هراس انگیز، روز قیامت.
- ۲۸- ﴿شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ﴾: خلقت آنها را مستحکم کردیم.

سوره مُزَسَّلَات

- ۱- ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾: قسم به بادهای عذاب که مانند یال اسب به ردیف قرار دارند.
- ۲- ﴿فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا﴾: قسم به بادهای تند و نابودکننده.
- ۳- ﴿وَالنَّشِيرَاتِ تَشْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که بالهای خود را در فضا هنگام آوردن وحی می گسترانند.
- ۴- ﴿فَالْفَرِيقَتِ فَرْقًا﴾: و قسم به فرشتگان حامل وحی که حق و باطل را از هم جدا می کند.
- ۵- ﴿فَالْمُلْقِيَتِ ذِكْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که به انبیاء وحی می رسانند.
- ۶- ﴿عُذْرًا﴾: برای دفع عذر و بهانه بنده ها.
- ۶- ﴿نُذْرًا﴾: برای انداز و ترسانیدن از عذاب.
- ۷- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: آنچه به شما درباره رستخیز وعده داده اند، جواب قسم.
- ۸- ﴿الْجُومِ طُمِسَتْ﴾: ستارگان تاریک شوند.
- ۹- ﴿السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾: آسمان بشکافت.
- ۱۰- ﴿الْجِبَالُ نُصِفَتْ﴾: کوه ها به سرعت کنده شوند.
- ۱۱- ﴿الرُّسُلُ أُقَتَّتْ﴾: پیامبران به وعده گاه رسانده شوند، روز قیامت.
- ۱۲- ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا يَوْمِ أُجِّلَتْ﴾: گفته می شود برای چه روزی به تأخیر افتاده است.
- ۱۳- ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾: برای روز جدایی بین خلاق یا حق و باطل.
- ۱۵- ﴿وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ﴾: نابودی در آن روز هراس انگیز.
- ۲۰- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.
- ۲۱- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: رَحِم.
- ۲۳- ﴿فَقَدَرْنَا﴾: پس آن را به اندازه مناسب قرار دادیم.

- ۲۵- ﴿الْأَرْضُ كِفَاتًا﴾: زمین را برای اجتماع انسان.
- ۲۵- ﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾: زنده‌ها بر روی زمین جمع و مرده‌ها در دل خاک نهان می‌شوند.
- ۲۷- ﴿رَوَاسِيَ شَلِخَتْ﴾: کوه‌های بلند و استوار.
- ۲۷- ﴿مَاءً فُرَاتًا﴾: آب شیرین گوارا.
- ۳۰- ﴿ظِلٍّ﴾: دود جهنم.
- ۳۰- ﴿ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾: سه شاخه مانند گیسوان.
- ۳۱- ﴿لَا ظَلِيلٍ﴾: سایه‌ای که گرمی را دور کند.
- ۳۱- ﴿لَا يُعْنِي مِنَ الْلَّهَبِ﴾: اندکی از گرمای آتش را دفع نمی‌کند.
- ۳۲- ﴿تَرْمِي بِشَرَرٍ﴾: شراره پرتاب می‌کند.
- ۳۲- ﴿كَالْقَصْرِ﴾: هر شراره مانند کاخ بلند و بزرگ.
- ۳۳- ﴿كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ﴾: انگار آن شراره‌ها شتران سیاه‌تاب هستند. عرب شتر سیاه‌تاب را از سبب کثرت، سرعت حرکت و رنگ آن زرد می‌نامند.
- ۳۹- ﴿لَكُمْ كَيْدٌ﴾: حيله‌ای دارید برای حفظ خود از عذاب.

سوره نبا

- ۱- ﴿عَمَّ﴾: از چه چیز پر اهمیت.
- ۲- ﴿عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيمِ﴾: از قرآن یا از رستاخیز.
- ۴- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست.
- ۶- ﴿الْأَرْضَ مِهْدًا﴾: زمین را محل آرامش و استقرار.
- ۷- ﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾: کوه‌ها را مانند میخ برای زمین تا تکان نخورد.
- ۸- ﴿خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾: شما را به شکل مذکر و مؤنث آفریدیم برای زاد و ولد.

- ۹- ﴿تَوَمَّكُمْ سُبَاتًا﴾: خواب را برای فراغت و آرامش جسمی شما.
- ۱۰- ﴿الَّيْلَ لِبَاسًا﴾: شب را پرده‌ای که شما را با تاریکی خود می‌پوشاند.
- ۱۱- ﴿النَّهَارَ مَعَاشًا﴾: روز را برای بدست آوردن وسایل زندگانی.
- ۱۲- ﴿سَبْعًا شِدَادًا﴾: هفت آسمان محکم و استوار.
- ۱۳- ﴿سِرَاجًا وَهَّاجًا﴾: چراغ درخشان، آفتاب.
- ۱۴- ﴿الْمُعْصِرَتِ﴾: ابرهای بارنده.
- ۱۴- ﴿مَاءً تَجَّاجًا﴾: آب فراوان که به وفرت و پیاپی می‌بارد.
- ۱۶- ﴿جَنَّتِ الْفَافَا﴾: باغ‌های که درختانش در هم پیچیده است.
- ۱۸- ﴿فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾: گروه گروه به حالت‌های مختلف می‌آیید.
- ۱۹- ﴿فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾: آسمان دارای درها و راه‌های بسیاری می‌گردد.
- ۲۰- ﴿فَكَانَتْ سَرَابًا﴾: کوه‌ها مانند سراب شوند.
- ۲۱- ﴿كَانَتْ مِرْصَادًا﴾: جهنم در کمین و چشم به راه کافران است.
- ۲۲- ﴿لِلطَّاعِينَ مَغَابًا﴾: جای بازگشت سرکشان است.
- ۲۳- ﴿أَحْقَابًا﴾: روزگار دراز و بی‌نهایت.
- ۲۴- ﴿بَرْدًا﴾: خوابی یا آسایشی از گرمی آتش.
- ۲۵- ﴿حَمِيمًا﴾: آب جوشان.
- ۲۵- ﴿غَسَاقًا﴾: زردابی که از بدن اهل دوزخ جاری می‌شود.
- ۲۶- ﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾: آنها را موافق اعمالشان جزاء دادیم.
- ۲۸- ﴿كِذَابًا﴾: تکذیب شدید.
- ۲۹- ﴿أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾: به صورت نوشته ضبطش کردیم.
- ۳۱- ﴿مَفَازًا﴾: پیروزی بر تمام خواهشات.
- ۳۳- ﴿كَوَاعِبَ﴾: دختران انار پستان، زنان بهشت.
- ۳۳- ﴿أَثَرَابًا﴾: هم سن و سال.

- ۳۴- ﴿كَأْسًا دِهَاقًا﴾: جام‌های سرشار از شراب بهشت.
- ۳۵- ﴿لَعَوًا﴾: سخنان بیهوده یا زشت.
- ۳۵- ﴿كِذْبًا﴾: دروغ.
- ۳۶- ﴿عَطَاءً حِسَابًا﴾: احسان به اندازه کفایت یا فراوان.
- ۳۷- ﴿خِطَابًا﴾: سخن گفتن مگر به اجازه او تعالی.
- ۳۸- ﴿الرُّوحُ﴾: جبریل.
- ۳۹- ﴿مَنَابًا﴾: راه بازگشت به ایمان و عبادت.
- ۴۰- ﴿يَلَيِّتَنِي كُنْتُ تُرْبًا﴾: ای کاش در این روز خاک بودم و عذاب نمی‌شدم.

سورة نازعات

- ۱- ﴿وَالنَّازِعَاتِ﴾: قسم به فرشتگانی که جان کافرها را می‌گیرند.
- ۱- ﴿غَرَقًا﴾: به سختی و درد.
- ۲- ﴿وَالنَّشِطَاتِ نَشْطًا﴾: سوگند به فرشتگانی که جان مسلمانان را به آرامی و مهربانی می‌گیرند.
- ۳- ﴿السَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾: سوگند به فرشتگانی که از آسمان برای اجرای فرمان الهی شتابان و شناکان فرود می‌آیند.
- ۴- ﴿فَالسَّيِّئَاتِ سَبَقًا﴾: و قسم به فرشتگانی که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می‌برند.
- ۵- ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾: و فرشتگانی که برای تدبیر و مأموریت خویش فرود می‌آیند.
- ۶- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾: روزی که نفخه اول با آواز هول انگیزش اجرام را بلرزاند.
- ۷- ﴿تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾: نفخه رستاخیز به دنبال او می‌آید.
- ۸- ﴿وَالْجُفَاءُ﴾: مضطرب یا ترساننده.
- ۹- ﴿أَبْصَرُهَا خَشِيعَةً﴾: چشمانشان از ترس به زیر افتاده است.

- ۱۰- ﴿فِي الْحَافِرَةِ﴾: به حالت اولی، زندگانی.
- ۱۱- ﴿كُنَّا عِظَمًا خَجَرَةً﴾: استخوان‌های پوسیده شویم.
- ۱۲- ﴿كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾: بازگشت زیان آوری خواهد بود.
- ۱۳- ﴿زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: تنها یک صدا، نفخه رستاخیز.
- ۱۴- ﴿هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾: همه زنده و بر روی زمین باشند.
- ۱۶- ﴿طَوًى﴾: نام وادی است.
- ۱۷- ﴿طَغًى﴾: از حد در گذشته و به خدای یکتا کفر ورزیده است.
- ۱۸- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و طغیان پاک شوی.
- ۲۰- ﴿الْآيَةُ الْكُبْرَى﴾: معجزه بزرگ، عصا و ید بیضاء.
- ۲۲- ﴿يَسْعَى﴾: در فساد می‌کوشید.
- ۲۳- ﴿فَحْشَرٌ﴾: ساحران و یا سپاه خود را گجمع کرد.
- ۲۵- ﴿نَكَالٌ﴾: به عذاب.
- ۲۸- ﴿رَفَعَ سَمَكَهَا﴾: آسمان را بلند و استوار ساخت.
- ۲۸- ﴿فَسَوَّيْنَاهَا﴾: آن را برابر و بی‌عیب گردانید.
- ۲۹- ﴿أَغْطَشَ لَيْلَهَا﴾: شب آن را تاریک گردانید.
- ۲۹- ﴿أَخْرَجَ ضُحَاهَا﴾: روز آن را بوسیله آفتاب روشن گردانید.
- ۳۰- ﴿دَحَلَهَا﴾: زمین را برای سکونت اهلش گسترش داد.
- ۳۱- ﴿مَرَعَاهَا﴾: غذای انسان و چارپا.
- ۳۲- ﴿وَالْجِبَالُ أَرْسَاهَا﴾: کوه‌ها را مانند میخ در زمین ثابت و استوار گردانید.
- ۳۴- ﴿الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾: بلای بزرگ، قیامت.
- ۳۶- ﴿بُرْزَتِ الْجَحِيمُ﴾: دوزخ آشکار ساخته می‌شود.
- ۳۹- ﴿هِيَ الْمَأْوَى﴾: تنها جهنم مقام اوست.
- ۴۲- ﴿أَيَّانَ مُرْسَلَهَا﴾: خدا چه وقت قیامت را بر پا می‌کند؟

سوره عَبَسَ

- ۱- ﴿عَبَسَ﴾: پیامبر ابرو درهم کشید.
- ۱- ﴿تَوَلَّى﴾: روگرداند.
- ۳- ﴿لَعَلَّهُ يَرْزُقَا﴾: شاید این نابینا به تعلیم تو از جهل پاک می شد.
- ۴- ﴿يَذَّكَّرُ﴾: پند می گرفت.
- ۶- ﴿لَهُ تَصَدَّى﴾: تو به او متوجه می شوی.
- ۸- ﴿جَاءَكَ يَسْعَى﴾: نزد تو به شتاب آمد تا بیاموزد.
- ۱۰- ﴿عَنْهُ تَلَهَّى﴾: به وی توجه نمی کنی و خود را مشغول می سازی.
- ۱۱- ﴿كَلَّا﴾: هرگز این کار را تکرار نکن.
- ۱۱- ﴿إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾: آیات قرآن پند و اندرز است.
- ۱۳- ﴿فِي صُحُفٍ﴾: در صحیفه های که از لوح محفوظ نوشته شده است.
- ۱۴- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: نزد خدا قدر و منزلت عالی دارد.
- ۱۵- ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾: به دست فرشتگانی قرار دارد که آن را از لوح محفوظ می نویسند.
- ۱۶- ﴿بِرَرْقَةٍ﴾: به فرمان خدا هستند یا صادقند.
- ۱۷- ﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ﴾: کافر دور ساخته یا به عذاب گرفتار شود.
- ۱۹- ﴿فَقَدَرَهُ﴾: او را از حالتی به حالت دیگر سامان داد تا این که خلقتش کامل شد یا او را برای آنچه شایسته آن است آماده کرد.
- ۲۰- ﴿السَّبِيلَ يَسْرُهُ﴾: راه های هدایت و گمراهی را بر او آسان ساخت.
- ۲۱- ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾: برای گرامی داشت مقام انسان دستور داد به قبر دفن شود.
- ۲۲- ﴿أَنْشَرَهُ﴾: بعد از مرگ او را زنده می کند.
- ۲۳- ﴿لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ﴾: دستورات او تعالی را به جا نکرده بلکه کوتاهی ورزیده است.

- ۲۶- ﴿شَقَقْنَا الْأَرْضَ﴾: زمین را با رویاندن گیاه یا کشت شکافتیم.
- ۲۸- ﴿قَضَبًا﴾: علف تازه برای چارپایان، مانند شبدر.
- ۳۰- ﴿حَدَائِقَ غُلْبًا﴾: باغهای بزرگ پر درخت.
- ۳۱- ﴿أَبَّأ﴾: علف و گیاه یا کاه.
- ۳۳- ﴿جَاءَتِ الصَّاحَّةُ﴾: صدای شدید بیاید و گوشها را کر کند، نفخه دوم.
- ۳۸- ﴿مُسْفِرَةٌ﴾: روی مسلمانها درخشان است.
- ۴۰- ﴿غَبَرَةٌ﴾: غبار و کدورت است، بر روی کفار.
- ۴۱- ﴿تَرْهُقُهَا قَترَةٌ﴾^(۱): تاریکی و سیاهی آن رویها را بپوشاند.

سورة تَكْوِيْرِ

- ۱- ﴿الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾: روشنایی آفتاب از بین برده شود یا درهم پیچیده شود.
- ۲- ﴿النَّجْمُ أَنْكَدَرَتْ﴾: ستارگان سقوط کنند.
- ۳- ﴿الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾: کوهها کنده شوند.
- ۴- ﴿الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾: شتران ماده باردار بدون نگاهبان رها کرده شوند.
- ۵- ﴿الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾: جانوران وحشی از هر طرف جمع کرده شوند.
- ۶- ﴿الْبَحَارُ سُجِّرَتْ﴾: دریاها آتش شعله‌ور گردند.
- ۷- ﴿الْأَنْفُسُ زُجِرَتْ﴾: هر کس با همتای خود جفت کرده شود.
- ۸- ﴿الْمَوءُودَةُ﴾: دختر زنده به گور.
- ۱۰- ﴿الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾: نامه‌های اعمال پخش شود.
- ۱۱- ﴿السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾: آسمان برکنده شود.
- ۱۲- ﴿الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾: دوزخ برای تعذیب کافرها شعله‌ور گردد.
- ۱۳- ﴿الْجَنَّةُ أُلْفَتْ﴾: بهشت را نزدیک پرهیزگاران بیاورند.

۱۴- ﴿عَلِمْتُ نَفْسِي مَّا أَحْضَرْتُ﴾: هر کس به اعمال نیک و بد خود آگاه شود، جواب إذا است.

۱۵- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: سوگند می خورم «لا» زاید است.

۱۵- ﴿بِالْحَنَنِ﴾: به ستارگان سیار که روزها به افق پنهان و شب ظاهر می شوند.

۱۷- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾: و قسم به شب هنگامی که تاریک شود یا تاریکی آن پایان یابد.

۱۸- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾: و قسم به صبح هنگامی که بدرخشد یا جهان را روشن کند.

۱۹- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ﴾: بدون شک قرآن کلام فرستادهٔ پروردگار، جبریل است که از سوی خدا آورده، جواب قسم.

۲۰- ﴿مَكِينٍ﴾: دارای مقام رفیع و بزرگ است.

۲۳- ﴿رَّءَاهُ﴾: پیامبر جبریل را به صورت اصلیش دیده است.

۲۴- ﴿الْغَيْبِ﴾: وحی و خبر آسمانها.

۲۴- ﴿بِضْنَيْنِ﴾: بخیل که به رساندن وحی کوتاهی کند.

سورة انفطار

۱- ﴿السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾: هنگام وقوع قیامت آسمان شکافته شود.

۲- ﴿الْكَوَاكِبُ أَنْتَثَرَتْ﴾: ستارگان پراکنده می شوند و سقوط می کنند.

۳- ﴿الْبَحَارُ فُجِّرَتْ﴾: کناره بحرهای شق شود و همه به یک بحر تبدیل گردند.

۴- ﴿الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ﴾: خاک قبرها زیر و رو گردد و مرده ها بیرون آیند.

۶- ﴿مَا عَرَكَ يَرْبِّكَ﴾: چه تو را فریفت و به عصیان در برابر خدا جسورت ساخت؟

۷- ﴿فَسَوْنَكَ﴾: و اندامت را برابر و سالم ساخت.

۷- ﴿فَعَدَلَكَ﴾: راست و خوش اندامت کرد.

- ۹- ﴿تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ﴾: از رستاخیز یا قیامت یا اسلام منکرید.
- ۱۳- ﴿الْأَبْرَارَ﴾: نیکو کاران با ایمان.
- ۱۵- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: در جهنم داخل می شوند یا سختی گرمای آن را می کشند.

سورة مُطَفِّفِينَ

- ۱- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادی است در جهنم.
- ۱- ﴿لِلْمُطَفِّفِينَ﴾: به کسانی که حقوق دیگران را در وزن و پیمانه کم می کنند.
- ۲- ﴿أَكْتَالُوا﴾: به پیمانه و وزن بگیرند.
- ۳- ﴿كَالَوْهُمْ﴾: به دیگران با پیمانه بدهند.
- ۳- ﴿وَزَنُوهُمْ﴾: به دیگران به وزن بدهند.
- ۳- ﴿يُخْسِرُونَ﴾: وزن و پیمانه را کم می کنند.
- ۶- ﴿لَرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: به دستور پروردگار جهان.
- ۷- ﴿كِتَبَ الْفَجَارِ﴾: نامه اعمال بدکاران.
- ۷- ﴿لَفِي سَجِّينٍ﴾: در دیوان شر ثبت است.
- ۹- ﴿كِتَبٌ مَّرْقُومٌ﴾: کتابی که به وضاحت نوشته شده یا دارای علامت خاص است.
- ۱۲- ﴿مُعْتَدٍ﴾: بدکار و متجاوز از راه حق.
- ۱۳- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطلی که در کتب آنها ثبت است.
- ۱۴- ﴿كَلَّا﴾: چنین نیست.
- ۱۴- ﴿رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾: بر دل آنها غالب شده یا مهر نهاده است.
- ۱۶- ﴿لَصَالُوا الْجَحِيمِ﴾: یقیناً به دوزخ داخل می شوند یا سختی آن را می چشند.
- ۱۸- ﴿كِتَبَ الْأَبْرَارِ﴾: نامه اعمال نیکو کاران.
- ۱۸- ﴿لَفِي عِلِّيَّينَ﴾: در دیوان خیر ثبت است.

- ۲۳- ﴿عَلَىٰ الْأَرْيَافِ﴾: تختهای گذاشته شده در حجله‌ها.
- ۲۴- ﴿نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾: شادابی و تازگی نعمت‌ها را.
- ۲۵- ﴿رَحِيقٍ﴾: باده ناب.
- ۲۵- ﴿مَخْتُومٍ﴾: در ظرف‌های سر بسته تا نیکوکاران خود آن را باز کنند.
- ۲۶- ﴿خِتْمُهُ مِسْكِ﴾: مهر ظرف‌های بهشت از مُشک است.
- ۲۶- ﴿فَلْيَتَنَافِسِ﴾: پس بشتابند یا بر یکدیگر پیشی گیرند.
- ۲۷- ﴿مِرَاجٍ﴾: ترکیب آن.
- ۲۷- ﴿تَسْنِيمٍ﴾: چشمه‌ای که شراب آن بهترین شرابهاست.
- ۲۸- ﴿يَشْرَبُ بِهَا﴾: از آن می‌نوشند.
- ۳۰- ﴿يَتَعَامَرُونَ﴾: به استهزاء به سوی آنها با چشم اشاره می‌کردند.
- ۳۱- ﴿فَكَهِنَ﴾: از این که مسلمان‌ها را ناچیز می‌شمردند لذت می‌بردند.
- ۳۶- ﴿ثُوبَ الْكُفَّارِ﴾: کافرهای که مؤمنان را تمسخر می‌کردند جزا داده شدند.

سوره انشقاق

- ۱- ﴿السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾: روز قیامت آسمان پاره پاره شود.
- ۲- ﴿أَذِنَتْ لِرَبِّهَا﴾: آسمان گوش به فرمان خدا سپارد و مطیع باشد.
- ۲- ﴿حَقَّتْ﴾: شایسته است که فرمان بردار باشد.
- ۳- ﴿الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾: زمین گسترده و هموار شود.
- ۴- ﴿أَلْقَتْ مَا فِيهَا﴾: زمین مردگان را بیرون می‌اندازد.
- ۴- ﴿تَخَلَّتْ﴾: کاملاً خالی می‌شود.
- ۶- ﴿كَادِحٍ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾: با تلاش و رنج به ملاقات پروردگارت روانی.
- ۶- ﴿فَمَلَقِيهِ﴾: پس ناگزیر جزای عمل خویش را خواهی دید.
- ۱۱- ﴿يَدْعُوا ثُبُورًا﴾: مرگ می‌خواهد و می‌گوید: ای مرگ به دادم برس.

- ۱۲- ﴿يَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾: به دوزخ داخل می شود یا زحمت آن را می کشد.
- ۱۴- ﴿لَن يَجُوزَ﴾: هرگز به سوی خدا بر نمی گردد، به رستاخیز منکر است.
- ۱۶- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: سوگند می خورم «لا» زاید است.
- ۱۶- ﴿بِالشَّفَقِ﴾: به شفق، سرخی افق بعد از غروب.
- ۱۷- ﴿مَا وَسَقَ﴾: آنچه جمع می کند که در روز پراکنده بود.
- ۱۸- ﴿أَتَسْقِ﴾: فروغش کم کم کامل و بدر گردد.
- ۱۹- ﴿لَتَرْكَبُنَّ﴾: ای انسان، می رسی، جواب قسم است.
- ۱۹- ﴿طَبَقًا﴾: به حالت های گوناگون که در شدت و سختی مطابق هم هستند.
- ۲۳- ﴿بِمَا يُوعُونَ﴾: کارهای ناشایست را پنهان یا جمع می کنند.
- ۲۵- ﴿غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.

سوره بُرُوج

- ۱- ﴿وَالسَّمَاءِ﴾ به آسمان قسم.
- ۱- ﴿ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾: دارای منازل مشهور برای ستارگان.
- ۲- ﴿وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾: روز قیامت.
- ۳- ﴿شَاهِدٍ﴾: کسی که در آن روز در باره دیگران گواهی می دهد.
- ۳- ﴿مَشْهُودٍ﴾: کسی که در آن روز دیگران درباره اش گواهی می دهند.
- ۴- ﴿قُتِلَ﴾: مورد لعنت قرار گرفتند، جواب قسم.
- ۴- ﴿الْأَخْدُودِ﴾: گودال بزرگ مانند خندق.
- ۸- ﴿مَا نَقْمُوا﴾: هیچ عیبی نگرفتند و زشت و ناپسند نشمردند.
- ۱۰- ﴿فَتَنُوا﴾: شکنجه کردند یا سوزاندند.
- ۱۲- ﴿بَطْشِ رَبِّكَ﴾: مجازات پروردگارت بر تعذیب ستمگران سرکش.
- ۱۳- ﴿هُوَ يُبْدِي﴾: او آغازگر آفرینش به قدرت خود است.

- ۱۳- ﴿يُعِيدُ﴾: مردگان را روز قیامت زنده می کند.
 ۱۴- ﴿الْوُدُودُ﴾: بزرگوار و دوستدار اولیای خود است.
 ۱۵- ﴿الْمَجِيدُ﴾: با جاه و جلال است.

سوره طارق

- ۱- ﴿وَالطَّارِقُ﴾: قسم به ستاره رخشنده در شبها.
 ۳- ﴿الْجَمُّ الثَّاقِبُ﴾: ستاره درخشان و روشن کننده تاریکی یا عالی و بلند است.
 ۴- ﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ﴾: هیچ کسی نیست، جواب قسم است.
 ۴- ﴿لَمَّا عَلَيْهَا﴾: مگر بر او.
 ۴- ﴿حَافِظٌ﴾: نگاهبان است، مراد ذات او تعالی است.
 ۶- ﴿مَاءٍ﴾: آبی مخلوط از آب مرد و زن.
 ۶- ﴿ذَاقُ﴾: جهنده که به سرعت در رحم می ریزد.
 ۷- ﴿مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ﴾: از پشت مرد و زن.
 ۷- ﴿وَاللَّرَّائِبِ﴾: استخوان سینه یا اطراف بدن هر دو، یا از تمام بدن هر دو، پشت و سینه کنایه از تمام بدن است.
 ۸- ﴿رَجْعُهُ﴾: زنده کردن انسان بعد از فنا.
 ۹- ﴿تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾: اسرار قلبها آشکار می شود.
 ۱۱- ﴿ذَاتِ الرَّجْعِ﴾: دارای باران، چون باران بارها به زمین می بارد.
 ۱۲- ﴿ذَاتِ الصَّدْعِ﴾: دارای شکاف که گیاهان از آن می رویند.
 ۱۳- ﴿لَقَوْلٍ فَصْلٌ﴾: یقیناً قرآن جدا کننده حق از باطل است.
 ۱۶- ﴿أَكِيدُ كَيْدًا﴾: من هم برابر اعمالشان آنها را مجازات می کنم.
 ۱۷- ﴿فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ﴾: به تعذیب و نابودی کافران شتاب نکن.
 ۱۷- ﴿أَمَهُلُهُمْ رُوءً﴾: اندک زمانی به آنها مهلت بده، تا گرفتار عذاب شوند.

سوره اعلی

- ۱- ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ﴾: اسم پروردگارت را از آنچه شایسته او نیست پاک و منزّه بدان.^(۱)
- ۲- ﴿خَلَقْ﴾: تمام اشیا را به قدرت خود آفریده است.
- ۲- ﴿فَسَوِّىْ﴾: نظام خلقت را منظم و استوار ساخت.
- ۳- ﴿قَدَّرْ﴾: موجودات را به اندازه‌های مخصوص قرار داد.
- ۳- ﴿فَهْدِىْ﴾: و موجودات را به سوی چیزهای که برایشان شایسته است هدایت کرد.
- ۴- ﴿أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾: گیاهان سبز و خرم رویانید.
- ۵- ﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً﴾: سپس این گیاه سبز را مانند خاشاک خشک و ریز ریز کرد.
- ۵- ﴿أَحْوَى﴾: سیاه.
- ۶- ﴿سَنُقْرِئُكَ﴾: بزودی قرآن را بر تو قرائت می‌کنیم.
- ۶- ﴿فَلَا تَنْسَى﴾: هرگز فراموش نخواهی کرد، از قوت حافظه.
- ۸- ﴿نُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾: تو را به راه آسان هدایت می‌کنیم.
- ۱۲- ﴿يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى﴾: به جهنم داخل می‌شود یا سختی آتش سوزان او را می‌چشد.
- ۱۴- ﴿أَفْلَحَ﴾: به خواسته خود پیروز شد.
- ۱۴- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و عصیان پاکی جست.
- ۱۸- ﴿إِنْ هَذَا﴾: بدون شک حقایقی که در چهار آیه قبل ذکر شد.

۱- بقیه آیه، یعنی کلمه «الْأَعْلَى» را ذکر نکرده است. معنایش چنین است که خداوند بالاتر از هر چیزی است و از باب «أَفْعَل تَفْضِيل» است و بیانگر این است که خداوند دارای علو است با تمامی مفاهیمی که علو در بر دارد. بنابراین، او بالاتر است از نظر قدر و منزلت، او بالاتر است در چیرگی و غلبه و ذات الله نیز بالاتر از هر چیزی است و ذکر نام اعلی در این بخش از آیه بیانگر علت شایستگی خداوند برای تسبیح و پاک دانسته شدن از کاستی‌ها و نقایص است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

سورة غاشیه

- ۱- ﴿الْغَاشِيَةِ﴾: قیامت که حوادث هول انگیزش همه را فرامی گیرد.
- ۲- ﴿خَالِشَةً﴾: از رسوایی حقیر و هراسانند.
- ۳- ﴿عَامِلَةً﴾: زنجیرها و غلها را در دوزخ با خود می کشند.
- ۳- ﴿نَاصِبَةً﴾: از عذاب و محنت دوزخ خسته و رنجورند.
- ۴- ﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾: به آتش سوزان داخل می شود یا رنج و محنت آن را می کشد.
- ۵- ﴿عَيْنٍ عَانِيَةٍ﴾: چشمه جوشان.
- ۶- ﴿ضَرِيعٍ﴾: چیزی است در آتش، مانند خار زه آگین و بد بوی.
- ۷- ﴿لَا يُعْنِي مِنْ جُوعٍ﴾: گرسنگی را رفع نمی کند.
- ۸- ﴿نَاعِمَةً﴾: شاداب، زیبا و تروتازه اند.
- ۱۱- ﴿لَغِيَّةٍ﴾: سخن باطل و بیهوده.
- ۱۳- ﴿سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾: تخت های بلند یا عالی قدر.
- ۱۴- ﴿أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ﴾: پیش بهشتی ها جامها را گذاشته اند تا از آن بنوشند.
- ۱۵- ﴿نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾: پشتیها و نازبالشها کنار هم گذاشته شده اند.
- ۱۶- ﴿زَرَائِبُ مَبْنُوتَةٌ﴾: در مجالس بهشتی ها فرشهای فاخر گسترده است.
- ۱۷- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾: آیا به دقت نمی اندیشند تا درک نمایند.
- ۲۲- ﴿بِمَصِطْرٍ﴾: مسلط و اجبار کننده.
- ۲۵- ﴿إِيَابَهُمْ﴾: بازگشت آنها، به روز رستاخیز.

سورة فجر

- ۱- ﴿وَالْفَجْرِ﴾: به سپیده دم قسم.
- ۲- ﴿لَيَالٍ عَشْرٍ﴾: به ده شب اول ذی الحجه قسم.
- ۳- ﴿وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾: به روز عید قربان و روز عرفه قسم.
- ۴- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَ﴾: قسم به شب چون سپری شود یا در آن راه سپرند.
- ۵- ﴿هَلْ فِي ذَلِكَ﴾: آیا در آنچه ذکر شد و ما به او قسم یاد کردیم.
- ۵- ﴿قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ﴾: سوگندی است سزاوار تعظیم در نزد خردمندان - آری، ما کافران را حتمی عذاب و شکنجه می کنیم، جواب قسم است.
- ۶- ﴿بِعَادٍ﴾: با قوم هود، به نام پدر یاد می شوند.
- ۷- ﴿إِرمَ﴾: ارم نام پدر کلان ایشان است این قبیله به این نام یاد می شوند.
- ۷- ﴿ذَاتِ الْعِمَادِ﴾: دارای نیرو و قدرت یا دارای کاخ های بلند و استوار به ستون ها.
- ۹- ﴿جَابُوا الصَّخْرَ﴾: سنگ را می بریدند و در آن خانه می ساختند.
- ۱۰- ﴿ذِي الْأَوْتَادِ﴾: صاحب سپاه بزرگ که سلطنت او را استوار می داشتند.
- ۱۳- ﴿سَوَّطَ عَذَابٍ﴾: تازیانه عذاب، درد آور و دایمی را.
- ۱۴- ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾: به یقین خدای تو مراقب اعمال آنها و پاداش دهنده است.
- ۱۵- ﴿أَبْتَلَهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را به نعمت و یا رنج بیازماید.
- ۱۶- ﴿فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ﴾: روزیش را کم کند.
- ۱۷- ﴿كَلَّا﴾: زجر و تهدید است برای انسان درباره آنچه در این دو حالت گفته است. ﴿بَلْ﴾: بلکه اعمال شما بدتر از آن است.
- ۱۸- ﴿لَا تَحْزُنُونَ﴾: یکدیگر را تشویق نمی کنید.
- ۱۹- ﴿تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ﴾: میراث زنان و کودکان را می خورید.
- ۱۹- ﴿أَكْثَلَا لَمَّا﴾: حلال و حرام را یکجا می خورید.
- ۲۰- ﴿حُبًّا جَمًّا﴾: حرص و آز از حد افزون.

- ۲۱- ﴿ذُكَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین با تکان‌های سخت کوبیده و ریز ریز شود.
- ۲۱- ﴿دَكَّاءَ دَكَّاءَ﴾: کوبیدن پیایی تا این که گرد و غبار گردد.
- ۲۲- ﴿وَالْمَلَكُ﴾: فرشته‌های آسمان‌ها.
- ۲۳- ﴿أَنِّي لَهُ الْذَكْرَى﴾: از کجا این پند برای او نفع رساند؟ خیلی بعید است.
- ۲۶- ﴿لَا يُوثِقُ﴾: به غل و زنجیر بسته نشود.

سوره بلد

- ۱- ﴿لَا أَقْسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.
- ۱- ﴿بِهَذَا الْبَلَدِ﴾: به این شهر.
- ۳- ﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدَ﴾: قسم به آدم و فرزندان او یا فرزندان صالح او.
- ۴- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ﴾: بدون شک انسان را آفریدیم، جواب قسم.
- ۴- ﴿كَبِدٍ﴾: مشقت و رنج کشیدن.
- ۶- ﴿أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾: من مال فراوانی را برای کسب افتخار و بزرگ منشی نابود کردم.
- ۱۰- ﴿هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾: راه خوب و بد را به او نشان دادیم.
- ۱۱- ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾: پس چرا در کار خیر تلاش نکرد.
- ۱۳- ﴿فَكَ رَقَبَةً﴾: آزاد کردن برده‌ای.
- ۱۴- ﴿ذِي مَسْغَبَةٍ﴾: قحطی و گرسنگی.
- ۱۵- ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾: یتیم خویشاوند.
- ۱۶- ﴿مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾: بینوای خاکنشین و نیازمند.
- ۱۷- ﴿بِالْمَرْحَمَةِ﴾: به مهربانی با یکدیگر.
- ۱۸- ﴿أَصْحَابُ الْمِيمَنَةِ﴾: اهل سعادت یا جانب راست.
- ۱۹- ﴿أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾: افراد شوم یا ناحیه چپ.

۲۰- ﴿نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾: آتشی که آنها را احاطه کرده و امکان فرار ندارند.

سورة شمس

- ۱- ﴿وَالشَّمْسُ﴾: به آفتاب قسم.
- ۱- ﴿وَضَحَلَهَا﴾: به روشنائی آن قسم.
- ۲- ﴿تَلَّهَا﴾: بعد از غروب آفتاب ماه پرتو افشاند.
- ۳- ﴿جَلَّلَهَا﴾: آفتاب را بر بینندگان آشکار کند.
- ۴- ﴿يَغْشَاهَا﴾: هنگام غروب، آفتاب را پنهان کند و کرانه‌های آسمان تاریک گردد.
- ۵- ﴿مَا بَنَلَهَا﴾: خدای که آسمان را آفرید.
- ۶- ﴿مَا طَحَنَهَا﴾: ذاتی که زمین را گسترد و نرم و هموار ساخت.
- ۷- ﴿مَا سَوَّاهَا﴾: ذاتی که اعضای وی را متناسب ساخت و نیرو بخشید.
- ۸- ﴿فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾: سرکشی، طاعت و خیر و شر او را.
- ۹- ﴿قَدْ أَفْلَحَ﴾: به خواسته‌اش دست یافت و رستگار شد، جواب قسم است.
- ۹- ﴿مَنْ رُكِّنَهَا﴾: کسی که نفس را تزکیه کرد و به پرهیزگاری افزود.
- ۱۰- ﴿قَدْ حَابَ﴾: زیانمند شد.
- ۱۱- ﴿يَطْعُونَهَا﴾: به سبب گمراهی و بیدادگری‌های خود.
- ۱۲- ﴿أَتَّبَعَتْ أَشْقَاهَا﴾: شقی‌ترین آنها به سرعت بر خاست که پی شتر را ببرد.
- ۱۳- ﴿نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾: از بریدن پی شتر و دست درازی به سهم آب آن برحذر باشید.
- ۱۴- ﴿قَدِمْدَمَ عَلَيْهِمْ﴾: نابودشان ساخت و همه را دچار عذاب کرد.
- ۱۴- ﴿فَسَوَّاهَا﴾: همه را یکسان هلاک کرد.
- ۱۵- ﴿عُقْبَاهَا﴾: از فرجام این مجازات.

سوره لیل

- ۱- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ﴾: قسم به شب وقتی که همه جا تاریک شود.
- ۲- ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَافَىٰ﴾: قسم به روز چون روشن شود.
- ۴- ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ﴾: بدون شک جزای اعمال شما مختلف است، جواب قسم.
- ۶- ﴿صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ﴾: به آیین برتر باور داشت، اسلام.
- ۷- ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ﴾: پس به زودی راهنمایی و آماده‌اش می‌کنیم.
- ۷- ﴿لِلْيُسْرَىٰ﴾: به خوی و عادتی که باعث سهولت و راحت است.
- ۱۰- ﴿لِلْعُسْرَىٰ﴾: به خوی و خصلتی که موجب سختی و دشواری است.
- ۱۱- ﴿مَا يُغْنِي﴾: عذاب را از او دفع نخواهد کرد.
- ۱۱- ﴿تَرَدَّىٰ﴾: هلاک شود یا در دوزخ سقوط کند.
- ۱۲- ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾: به یقین راهنمایی بر عهده ماست.
- ۱۴- ﴿نَارًا تَلَطَّىٰ﴾: آتشی که شعله‌ور و افروخته می‌گردد.
- ۱۵- ﴿لَا يَصْلَاهَا﴾: به آن داخل نمی‌شود یا محنت گرمای او را نمی‌کشد.
- ۱۷- ﴿سَيُجَنَّبُهَا﴾: به زودی از آن دور داشته می‌شود.
- ۱۸- ﴿يَتَزَكَّىٰ﴾: به واسطه آن از گناه پاک شود.
- ۱۹- ﴿مُجْزَىٰ﴾: به او پاداش داده شود، در باره ابوبکر صدیق نازل شده است.

سوره ضحیٰ

- ۱- ﴿وَالضُّحَىٰ﴾: قسم به وقت ارتفاع آفتاب.
- ۲- ﴿سَجَىٰ﴾: آرامش یابد یا بسیار تاریک شود.
- ۳- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾: پروردگارت از وقتی تو را برگزیده ترک کرده جواب قسم

است.

- ۳- ﴿مَا قَالِی﴾: از زمانی که تو را دوست داشته بر تو خشمگین نشده است.
- ۶- ﴿أَلَمْ یَجِدْکَ﴾: آیا خدایت از تو آگاه نبود، بدون شک بود.
- ۶- ﴿یَتِیمًا﴾: پدرت قبل از به دنیا آمدنت از جهان رفته بود.
- ۶- ﴿فَتَأَوٰی﴾: و تو را به کسی ملحق کرد که نگهبان و سرپرست باشد.
- ۷- ﴿ضَالًّا﴾: ناآگاه از احکام شرع.
- ۷- ﴿فَهَدٰی﴾: به تو وحی فرستاد و به راه روشن هدایت کرد.
- ۸- ﴿عَآیِلًا﴾: فقیر و تنگدست.
- ۸- ﴿فَأَغْنٰی﴾: با آنچه برایت بخشید خوشنودت کرد.
- ۹- ﴿فَلَا تَقْهَرْ﴾: مال یتیم را تصاحب و تحقیرش نکن.
- ۱۰- ﴿فَلَا تَنْهَرْ﴾: سائل را زجر و طرد نکن با او مهربان باش.

سوره شرح

- ۱- ﴿أَلَمْ نُنْشِْکَ﴾: آیا برای حکمت و نبوت فراخ نساختیم- به یقین ساختیم.
- ۲- ﴿وَضَعْنَا عَنْکَ﴾: بر تو سبک و آسان کردیم.
- ۲- ﴿وَزُرْکَ﴾: بارت را، بار سنگین رسالت.
- ۳- ﴿الَّذِیْ أَنْقَضَ ظَهْرَکَ﴾: باری که بر دوشست سنگینی می کرد.
- ۷- ﴿فَإِذَا فَرَعْتَ﴾: پس هنگامی که از عبادتی فارغ شدی.
- ۷- ﴿فَأَنْصَبْ﴾: به عبادت دیگری بکوش.
- ۸- ﴿فَارْغَبْ﴾: در همه احوال متوجه خدا باش.

سوره تین

- ۱- ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾: قسم به سرزمین مبارکی که انجیر و زیتون در آنجا می‌روید.
- ۲- ﴿طُورِ سِينِينَ﴾: قسم به طور سینا، کوه محل مناجات موسی.
- ۳- ﴿الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾: مکه مکرمه.
- ۴- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا﴾: به یقین انسان را آفریدیم، جواب قسم است به چهار چیز قبلی.
- ۵- ﴿أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾: اعتدال کامل و صورت زیبا.
- ۵- ﴿رَدَدْنَاهُ﴾: کافران یا انسان را بازگردانیدیم.
- ۵- ﴿أَسْفَلَ سَفِلِينَ﴾: به دوزخ یا نهایت سالخوردگی و پست‌ترین دوران عمر.
- ۶- ﴿غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.
- ۷- ﴿بِالَّذِينَ﴾: به روز جزاء بعد از رستاخیز و حساب.

سوره علق

- ۲- ﴿عَلَقَ﴾: خون بسته، منی به این حالت تحوّل یافته است.
- ۴- ﴿عَلَّمَ﴾: به انسان نوشتن با قلم را آموخت.
- ۶- ﴿كَلَّآ﴾: در حقیقت.
- ۶- ﴿لِيُطْفِئَ﴾: به یقین در نافرمانی از حد تجاوز می‌کند.
- ۸- ﴿الرُّجْعَى﴾: بازگشت در آخرت برای جزاء.
- ۹- ﴿أَرَعَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۱۵- ﴿لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾: از موی پیشانی او گرفته به دوزخ می‌کشانیم.
- ۱۷- ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾: اهل مجلس، قوم و قبیله خود را صدا بزنند.
- ۱۸- ﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾: ما هم ملائکه عذاب را می‌خواهیم تا او را به دوزخ بکشند.

سوره قدر

- ۱- ﴿أَنْزَلْنَاهُ﴾: نزول قرآن کریم را آغاز کردیم.
- ۱- ﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ﴾: شب پر شرف و با عظمت.
- ۴- ﴿الرُّوح﴾: جبریل.
- ۴- ﴿مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾: برای هر امری از خیر و برکت.
- ۵- ﴿سَلَامٌ هِيَ﴾: شبی است سرتاسر سلامت برای اولیای خدا و اهل طاعت.

سوره بَيِّنَة

- ۱- ﴿مُنْفَكِينَ﴾: آیین خود را ترک نمی کنند.
- ۱- ﴿تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾: دلیل روشن برای آنها بیاید مرادشان رسول خداست.
- ۲- ﴿صُحُفًا﴾: صحیفه‌های که قرآن نوشته است.
- ۲- ﴿مُطَهَّرَةً﴾: منزّه از باطل و شک و تردید.
- ۳- ﴿فِيهَا كُتُبٌ﴾: در آن آیات و احکام نوشته است.
- ۳- ﴿قَيِّمَةً﴾: راست، درست و محکم.
- ۴- ﴿مَا تَفَرَّقَ﴾: اهل کتاب به مؤمن و کافر متفرق نشدند [بلکه همه یکسان پیامبر آخر زمان را تکذیب کردند].
- ۴- ﴿جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾: دلیل آشکار برای هدایت آنها آمد و سزاوار بود که متفرق نشوند.
- ۵- ﴿الَّذِينَ﴾: عبادت را.
- ۵- ﴿خَفَاءَ﴾: از باطل دور و به اسلام مایل باشند.
- ۵- ﴿دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾: دین راست و درست یا کتاب‌های که حق را از باطل جدا می کنند.
- ۶- ﴿الْبَرِيَّةِ﴾: مخلوقات یا بنی آدم.

سوره زلزله

- ۱- ﴿زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ﴾: زمین هنگام نفخه اول به شدت و پیاپی تکان داده شود.
- ۲- ﴿أُثْقِلَهَا﴾: گنج‌ها و مرده‌های بطن خود را در نفخه دوم.
- ۴- ﴿تُخْبِثُ أَخْبَارَهَا﴾: هر چه بر روی آن انجام شده بیان نماید.
- ۶- ﴿يَصْدُرُ النَّاسُ﴾: انسان از قبرها بیرون و به سوی محشر روان می‌شود.
- ۶- ﴿أَشْتَاتًا﴾: پراکنده مطابق احوال خود.
- ۷- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا ذره.

سوره عادیات

- ۱- ﴿وَالْعَادِيَاتِ﴾: به اسب‌های دونده در عرصه کارزار قسم.
- ۱- ﴿صَبَحًا﴾: صدای نفس اسب‌هاست هنگام دویدن.
- ۲- ﴿فَالْمُورِيَّتِ قَدَحًا﴾: از برخورد تند سم اسب‌ها با سنگ‌ها جرقه آتش می‌جهد.
- ۳- ﴿فَالْمُغِيرَتِ صُبْحًا﴾: و غافلگیر کنندگان دشمن هنگام صبح.
- ۴- ﴿فَأَثَرُنَ بِهِ نَقْعًا﴾: هنگام صبح گرد و غبار برانگیختند.
- ۵- ﴿فَوْسَطَنَ بِهِ جَمْعًا﴾: در آن هنگام در قلب دشمن یورش بردند.
- ۶- ﴿الْإِنْسَنَ﴾: سرشت انسان مگر آن‌های که مورد رحمت خدا باشند، جواب قسم است.
- ۶- ﴿لَكَنُودَ﴾: ناسپاس و منکر حق است.
- ۸- ﴿إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ﴾: همانا انسان در مال دوستی.
- ۸- ﴿لَشَدِيدٌ﴾: برای بدست آوردن آن خیلی کوشا و حریص است.
- ۹- ﴿بُعْثَرٌ﴾: بیرون آورده و پراکنده شود.
- ۱۰- ﴿حُصِّلَ﴾: فاش شود یا متمایز گردد.

سوره قارعه

- ۱- ﴿الْقَارِعَةُ﴾: قیامت که با صحنه‌های هول انگیزش دلها را می‌کوبد.
- ۴- ﴿كَالْفَرَّاشِ﴾: مانند پروانه.
- ۴- ﴿الْمَبْثُوثِ﴾: پراکنده.
- ۵- ﴿كَالْعِهْنِ﴾: مانند پشم رنگارنگ.
- ۵- ﴿الْمَنْفُوشِ﴾: پراکنده شده با انگشت و مانند آن.
- ۶- ﴿ثُقُلْتُ مَوَازِينُهُ﴾: مقدار حسنات وی رجحان یابد.
- ۸- ﴿حَقَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: اندازه کارهای زشتش رجحان یابد.
- ۹- ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾: جای او جهنم است که در آن سقوط می‌کند.
- ۱۰- ﴿مَا هِيَ﴾: او چیست، «ه» برای سخته است

سوره تکاثر

- ۱- ﴿الْهَلْكُمْ﴾: شما را از خدا غافل کرده است.
- ۱- ﴿التَّكَاثُرُ﴾: افتخار به کثرت اموال دنیا.
- ۲- ﴿زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾: مردید و به قبر دفن شدید.
- ۵- ﴿لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾: اگر از عاقبت خود به یقین آگاه می‌بودید مباهات به مال دنیا شما را از خدا غافل نمی‌کرد.
- ۶- ﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾: قطعاً شما جهنم را می‌بینید.
- ۷- ﴿عَيْنَ الْيَقِينِ﴾: به مشاهده چشم.
- ۸- ﴿التَّعِيمِ﴾: نعمت‌های که شما را از طاعت خدا غافل کرد.

سوره عصر

- ۱- ﴿وَالْعَصْرِ﴾: قسم به زمان یا عصر نبوت.
- ۲- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ﴾: جنس انسان، جواب قسم است.
- ۲- ﴿لَفِي خُسْرٍ﴾: در خسران، نقصان و نابودی است.
- ۳- ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾: یکدیگر را به خیر عملی و اعتقادی وصیت کرده‌اند.
- ۳- ﴿تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾: یکدیگر را به خودداری از گناه و شکیبایی در برابر سختیها توصیه کرده‌اند.

سوره هُمَزَه

- ۱- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادی است در جهنم.
- ۱- ﴿هُمَزَةٌ لُّمَزَةٌ﴾: بد زبان، غیبت گو و عیبجو.
- ۲- ﴿عَدَدُهُ﴾: او را شمار کرده یا برای حوادث و پیش آمدهای بد مهیا کرده است.
- ۳- ﴿أَخْلَدُهُ﴾: مالش او را در دنیا جاودان می‌کند.
- ۴- ﴿لَيُثْبَدَنَّ﴾: حتماً انداخته می‌شود.
- ۴- ﴿فِي الْخُطْمَةِ﴾: در جهنم، برای این که هر چه در او پرتاب شود خرد می‌کند.
- ۷- ﴿تَطْلُعُ عَلَى الْأَفْعِدَةِ﴾: گرمای آن در قلبها نفوذ می‌کند.
- ۸- ﴿مُؤَصَّدَةٌ﴾: سرپوشیده و در بسته است.

سوره فیل

- ۱- ﴿بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾: به صاحبان فیل این قصه به سال اول ولادت پیامبر خدا واقع شده است.
- ۲- ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ﴾: آیا تلاش ایشان برای تخریب کعبه را قرار نداد.
- ۲- ﴿تَضَلِيلٍ﴾: تباهی و بیهودگی.

- ۳- ﴿طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾: پرندگان ابابل را دسته دسته و پی در پی.
- ۴- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل پخته مانند سنگ، خشت پخته.
- ۵- ﴿كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾: مانند کاه که چارپا بخورد و سرگین افگند.

سورة قُرَيْشٍ

- ۱- ﴿لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ﴾: شگفت نمایید به انس و الفت دادن قریش به سفرهای زمستانی و تابستانی و سرپیچی آنها از عبادت پروردگار کعبه.

سورة مَاعُونٍ

- ۱- ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي﴾: مرا آگاه کن کسی که تکذیب می کند کیست؟
- ۱- ﴿يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ﴾: از رستاخیز منکر است جزای اعمال را تکذیب می کند.
- ۲- ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾: حق یتیم را به شدت پا مال می کند.
- ۳- ﴿لَا يَحْضُ﴾: کسی را تشویق نمی کند.
- ۴- ﴿فَوَيْلٌ﴾: عذاب یا نابودی یا وادی است در جهنم.
- ۴- ﴿لِّلْمُصَلِّينَ﴾: برای نماز گزارانی که به منافقت یا ریا نماز می خوانند.
- ۵- ﴿سَاهُونَ﴾: غافلند و به آن اهمیت نمی دهند.
- ۶- ﴿يُرْءَوْنَ﴾: اعمال خویش را به قصد ریا انجام می دهند.
- ۷- ﴿يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾: از بخیلی اشیای کار آمد معمولی را به همدیگر عاریت نمی دهند.

سورة كَوْثَرٍ

- ۱- ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾: ما برای تو نهری در جنت یا خیر فراوان دادیم.

- ۲- ﴿أَنْحَرُ﴾: برای عبادت و شکر گزاری از او تعالی، قربانی کن.
- ۳- ﴿شَانِئَكَ﴾: دشمن تو، یکی از مشرکین قریش.
- ۳- ﴿هُوَ الْأَبْتَرُ﴾: اوست بی اثر یا بی خیر.

سورة کَافِرُونَ

- ۶- ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ﴾: شرک و کفرتان یا جزای آن برای خودتان.
- ۶- ﴿وَلِي دِينِ﴾: اخلاص و یکتاپرستی من برای خودم یا جزای آن.

سورة نَصْر

- ۱- ﴿جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ﴾: نصرت الهی در برابر دشمنان به تو رسد.
- ۱- ﴿الْفَتْحِ﴾: فتح مکه در سال هشتم هجری.
- ۲- ﴿أَفْوَاجًا﴾: گروه گروه.
- ۳- ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را ثنا و ستایش نما و او را پاک و منزّه بدان.
- ۳- ﴿كَانَ تَوَّابًا﴾: خدا همواره توبه بندگان خویش را می پذیرد.

سورة مَسَد

- ۱- ﴿تَبَّتْ﴾: هلاک باد یا زیانمند باد.
- ۱- ﴿تَبَّتْ﴾: هلاک شد یا زیانمند گردید.
- ۲- ﴿مَا أَغْنَى عَنْهُ﴾: از او دفاع نکرد.
- ۲- ﴿مَا كَسَبَ﴾: آنچه بدست آورده بود.
- ۳- ﴿سَيَصْلَى نَارًا﴾: به زودی در دوزخ داخل می شود یا سختی آن را می کشد.

۵- ﴿فِي جِيدِهَا﴾: در گردن او.

۵- ﴿مِّن مَّسَدٍ﴾: از پوست درخت خرما ریسمانی که سخت بافته شود.

سورةِ اِخْلَاص

- ۲- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾: خدا بی نیاز است، ذاتی که همگان حاجت خود را از او می خواهند.
- ۴- ﴿كُفُوا﴾: همتا، مانند و نظیر.

سورةِ فَلَق

- ۱- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می گیرم.
- ۱- ﴿يَرْبِّ الْفَلَقِ﴾: به پروردگار صبح یا همه مخلوقات.
- ۳- ﴿شَرِّ غَاسِقٍ﴾: شر شب.
- ۳- ﴿وَقَبْ﴾: تاریکی او در همه جا برسد.
- ۴- ﴿الْفَقْتُ فِي الْعُقَدِ﴾: زنان جادوگری که هنگام جادوگری در گره تار می دمند.

سورةِ نَاس

- ۱- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می برم.
- ۱- ﴿يَرْبِّ النَّاسِ﴾: به پروردگار مردم و مدبر حال آنها.
- ۲- ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾: فرمان روای کامل مردم.
- ۳- ﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾: معبود حقیقی و ثابت انسان.
- ۴- ﴿الْوَسْوَاسِ﴾: وسوسه کننده جن باشد یا انسان.
- ۴- ﴿الْخَنَّاسِ﴾: پنهان شونده.
- ۶- ﴿الْجِنَّةِ﴾: جن.

منابع مورد استفاده مترجم

- ١- أحكام القرآن جصاص، جصاص احمد بن على.
- ٢- أيسر التفاسير، أبو بكر الجزائري، سعودى، چاپ سوم، سال ١٤١٨ هـ.
- ٣- برنامہ التفسير وعلوم القرآن.
- ٤- برنامہ المكتبة الشاملة.
- ٥- برنامہ مكتبة طالب العلم الشرعي ٨٠٠ مجلد كتاب.
- ٦- برنامہ مكتبة الألفية.
- ٧- برنامہ نرم افزار تفاسير قرآن جامع
- ٨- برنامہ نور جامع التفاسير ٢/١، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
- ٩- التبيان في إعراب القرآن، ابو البقاء عكبرى، متوفى ٦١٦ هـ.
- ١٠- ترجمه صفوة التفاسير، محمد على صابونى، نشر احسان، تهران، ١٣٨٣.
- ١١- ترجمه قرآن كريم نوشته شاه ولي الله دهلوى.
- ١٢- تفسير ابن كثير، ابن كثير دمشقى ٧٠١-٧٧٤ هـ بيروت، سال ١٤٠١.
- ١٣- تفسير انوار القرآن، استاد عبد الروف مخلص، احمد جام، چاپ اول ١٣٨١.
- ١٤- تفسير جلالين، محلى جلال الدين و جلال الدين سيوطى.
- ١٥- تفسير حسينى، ملا حسين كاشفى سبزوارى.
- ١٦- تفسير روح المعانى، شهاب الدين آلوسى، بيروت، سال چاپ، ١٤١٥ هـ.ق.
- ١٧- تفسير فتح القدير، شوكانى، متوفى ١٢٥٠ هـ.
- ١٨- تفسير كشاف، جار الله زمخشرى ٤٦٧ - ٥٣٨ هـ، بيروت، سال ١٤٠٧ هـ.
- ١٩- تفسير نور، دكتور مصطفى خرم دل، تولد ١٣١٥، ناشر نشر احسان.
- ٢٠- جامع البيان في تأويل آي القرآن، طبرى، ٢٢٤-٣١٠ هـ، بيروت، سال ١٤٠٥.

- ۲۱- الجامع لأحكام القرآن، محمد پسر احمد قرطبی متوفای سال ۶۷۱ هـ.
- ۲۲- در المنثور، جلال الدین سیوطی ۸۴۹ - ۹۱۱ هـ، مصر، ۱۴۲۴ هـ. ق.
- ۲۳- صفوة البیان لمعانى القرآن، حسنین محمد مخلوف، ۱۳۰۷ - ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۲۴- فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی به فارسی، نجفعلی میرزایی، قم، ۱۳۷۹.
- ۲۵- فرهنگ الرائد عربی به فارسی، جبران مسعود، آستان قدس، سال ۱۳۷۶.
- ۲۶- فرهنگ فارسی عمید، سه جلدی حسن عمید، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۳.
- ۲۷- فرهنگ لاروس عربی به فارسی، دکتر خلیل جر، مترجم طیبیان، ۱۳۷۹.
- ۲۸- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، سال ۱۳۷۵.
- ۲۹- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، هشتم، تهران، سال ۱۳۷۸ هـ. ش.
- ۳۰- لغت نامه فارسی، علامه دهخدا.
- ۳۱- مفردات در غریب قرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، وفات ۴۲۵ ق.